ابن

باسمه تعالی

فهرستبرگه منابع چاپ سنگی - اداره مخطوطات

شماره ثبت: ۱۴۲۹۶

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۲ ن۸ت ۱۳۲۷

سرشناسه: نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۲۵۴-۱۳۲۰ق.

عنوان قراردادی:

عنوان: تحیة الزائر وبلغة المجاور

کاتب: احمد بن محمد خوارجربی. تاریخ کتابت:

محل نشر: تهران ناشر: مطبعه سید مرتضی تاریخ نشر: ۱۳۲۷ق

صفحه شمار: ۴۳۱ ص مصور☐ درسی☐ گراور یا افست☐

زبان: فارسی ابعاد: ۲۱x۱۴ نوع خط: نسخ

روش تهیه: وقفی☐ اهدایی☑ خریداری☐ ارسالی☐


توضیحات: عبدالعلی رئیس المحدثین تاریخ ثبت: اسفند ۱۳۶۵

یادداشتها:
مفهرس به فهرست مطالب و دارای دیباچه است.

موضوع(ها): ۱. دعاها. ۲. زیارتنامه‌ها. ۳. زیارت - آداب و رسوم.

شناسه(های) افزوده: الف. خوارجربی، احمد، کاتب. ب. رئیس المحدثین، عبدالعلی، اهداکننده. ج. عنوان.

فهرستگار: سلیمانی تاریخ فهرستگاری: [illegible]



در درس آقای حیدری (نسخه ۱)

ع

۷۹

۱۳۴۱



نفس

ثانی کتابی که این

کتاب مستطاب جنة الرائق

و لغة الجاد آخرین کتابیست

از تصنیفات فائقه البیان رائقه حضرت

مستطاب شیخنا الاعظم و عمادنا الاقوم صفوة المتقدمین

والمتأخرین و زبدة الفقهاء المجتهدین و ثقة المحققین والمحدثین

بحر الفضل الهاطل و بحر العلم الذی لیس له ساحل منهج

ثقة الاخبار و محیی ما اندرس من الآثار علامة دهره و فرید عصره

شیخنا و مولانا **الحاج میرزا حسین النوری** الطبرسی انار

الله برهانه که اواخر ایام مسعود حیاتش را بتالیف این مجموعه مبارکه مصروف داشته

تا خطاب مستطاب (یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک) را اجابت لبیک

گفتند **ولادت آنجناب بموجب آنچه در خاتمه کتاب مستدرک**

الوسائل در ترجمه حال خود مرقوم فرموده اند در هیجدهم شوال مطابق سنه ۱۲۵۴ و مصیبت

عظیمه رحلتش در لیله چهارشنبه بیست و هفتم شهر جمادی الاخره سنه ۱۳۲۰

تقریبا یکساعت از شب گذشته اتفاق افتاد و آن خزینه علوم آل محمد علیهم

السلام در کنج گرانبهای تغییر و آثار در مشهد غروی در جوار حضرت امیر

المؤمنین صلوات الله علیه در ایوان سیم از ایوانهای شرقی باب القبله

مدفون گردید بنابراین مدت عمر گرامیش شصت و پنج سال و هفت ماه و دو روز

و هریک از مصنفات مبارکش منطبع و منتشر در اقطار است جزاه الله

عن الاسلام و اهله خیرا و رفع رتبته فی الدارین ذکرا و قد

وقع الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی شهر

شعبان المعظم علی ید تراب اقدام المحصلین والمشتغلین

بالعلوم الدینیة ... محمد ...

کتاب تحیة الزائر وبلغة المجاور مشتمل است بر یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه

فهرست ملحقات
کتاب مستطاب

تمت
والحمد لله
اولا و آخرا و ظاهرا
و باطنا
۱۳۲۷

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة
علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وبعد چون بهترین
زاد برای سفر هولناک معاد ومحکم ترین
وسیله بجهت سلامتی ونجات از ورطه
عظیمه ومنزل مخوف مرصاد پس از
تکمیل معارف وادای فرائض الهیه و
ترک محرمات خیر مستمر وصدقه جاریه
است که پیوسته مثوبات آن بصاحبش
خواهد رسید وعاصی تباه کار را
از شدائد سکرات وعقوبات برزخ
وهولهای عقبات قیامت خواهد
رهانید واز این جهت ائمه طاهرین
صلوات الله علیهم اجمعین ترغیب
وتحریص بسیار در تحصیل آن فرموده اند بلکه جابر بن یزید
جعفی میگوید شنیدم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

که میفرمود چگونه قوم رغبت نمیکنند در آنکه عمل خیر کنند
وحال آنکه علی علیه السلام چنان بود با اینکه بنده خداوند بود
که بهشت را برایش واجب کرده بود عقار
ومستغلاتی را برای خداوند تعالی معین کرده
پس از آن صدقه مستمره قرار داد که جاری
شود بعد از او برای فقراء وعرض کرد بار
خدایا من این را چنین قرار دادم که بر
گردانی آتش را از روی من وبرگردانی روی
مرا از آتش وحضرت صادق ع
فرمود مرد را پس از مردن اجری وثوابی نرسد
از پی جز سه خصلت یعنی از این سه راه
که از او در ایام حیوتش جاری کرده
بنحوی که پس از مردنش برقرار وجاریست
وفرزند صالحی که برایش دعا کند وسنت حسنه که آنرا
مقرر کرده وباز عمل میشود پس از مردنش واز این قسم اخبار

بسیار است و بر هر هوشمند بصیری پوشیده نیست که بزرگی و زیادی اجر و ثواب این قسم صدقات بر حسب بزرگی و کثرت و تفاوت درجات منافع صدقات جاریه است مثلاً کسی درختی در کنار راه مسلمانان در بیابان که از بلدی ببلدی میروند میکارد برای آنکه عابرین در وقت مرور از آنجا هنگام شدت گرما در زیر سایه آن ساعتی آسوده و مستریح شوند و بی کلفت بلوازم زندگی خود از خوردن و آشامیدن و خوابیدن برسند و بروند دیگری کاروانسرائی در منازل آن راه میسازد خصوص منزلیکه سایه و عمارتی ندارد و این صدقه مستمره در هر هفته و ماه هزارها جان و مال و عرض مسلمانان را حفظ و حراست میکند

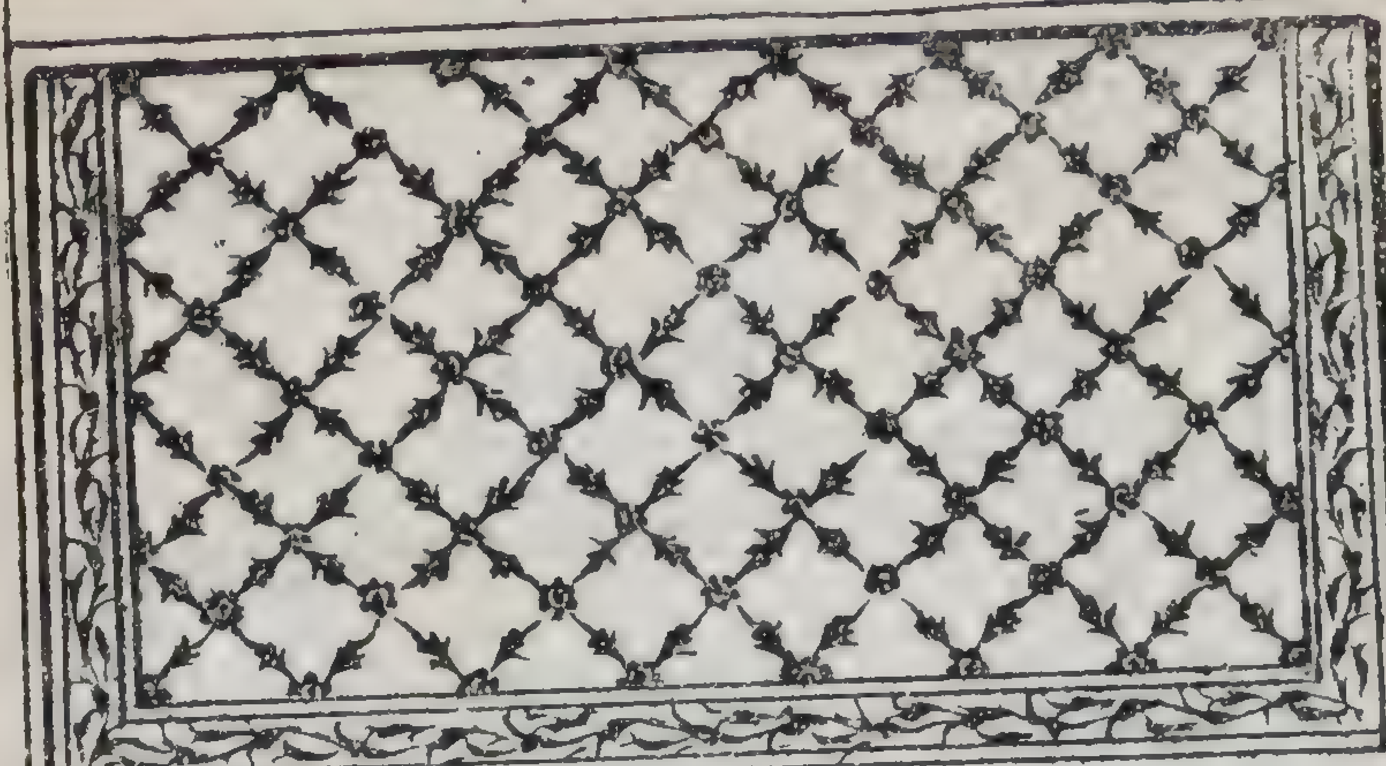
دیگری مدرسه و مسجدی در چنان محل بنا میکند و از آن بنا و صدقه جاریه هزار نفع دینی از علم و عمل بلکه دنیوی نیز بهرد و ذباخوان مؤمنین میرساند و هکذا و تفاوت درجات منافع این صدقات بحسب بزرگی اجر و ثواب واضح است چنانچه مخفی نیست که آنچه از آنها دارای نفع دینی عمومی است مقامش شریفتر و درجه اش در رفعت و ثوابش بیشتر است پس مؤمن زیرک در کارهای دینیه با قدرت بر چنگ زدن بدامان این قسم از اعمال خیریه هرگز دست از او نخواهد کشید لهذا بعضی از اهل خیر و سداد در این مقام برآمد که از آن در قم زاد و توشه بردارد از این احقر خدمه آثار اهل بیت علیهم السلام حسین بن محمد تقی نوری طبرسی حشرهما الله تعالی مع موالیه خواهش نمود رساله که در آن نفع دینی باشد برای

کافه مجاوران و زائران بقاع مطهره ائمه عراق صلوات الله علیهم
و عالم و عامی و مرد و زن و وضیع و شریف همه ازان بهره مند شوند
و در اثناء لیل و نهار بفیوضات غیر متناهیه
برسند تالیف نمود تا اثر این پور طبع را ورند و در
از قبات عالیه عموم اخوان مؤمنین را ببهترین
موائد پیوسته ضیافت نمود و از انچه باعث
رسد از اجر و ثواب بی حساب در حیوة و ممات
حظی وافر و سهمی متکاثر برده باشد چون
نیت مومی الیه خالص و حاجتش از جمله نجح
و در قضای ان امید صادق و رجا و اثق بود
در شرکت دران مثوبات جلیله لهذا
اجابت نموده و این مجموعه لطیفه و رساله
شریفه را تالیف کرده و نام انرا تحفة
الزایر و بلغة المجاور گذاشتم و مقصود اصلی در این
رساله ذکر زیارات مخصوصه حضرت سید الشهدا ابی عبد الله

الحسین علیه السلام است تا بیان اعتبار و ماثور بودن انها از ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم زیرا که علامه مجلسی رحمه الله انها را
در کتاب تحفة الزائر نقل نکرده بلکه فرموده
مظنون انستکه از تالیف علما باشد و در
جائی فرموده چون علما انها را نسبت بروایت
نداده اند لهذا ذکر نکردم و در موضع دیگر
گفته از برای این ایام زیارت منقوله
نیافتم و ازین جهت این زیارات را از درجه
اعتبار ساقط نمودند و غالب اهل علم
دران ایام مخصوصه اهتمامی در خواندن ان
زیارات ندارند لهذا بخاطر رسید که
اگر فقرات اعتبار انها ذکر شود و ان زیارات
در عدد زیارات معتبره محسوب گردد
خدمتی است شایسته بکافه اهل علم و چون بنا بر ذکر انها شد
مناسب دیدم ذکر زیارات مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه

السلام چون در اینجا نیز بعضی فواید نافعه است که کتب علما مذکور
از آن خالیست چه رسد بدیگران و بجهت محتاج نبودن زوار
این مجموعهٔ شریفه بکتاب دیگر بجهت هر امام
از ائمهٔ عراق صلوات الله علیهم زیارت
مطلقه که بنظر اتقن زیارات است ذکر خواهد
شد و نیز اذن دخول عمومی و جامعه و وداع
ملحق خواهد شد با زیارتی از برای امامزادگان
عظیم الشان و فواید مختصرهٔ نافعه پس تمام
آنچه در این اوراق ثبت میشود از این قرار است
اذن دخول در همهٔ حرمهای مشرفه
زیارت حضرت امیرالمؤمنین ع زیارت غدیر
زیارت مولود در هفدهم ربیع الاول
زیارت مبعث در بیست هفتم رجب زیارت مطلقه آنحضرت
و بعضی متفرقات زیارات مخصوصه حضرت ابی عبدالله الحسین ع
زیارت اول رجب زیارت نیمه رجب زیارت نیمه شعبان

زیارت لیالی قدر زیارت عید فطر و عید اضحی
زیارت عرفه زیارت عاشورا زیارت اربعین
زیارت مطلقه آنحضرت زیارت
جناب عباس علیه السلام
زیارت کاظمین علیهما السلام و بعضی
ملحقات آن زیارت عسکریین ع
زیارت امام عصر صلوات الله علیه
زیارت حکیمه خاتون ع زیارت نرجس خاتون ع
زیارت جامعه کبیره زیارت جامعه صغیره
دعائی که باید بعد از زیارت در حرمهای
منوره خواند نماز جعفر
طیار در حرمهای مطهره زیارت
اولاد ائمه علیهم السلام
بعضی از متفرقات مهمهٔ نافعه و تمام اینها
در ضمن یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه ذکر میشود



مُقَدَّمَة

در ذکر اذن دخول　عالم جلیل شیخ ابرهیم کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین و در کتاب جنة الواقیه که معروفست بمصباح کفعمی این اذن دخول را برای همه مشاهد مشرفه نقل کرده　و در ثانی گفته چون خواستی داخل شوی بر پیغمبر صلی الله علیه و اله یعنی در مسجد معظم آنحضرت یا در یکی از مشاهد ائمه علیهم السّلام بگو

اَللّٰهُمَّ اِنّي وَقَفْتُ عَلٰى بابِ بَيْتٍ مِنْ اَبْوابِ بُيُوتِ نَبِيِّكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ اَنْ يَدْخُلُوا بُيُوتَهُ اِلّا بِاِذْنِهِ　فَقُلْتَ يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّريفِ في غَيْبَتِهِ كَما اَعْتَقِدُها في حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفائَكَ صَلَواتُكَ

علیهم احیاء عندک یرزقون یرون مقامی ویسمعون
کلامی ویردون سلامی وانک حجبت عن سمعی
کلامهم وفتحت باب فهمی بلذیذ مناجاتهم وانی
استأذنک یا رب اولا واستأذن رسولک صلواتک
علیه وآله ثانیا واستأذن خلیفتک الامام
المفروض علی طاعته فلان بن فلان

بجای فلان بن فلان نام آن امامیکه میخواهد داخل بشود در حرمش
ونام پدرش ببرد چنین بگوید

والملائکة الموکلین بهذه البقعة المبارکة ثالثا ءادخل
یا رسول الله ءادخل یا حجة الله ءادخل یا ملائکة الله
المقربین المقیمین فی هذا المشهد فأذن لی یا مولای
فی الدخول افضل ما اذنت لاحد من اولیائک فان لم اکن اهلا
لذلک فانت اهل له پس عتبه بوس وداخل شو وبگو بسم الله وبالله وفی
سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم
اغفر لی وارحمنی وتب علی انک انت التواب الرحیم (مؤلف گوید)
شیخ مفید و محمد بن المشهدی و سید علی بن طاوس و شهید

رحمهم الله در اینمقام اذن دخولی نقل کرده اند قریب بانچه
نقل نمودیم ولکن اختلاف بسیاری دارند و چون این نسخه شایع بود
محض نشر آن در اینجا آنرا اختیار نمودیم

فصل اول

در زیارات مخصوصه ومطلقه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
ودر آن سه مقام است

مقام اول

در مخصوصه وآن سه زیارت است اول زیارت روز
غدیر بدانکه علامه مجلسی در کتاب بحار و کتاب تحفة الزائر سه
زیارت برای این روز نقل کرده (اول) زیارت امین الله که
از زیارات معتبره جامعه معروفه است ودر زیارات مطلقه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز ذکر شده دوم
زیارتی طولانی که در اینجا ذکر میشود انشاء الله تعالی ودر تهجد چنین
فرموده سیم زیارتیست که شیخ مفید و شیخ شهید علیهما
الرحمه وغیر ایشان روایت کرده اند که حضرت امام حسن عسکری

علیه السلام در سالی که معتصم علیه اللعنة آن حضرت را طلبید
بود در روز غدیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را با این لفظ زیارت
کردند آنگاه مختصری از آداب و اصل زیارت را نقل نمودند و در بحار نیز
چنین کرده جز آنکه در آخر زیارت پاره از مشکلاتش را توضیح نموده
و شروع در مطلب دیگر کردند و ما قبل از ذکر زیارت ناچاریم از ذکر

چند فائده — اوّل — آنکه نسبت این

زیارت بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام در کتاب تحفه
از سهو قلم است بلکه آنجناب این زیارت را از پدر بزرگوار خود امام
علی نقی علیه السلام روایت کرده که آنحضرت در زمان جد بزرگوار خود را
بان نحو زیارت کرد چنانکه عنوان موجود در کتاب بحار و دیگران تصریح
نموده‌اند و خواهد آمد علاوه معتصم آنجناب را نطلبید بود بلکه
معتصم هلاک شد قبل از ولادت باسعادت آنحضرت به

سال تقریباً — دوّم — آنکه مزار شیخ

جلیل محمد بن المشهدی که از بزرگان علما است و ما در فصل آینده
اشاره بعلو مقام او خواهیم کرد ان شاء الله در نزد علامه مذکور

بود و از آن کتاب در تحفه و بحار بسیار نقل میکنند بلکه بیشتر
زیارات منقوله در بحار از آن کتاب شریفست و هر جا مزار
کبیر میگویند مراد همین کتابست و محل حیرت شده که در
اینجا چگونه از آن مزار غفلت نمودند و در آنجا نظری نکردند و
زیارت معهوده را از آنجا نقل نمودند با اینکه در این مقام نقل
از آن اولی بلکه بملاحظه سیره ایشان لازم و متحتم بود زیرا که زیارت
مذکوره در مزار شیخ مفید و شیخ شهید ره سند ندارد و چون
سند ندارد بحسب اصطلاح این خبر ضعیف و اعتبار آن بملاحظه
نقل آن دو بزرگوار است که خبری را از کتاب بی اعتبار نقل نمیکنند والا
این نحوی که نقل کردند بملاحظه خودش قوتی ندارد و اما در مزار
کبیر پس برای آن سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری بقوت
سند او برسد و عبارت او در این مقام چنین است

زیارة اخری لمولانا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب مختصة بیوم الغدیر
اخبرنی بهذه الزیارة الشریفة الاجل العالم ابو
جعفر محمد المعروف بابن الحمال النحوی رفع الحدیث الی الفقیه العسکری

صلوات الله علیه فی شهر سنة احدی وسبعین و خمسمائة
اخبرنی الفقیه الاجل ابو الفضل شاذان بن جبرئیل القمی رضی الله
عنه عن الفقیه العماد محمد بن ابی القسم الطبری عن ابی علی عن
والده محمد بن الحسن عن الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان عن ابی
القسم جعفر بن قولویه عن محمد بن یعقوب الکلینی عن علی بن
ابرهیم عن ابیه عن ابی القسم بن روح و عثمان بن سعید العمری
عن ابی محمد الحسن بن علی العسکری عن ابیه صلوات الله
علیهما و ذکر انه علیه السلام زار بها فی یوم الغدیر فی السنة
التی اشخصه المعتصم تقف علیه صلوات الله علیه و تقول

السلام الخ

و این سلسلهٔ شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طایفه و روسا
مذهب و اجلاء رواتند ابو القاسم بن روح و عثمان بن سعید رضی
الله عنهما هر دو از نواب امام عصر علیه السلام اند و بعد از
تامل معلوم میشود در تمام زیارات ماثوره زیارتی باین درجه
از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمیشود

سیّم

انکه صریح کلمات این سه عالم جلیل در این سه مزار انست که
این زیارت مختص است بروز غدیر برای انانکه در این روز سعید در
مشهد منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر میشوند و لکن
در مزار قدیم که اجمالی از حال ان را در خاتمه کتاب مستدرک ذکر
کردم و نسخهٔ کهنه از ان بدست امد که ظاهرا در عهد مؤلف که از
معاصرین محمد بن مشهدی است نوشته شده و مظنون انست که از قطب
راوندی باشد این زیارت مذکور است با همان سند و لکن در دو
جا اختلاف دارد **اوّل** انکه در اینجا پدر علی بن ابرهیم
در سند نیست و باین قسم دارد علی بن ابرهیم عن الشیخ ابی القسم بن
روح الخ **دوّم** انکه در اینجا
چنین است عن الشیخ ابی القسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان
بن سعید و بملاحظهٔ طبقات رواة این سند اقرب است بصواب
بهر حال در این مزار شریف بعد از ذکر سند چنین فرموده عن
الشیخ الجلیل عثمان بن سعید العمری قدس الله ارواحهم عن مولینا

ابی محمد الحسن بن علی العسکری عن مولانا ابیه علی بن محمد الهادی
صلوات الله علیهم وذکر انه علیه السلام زار بها مولانا امیر
المؤمنین علیه السلام یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه فیها
المعتصم فنقف علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی
طالب صلوات الله علیه وکلما حضرت مشهده الشریف و
این حللت من البلاد فزره بهذه الزیارة وخصوصا یوم الغدیر
عثمان بن سعید از امام حسن عسکری علیه السلام روایت
کرده که آن حضرت فرمود پدر بزرگوارش باین زیارت امیر المؤمنین
علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرد در آن سالی که معتصم
از جناب او طلبیده بود پس میبایستی بر سر قبر امیر المؤمنین علیه
السلام وهر وقت که حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر بلد
که باشی پس آنحضرت را زیارت کن باین زیارت خصوص در روز
غدیر واین عبارت صریح است در اینکه این زیارت را در هر دو
از نزدیک و دور میشود خواند واین فائده جلیله ایست که البته
راغبین در عبادت و شائقین در زیارت حضرت شاه ولایت

آن را غنیمت خواهند شمرد و ما زیارت را از مزار مفید که در مزار
بحار نقل کرده ذکر میکنیم چون اطمینان بصحت کلمات آن

بیشتر است — پس میگوئیم — شیخ مفید

قدس سره در مزار خود فرموده که چون اراده زیارت نمائی یعنی در
روز غدیر پس بایست بر در قبه منوره و رخصت طلب نما
پس پای راست را بر پای چپ مقدم دار و داخل شو و برو نزدیک
ضریح مقدس و رو باو و پشت بقبله را در میان دو کتف خود
قرار ده و بگو

اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَسَیِّدِ الْمُرْسَلینَ
وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعالَمینَ اَمینِ اللهِ عَلی وَحْیِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ
وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَیْمِنِ عَلی
ذلِکَ کُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِیّاتُهُ
وَالسَّلامُ عَلی اَنْبِیاءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِکَتِهِ الْمُقَرَّبینَ
وَعِبادِهِ الصّالِحینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ
وَسَیِّدَ الْوَصِیّینَ وَوارِثَ عِلْمِ النَّبِیّینَ وَوَلِیَّ

رب العالمين ومولاى ومولا المؤمنين ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا مولاى يا امير المؤمنين
يا امين الله فى ارضه وسفيره فى خلقه وحجته
البالغة على عباده السلام عليك يا دين الله القويم
وصراطه المستقيم السلام عليك ايها النبأ العظيم
الذى هم فيه مختلفون وعنه يسئلون السلام عليك
يا امير المؤمنين امنت بالله وهم مشركون وصدقت
بالحق وهم مكذبون وجاهدت فى الله وهم مجحمون
وعبدت الله مخلصا له الدين صابرا محتسبا حتى
اتيك اليقين الا لعنة الله على الظالمين السلام
عليك يا سيد المسلمين ويعسوب المؤمنين وامام
المتقين وقائد الغر المحجلين ورحمة الله وبركاته
اشهد انك اخو رسول الله ووصيه ووارث علمه
وامينه على شرعه وخليفته فى امته واول من
امن بالله وصدق بما انزل على نبيه واشهد انه

يجمحون ل
مجحون ن

قد بلغ عن الله ما انزله فيك فصدع بامره واوجب على
امته فرض طاعتك وولايتك وعقد عليهم البيعة
لك وجعلك اولى بالمؤمنين من انفسهم كما جعله الله
كذلك ثم اشهد الله تعالى عليهم فقال الست قد بلغت
فقالوا اللهم بلى فقال اللهم اشهد وكفى بك
شهيدا وحاكما بين العباد فلعن الله جاحد ولايتك
بعد الاقرار وناكث عهدك بعد الميثاق واشهد
انك وفيت بعهد الله تعالى وان الله تعالى موف لك
بعهده ومن اوفى بما عاهد عليه الله فسيؤتيه اجرا عظيما
واشهد انك امير المؤمنين الحق الذى نطق بولايتك
التنزيل واخذ لك العهد على الامة بذلك الرسول
واشهد انك وعمك واخاك الذين تاجرتم الله بنفوسكم
فانزل الله فيكم ان الله اشترى من المؤمنين انفسهم
واموالهم بان لهم الجنة يقاتلون فى سبيل الله فيقتلون
ويقتلون وعدا عليه حقا فى التورية والانجيل والقرآن

ومن اوفى بعهده من الله فاستبشروا ببيعكم الذي بايعتم
به وذلك هو الفوز العظيم التائبون العابدون
الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الآمرون
بالمعروف والناهون عن المنكر والحافظون لحدود الله
وبشر المؤمنين اشهد يا امير المؤمنين ان الشاك
فيك ما آمن بالرسول الامين وان العادل بك غيرك
عاند عن الدين القويم الذي ارتضاه لنا رب العالمين
واكمله بولايتك يوم الغدير واشهد انك المعني
بقول العزيز الرحيم وان هذا صراطي مستقيما
فاتبعوه ولا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله
ضل والله واضل من اتبع سواك وعند عن الحق
من عاداك اللهم سمعنا لامرك واطعنا واتبعنا
صراطك المستقيم فاهدنا ربنا ولا تزغ قلوبنا
بعد اذ هديتنا الى طاعتك واجعلنا من الشاكرين
لانعمك واشهد انك لم تزل للهوى مخالفا وللتقى

عادل بك

مخالفا

مخالفا وعلى كظم الغيظ قادرا وعن الناس عافيا غافرا
واذا عصي الله ساخطا واذا اطيع الله راضيا وبما عهد
اليك عاملا راعيا لما استحفظت حافظا مبلغا ما
حملت منتظرا ما وعدت واشهد انك ما اتقيت ضارعا
ولا امسكت عن حقك جازعا ولا احجمت عن مجاهدة
غاصبيك ناكلا ولا اظهرت الرضا بخلاف ما يرضي الله
مداهنا ولا وهنت لما اصابك في سبيل الله ولا
ضعفت ولا استكنت عن طلب حقك مراقبا معاذ
الله ان تكون كذلك بل اذ ظلمت احتسبت ربك
وفوضت اليه امرك وذكرتهم فما ادكروا ووعظتهم
فما اتعظوا وخوفتهم الله فما تخوفوا واشهد انك
يا امير المؤمنين جاهدت في الله حق جهاده حتى
دعاك الله الى جواره وقبضك اليه باختياره و
الزم اعداءك الحجة بقتلهم اياك لتكون الحجة لك
عليهم مع ما لك من الحجج البالغة على جميع خلقه

لما استودعت

ناصبيك نخ

مراعيا نخ

فلم يخافوا نخ

السلام

السلام عليك يا امير المؤمنين عبدت الله مخلصا
وجاهدت في الله صابرا وجدت بنفسك محتسبا
وعملت بكتابه واتبعت سنة نبيه واقمت الصلوة
واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
ما استطعت مبتغيا ما عند الله راغبا فيما وعد الله
لا تحفل بالنوائب ولا تهن عند الشدائد ولا تحجم
عن محارب افك من نسب غير ذلك اليك وافترى
باطلا عليك واولى لمن عند عنك لقد جاهدت
في الله حق الجهاد وصبرت على الاذى صبر احتساب
وانت اول من آمن بالله وصلى له وجاهد وابدى
صفحته في دار الشرك والارض مشحونة ضلالة و
الشيطان يعبد جهرة وانت القائل لا تزيدني كثرة
الناس حولي عزة ولا تفرقهم عني وحشة ولو اسلمني
الناس جميعا لم اكن متضرعا اعتصمت بالله فعززت
وآثرت الآخرة على الاولى فزهدت وايدك الله و

هداك واخلصك واجتباك فما تناقضت افعالك
ولا اختلفت اقوالك ولا تقلبت احوالك ولا ادعيت
ولا افتريت على الله كذبا ولا شرهت الى الحطام ولا
دنستك الآثام ولم تزل على بينة من ربك ويقين من
امرك تهدي الى الحق والى صراط مستقيم اشهد شهادة
حق واقسم بالله قسم صدق ان محمدا وآله صلوات الله
عليهم سادات الخلق وانك مولاي ومولى المؤمنين
وانك عبد الله ووليه واخو الرسول ووصيه ووارثه
وانه القائل لك والذي بعثني بالحق ما آمن بي من كفر بك
ولا اقر بالله من جحدك وقد ضل من صد عنك
ولم يهتد الى الله ولا الي من لا يهتدي بك وهو قول
ربي عز وجل واني لغفار لمن تاب وآمن وعمل صالحا
ثم اهتدى الى ولايتك مولاي فضلك لا يخفى و
نورك لا يطفى وان من جحدك الظلوم الاشقى مولاي
انت الحجة على العباد والهادي الى الرشاد والعدة

افتريت

الْمَعادِ مَوْلایَ لَقَدْ رَفَعَ اللهُ فِي الاُولی مَنْزِلَتَكَ وَاَعْلی فِي
الآخِرَةِ دَرَجَتَكَ وَبَصَّرَكَ ما عَمِيَ عَلی مَنْ خالَفَكَ وَحالَ
بَيْنَكَ وَبَيْنَ مَواهِبِ اللهِ لَكَ فَلَعَنَ اللهُ مُسْتَحِلِّي الْحُرْمَةِ مِنْكَ
وَذائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ وَاَشْهَدُ اَنَّهُمُ الاَخْسَرُونَ الَّذِينَ
تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النّارُ وَهُمْ فِيها كالِحُونَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
ما اَقْدَمْتَ وَلا اَحْجَمْتَ وَلا نَطَقْتَ وَلا اَمْسَكْتَ
اِلّا بِاَمْرٍ مِنَ اللهِ وَرَسُولِهِ قُلْتَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ اِلَيَّ
رَسُولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدُماً
فَقالَ يا عَلِيُّ اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هارُونَ مِنْ مُوسی اِلّا اَنَّهُ لا
نَبِيَّ بَعْدِي وَاُعْلِمُكَ اَنَّ مَوْتَكَ وَحَياتَكَ مَعِي وَعَلی
سُنَّتِي فَوَاللهِ ما كَذِبْتُ وَلا كُذِّبْتُ وَلا ضَلَلْتُ وَلا
ضُلَّ بِي وَلا نَسِيتُ ما عَهِدَ اِلَيَّ رَبِّي وَاِنِّي لَعَلی بَيِّنَةٍ مِنْ
رَبِّي بَيَّنَها لِنَبِيِّهِ وَبَيَّنَهَا النَّبِيُّ لِي وَاِنِّي لَعَلَی الطَّرِيقِ
الْواضِحِ اَلْفِظُهُ لَفْظاً صَدَقْتَ وَاللهِ وَقُلْتَ الْحَقَّ
فَلَعَنَ اللهُ مَنْ ساواكَ بِمَنْ ناواكَ وَاللهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ

علیك[2] نسخه

قدامه[3] نسخه

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لا يَعْلَمُونَ فَلَعَنَ
اللهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللهُ عَلَيْهِ وِلايَتَكَ وَ
اَنْتَ وَلِيُّ اللهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَالذّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي
نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ قالَ اللهُ تَعالی وَفَضَّلَ اللهُ الْمُجاهِدِينَ
عَلَی الْقاعِدِينَ اَجْراً عَظِيماً دَرَجاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً
وَرَحْمَةً وَكانَ اللهُ غَفُوراً رَحِيماً وَقالَ اللهُ تَعالی
اَجَعَلْتُمْ سِقايَةَ الْحاجِّ وَعِمارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ كَمَنْ
آمَنَ بِاللهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَجاهَدَ فِي سَبِيلِ اللهِ لا يَسْتَوُونَ
عِنْدَ اللهِ وَاللهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّالِمِينَ الَّذِينَ
آمَنُوا وَهاجَرُوا وَجاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللهِ بِاَمْوالِهِمْ
وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللهِ وَاُولئِكَ هُمُ الْفائِزُونَ
يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوانٍ وَجَنّاتٍ
لَهُمْ فِيها نَعِيمٌ مُقِيمٌ خالِدِينَ فِيها اَبَداً اِنَّ اللهَ عِنْدَهُ
اَجْرٌ عَظِيمٌ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللهِ
الْمُخْلِصُ لِطاعَةِ اللهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدی بَدَلاً وَلَمْ تُشْرِكْ

بعبادة ربك احدا وان الله تعالى استجاب لنبيه
صلى الله عليه واله فيك دعوته ثم امره باظهار
ما اولاك لامته اعلاء لشانك واعلانا لبرهانك
ودحضا للاباطيل وقطعا للمعاذير فلما اشفق
من فتنة الفاسقين واتقى فيك المنافقين اوحى
اليه رب العالمين يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك
من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك
من الناس فوضع على نفسه اوزار المسير ونهض في
رمضاء الهجير فخطب واسمع ونادى فابلغ ثم سئلهم اجمع
فقال هل بلغت فقالوا اللهم بلى فقال اللهم اشهد
ثم قال الست اولى بالمؤمنين من انفسهم فقالوا بلى
فاخذ بيدك وقال من كنت مولاه فهذا علي مولاه
اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من
نصره واخذل من خذله فما امن بما انزل الله فيك
على نبيه الا قليل ولا زاد اكثرهم غير تخسير ولقد

انزل الله تعالى فيك من قبل وهم كارهون يا ايها الذين
امنوا من يرتد منكم عن دينه فسوف ياتي الله بقوم يحبهم
ويحبونه اذلة على المؤمنين اعزة على الكافرين
يجاهدون في سبيل الله ولا يخافون لومة لائم ذلك فضل
الله يؤتيه من يشاء والله واسع عليم انما وليكم الله و
الزكوة ۲ ع — رسوله والذين امنوا الذين يقيمون الصلوة ويؤتون
وهم راكعون ومن يتول الله ورسوله والذين امنوا فان
حزب الله هم الغالبون ربنا امنا بما انزلت واتبعنا
الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ قلوبنا بعد
اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب
الثاقلم ۳ ع — اللهم ان هذا هو الحق من عندك فالعن من عارضه
واستكبر وكذب به وكفر وسيعلم الذين ظلموا اى
منقلب ينقلبون السلام عليك يا امير المؤمنين و
سيد الوصيين واول العابدين وازهد الزاهدين
ورحمة الله وبركاته وصلواته وتحياته انت مطعم

الطعام علی حبه مسکینا و یتیما و اسیرا لوجه الله لا یرید
منهم جزاء و لا شکورا و فیک انزل الله تعالی و
یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصة و من یوق
شح نفسه فاولئک هم المفلحون و انت الکاظم للغیظ
و العافی عن الناس و الله یحب المحسنین و انت الصابر
فی الباساء و الضراء و حین الباس و انت القاسم بالسویة
و العادل فی الرعیة و العالم بحدود الله من جمیع البریة
و الله تعالی اخبر عما اولاک من فضله بقوله افمن
کان مؤمنا کمن کان فاسقا لا یستوون اما الذین امنوا
و عملوا الصالحات فلهم جنات الماوی نزلا بما کانوا
یعملون و انت المخصوص بعلم التنزیل و حکم التاویل
و نص الرسول و لک المواقف المشهودة و المقامات
المشهورة و الایام المذکورة یوم بدر و یوم الاحزاب
اذ زاغت الابصار و بلغت القلوب الحناجر و تظنون
بالله الظنونا هنالک ابتلی المؤمنون و زلزلوا زلزالا

شدیدا و اذ یقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض
ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا و اذ قالت طائفة
منهم یا اهل یثرب لا مقام لکم فارجعوا و یستاذن فریق
منهم النبی یقولون ان بیوتنا عورة و ما هی بعورة
ان یریدون الا فرارا و قال الله تعالی و لما رای المؤمنون
الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله و رسوله و صدق
الله و رسوله و ما زادهم الا ایمانا و تسلیما فقتلت
عمروهم و هزمت جمعهم و رد الله الذین کفروا
بغیظهم لم ینالوا خیرا و کفی الله المؤمنین القتال
و کان الله قویا عزیزا و یوم احد اذ تصعدون
و لا تلوون علی احد و الرسول یدعوهم فی اخریهم
و انت تذود بهم و المشرکین[2] عن النبی ذات الیمین
و ذات الشمال حتی ردهم الله تعالی عنکما خائفین
و نصر بک الخاذلین و یوم حنین علی ما نطق به
التنزیل اذ اعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئا و

[2] بهم المشرکین نسخه

ضاقت علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین
ثم انزل الله سکینته علی رسوله وعلی المؤمنین و
المؤمنون انت ومن یلیك وعمك العباس ینادی
المنهزمین یا اصحاب سورة البقرة یا اهل بیعة الشجرة
حتی استجاب له قوم قد کفیتهم المؤنة وتکفلت
دونهم المعونة فعادوا آیسین من المثوبة راجین وعد
الله تعالی بالتوبة وذلك قول الله جل ذکره ثم یتوب
الله من بعد ذلك علی من یشاء وانت حائز درجة
الصبر فائز بعظیم الاجر ویوم خیبر اذ اظهر الله خور
المنافقین وقطع دابر الکافرین والحمد لله رب
العالمین ولقد کانوا عاهدوا الله من قبل لا یولون
الادبار وکان عهد الله مسئولا مولای انت الحجة
البالغة والمحجة الواضحة والنعمة السابغة و
البرهان المنیر فهنیئا لك بما آتاك الله من فضل و
تبا لشانئك ذی الجهل شهدت مع النبی صلی الله

خیبر

علیه وآله جمیع حروبه ومغازیه تحمل الرایة امامه
وتضرب بالسیف قدامه ثم لحزمك المشهور و
بصیرتك فی الامور امرك فی المواطن ولم یکن علیك
امیر وکم من امر صدك عن امضاء عزمك فیه التقی
واتبع غیرك فی مثله الهوی فظن الجاهلون انك
عجزت عما الیه انتهی ضل والله الظان لذلك و
ما اهتدی ولقد اوضحت ما اشکل من ذلك لمن
توهم وامتری بقولك صلی الله علیك قد یری الحول
القلب وجه الحیلة ودونها حاجز من تقوی الله
فیدعها رأی العین وینتهز فرصتها من لا حریجة
له فی الدین صدقت والله وخسر المبطلون و
اذ ماکرك الناکثان فقالا نرید العمرة فقلت لهما
لعمرکما ما تریدان العمرة لکن تریدان الغدرة
فاخذت البیعة علیهما وجددت المیثاق
فجدا فی النفاق فلما نبهتهما علی فعلهما اغفلا

حوبجة نخ

وعادا وما انتفعا وكان عاقبة امرهما خسرا ثم تلاهما
اهل الشام فسرت اليهم بعد الاعذار وهم لا يدينون
دين الحق ولا يتدبرون القرآن همج رعاع ضالون
وبالذي انزل على محمد فيك كافرون ولاهل الخلاف
عليك ناصرون وقد امر الله تعالى باتباعك وندب
المؤمنين الى نصرك وقال عز وجل يا ايها الذين آمنوا
اتقوا الله وكونوا مع الصادقين مولاي بك ظهر
الحق وقد نبذه الخلق واوضحت السنن بعد
الدروس والطمس فلك سابقة الجهاد على تصديق
التنزيل ولك فضيلة الجهاد على تحقيق التاويل
وعدوك عدو الله جاحد لرسول الله يدعو
باطلا ويحكم جائرا ويتامر غاصبا ويدعو حزبه
الى النار وعمار يجاهد وينادي بين الصفين
الرواح الرواح الى الجنة فلما استسقى فسقي
اللبن كبر وقال قال لي رسول الله صلى الله عليه و

اله آخر شرابك من الدنيا ضياح من اللبن وتقتلك الفئة
الباغية فاعترضه ابو العادية الفزاري فقتله فعلى
ابي العادية لعنة الله ولعنة ملائكته ورسله اجمعين
وعلى من سل سيفه عليك وسللت سيفك عليه
يا امير المؤمنين من المشركين والمنافقين الى يوم الدين
وعلى من رضي بما ساءك ولم يكرهه واغمض عينه ولم ينكر
او اعان عليك بيد او لسان او قعد عن نصرك او خذل
عن الجهاد معك او غمط فضلك وجحد حقك او
عدل بك من جعلك الله اولى به من نفسه وصلوات
الله عليك ورحمة الله وبركاته وسلامه وتحياته
وعلى الائمة من آلك الطاهرين انه حميد مجيد و
الامر الاعجب والخطب الافظع بعد جحدك حقك
غصب الصديقة الطاهرة الزهراء سيدة النساء
فدكا ورد شهادتك وشهادة السيدين سلالتك
وعترة المصطفى صلى الله عليكم وقد اعلى الله تعالى

عَلَی الْاُمَّةِ دَرَجَتَکُمْ وَرَفَعَ مَنْزِلَتَکُمْ وَاَبَانَ فَضْلَکُمْ
وَشَرَّفَکُمْ عَلَی الْعَالَمِینَ فَاَذْهَبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ وَ
طَهَّرَکُمْ تَطْهِیرًا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ اِنَّ الْاِنْسَانَ خُلِقَ
هَلُوعًا اِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَاِذَا مَسَّهُ الْخَیْرُ مَنُوعًا
اِلَّا الْمُصَلِّینَ فَاسْتَثْنَی اللهُ تَعَالٰی نَبِیَّهُ الْمُصْطَفٰی
وَاَنْتَ یَا سَیِّدَ الْاَوْصِیَاءِ مِنْ جَمِیعِ الْخَلْقِ فَمَا اَعْمَهَ مَنْ
ظَلَمَکَ عَنِ الْحَقِّ ثُمَّ اَفْرَضُوکَ سَهْمَ ذَوِی الْقُرْبٰی
مَکْرًا وَاَحَادُوهُ عَنْ اَهْلِهِ جَوْرًا فَلَمَّا اٰلَ الْاَمْرُ اِلَیْکَ
اَجْرَیْتَهُمْ عَلٰی مَا اَجْرَیَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللهِ لَکَ
فَاَشْبَهَتْ مِحْنَتُکَ بِهِمَا مِحَنَ الْاَنْبِیَاءِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ
الْوَحْدَةِ وَعَدَمِ الْاَنْصَارِ وَاَشْبَهْتَ فِی الْبَیَاتِ عَلَی
الْفِرَاشِ الذَّبِیحَ عَلَیْهِ السَّلَامُ اِذْ اَجَبْتَ کَمَا اَجَابَ
وَاَطَعْتَ کَمَا اَطَاعَ اِسْمٰعِیلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا اِذْ قَالَ لَهُ
یَا بُنَیَّ اِنِّی اَرٰی فِی الْمَنَامِ اَنِّی اَذْبَحُکَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرٰی
قَالَ یَا اَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِی اِنْ شَاءَ اللهُ مِنَ الصَّابِرِینَ

وَکَذٰلِکَ اَنْتَ لَمَّا اَبَاتَکَ النَّبِیُّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ
وَاَمَرَکَ اَنْ تَضْجَعَ فِی مَرْقَدِهِ وَاقِیًا لَهُ بِنَفْسِکَ اَسْرَعْتَ
اِلٰی اِجَابَتِهِ مُطِیعًا وَلِنَفْسِکَ عَلَی الْقَتْلِ مُوَطِّنًا فَشَکَرَ
اللهُ تَعَالٰی طَاعَتَکَ وَاَبَانَ عَنْ جَمِیلِ فِعْلِکَ بِقَوْلِهِ
جَلَّ ذِکْرُهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ یَشْرِی نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
اللهِ ثُمَّ مِحْنَتُکَ یَوْمَ صِفِّینَ وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ
حِیلَةً وَمَکْرًا فَاَعْرَضَ الشَّکُّ وَعُرِفَ الْحَقُّ وَاتُّبِعَ
الظَّنُّ اَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هٰرُونَ اِذْ اَمَّرَهُ مُوسٰی عَلٰی قَوْمِهِ
فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَهٰرُونُ یُنَادِیهِمْ وَیَقُولُ یَا قَوْمِ اِنَّمَا
فُتِنْتُمْ بِهِ وَاِنَّ رَبَّکُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِی وَاَطِیعُوا اَمْرِی
قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَیْهِ عَاکِفِینَ حَتّٰی یَرْجِعَ اِلَیْنَا مُوسٰی
وَکَذٰلِکَ اَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ یَا قَوْمِ
اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ فَعَصَوْکَ وَخَالَفُوا عَلَیْکَ
وَاسْتَدْعَوْا نَصْبَ الْحَکَمَیْنِ فَاَبَیْتَ عَلَیْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ
اِلَی اللهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَفَوَّضْتَهُ اِلَیْهِمْ فَلَمَّا اَسْفَرَ

الحق وسفه المنكر واعترفوا بالزلل والجور عن
القصد اختلفوا من بعده والزموك على سفه التحكيم
الذي ابيته واحبوه وحظرته واباحوا ذنبهم الذي
اقترفوه وانت على نهج بصيرة وهدى وهم على
سنن ضلالة وعمى فما زالوا على النفاق مصرين و
في الغي مترددين حتى اذاقهم الله وبال امرهم فامات
بسيفك من عاندك فشقي وهوى واحيى بحجتك من
سعد فهدى صلوات الله عليك غادية ورائحة
وعاكفة وذاهبة فما يحيط المادح وصفك ولا يحبط
الطاعن فضلك انت احسن الخلق عبادة واخلصهم
زهادة واذبهم عن الدين اقمت حدود الله بجهدك
وفللت عساكر المارقين بسيفك تخمد لهب الحروب
ببنانك وتهتك ستور الشبه ببيانك وتكشف
لبس الباطل عن صريح الحق لا تاخذك في الله لومة لائم
وفي مدح الله تعالى لك غنى عن مدح المادحين و

تقريظ الواصفين قال الله تعالى من المؤمنين رجال
صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه و
منهم من ينتظر وما بدلوا تبديلا ولما رايت ان قتلت
الناكثين والقاسطين والمارقين وصدقك رسول
الله صلى الله عليه وآله وعده فاوفيت بعهده قلت
اما آن ان تخضب هذه من هذه ام متى يبعث اشقاها
واثقا بانك على بينة من ربك وبصيرة من امرك قادم
على الله مستبشرا ببيعك الذي بايعته به وذلك هو
الفوز العظيم اللهم العن قتلة انبيائك واوصياء
انبيائك بجميع لعناتك واصلهم حر نارك والعن
من غصب وليك حقه وانكر عهده وجحده
بعد اليقين والاقرار بالولاية له يوم اكملت له الدين
اللهم العن قتلة امير المؤمنين ومن ظلمه واشياعهم
وانصارهم اللهم العن ظالمي الحسين وقاتليه والمتابعين
عدوه وناصريه والراضين بقتله وخاذليه لعنا

وبيلاً اللهم العن اول ظالم ظلم آل محمد ومانعيهم حقوقهم
اللهم خص اول ظالم وغاصب لآل محمد باللعن وكل
مستن بما سن الى يوم القيمة اللهم صل على محمد و
آل محمد خاتم النبيين وعلى علي سيد الوصيين
وآله الطاهرين واجعلنا بهم متمسكين وبولايتهم
من الفائزين الآمنين الذين لا خوف عليهم ولا
هم يحزنون

دوم زیارت روز مولود

که روز هفدهم ربیع الاول است بنا بر اصح چنانچه در رساله مزار
السما انزا واضح نمودیم جماعت بسیاری از علما اعلام مثل شیخ مفید
و محمد بن المشهدی و رضی الدین علی بن طاوس و شیخ شهید این زیارت
را روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و سید
در اقبال و شهید ذکر کرده‌اند که آنحضرت حضرت امیر المؤمنین علیه
السلام را در روز هفدهم ربیع الاول چنین زیارت کردند و
از ابشه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی تعلیم نمودند و با او فرمودند
که چون آمدی بمشهد امیر المؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت
بکن و بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و ببوی خوش خود را معطر نما و بر

و بر تو باد با آرامی و وقار پس چون برسی بباب السلام و ظاهرا مراد در حرم
مطهر باشد پس روی کن بقبله و سی مرتبه بگو (الله اکبر) و بگو

السلام على رسول الله السلام على خيرة الله السلام على
البشير النذير السراج المنير ورحمة الله وبركاته السلام
على انبياء الله المرسلين وعباد الله الصالحين السلام
على الملائكة الحافين بهذا الحرم[2] وبهذا الضريح اللائذين به

پس نزدیک شو بقبر و بگو

السلام عليك يا وصي الاوصياء السلام عليك يا عماد الاتقياء
السلام عليك يا ولي الاولياء السلام عليك يا سيد
الشهداء السلام عليك يا آية الله العظمى السلام
عليك يا خامس اهل العباء السلام عليك يا قائد
الغر المحجلين الاتقياء السلام عليك يا عصمة الاولياء
السلام عليك يا زين الموحدين النجباء السلام عليك
يا خالص الاخلاء السلام يا والد الائمة الامناء
السلام عليك يا صاحب الحوض وحامل اللواء السلام

[2] الحافظين لهذا الحرم نسخه

علیك یا قاسم الجنة ولظی السلام علیك یا من شرف
به مكة ومنی السلام علیك یا بحر العلوم وكنف الفقرا
السلام علیك یا من ولد فی الكعبة وزوج فی السماء
بسیدة النساء وكان شهودها الملائكة الاصفیاء
السلام علیك یا مصباح الضیاء السلام علیك یا من
خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیك یا من بات
علی فراش خاتم الانبیاء ووقاه بنفسه شر الاعداء السلام
علیك یا من ردت له الشمس فسامی شمعون الصفا
السلام علیك یا من انجی الله سفینة نوح باسمه و
اسم اخیه حیث التطم الماء حولها وطمی السلام علیك
یا من تاب الله به وباخیه علی آدم اذ غوی السلام علیك
یا فلك النجاة الذی من ركبه نجی ومن تاخر عنه هوی
السلام علیك یا من خاطب الثعبان وذئب الفلا
السلام علیك یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبركاته
السلام علیك یا حجة الله علی من كفر واناب السلام

والّلظی خ‌ل
وكنف خ‌ل
خیر خ‌ل

علیك یا امام ذوی الالباب السلام علیك یا معدن
الحكمة وفصل الخطاب السلام علیك یا من عنده
علم الكتاب السلام علیك یا میزان یوم الحساب السلام
علیك یا فاصل الحكم الناطق بالصواب السلام علیك
ایها المتصدق بالخاتم فی المحراب السلام علیك یا من
كفی الله المؤمنین القتال به یوم الاحزاب السلام
علیك یا من اخلص لله الوحدانیة واناب السلام
علیك یا قاتل خیبر وقالع الباب السلام علیك
یا من دعاه خیر الانام للمبیت علی فراشه فاسلم نفسه
للمنیة واجاب السلام علیك یا من له طوبی و
حسن مآب ورحمة الله وبركاته السلام علیك یا
ولی عصمة الدین ویا سید السادات السلام علیك
یا صاحب المعجزات السلام علیك یا من نزلت فی فضله
سورة العادیات السلام علیك یا من كتب اسمه
فی السماء علی السرادقات السلام علیك یا مظهر

بالوحدانیة خ‌ل
یا قالع باب خیبر الصخور من القلاب فهذا بدل
الی المبیت خ‌ل

العجائب والآيات السلام عليك يا امير الغزوات السلام
عليك يا مخبرا بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب
ذئب الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين
المشكلات السلام عليك يا من عجبت من حملاته في
الوغا ملائكة السموات السلام عليك يا من ناجى الرسول
فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا
والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث
علم خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا سيد الوصيين السلام عليك يا امام المتقين
السلام عليك يا غياث المكروبين السلام عليك
يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين
السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله
المتين السلام عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه
على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم

القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله
الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته
اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع
علم الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي
اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا
يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة
المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم
الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي و
صراطه السوي السلام على الامام التقي المخلص
الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على
الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام
على الائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام
التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى
والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة
الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار

و النقي خ ل

ووالد الائمة الاطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن
الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين
من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة النقية
ابنة المختار المولود في البيت ذي الاستار المزوج في
السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار
ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي
هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون
السلام على نور الله الانور وضيائه الازهر ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته و
خالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت
في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله
صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت
حرام الله وشرعت احكامه واقمت الصلوة و
آتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا

النقية غ ل
والدة الائمة الاطهار غ ل
ولم تتعد حدود الله غ ل
خواصه غ ل

عند الله عظيم الاجر حتى اتاك اليقين فلعن الله من
دفعك عن حقك وازالك عن مقامك ولعن الله
من بلغه ذلك فرضي به اشهد الله وملائكته وانبيائه
ورسله اني والٍ لمن والاك وعادٍ لمن عاداك السلام
عليك ورحمة الله وبركاته

پس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو

اشهد انك تسمع كلامي وتشهد مقامي واشهد لك
يا ولي الله بالبلاغ والاداء يا مولاي يا حجة الله يا امين الله
يا ولي الله ان بيني وبين الله عز وجل ذنوبا قد اثقلت
ظهري ومنعتني عن الرقاد وذكرها يقلقل احشائي
وقد هربت منها الى الله عز وجل واليك فبحق من
ائتمنك على سره واسترعاك امر خلقه وقرن
طاعتك بطاعته وموالاتك بموالاته كن لي
الى الله شفيعا ومن النار مجيرا وعلى الدهر ظهيرا

پس باز خود را بقبر بچسبان و آنرا ببوس و بگو

ولي غ ل
عدو غ ل
ولنا الى الله من اعمالنا

یا وَلِیَّ اللهِ یا حُجَّةَ اللهِ یا بابَ حِطَّةِ اللهِ وَلِیُّکَ وَزائِرُکَ وَاللّائِذُ بِقَبْرِکَ وَالنّازِلُ بِفِنائِکَ وَالْمُنیخُ رَحْلَهُ فی جِوارِکَ یَسْئَلُکَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَی اللهِ فی قَضاءِ حاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِی الدُّنْیا وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ لَکَ عِنْدَ اللهِ الْجاهَ الْعَظیمَ وَالشَّفاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنی یا مَوْلایَ مِنْ هَمِّکَ وَاَدْخِلْنی فی حِزْبِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی ضَجیعَیْکَ آدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی وَلَدَیْکَ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَعَلَی الْاَئِمَّةِ الطّاهِرینَ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

انگاه شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و دو رکعت برای جناب آدم ع و دو رکعت برای جناب نوح ع و بسیار بخوان خدا تعالی را که باجابت خواهد رسید انشاء الله تعالی مؤلف گوید علامه مجلسی رحمه الله در مزار بحار این زیارت را برای این روز از شیخ مفید و شیخ شهید و کتاب اقبال ابن طاوس نقل نموده و بعد از ذکر زیارت فرموده که این زیارت را مؤلف مزار کبیر روایت کرده از محمد بن مسلم و انرا مخصوص نکرده باین روز و ظاهر میشود

ازاو که این زیارت از زیارات مطلقه است و در تحفه فرموده این زیارت بهترین زیارات است و بسندهای معتبر در کتب معتبر مذکور است و ظاهر بعض روایات انست که خصوصیت باین روز ندارد و در هر وقت که این زیارت را بعمل اورد خوبست و چون علما در خصوص این روز ذکر کرده اند ما نیز در اینجا ذکر کرده ایم انتهی و این سه عالم روایت را نقل کرده و ظاهر امر ایشان از بعض روایات روایت مزار کبیر باشد که در بحار تصریح نمود و این فرموده ایشان از مطالب عجیبه است چه دلالت عبارت مزار کبیر بر اختصاص این زیارت باین روز شریف بیشتر از عبارات دیگران است زیرا که عبارت مزار کبیر اینست

زیارة اخری لامیر المؤمنین ع

فی سابع عشر ربیع الاول عند طلوع الشمس و زار بها الصادق علیه السلام و علمها لمحمد بن مسلم الثقفی قال اذا اتیت الخ

و از کلام دیگران ظاهر میشود که چون حضرت صادق علیه السلام انجناب را در این روز زیارت کردند از وظایف روز شمرده میشود نظیر زیارت غدیر ساینم که چون حضرت امام علی نقی علیه السلام در ان روز چنان زیارت کردند پس از مخصصات محسوب میشود و لکن مقید کردن این زیارت را در ان روز بوقت طلوع افتاب در اینکه در انوقت این زیارت را باید خواند چنانچه صریح عبارت مزار کبیر است کاشف است از واقف شدن بر خبری صریح در این مطلب زیرا که ان از ادات زیارت نیست احتمال دودانرا از سایر اخبار وارده

استنباط کرده باشد بلکه در اخر زیارت بعد از ذکر شش رکعت نماز گفته (وادع الله کثیرا وتمجد وابتهل الی الله جلت عظمته والح فی دعائك تجب ان شاء الله تعالی) ودیگران این قسم نقل کرده اند واین نیز کاشف است بر مغایرت روایت مزار کبیر از روایات انجماعت بهرحال محلی برای استظهارات مرحوم نیست بلی در مزار قدیم انرا از محمد بن مسلم روایت کرده با جزئی اختلاف بدون نسبت بحضرت صادق صلوات الله علیه وبدون اشعار اختصاص بان روز وچون بعد از او مخصوصه مبعث را ذکر کرده محتملست که از قلم کلامی سقط شده باشد چنانچه از قلم شریف علامه مجلسی در تحفه وزاد المعاد فقرهٔ شش رکعت نماز سقط شده وکانه زائرین گمان میکنند که بجهت این زیارت مخصوصه نماز زیارت مخصوصا وارد نشده با انکه در تمام کتب مذکوره مسطور است

سیم زیارت شب وروز مبعث

که بیست وهفتم ماه رجب است علامه مجلسی در تحفه فرموده بعض علما ذکر کرده اند که زیارت انحضرت در این روز سنتست زیارت مخصوصی نقل کرده اند وچون سند هیچ یك بنظر نرسیده بود ترك کردیم انتهی ومراد ان مرحوم از سند مجرد نسبت دادن ان زیارتست بامام علیه السلام تا معلوم شود که از تالیف علما نیست نه ذکر راویان ان زیارت هرچند انرا نسبت دهند بامام زیرا که در تحفه مکرر از این قسم زیارت را نقل کرده وبمجرد

زیارت بجوبکه کذشت ودعاوایتها بعد از آن صح

نسبت دادن زیارت بامامی در بعض کتب معتبره اکتفا نموده وبعضی از ان اشاره خواهد شد ان شاء الله تعالی چون این را دانستی پس میگوئیم نسبت دادن بامام گاهی در صریح کلام است مثل انکه عالم ناقل میگوید روایت شده از فلان امام که چنین بگو ونظیر این کلمات واضحه وگاهی از قراین وشواهد مکشوف میشود که این زیارت ماثور است یا نشود که از تالیف عالم یا غیر ان باشد وبان قراین در وسط کلمات ما در این فصل وفصل اینده اشاره میشود ومعلوم خواهد شد که زیارت مذکوره ماثور است از امام واز تالیف علماء نیست بهرحال حقیر برای این شب وروز سه زیارت مخصوصه پیدا کردم بحمد الله تعالی

اول

در مزار قدیم فرموده زیارة اخری لمولینا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه المختصه بلیلة سبعة وعشرین من رجب تقف علی ضریحه ع وتقول زیارتی دیگر برای اقای ما امیر المؤمنین علیه السلام که مختص است بشب بیست وهفتم ماه رجب میایستی مقابل ضریح شریف انحضرت ومیگوئی

السَّلامُ عَلی اَبِی الاَئِمَّةِ وَمَعْدِنِ النُّبُوَّةِ وَالمَخْصُوصِ بِالاُخُوَّةِ اَلسَّلامُ عَلی یَعْسُوبِ الاِیمانِ وَکَلِمَةِ الرَّحْمنِ وَکَهْفِ الاِسْلامِ اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الاَعْمالِ وَسَیْفِ ذِی الجَلالِ اَلسَّلامُ عَلی صالِحِ المُؤْمِنِینَ وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَالحاکِمِ فِی

یوم الدین السلام علی شجرة التقوی وسامع السرّ والنجوی ومنزل المنّ والسلوی السلام علی حجة الله البالغة و نعمته السابغة ونقمته الدامغة السلام علی اسرائیل الامة وباب الرحمة وابی الائمة السلام علی صراط الله الواضح والنجم اللائح والامام الناصح السلام علی وجه الله الذی من امن به نجی ومن تاخر عنه هوی السلام علی نفسه القائمة فیه بالسنن وعینه التی من عنده اطمئنّ السلام علی اذن الله الواعیة فی الامم ویده الباسطة بالنعم وجنبه الذی من فرّط فیه ندم اشهد انک مجازی الخلق وقاسم الرزق والحاکم بالحق بعثک الله علماً لعباده فوفیت بمراده وجاهدت فیه حق جهاده صلی الله علیک وجعل افئدة من الناس تهوی الیک الخیر منک وفی یدیک عبدک الزائر لحرمک اللائذ بکرمک الشاکر لنعمائک قد هرب الیک من ذنوبه ورجاک لکشف کروبه فانت

کاشف کربه وانت ساتر عیوبه فکن لی الی الله وسیلاً ومن النار مقیلاً ولما املّ فیک کفیلاً نجّنی نجاة من وصل حبله بحبلک وسلک الی الله بسبیلک وانت سامع الدعاء وولی الجزاء علیک منک التسلیم وانت السید الکریم وانت بنا رحیم منک النوال وعلیک بعد الله التکلان والسلام علیک ورحمة الله وبرکاته

مؤلف گوید

این زیارت همان زیارتیست که معروفست بزیارت هفتم چون در کتاب تحفة الزائران را هفتم زیارات مطلقه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرار داده. وگفته زیارت هفتم زیارتی است که در بعضی کتب قدیمه معتبره یافته ام که بروایت صفوان جمّال منسوب کرده اند بسند وان این زیارتست السلام الخ ودر بحار فرموده (ق) واین رمز است برای کتاب عتیق غروی که باعتقاد مرحوم از مؤلفات شیخ جلیل هرون بن موسی تلعکبری است (زیارت صفوان الجمال لامیرالمؤمنین علیه السلام) السلام الخ وظاهر این عبارت این است که صفوان آنحضرت را چنین زیارت کرده نظیر زیارت جابر انصاری حضرت ابی عبدالله را در روز اربعین ودر این کلام هیچ

وجه اشارة بنیست باینکه این زیارت مأثور است از امامی و باین خالان مرحوم این را از زیارات مأثوره مرویّه از ائمه علیهم السلام شمرده و از زاد و تحفه درج نموده و سبب آن حدیث صافی است که نبود مثل صفوان چنین زیارت بلیغه که متضمن مطالب عالیه است از امام علیه السلام نشنیده باشد و خود اختراع کند و این اساس مقتضی است که زیارات مخصوصه و مطلقه موجوده در مزار شیخ مفید و شیخ شهید و امثال ایشان نیز مأثور باشد بلکه از جهاتی اولی است چنانچه خواهی دانست انشاء الله تعالی **و مخفی نماند** که در فقرات زیارت هفتم که موجود است در بحار و تحفه و فقرات آنچه ما نقل کردیم فی الجمله اختلافیست از زیادتی و نقصان و تغییر کلمه و لکن نه بآن حد که تعدد در آن برود و الله العالم **دوم** ایضا در آن مزار شریف بعد از ذکر زیارت سابقه فرموده (ثم تقول الحمد لله الذی اشهدنا الخ) و در مزار کبیر محمد بن المشهدی بعد از ذکر بعضی از اعمال مبعث و نماز جناب سلمان در ماه رجب فرموده (و مما یستحب ان یزار به امیر المؤمنین علیه السلام فی لیلة المبعث هذه الزیارة و کل امام حضرت عنده فی رجب ایضاً) از آنچه مستحب است که بآن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد در شب مبعث این زیارتست و در نزد هر امامی که حاضر شدی در ماه رجب نیز این زیارت مستحبست و ظاهر این کلام و صریح مزار قدیم السابق که

زیارت رجبیه معروفه از زیارت مخصوصه شب مبعث است و منافاة ندارد که از زیارات جامعه عامه نیز باشد نظیر زیارت امین الله و زیارت عاشوراء و زیارت غدیر گذشته و از زیارت ایلست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَشْهَدَنا مَشْهَدَ اَوْلِیائِهِ فِی رَجَبٍ وَاَوْجَبَ عَلَیْنا مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ وَصَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَعَلی اَوْصِیائِهِ الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَکَما اَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ فَاَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ غَیْرَ مُحَلَّئِینَ عَنْ وِرْدٍ فِی دارِ الْمُقامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ اِنِّی قَصَدْتُکُمْ وَاعْتَمَدْتُکُمْ بِمَسْأَلَتِی وَحاجَتِی وَهِیَ فَکاکُ رَقَبَتِی مِنَ النّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَکُمْ فِی دارِ الْقَرارِ مَعَ شِیعَتِکُمُ الْاَبْرارِ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ اَنَا سائِلُکُمْ وَآمِلُکُمْ فِیما اِلَیْکُمُ التَّفْوِیضُ وَعَلَیْکُمُ التَّعْوِیضُ فَبِکُمْ یُجْبَرُ الْمَهِیضُ وَیُشْفَی الْمَرِیضُ وَعِنْدَکُمْ ما تَزْدادُ الْاَرْحامُ وَما تَغِیضُ اِنِّی لِسِرِّکُمْ مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِکُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَی اللهِ بِکُمْ مُقْسِمٌ فِی رَجْعِی بِحَوائِجِی وَقَضائِها وَاِمْضائِها وَاِنْجاحِها

اِنّی قد نعم

بسرّکم نعم
و مُقسِم نعم

وَاَرْوَاحِهَا وَاَبْحَارِ شُئُونِي لَدَيْكُمْ وَصَلَاحِهَا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُوَدِّعٍ وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ يَسْئَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَسَعْيُهُ اِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ وَاَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ اِلَى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَخَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَدَعَةٍ وَمَهَلٍ اِلَى حِينِ الْاَجَلِ وَخَيْرِ مَصِيرٍ وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْاَزَلِ وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَدَوَامِ الْاُكُلِ وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ وَعَلٍّ وَنَهَلٍ لَا سَأَمَ مِنْهُ وَلَا مَلَلَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ اِلَى حَضْرَتِكُمْ وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَالْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ

آنگاه دو رکعت نماز زيارت بجای آور وآنچه خواهی دعا کن سيم زيارت مخصوصه معروفست که در شب بعث وروز آن بايد خواند چنانچه شيخ مفيد در مزار وابن طاوس در مصباح الزائر وشهيد اول در مزار نقل نموده اند باين طريق که چون خواستی در اين شب يا روز زيارت کنی پس بايست بر در رقّه شريفه مقابل قبر آنحضرت وبگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ

حاشیه: ۲ ابرازها نسخه — ۳ في نعيم نسخه — ۴ المقتبل نسخه

اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ عَبْدُ اللّٰهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ الطَّاهِرِينَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ

پس داخل شو وبايست نزديک قبر آنحضرت بنحوی که روی خود را بجانب قبر کرده باشی وقبله را در پشت خود قرار دهی آنگاه صد نوبت تکبير بگو وبگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ آدَمَ خَلِيفَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ رُسُلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبَاُ الْعَظِيمُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ

السلام عليك ايها المهذب الكريم السلام عليك ايها
الوصي التقي السلام عليك ايها الرضي الزكي السلا
عليك ايها البدر المضيء السلام عليك ايها الصديق
الاكبر السلام عليك ايها الفاروق الاعظم السلام عليك
ايها السراج المنير السلام عليك يا امام الهدى
السلام عليك يا علم التقى السلام عليك يا حجة الله
الكبرى السلام عليك يا خاصة الله وخالصته و
امين الله وصفوته وباب الله وحجته ومعدن حكم (حكم نسخه)
الله وسره وعيبة علم الله وخازنه وسفير الله في خلقه
اشهد انك اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف
ونهيت عن المنكر واتبعت الرسول وتلوت الكتاب
حق تلاوته وبلغت عن الله ووفيت بعهد الله وتمت
بك كلمات الله وجاهدت في الله حق جهاده ونصحت
الله ولرسوله صلى الله عليه واله وجدت بنفسك
صابرا محتسبا مجاهدا عن دين الله موقيا لرسول الله طالبا

ما عند الله راغبا فيما وعد الله ومضيت للذي كنت
عليه شهيدا وشاهدا ومشهودا فجزاك الله عن رسوله
وعن الاسلام واهله من صديق افضل الجزاء اشهد
انك كنت اول القوم اسلاما واخلصهم ايمانا واشدهم
يقينا واخوفهم لله واعظمهم عناء واحوطهم
على رسول الله صلى الله عليه واله وافضلهم مناقب و
اكثرهم سوابق وارفعهم درجة واشرفهم منزلة
واكرمهم عليه فقويت حين وهنوا ولزمت منهاج
رسول الله صلى الله عليه واله اشهد انك كنت
خليفته حقا لم تنازع برغم المنافقين وغيظ الكافرين (خليفته نسخه)
وضغن الفاسقين وقمت بالامر حين فشلوا ونطقت
حين تتعتعوا ومضيت بنور الله اذ وقفوا فمن اتبعك
فقد اهتدى كنت اقلهم كلاما واشدهم خصاما (هذا هدى نسخه)
واصوبهم منطقا واسدهم رايا واشجعهم قلبا (اقلهم خ ل)
واكثرهم يقينا واحسنهم عملا واعرفهم بالامور

كنت للمؤمنين ابا رحيما اذ صاروا عليك عيالا فحملت
اثقال ما عنه ضعفوا وحفظت ما اضاعوا ورعيت ما
اهملوا وشمرت اذ جبنوا وعلوت اذ هلعوا وصبرت
اذ جزعوا كنت على الكافرين عذابا صبا وغلظة و
غيظا وللمؤمنين غيثا وخصبا وعلما لم تفلل حجتك و
لم يزغ قلبك ولم تضعف بصيرتك ولم تجبن نفسك
كنت كالجبل لا تحركه العواصف ولا تزيله القواصف
كنت كما قال رسول الله صلى الله عليه وآله قويا في
بدنك متواضعا في نفسك عظيما عند الله كبيرا في
الارض جليلا في السماء لم يكن لاحد فيك مهمز
ولا لقائل فيك مغمز ولا لخلق فيك مطمع ولا لاحد
عندك هوادة يوجد الضعيف الذليل عندك قويا
عزيزا حتى تاخذ له بحقه والقوي العزيز عندك
ضعيفا حتى تاخذ منه الحق القريب والبعيد
عندك سواء شانك الحق والصدق والرفق و

ذليلا لانه

في ذلك صح

قولك حكم وحتم وامرك حلم وعزم ورايك علم
وجزم اعتدل بك الدين وسهل بك العسير و
اطفئت بك النيران وقوي بك الايمان وثبت بك
الاسلام وهدت مصيبتك الانام فانا لله وانا اليه
راجعون لعن الله من قتلك ولعن الله من خالفك
ولعن الله من افترى عليك ولعن الله من ظلمك وغصبك
حقك ولعن الله من بلغه ذلك فرضي به انا الى
الله منهم براء لعن الله امة خالفتك وجحدت
ولايتك وتظاهرت عليك وقتلتك وحادت
عنك وخذلتك الحمد لله الذي جعل النار مثواهم
وبئس الورد المورود اشهد لك يا ولي الله وولي
رسوله صلى الله عليه وآله بالبلاغ والاداء والنصح
واشهد انك جنب الله وبابه وانك حبيب
الله ووجهه الذي منه يؤتى وانك سبيل
الله وانك عبد الله واخو رسوله صلى الله

عليه واله اتيتك زائراً لعظيم حالك ومنزلتك
عند الله وعند رسوله متقرّباً الى الله بزيارتك
راغباً اليك في الشفاعة ابتغي بشفاعتك خلاص
نفسي متعوّذاً بك من النار هارباً من ذنوبي التي احتطبتها
على ظهري فزعاً اليك رجاء رحمة ربي اتيتك
استشفع بك يا مولاي الى الله واتقرّب بك
اليه ليقضي بك حوائجي فاشفع لي يا امير المؤمنين
الى الله فانّي عبد الله ومولاك وزائرك ولك
عند الله المقام المعلوم والجاه العظيم والشأن
الكبير والشفاعة المقبولة اللّهمّ صلّ على محمّد
وآل محمّد وصلّ على عبدك وامينك الاوفى
وعروتك الوثقى ويدك العليا وكلمتك الحسنى
وحجّتك على الورى وصدّيقك الاكبر سيّد
الاوصياء وركن الاولياء وعماد الاصفياء امير
المؤمنين ويعسوب المتّقين وقدوة الصدّيقين

وامام الصّالحين المعصوم من الزّلل والمفطوم من
الخلل والمهذّب من العيب والمطهّر من الرّيب اخي
نبيّك ووصيّ رسولك والبائت على فراشه
والمواسي له بنفسه وكاشف الكرب عن وجهه الذي
جعلته سيفاً لنبوّته ومعجزاً لرسالته ودلالة
واضحة لحجّته وحاملاً لرايته ووقاية لمهجته
وهادياً لامّته ويداً لبأسه وتاجاً لرأسه وباباً
لنصره ومفتاحاً لظفره حتّى هزم جنود الشرك
بأيدك وأباد عساكر الكفر بامرك وبذل نفسه في مرضاتك
ومرضات رسولك وجعلها وقفاً على طاعته و
مجنّاً دون نكبته حتّى فاضت نفسه صلّى الله
عليه واله في كفّه واستلب بردها ومسحه على
وجهه واعانته ملائكتك على غسله وتجهيزه
وصلّى عليه ووارى شخصه وقضى دينه و
انجز وعده ولزم عهده واحتذى مثاله وحفظ

وَصِیَّتَهُ وَحِینَ وَجَدَ اَنْصاراً نَهَضَ مُسْتَقِلّاً بِاَعْباءِ
الْخِلافَةِ مُضْطَلِعاً بِاَثْقالِ الْاِمامَةِ فَنَصَبَ رایَةَ
الْهُدی فی عِبادِکَ وَنَشَرَ ثَوْبَ الْاَمْنِ فی بِلادِکَ
وَبَسَطَ الْعَدْلَ فی بَرِیَّتِکَ وَحَکَمَ بِکِتابِکَ فی خَلیقَتِکَ
وَاَقامَ الْحُدُودَ وَقَمَعَ الْجُحُودَ وَقَوَّمَ الزَّیْغَ وَسَکَّنَ
الْغَمْرَةَ وَاَبادَ الْفَتْرَةَ وَسَدَّ الْفُرْجَةَ وَقَتَلَ النّاکِثَةَ
وَالْقاسِطَةَ وَالْمارِقَةَ وَلَمْ یَزَلْ عَلی مِنْهاجِ رَسُولِ اللّهِ
صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَوَتیرَتِهِ وَلُطْفِ شاکِلَتِهِ
وَجَمالِ سیرَتِهِ مُقْتَدِیاً بِسُنَّتِهِ مُتَعَلِّقاً بِهِمَّتِهِ
مُباشِراً لِطَریقَتِهِ وَاَمْثِلَتُهُ نُصْبُ عَیْنَیْهِ یَحْمِلُ
عِبادَکَ عَلَیْها وَیَدْعُوهُمْ اِلَیْها اِلی اَنْ خُضِبَتْ شَیْبَتُهُ
مِنْ دَمِ رَاْسِهِ اَللّهُمَّ فَکَما لَمْ یُؤْثِرْ فی طاعَتِکَ شَکّاً
عَلی یَقینٍ وَلَمْ یُشْرِکْ بِکَ طَرْفَةَ عَیْنٍ صَلِّ عَلَیْهِ
صَلوةً زاکِیَةً نامِیَةً یَلْحَقُ بِها دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فی
جَنَّتِکَ وَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِیَّةً وَسَلاماً وَآتِنا مِنْ

الانصار غ ل

وتیرته غ ل

لَدُنْکَ فی مُوالاتِهِ فَضْلاً وَاِحْساناً وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً
اِنَّکَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسیمِ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

بعد از آن قبر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار و بعد از آن روی
چپ را و روی بقبله کن و نماز زیارت بجای آور و آنچه خواهی بعد
از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح حضرت زهراء علیها السلام

اَللّهُمَّ اِنَّکَ بَشَّرْتَنی عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ وَرَسُولِکَ مُحَمَّدٍ
صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَآلِهِ فَقُلْتَ وَبَشِّرِ الَّذینَ آمَنُوا
اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ اَللّهُمَّ اِنّی مُؤْمِنٌ بِجَمیعِ
اَنْبِیائِکَ وَرُسُلِکَ صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ فَلا تَقِفْنی بَعْدَ
مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفاً تَفْضَحُنی فیهِ عَلی رُؤُسِ الْاَشْهادِ بَلْ
قِفْنی مَعَهُمْ وَتَوَفَّنی عَلَی التَّصْدیقِ بِهِمْ اَللّهُمَّ وَاَنْتَ
خَصَصْتَهُمْ بِکَرامَتِکَ وَاَمَرْتَنی بِاتِّباعِهِمْ اَللّهُمَّ وَاِنّی
عَبْدُکَ وَزائِرُکَ مُتَقَرِّباً اِلَیْکَ بِزِیارَةِ اَخی رَسُولِکَ
وَعَلی کُلِّ مَأْتِیٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اَتاهُ وَزارَهُ وَاَنْتَ
خَیْرُ مَأْتِیٍّ وَاَکْرَمُ مَزُورٍ فَاَسْئَلُکَ یا اَللّهُ یا رَحْمنُ یا
رَحیمُ یا جَوادُ یا ماجِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ

الخلاقی غ ل

يولد ولم يكن له كفواً احد ولم يتخذ صاحبة ولا ولداً
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل تحفتك اياي من
زيارتي اخا رسولك فكاك رقبتي من النار وان تجعلني
ممن يسارع في الخيرات ويدعوك رهباً ورغباً و
تجعلني لك من الخاشعين اللهم انك مننت علي
بزيارة مولاي علي بن ابيطالب و ولايته ومعرفته
فاجعلني ممن ينصره وينتصر به ومن علي بنصرك
لدينك اللهم واجعلني من شيعته وتوفني على
دينه اللهم اوجب لي من الرحمة والرضوان و
المغفرة والاحسان والرزق الواسع الحلال الطيب
ما انت اهله يا ارحم الراحمين والحمد لله رب
العالمين

پس هرگاه خواستی وداع کنی آنحضرت را پس بایست نزد قبر و بگو

السلام عليك يا تاج الاوصياء السلام عليك يا
وارث علم الانبياء السلام عليك يا راس الصديقين

السلام علیک یا امیر المؤمنین صح

السلام عليك يا باب الاحكام السلام عليك يا ركن
المقام استودعك الله واسترعيك واقرء عليك
السلام آمنا بالله وبالرسول وبما جاء به ودعا اليه
ودل عليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين
اللهم فلا تجعله آخر العهد من زيارتي اياه ولا تحرمني
ثواب من زاره واستعملني بالذي افترضت له علي و
ارزقني العود اليه فان توفيتني قبل ذلك فاني اشهد
انهم اعلام الهدى والعروة الوثقى والكلمة العليا
والحجة العظمى والنجوم العلى والعذر البالغ بينك
وبين خلقك واشهد ان من رد ذلك في اسفل درك
الجحيم اللهم واجعلني من وفده المباركين وزواره
المخلصين وشيعته الصادقين ومواليه المبانين من
وانصاره المكرمين واصحابه المؤيدين اللهم اجعلني
اكرم وافد وافضل وارد وانبل قاصد قصد الى
هذا الحرم الكريم والمقام العظيم والمنهل الجليل

الّذی اوجبت فیه غفرانك ورحمتك اللّهمّ انّی اشهدك واُشهد من حضر من ملائكتك انّ الّذی سكن هذا الرّمس وحلّ هذا الضّریح طهر مقدّس وصیّ رضیّ مرضیّ طوبی لك من تربة ضمنت كنزاً من الخیر وشهاباً من النّور وینبوع الحكمة وعیناً من الرّحمة ومبلغ الحجّة انا ابرء الی الله من قاتلك والمناصبین والمعینین علیك والمحاربین لك اللّهمّ ذلّل قلوبنا لهم بالطّاعة والمناصحة والموالاة وحسن الموازرة والتّسلیم حتّی نستكمل بذلك طاعتك ونبلغ به مرضاتك ونستوجب به ثوابك ورحمتك اللّهمّ وفّقنا لكلّ مقام محمود واقلبنی من هذا الحرم بكلّ خیر موجود یا ذا الجلال والاكرام اودّعك یا مولای یا امیرالمؤمنین وداع محزون علی فراقك لا جعله الله آخر عهدی منك ولا زیارتی لك انّه قریب مجیب والسّلام علیك ورحمة الله وبركاته

پس رو كن بسمت قبله و بلند كن دستهای خود را و بگو

اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد وابلغ عنّا الوصیّ الخلیفة والدّاعی الیك والی دارك دار السّلام صدّیقك الاكبر فی الاسلام وفاروقك بین الحقّ والباطل ونورك الظّاهر ولسانك النّاطق بامرك بالحقّ المبین وعروتك الوثقی وكلمتك العلیا ووصیّ رسولك المرتضی علم الدّین ومنار المسلمین وخاتم الوصیّین وسیّد المؤمنین علیّ بن ابی طالب امیرالمؤمنین وامام المتّقین وقائد الغرّ المحجّلین صلوة ترفع بها ذكره وتحیی بها امره وتظهر بها دعوته وتنصر بها ذرّیّته وتفلج بها حجّته وتعطیه بها نصرته اللّهمّ واجزه عنّا خیر جزاء المكرمین واعطه سؤله یا ربّ العالمین فانّا نشهد انّه قد نصح لرسولك وهدی الی سبیلك وقام بحجّتك وصدع بامرك ولم یجر فی حكمك ولم یدخل فی ظلم ولم یسع فی اثم وانّه

۲ یجز نخ

اَخُو رَسُولِكَ وَاَوَّلُ مَنْ اٰمَنَ بِهٖ وَصَدَّقَهُ وَاتَّبَعَهُ وَنَصَرَهُ وَاَنَّهُ وَصِيُّهُ وَوَارِثُ عِلْمِهٖ وَمَوْضِعُ سِرِّهٖ وَاَحَبُّ الْخَلْقِ اِلَيْهِ فَاَبْلِغْهُ عَنَّا السَّلَامَ وَرُدَّ عَلَيْنَا مِنْهُ السَّلَامَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید علامه مجلسی ره بعد از ذکر این زیارت در بحار فرموده من مطلع نشدم نه بر سند این زیارت و نه بر استحباب زیارت آنحضرت در خصوص این روز ولکن آن از مشهورات میان شیعه است و بجا آوردن اعمال حسنه در زمانهای شریفه سبب است برای زیادتی ثواب پس زیارت آنحضرت صلوات الله علیه در تمام ایام شریفه افضل است و کلام ایشان در تحفه گذشت و این فرموده از ایشان با آن انس و ممارست بکتب اخبار و مؤلفات قدماء خالی از غرابت نیست زیرا که عنوان مطلب چنان که در کتاب مزار شیخ مفید و سید بن طاوس و شیخ شهید و غیر ایشان رضوان الله علیهم با اختلاف جزئی در عبارت چنین است (باب) یا (فصل) در زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که در همه روزها و ماهها میتوان خواند بعد از ذکر آنها گویند باب یا فصل در زیارت آنحضرت که مخصوص است بماهها و روزها و ابتدا میکنند بروز غدیر آنگاه مولود و مبعث را ذکر میکنند و آنچه در مزار شهید است همان است در مصباح الزائر ابن طاوس است و آنچه در مصباح الزائر است موجود است در مزار شیخ مفید و

در این کلمات از این اعلام هر دو مطلب استفاده میشود بنحو اول استحباب زیارت آن حضرت در خصوص آن روز و ورود روایت در این باب دوم اختصاص آن زیارت معهوده بخواندن در آن روز و استفاده این دو مطلب و استکشاف ورود روایت از کلمات این اعلام ظاهرتر و محکمتر است از استفاده روایت از مجرد خواندن صفوان جمال زیارتی برای آنحضرت چنانچه گذشت زیرا که بعدی ندارد مثل صفوان که سالها ملازم رکاب حضرت صادق صلوات الله علیه بوده و از آن بحر مواج بقدر استعداد کمالاتی تحصیل نمود خود زیارتی انشاء کرده و امام خود را بآن زیارت کرده باشد مثل جابر بن عبد الله در کربلای معلی در روز اربعین اما نشود احتمال داد که عالمی مثل شیخ مفید کتابی برای کافه زوار امامیه تالیف کند و در آنجا زیارت را تقسیم کند بعضی مطلقه که هر وقت بتوان خواند و بعضی مختصه بایامی آنگاه هر یک از آن زیارت را در آن روز معین ذکر کند و با این حال نه آن زیارت ماثور باشد و نه آن روز را بجهة زیارت آن امام خصوصیتی این را با صاغر طلبه نسبت نمیتوان داد چه رسد بآن جلیل و تایید کند این سخن را خصوصا اینکه در آن زیارت ذکر شده که چنین طلب اذن کن و باین نحو بایست و بعد از زیارت بافرمنور چنین کن و بعد از نماز و تسبیح حضرت زهراء علیها السلام این دعا را بخوان چه اگر این خصوصیات وارد نشده باشد البته

از اقسام واضحه بدعت محرمه خواهد بود و نیز تایید کند مروی بودن
این را عمل تاج الفقهاء شهید اول ره در مزار که بهمان نوشته رفتار نموده
و نسبت باحدی نداده و اگر ماثور نبود البته نقل نمیکرد و اگر نقل
میکرد لابد نسبت میداد بشیخ مفید یا ابن طاوس رحمهما الله کرتابا
چنین گفتند **واما انچه** آن مرحوم و غیره را بتوهم
انداخته انست که این بزرگان زیارت مذکوره و امثال آن را نسبت بامام
نداده اند و ظاهر کلمات ایشان انست که از خود انشا کرده اند زیرا که
در اول کلام میگویند هرگاه اراده زیارت کردی چنین کن و چنین بگو
تا اخر و اگر خبر بود البته میگفتند امام علیه السلام فرموده چنین
بگو و چنین بکن مثل سایر اخباریکه نقل کنند در موارد حاجت و
رفع این توهم محتاج بذکر مقدمه ایست و آن انستکه کتبی که در باب
زیارات تالیف شده بر دو قسم است مثل کتبی که در حج نوشته شده
اول انکه غرض محدث عالم مؤلف جمع روایات وارده متعلقه بمطالب
حج است از جهه وجوب و فضیلت و شروط و اقسام و کیفیت و اداب
آن بتفصیل و این قسم کتاب غالبا بکار علما میخورد و نوع عوام چندان حظی
از ان ندارند زیرا که در ان اخبار متعارضه و متخالفه و متشابهه و معتبره
بسیار یافت میشود و غیر از عالم ماهر کسی نتواند از عهده علاج
انها برآید و تکلیف فعلی معین نماید و همین قسم هم کتاب در زیارات
تالیف شده که غرض صاحبش جمع کردن انچه از معصومین علیهم
السلام باو رسیده **دوم** انکه غرض دستور العمل دادن بمکلفین است

وغیر معتبره ۲ صح

که چون خواهند بزیارت بیت الله بروند چگونه بروند و چه کنند و چه
بگویند و در این قسم رسم این بود که بعد از تنقیح اخبار و اسقاط
مکررات تمام متون اخبار معتبره را در رشته در اورده و
چنان تالیف نمایند که ناظر در توهم افتد که از خود سخن گوید
زیرا که در اول کلام گوید که چون اراده حج کنی مثلا چنین کن و چون
بمیقات رسیدی چنین محرم شو تا اخر اعمال حج و کردنی و نگفتنی و
این قسم کتاب را مناسک حج گویند و همین قسم در زیارات نیز تالیف
کنند و ان مناسک زیارات است و در انجا دستور العمل بزایر دهند
بی ذکر اخبار فضایل یا بسیار کم و گویند چون اراده زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مثلا کردی چنین کن و چون بفلان
موضع رسیدی چنین بگو تا اخر عمل و همچنین در سایر زیارات
و این کتاب فی الحقیقة مهذب و خلاصه ان کتابست بی افزودن
چیزی و چنانچه در مناسک حج توهم نمیرود که انچه ذکر کنند
از ادعیه در مواضع مخصوصه مثل بعد از نماز احرام و در
حالات طواف و در سعی صفا و مروه و منی و عرفات و مشعر و
غیرها کلیه ان از صاحب کتاب باشد در مناسک زیارت نیز
نباید چنین توهم کرد و احتمال داد که مثل شیخ مفید ره و
امثال او از وساوس مذهب رفته از خود زیارتی انشا کنند
و ترتیب دهند و با زیارت ماثوره بی امتیاز ذکر نمایند و بخلق
گویند چنین زیارت کنید و فی الحقیقه بملاحظه از زیارات

وارده دکانی در مقابل فوائد احمدیه باز کرده باشند حاشا از این نسبت با جماعت با علو مقام و اطلاع تام و وجود اسباب و حاجت نداشتن بتالیف زیارت با وجود اینهمه زیارات وارده و مزار شیخ مفید رحمه الله از این رقم است و شاهد بر این چند چیز است اول آنکه در اخبار فضایل نیست دوم آنکه در اخبار متفرقه و مختلفه و مکرره یافت نمیشود سیم آنکه در مقام ذکر زیارت فرقی نگذاشته ما بین زیارات مأثوره و بین این رقم زیارات که توهم کرده اند که مأثور نیست هر دو قسم را باین نحو شرح داده که چون اراده زیارت کردی چنین کن تا آخر چهارم آنکه شیخ طوسی رحمه الله آنرا در کتاب تهذیب مناسک زیارات نام نهاده و در کتاب مزار فرموده (وقد ذکر الشیخ ره فی کتاب فی مناسک الزیارات ترتیبا لزیارة الحسین علیه السلام احببت ایراده علی وجهه ذکر رحمه الله اذا انتهیت الی باب المشهد فقف علیه و کبر) تا آخر زیارت آنحضرت و علی بن الحسین و شهدا و ابی الفضل علیهم السلام و وداع ایشان به تفصیلی که قریب یک جزو میشود و مزار شهید اول ره نیز همین رقم است اگر بصیر منصفی پی ببرد و آن کتب مطالعه کند بی تامل تصدیق خواهد کرد آنچه را گفتیم علاوه بر آنکه در هیچ کتابی دیده نشده تا کنون که شیخ مفید رحمه الله خود زیارتی انشاء کرده باشد و احدی از تلامذه عظام آن عالم جلیل این

نسبت را با و نداده اند با آنکه حالات و کمالات و مؤلفات ایشان را ضبط کرده اند حتی رساله دو سه ورقی را اگر از انشاء ایشان نشد نتوان بغیر امام نسبت داد چه مقام آن بزرگوار اجل از آنست که در تلو زیارات مأثوره از امام علیه السلام زیارت مؤلفه از بعضی از اهل علم را نقل کند بیک نسق و نسبت ندهند بآن شخص و ناظر را بتوهم اندازد که این هم مثل آن مأثور و مروی است و آنچه گفتیم در باره زیاراتی است که در مزار شیخ مفید و ابن طاوس و شهید قدس الله ارواحهم باشد مثل زیارت مبعث مذکور و اگر در مزار شیخ محمد بن مشهدی رحمه الله یافت شود پس محتاج باین استظهارات نیست زیرا که خواهد آمد انشاء الله تعالی که در اول مزار خود تصریح کرده که آنچه ذکر کرده از ادعیه و زیارات تمام مأثور و مروی از ائمه علیهم السلام است بتوسط روات ثقات پس برای شبهه جائی نیست

مقام دوم

در باب زیارت مطلقه آنحضرت که در هر وقت میتوان خواند مستور نماند که در مواضع متعدده و اوقات متکثره ادعیه و اوراد و اذکاری وارد شده که وقت را گنجایش برآمدن از عهده فرمان برداری آنها در آن اوقات نیست و اگر گنجایش دارد همتها از آن کوتاه تر است که در صدد امتثال آن فرامین برآید اگر

همت موجود باشد غالباً کارهای اهم متعلقه بنظم امور معاش و
معاد در پیش است که با ابتلای بانها عقلاً و شرعاً نتوان اوقات را
در غیر انها صرف نمود مثل ادعیه وارده برای تعقیبات نمازهای
واجبی و ادعیه که در بامداد و پسین باید خواند و ادعیه روز عرفه
و اعمال شبهای قدر و ادعیه و اداب وقت خواب و زیارات حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام و زیارات حضرت سید الشهداء علیه السلام
پس مؤمن فطن متقی را چاره نیست از اینکه اختیار کند در ان مواضع
از اعمال و اوراد وارده در انها انرا که اهم و اولی است بتقدیم پس
بقدر گنجایش وقت انرا بخواند و بکند که نفعش بیش و خیرش زیادتر
است و برای تحصیل و پیدا نمودن این دعا یا عمل یا زیارت در بین همه
انها از مطاوی کلمات علما و اشارات اخبار چند راه بدست میاید
اوّل انچه از علامه مجلسی رحمه الله ظاهر میشود در کتاب
مقیاس که در این مقامات بایست ملاحظه اسانید ان روایات را
کرد پس انچه سندش صحیح است باصطلاح متاخرین علما باینکه
راویان ان خبر همه عادل امامی مذهب باشند انرا اولاً اختیار باید
نمود و هکذا در مراتب دیگر خبر که در ذکر ان ممتری نیست **دوم**
انچه از بعضی کلمات سید جلیل علی بن طاوس رحمه الله ظاهر میشود
که در ان مواضع انچه در دلش افتاد که انرا بخواند یا بکند انرا بگیرد و
عمل کند و این راه مختص بامثال خود ان جلیل است که نفس خویش را
از هوای و هوس پاک و راه عبور شیاطین را بالمرّة از قلب خود مسدود

نموده پس انچه در قلب القا شود البته از ملائکه خواهد بود که او
بالهام امور خیر در قلوب این قسم از مؤمنین و مسافت میان
امثال این راه بیشتر است از مسافت بین زمین و اسمان **سیم**
انچه ظاهر میشود از خبر شریفی که شیخ طبرسی قدّه از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده و خلاصه ان انکه دوست ندارم کسی
از دنیا بیرون رود و ادبی از اداب رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم
مانده که او نکرده باشد یعنی انچه را فرموده که باید کرد و میشود
بجا اورد لامحاله در طول عمر یک مرتبه از انجای باید اورد و مقتضای
این خبر انستکه ان اعمال و اوراد و اذکار را بایست تقسیم نمود در
ان مواضع بقدر میسور و در هر وقت سهمی از ان را بجای اورده
تا در تمام عمر بعض تمام انها رسیده باشد و این راه نیز سخت بلکه
برای حاج و زایر که در عمر یکدفعه یا دو دفعه بیش نتواند حج یا
زیارت کند غیر میسر است **چهارم** انکه بحسب اختلاف حاجات
و مقاصد اختیار کند انرا که برای قضای ان حاجت معین نموده‌اند پس
انکه از کثرت گناهان هراسان است بگیرد انرا که در کردن ان وعده
مغفرت داده‌اند و انکه مدیون و پریشان است بکند انرا که در جزایش
ابواب وسعت بر رویش گشایند و انکه طالب بزرگی مقام و رفعت شان
است بجای اورد انرا که در مقام دادن مزد درهای فیوضات را
برایش باز نمایند و انکه از عدوی قهاری مضطرب و ترسان است محفوظ
شود از ان اعمال انچه او را بهتر از هزار حصن محکم و قلعه متین از شر و

کسی بشمن نگاه دارد و هکذا و این راه نیز خالی از صعوبت نیست
برای عموم مکلفین علاوه در بسیاری از اعمال که شرح از
اجزاء و خواص نشده که بتوان آنچه موافق مقصود است اختیار
نمود **پنجم** آنچه بنظر حقیر ابتهی و میتوان آنرا نسبت داد
بکافهٔ علما بجهت موافقت آن با طریقه و سیرهٔ ایشان در
عمل باحادیث اهل عصمت علیهم السلام و توضیح آن آنکه احادیث
مرویه ما معاشر امامیه اگرچه بی شمار و کتب مؤلفه در این باب بسیار
ولکن کتاب شریف کافی ثقة الاسلام کلینی قدس سره و کتاب
من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق و کتاب تهذیب شیخ طوسی ره
را امتیاز بیت تام از جهات عدیده در بین همه آن کتب و لهذا ملاذ و
مرجع کافهٔ علما متقدمین و متاخرین با اختلاف مشارب در تمام احکام
دینیه و مسائل فرعیه و غیرها از آنها بوده مگر قلیلی در بعضی
از مواضع بلی در عهد مرحوم مجلسی ره و شیخ حر کتب دیگر از مؤلفات
قدما در فن حدیث رواج گرفت و فی الجمله مرجع و ماخذ مورد بینه
شدند ولکن جون تقدم آن کتب بجای خود باقی و در مقام تعارض در
نزد همه مقدم در پارهٔ مواضع نادره بملاحظه پارهٔ امور خارجیه
و تقدم این سه کتاب خصوص کافی و من لا یحضر و لاسیما کافی اولاً از
جهة بزرگی مقام مؤلفین آنها و اتقان و ضبط ایشان است و ثانیا
بجهت اعتناء قاطبهٔ علماء از فقهاء و محدثین و اعتماد ایشان است
بر آنها و ثالثا بجهت ثقة الاسلام کلینی ره و شیخ صدوق و اسب

شهادت م

صحت تمام آنچه در کافی و من لا یحضر نقل کردند و اینکه غرض از تالیف
مجرد جمع اخبار نبود مثل سایر کتب بلکه جمع اخبار صحیحه معتمده که فضلا
بایست بآنها رجوع نمود و عمل کرد چنانچه مشروحا در خاتمه کتاب
مستدرک ذکر کردم و رابعا اتقان کافی خاصه که در ظرف بیست سال
تالیف شده در بغداد در محضر نایبهای خاصه امام عصر صلوات
الله علیه و در همان اوقات شیخ کلینی رحمه الله مؤلف آن مرجع
امور دینیه شیعه بود زیرا که نواب امام علیه السلام بظاهر مداخله
در فتوای و احکام نداشتند و بحسب عادت نشود که آن کتاب بنظر نواب
نرسیده باشد و اگر رسیده البته پسندیده و امضا نمودند و امضای
ایشان امضای امام است و غرض از این سخن نه خبر دادن است با آن
که کتاب کافی بنظر امام عصر صلوات الله علیه رسیده و آنحضرت آنرا
امضا نمودند چنانچه بعضی توهم کرده اند زیرا که تا کنون برای آن
ماخذی پیدا نشد بلکه غرض حدسیست که آنشیخ معظم قدس سره
با آن جلالت قدر و علو مقام و مرجعیت تام حتی آنکه علمای اهل
سنت او را مجدد مذهب امامیه شمردند در مأة رابعه و بآن لقب
مشهور شد باید در جمع آن کتاب راه داشتن در نهایت سهولت برای احکام
این اساس و اتقان این جامع شریف با آنکه از ایران نواب والامقام
عرضه دارد اگر در این مقام برنیاید بغایت از حذاقت دور و
حزم آن معظم بعید است و بآن مطلب سید جلیل علی بن طاوس قدس
سره در کتاب کشف المحجة اشاره فرموده و خامسا در دست بودن

ودست بهم داشتن نسخ صحیحهٔ معتمد از این سه کتاب شریف زیرا که
قریب بهزار سال است که این سه کتاب مرجع درس و تدریس و خواندن
و شنیدن و مقابله و تصحیح کردن و حاشیه و شرح نوشتن بیشتر
علمای اعلام و فقهای کرام و محدثین عظام تا قریب بعصر ما بوده و
خطوط شریفه و شهادت بر صحت و مقابله و اجازه و اذن در نقل و
روایت از آن در بسیاری از نسخ یافت میشود و عالم محتاج بنقل و
عمل بان در نهایت اطمینان خبری از آنها بیرون آورده و عمل نماید چه
هر دو شرط که یکی معلوم بودن کتاب است از تالیفات کسی که باو آنرا
نسبت میدهند و دیگری سلامتی کتاب از غلط و سقط و تحریف در
این سه کتاب موجود بخلاف سایر کتب احادیث که غالبا محل نظر
و تصحیح و مقابله نبوده و لهذا نسخ صحیحهٔ آنها بسیار کم و اختلاف نسخ یک
کتاب هم بسیار از این جهت اطمینان تام بتمام متون غالب آنها نیست
و مقام را بیش از این گنجایش سخن نیست پس مکشوف شد که در مقام دوران
میان بجا آوردن عملی که در یکی از این سه کتاب در باب آن موجود
باشد و کردن عملی که در غیر آنها باشد موافق طریقهٔ فقها و مذاق
محدثین و سلوک اعاظم رواة باید اول را اختیار نمود و اگر آن عمل در هر
سه موجود باشد البته متعین خواهد بود عمل دیگر را قابلیت مقابله
و مزاحمت و طرف بودن نیست و این قانون محکم متین منحصر باین مقام
نیست بلکه در جمیع امور دینیه از معارف و اخلاق و احکام شرعیه
و آداب احمدیه جاریست پس اگر شخصی حاجتی دارد از قضای دین یا خلاصی

از ظالم یا وسعت در رزق یا شفای از مرض یا غلبه بر دشمن دینی یا
مغفرت پروردگار یا پاک شدن نفس از رذائل خبیثه یا نورانی
شدن دل بنور صفات جمیله و رسیدن بمقامات عالیه ملجأ و پناه
خود را تا تواند سه کتاب خصوص کتاب شریف کافی قرار دهد که بحمد
الله تعالی خوان نعمت سینهٔ الهیه است که برای این امت گسترده
شده و دستور العمل رسیدن بتمام حوائج در آن موجود و باصطلاح
عوام غالب آنها بتجربهٔ بزرگان دین رسیده و تا تواند از آنها دست
نکشد که تمام خیرات در آن و همه برکات در مطاوی وی نهانست
از اینجا است که مفید طاب ثراه در اول شرح عقاید صدوق در مدح
کافی فرموده (وهو اجل کتب الشیعه) ولکن هزار افسوس که
شیطان این در رحمت و باب برکت را از غالب انام و جل عوام مسدود
نموده نان گندم سفید پاکیزه حلال پخته که حضرت منان در خوان
کرم خود برای ایشان مهیا و در محضر تمام بی زحمت طلب گسترده از دست
ایشان گرفته و بعوض در مقام گرسنگی بگدائی در خانهٔ اغیار و خصمای
ائمهٔ اطهار علیهم السلام و غیر ایشان فرستاده که بعد از تذلل و رنج
بسیار لقمه نان ارزن کهنه نپخته بچنگ آرند که جوع را سد و نه درد
را دوا کند و اگر اتفاقا حاجتی روا شود از هزارها فیوضات محروم مانده
آیا نمی بینی بسیاری از دور افتادگان از در خانهٔ امامان و پیشوایان خود
که در رحمت الهی است چون درد رسد بی افتند و ببلائی گرفتار شوند
و برای انجاح مهمی متحیر مانند ندا بدا اعتنائی بجملهٔ آثار اهل البیت

علیهم السلام اند که از ایشان جویا شوند که از برای کشف کربت و
انجام الحاجت بطریق معتبر از خانوادهٔ عصمت چه رسیده و حال
آنکه برای تمام اینها دستور العمل داده‌اند و کتاب شریف کافی شاهد در
این مقام شافی و وافی و در این جمع شده آنچه بان حاجت افتد با اینحال
در گوشه و کنار بجستجو افتند و از در افتادگان از در خانهٔ قرب الهی
جویا شود و ختمی برای قضای حاجت خود طلبد که از یونی و ابن عربی و
امثال ایشان چه رسیده و در پشت فلان کتاب از مرحوم شیخ بهائی
طاب ثراه چه نقل شده و فیل علی شاه برای این حاجت چه ختمی مقرر
نموده و چه دستور العمل داده رشته این کلام طولانی و با وضع
این رساله منافی کار خرابی و غربت دین و مهجور شدن آثار ائمه طاهرین
علیهم السلام بانجا رسیده که در حرمهای مطهره غالب عوام و خدام
والا مقام بعد از فراغ از زیارت چون خواهند دعا کنند از تمام ادعیه
ماثوره از ائمه علیهم السلام که اگر جمع شود چندین مجلد بزرگ خواهد
شد با آن مضامین عالیه و کلمات منیعه و فقرات جانسوز خصوص
ادعیهٔ صحیفهٔ کاملهٔ سجادیه صلوات الله علی مصدرها و منشیها
دست کشند و دعائیکه از بافته بعضی از صوفیه اهل سنت است از آن
خوانند و بهمان قناعت کنند اول آن دعا این است (الهی بأخصّ
صفاتک) تا آخر دعا که مضامینش خود شهادت دهد که از شیعه
امامی نیست چه رسد بامامان ایشان و در هیچ کتابی دیده نشده
نه کسی پیدا میشود که سندی کند و نه گوشی که شنیدار شود بلکه برای

سخن گفتن و موعظه کردن جز بی‌ثمر نماند و غیر این از خرابیها که از
حد و علاج گذشته پس از تمهید این مقدمه نافعه میگوئیم هر
زائر از مکان بعید یا مجاور و قبر شریف حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را زیارت میکند ناچار باید در میان همه از آن
زیارات که قریب به بیست میشود زیارتی اختیار کند البته آن را
بخواند که از مشایخ عظام در آن سه کتاب نقل کرده‌اند خصوص اگر
هر سه نقل کرده باشند و ما در اینجا دو زیارت نقل کنیم **زیارت**
اول زیارتی است مروی از حضرت امام علی نقی علیه السلام
که هر سه بزرگوار روایت کرده‌اند در کامل الزیارة جعفر بن محمد
بن قولویه ره و کتاب جامع محمد بن الحسن بن الولید ره نیز موجود است
و در کافی دو زیارت نقل کرده و این اول آنها است و در فقیه فرموده
چون رسیدی بغری یعنی نجف اشرف پس غسل کن و با آرامی و وقار
برو تا برسی نزد امیر المؤمنین صلوات الله علیه پس روی خود را
بطرف آنحضرت کن و بگو

السَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَشهَدُ اَنَّکَ اَنتَ اَوَّلُ مَظلومٍ
وَاَوَّلُ مَن غُصِبَ حَقُّهُ صَبَرتَ وَاحتَسَبتَ حَتّی
اَتاکَ الیَقینُ وَاَشهَدُ اَنَّکَ لَقیتَ اللهَ وَاَنتَ شَهیدٌ
عَذَّبَ اللهُ قاتِلَکَ بِاَنواعِ العَذابِ وَجَدَّدَ عَلَیهِ
العَذابَ جِئتُکَ عارِفاً بِحَقِّکَ مُستَبصِراً بِشَأنِکَ

معاداً بالاعدائك ومن ظلماتك الفى على ذلك ربى
ان شاء الله يا ولى الله ان لى ذنوباً كثيرة فاشفع لى عند
ربك فان لك عند الله مقاماً معلوماً وان لك عند
الله جاهاً وشفاعة وقد قال الله تعالى ولا يشفعون
الا لمن ارتضى

زيارت دوم

زيارتى است مروى در كافى و تهذيب

السلام عليك يا ولى الله السلام عليك يا حجة الله
السلام عليك يا خليفة الله السلام عليك يا عمود
الدين السلام عليك يا وارث النبيين السلام عليك
يا قسيم النار وصاحب العصا والميسم السلام عليك
يا امير المؤمنين اشهد انك كلمة التقوى وباب
الهدى والعروة الوثقى والحبل المتين والصراط
المستقيم واشهد انك حجة الله على خلقه وشاهده
على عباده وامينه على علمه وخازن سره وموضع
حكمته واخو رسوله صلى الله عليه وآله واشهد انّ

٢ منصوب

دعوتك حق وكل داعٍ منعوتٍ ٢ دونك باطل مدحوض
انت اول مظلوم واول مغصوب حقه صبرت واحتسبت
لعن الله من ظلمك وتقدم عليك وصد عنك لعناً
كثيراً يلعنهم به كل ملك مقرب وكل نبي مرسل وكل
عبد ممتحن صلى الله عليك يا امير المؤمنين وصلى الله
على روحك وبدنك اشهد انك عبد الله وامينه بلغت
ناصحاً وأديت اميناً وقتلت صديقاً ومضيت على
يقين لم تؤثر عمى على هدى ولم تمل من الحق الى الباطل
واشهد انك قد اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر واتبعت الرسول ونصحت
للامة وتلوت الكتاب حق تلاوته وجاهدت في
الله حق جهاده ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة
الحسنة حتى اتاك اليقين اشهد انك كنت على بينة
من ربك ودعوت اليه على بصيرة وبلغت ما امرت
به وقمت بحق الله غير واهن ولا موهن وصلى الله عليك

صلوة متتابعة متواصلة مترادفة يتبع بعضها بعضا لا انقطاع
لها ولا امد ولا اجل والسلام عليك ورحمة الله و
بركاته وجزاك الله من صديق خيرا عن رعيته اشهد
ان الجهاد معك جهاد وان الحق معك واليك وانت
اهله ومعدنه وميراث النبوة عندك فصلى الله عليك
وسلم تسليما وعذب الله قاتلك بانواع العذاب اتيتك
يا امير المؤمنين عارفا بحقك مستبصرا بشانك
معاديا لاعدائك مواليا لاوليائك بابي انت وامي ونفسي
اتيتك عائذا بك من نار استحقها مثلي بما جنيت على
اتيتك زائرا ابتغي بزيارتك فكاك رقبتي من النار اتيتك
هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري اتيتك وافدا
لعظيم حالك ومنزلتك عند ربي فاشفع لي عند ربك
فان لي ذنوبا كثيرة وان لك عند الله مقاما معلوما
وجاها عظيما وشانا كبيرا وشفاعة مقبولة وقد قال
الله عز وجل ولا يشفعون الا لمن ارتضى اللهم رب الارباب

شيعة

الاخبار

صريخ الاحباب اني عذت باخي رسولك معاذا ففك رقبتي
من النار امنت بالله وبما انزل اليكم واتولى اخركم
بما توليت به اولكم وكفرت بالجبت والطاغوت
واللات والعزى

مؤلف گويد

مجلسي مرحوم اين زيارت را نه در بحار نقل كرده ونه در تحفه بلكه
در بحار زيارتي طولاني از مصباح الزائر ابن طاوس رحمه الله
نقل كرده كه اين زيارت در ان مندرج است با اختلافي جزئي
وبعد از نقل اشاره كرده كه اين مقدار را كليني ره در كافي
نقل كرده والحق جاي تعجب است كه مثل ثقة الاسلام وشيخ طوسي
رحمهما الله زيارتي نقل كنند باستقلال ودر عداد زيارات
شمرده نشود وحال انكه بايد اغلب انچه نقل شده معتمد
باشد چنانچه بر اهل علم مخفي نيست

مقصد [illegible]

در چند عمل مخصوص است كه در حرم مطهر علوي بلكه در نجف اشرف
بايد بجاي اورد وان چهار چيز است اول زيارت سيد الشهدا
عليه السلام دوم زيارت حضرت ادم ونوح عليهما السلام سيم
دعاي شريف كه در عقب نماز زيارت ان حضرت وهر نماز واجب يا
مستحب كه در حرم يا بيرون حرم از صحن وخانه وغيرها كرده ميشود
مادام كه در نجف اشرف هست بايست خوانده شود چهارم دفن

بمسجد عظیم الشأن مجهول القدر چنانکه غالب زائرین بلکه شیعیان و بیرون از فیض آن محروم‌اند و آداب و عمل این مکان شریف

اما زیارت

حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه پس بدان اولاً که در تمام کتب زیارت بیان نشده که در این هفت حرم مطهر مرقد منور نبوی صلی الله علیه و آله و حرم شریف بقیع و بقعه عالیه علوی و قبه سامیه حسینی صلوات الله علیه و حرم معظم کاظمین ع و بیت رفیع عسکریین و آستانه مبارکه رضوی ع علی مشرفها الاف السلام و التحیة زیارت غیر صاحبان بقعه منوره چه یکی باشند یا متعدد مستحب باشد و زیارتی و الفاظی مخصوصه وارد شده باشد مثل زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله در حرم امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و زیارت هر دو بزرگوار در حرم ابی عبدالله ع و همچنین در سایر حرمها بالنسبه بسایر بزرگواران جز زیارت حضرت سیدالشهداء علیه السلام در حرم امیرالمؤمنین علیه السلام که در اخبار عدیده امر بان فرمودند و این نیز از جهت فضایل زیارت آنحضرتست که احصا نتوان کرد چه آن فضایل بهر درجه برسد باز بفضل زیارت پدر بزرگوارش نرسد و با اینحال زیارت آنحضرت در حرم کربلا و سایر حرمها مخصوصاً مستحب نیست و ابداً در اخبار اشاره بان ننموده‌اند و همچنین زیارت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در سایر حرمها غیر این حرم شریف پس معلوم شد که این مطلب بجهت ملاحظه امر دیگری است غیر از بزرگی و فضیلت زیارت آنحضرت و آن امر رعایت قبر سر مبارک آنحضرتست که حسب اخبار

عدیده در بالای سر قبر پدر بزرگوارش دفن شده و در قدیم الایام اثر قبر نیز ظاهر بود و از این جهتست که در اخبار عدیده محل زیارت آنحضرت را در این حرم شریف در بالای سر معین فرموده‌اند حتی زیارت عاشورای معروفه و غیر معروفه که خواهد آمد ان شاء الله و از مواضع مخصوصه این زیارت خواندن در این حرم است در آن محل پس هر کس زیارت کند حضرت سیدالشهداء علیه السلام را در این حرم در پایین پا یا در پشت سر یا در طرف بالای سر که در خط پشت سر واقع میشود زیارت وارده آن حضرت را در آنجا نکرده و قصد ورود نتواند کرد بلکه از آنجا که زیارت آنحضرت در هر محل و مکان چه دور و چه نزدیک و در هر زمان مستحب و مرغوبست البته باجر و ثواب آن خواهد رسید و لکن بآداب مخصوص وارد در این حرم مطهر عمل نشده و شیخ فقیه ره در جواهر بعد از ذکر بعضی از اخبار ابتدا و جمع بین این اخبار که دلالت میکند بر اینکه سر مبارک در اینجا دفن شده و بین آنچه از علما نقل شده که سر مبارک با جسد شریف پیوست با اینکه مدتی طولانی در اینجا مدفون بوده آنکه نقل شد بکربلا فرمود (ولا بأس بالصلوة و زیارته بمکان وضعه) و در این کلام نیز اشاره است بآنچه گفتیم شیخ کلینی ره در کافی روایت کرده از یزید بن عمرو که گفت وقتی که حضرت صادق صلوات الله علیه در حیره بود بمن فرمود آیا میخواهی بعمل آورم آنچه تو را وعده داده بودم گفتم آری یعنی رفتن بسر قبر امیرالمؤمنین صلوات الله

علیه السلام گفت پس حضرت سوار شد و اسمعیل سوار شد و من با ایشان
سوار شدم تا آنکه از ثویه که تل کوچکی است گذشت و میان حیره
و نجف نزد تلهای سفید فرود آمد پس حضرت نماز کرد و اسمعیل
نماز کرد و من هم نماز کردم پس با اسمعیل فرمود برخیز و سلام کن بر جدت
حسین ع پس گفتم فدایت شوم مگر حسین ع در کربلا نیست فرمود آری
ولکن چون سر مبارک آن حضرت را بشام بردند یکی از موالیان ما
سر را دزدید پس از آن دفن کرد در جنب امیر المؤمنین ع **و نیز**
از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت با حضرت صادق علیه السلام
بودم که گذشت به پشت کوفه پس فرود آمد و دو رکعت نماز کرد پس اندکی
راه رفتند فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند آنگاه اندکی سیر کردند
و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند آنگاه فرمود این موضع قبر امیر
المؤمنین ع و این دو موضع که در آنها نماز کردم موضع سر مبارک حسین
علیه السلام است و موضع منزل قائم علیه السلام **و کذا در**
کامل الزیارة و فرحة الغری این خبر را نقل کرده و در آن دو بجای منزل
منبر دارد و این اصح است ولکن نسخ کافی چنانست که نقل کردیم
و کذا در کامل الزیارة مرویست که حضرت صادق علیه السلام
براوی فرمود چون بنجف برسی دو قبر می بینی قبری بزرگ و قبری کوچک
اما بزرگ پس قبر امیر المؤمنین علیه السلام است و اما کوچک پس سر حسین
بن علی است **و نیز** در آنجا از یونس بن ظبیان روایت
کرده که او با حضرت صادق علیه السلام سواره بنجف رفتند و

حضرت رسید و موضع نماز گذاردند و فرمود که ای یونس بکن آنچه من
کردم پس چون فارغ شدم فرمود ای یونس میشناسی این مکان را گفتم
نه فرمود موضعی که اول در آن نماز کردم موضع قبر امیر المؤمنین ع
بود و آن بلندی دیگر موضع سر حضرت امام حسین علیه السلام
بدرستیکه عبید الله بن زیاد چون سر حضرت امام حسین علیه السلام
را بشام فرستاد آوردند بکوفه پس گفت بیرون برید این سر را از
کوفه که باعث فتنه اهلش نشود پس حقتعالی چنین کرد که نزد امیر
المؤمنین علیه السلام مدفون شد **و مجلسی** ره در بحار فرموده
و اما مدفون شدن سر حضرت امام حسین در بالای سر حضرت امیر
المؤمنین ع و استحباب زیارة آنحضرت در آن مکان بغیر آنچه سابقا ذکر
کردیم پیدا است **و سید عبد الکریم** بن طاوس رحمه الله
در فرحة الغری روایت کرده از ابی الفرج سندی که گفت من با حضرت ابی
عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام بودم از زمانی که وارد حیره
شدم پس شبی فرمود استر را زین کنید پس سوار شد و من در خدمتش
بودم تا رسیدیم به پشت کوفه پس فرود آمد و دو رکعت نماز کرد آنگاه کنار
کرد و دو رکعت نماز بجای آورد آنگاه کناره کرد و دو رکعت نماز گذارد
پس گفتم فدایت شوم دیدم در سه موضع نماز گذاردی فرمود اما
اول پس موضع قبر امیر المؤمنین علیه السلام و دوم موضع سر امام
حسین علیه السلام است و سیم موضع منبر قائم علیه السلام و
نیز بسند معتبر از مبارک خباز قریب بهمین روایت را روایت کرده

کہ او نیز با آنحضرت بآنجا رفتند پس با پسرش اسمعیل فرمود برخیز و نماز کن
نزد سر پدرت حسین علیه السلام گفتم آیا آن سر مبارک را بشام نبردند
فرمود بلی ولکن فلان که از دوستان ما بود آنرا دزدید و آورد و در اینجا
دفن کرد **و در** مزار شیخ مفید و مصباح ابن طاوس و مزار شهید
رضوان الله علیهم زیارتی طولانی روایت کرده‌اند از صفوان از حضرت
صادق علیه السلام و معروفست بزیارت وارث و در آنجا بعد از زیارت
در پیش رو چنین دارد آنگاه ضریح را ببوس و در جانب سر بایست و بگو
یا مَولایَ اِلَیکَ وُفودی الخ) آنگاه ضریح یعنی قبر را ببوس و رو کن بقبر
حسین بن علی علیهما السلام و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِاللهِ) الخ **و در** کامل الزیاره و
مصباح متهجد شیخ طوسی قدس سره مرویست از محمد بن خالد طیالسی از سیف
بن عمیره که گفت با صفوان بن مهران جمال و جماعتی از اصحاب خود
رفتیم بنجف اشرف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته
بود از حیره بمدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر امام حسین علیه السلام
و گفت زیارت کنید حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان از
بالای سر امیرالمؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین
کرد و وقتی که من در نزد آنحضرت باین مکان شریف آمدیم الخ و دور نیست
که مراد از قبر این در خبر شریف همان قبر کوچک سر مبارک حضرت باشد
که در اخبار سابقه گذشت و در آن زمان ظاهر و ممتاز بود و در مزار قدیم

در خبر زیارت عاشوراء غیر معروفه که خواهد ان شاء الله مذکور است که حضرت
صادق علیه السلام فرمود زیارت باید کرد باین زیارت حسین بن علی علیهما
السلام را در نزد سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس واضح و روشن شد
هر دو مطلب که یکی استحباب زیارت آن حضرت است در این حرم مخصوصاً
بملاحظه سر مبارک و دیگری معین بودن مکان بالاسر از سمت پیش رو
برای این عمل شریف و اما الفاظ زیارت پس از جمله زیارات است اول
زیارت عاشوراء معروفه دوم زیارت عاشوراء غیر معروفه که طولی
ندارد بجهت نبودن فقره صد لعن و سلام سیم زیارتی که خواهد
آمد در اعمال مسجد حنانه بنا بر فرموده علامه مجلسی ره در تحفه بعد از
ذکر آن که اگر همین زیارت در بالای سر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
برای زیارت سر مبارک امام حسین علیه السلام بخوانند مناسبست
چهارم زیارت معروفه متداوله که شیخ مفید و سید و شهید و غیرهم
از صفوان روایت کرده‌اند که حضرت صادق علیه السلام با او فرمود
که در اینجا آنحضرت را چنین زیارت کن

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِاللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ رَسُولِ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ اَمیرِ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یَابنَ فاطِمَةَ
الزَّهراءِ سَیِّدَةِ نِساءِ العالَمینَ اَلسَّلامُ یا اَبا الاَئِمَّةِ الهادینَ
المَهدِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صَریعَ الدَّمعَةِ السّاکِبَةِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صاحِبَ المُصیبَةِ الرّاتِبَةِ اَلسَّلامُ

عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَبَنِيكَ أَشْهَدُ لَقَدْ طَيَّبَ اللّٰهُ بِكَ التُّرَابَ وَأَوْضَحَ بِكَ الْكِتَابَ وَجَعَلَكَ وَأَبَاكَ وَجَدَّكَ وَأَخَاكَ وَأُمَّكَ وَبَنِيكَ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ يَا بْنَ الْمَيَامِينِ الْأَطْيَابِ التَّالِينَ الْكِتَابَ وَجَّهْتُ سَلَامِي إِلَيْكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْكَ وَجَعَلَ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْكَ مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكَ وَلَجَأَ إِلَيْكَ

وأمّا زیارت حضرت آدم و نوح

علیهما السّلام پس بدان اوّلا که تعظیم و توقیر هر یك از پیغمبران و اوصیا صلوات الله علیهم بر همه مکلفین لازم است عقلا و شرعا چه در زمان حیات ایشان باشند یا نباشند و احترام و اکرام ایشان در حیات و ممات فرق نکند پس اگر در زمان حضور یکی از ایشان کسی در محضر شریفش حاضر شود و سلام نکند و تحیّت نگوید البته اهانت کرده و حقیر شمرده آن رسول معظم را و کار جلّ شأنه را هم چنین بعد از وفات اگر در نزد مرقد شریفش حاضر شد البته باید چنان کند که گویا زنده و حاضر و ناظر است و چون مرقدان دو رسول معظم بحسب اخبار کثیرة در همان مرقد طیّب و طاهر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام است لهذا شایسته نیست بی سلام کردن بر ایشان از آن حرم شریف بیرون رود و الّا ادای حق لازم ایشان نشده و در اخبار نیز اشاره بدان فرموده‌اند در کامل الزیارة بسند معتبر مرویست

تعظیم ج

از مفضل بن عمر که گفت مشرّف شدم خدمت حضرت صادق علیه السّلام و عرض کردم که من مشتاق شدم بسوی غری یعنی نجف اشرف فرمود چه تو را شایق کرد بسوی او گفتم دوست دارم زیارت کنم حضرت امیر المؤمنین ع را فرمود آیا میدانی فضل زیارت آنحضرت را گفتم نه یا ابن رسول الله آن را بشناسانیدم فرمود چون اراده کنی زیارت امیر المؤمنین علیه السّلام را پس او زیارت کننده عظام آدم و بدن نوح و جسم علیّ بن ابیطالب را پس سبب دفن شدن آدم و نوح را بجا بیان فرمود آنگاه فرمود پس چون قصد کردی زیارت طرف نجف اشرف را زیارت کن عظام آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیهم السّلام را پس بدرستیکه زیارت کرده خواهی بود پدران گذشته و محمّد خاتم پیغمبران را و علی امیر المؤمنین بهترین اوصیا صلوات الله علیهم را و ثانیا محلّ زیارت این دو پیغمبر عظیم الشأن در بالای سر است در همان جا که در زیارت حضرت سیّد الشهداء علیه السّلام را باید کرد پشت بقبله و رو بایشان چنانچه در آداب زیارت معصوم ذکر کرده‌اند و در مزار شیخ مفید و مصباح سیّد و مزار شهید در زیارت دوّم که از جناب صادق علیه السّلام مرویست بعد از ذکر زیارت سیّد الشهداء علیه السّلام در بالای سر چنانچه گذشت چنین دارد (ثمّ تحوّل الی الرجلین وقل السّلام علی ابی الائمة الخ ثمّ الی عند الراس لزیارة آدم و نوح علیهما السّلام وقل فی زیارة آدم الخ) آنگاه بگرد و بیا نزد پای قبر و بگو الخ بعد از آن باز گرد و بیا نزد بالای سر آنحضرت بجهت زیارت آدم و نوح علیهما السّلام

و این کلام صریح است در آنچه گفتیم که بایست در محل زیارت بعد از شهید علیه السلام ایشان را زیارت کرد و در تمام اخبار شرحی از زیارت ایشان نشده جز در این خبر و این آنچه مرسوم شده میان عوام و خدام و بعضی از اهل علم که پشت سر و مقابل میایستند ان دو پیغمبر عظیم الشان را در حکم دعا یا و غیر مخصوصه زیارت می‌کنند علاوه بر اینکه با داب مقرره وارده عمل نکردند در تعظیم و تبجیل ایشان نهایت تقصیر را کردند و امّا اصل زیارت پس در کتب مذکوره و غیرها چنین است

زیارت آدم ع

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَةَ اللهِ فی اَرْضِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَا الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَا الْبَشَرِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ وَعَلَی الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِکَ وَذُرِّیَّتِکَ وَصَلَّی اللهُ عَلَیْکَ صَلوةً لا یُحْصیها اِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

مؤلف گوید این زیارت را از مزار شهید نقل کردیم و در مزار شیخ مفید و ابن طاوس رضی الله عنهما فقره اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبَا

الشهداء ندارد و در اول فقره آخر وَصَلَّی اللهُ عَلَیْکَ را ندارد

زیارت نوح ع

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَیْخَ الْمُرْسَلینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ فی اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَیْکَ وَعَلی رُوحِکَ وَبَدَنِکَ وَعَلَی الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِکَ وَذُرِّیَّتِکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

مؤلف گوید

در این خبر شریف امر فرمودند که برای هر یک دو رکعت نماز زیارت بکنند و از کلمات علما معلوم میشود که در این حرم مطهر مطلقا شش رکعت نماز زیارت باید کرد دو رکعت برای حضرت و چهار رکعت برای آن دو پیغمبر صلوات الله علیهم چه این زیارت مخصوصه ایشان را نخوانند یا نخوانند حتی شش رکعت که در زیارت ششم مذکور است باید به همین نحو تقسیم شود شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره دو زیارت برای آنحضرت نقل کرده و در آنها ذکری از آن دو نبی مرسل نشده و در آخر زیارت فرموده (و تصلی عنده ست رکعات و تسلم فی کل رکعتین لان فی قبره عظام آدم و جسد نوح و امیر المؤمنین علیهم السلام فمن زار قبره فقد زار آدم و نوحا و امیر

المؤمنین علیهم السلام فتصلی لکل زیارة رکعتین) . دو نزد ا
حضرت شش رکعت نماز میکنی در هر دو رکعت سلام میکویی زیرا
که در قبر انجناب عظام ادم وجسد نوح و امیر المؤمنین علیهم السلام
است پس هر که انقبر را زیارت کرد بتحقیق زیارت کرد ادم و نوح و
امیر المؤمنین علیهم السلام را پس نماز میکنی برای هر زیارت دو رکعت
و سید مزار شیخ محمد بن المشهدی در چند زیارت مطلقه و مخصوصه
تصریح کرده که نماز زیارت در این حرم شش رکعت است بهمان تفصیل
و ابن طاوس ره در مصباح الزائر بعد از ذکر زیارت ششم
معروف که در کتاب و زیارة پنجم است فرموده (ثم صلّ صلوة الزیارة
ستّ رکعات له ولآدم ونوح علیهم السلام لکلّ واحد منهم رکعتان
انگاه شش رکعت نماز کن دو رکعت برای انحضرت و برای جناب
ادم و نوح علیهما السلام هر یک دو رکعت **و شیخ** طوسی
قدّس سرّه در کتاب مصباح المتهجد بعد از ذکر زیارتی برای حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام که در ان اسمی از ادم و پیغمبر علیهما السلام
برده نشده و بعد از ذکر دو رکعت نماز زیارت با ادابش فرموده
وتقوم فتصلّی اربع رکعات تقرء فیهما بمثل ما قرأت به فی الرکعتین
ویجزیک ان تقرء انّا انزلناه فی لیلة القدر وسورة الاخلاص
ویجزیک اذا عدلت عن ذلک ما تیسّر لک من القرآن تکمل
بالاربع ستّ رکعات الاولیان منها لزیارة امیر المؤمنین صلوات
الله علیه والاربع لزیارة ادم ونوح علیهما السلام ثم تسبّح تسبیح

الزهراء علیها السلام وتستغفر لذنبک وتدعو بما بدا لک پس مجری
و چهار رکعت نماز میکنی و میخوانی در انها انچه در ان دو رکعت خواندی
یعنی سوره الرحمن و یس و کفایت میکند ترا اگر بخوانی سوره انّا
انزلناه و سوره قل هو الله و اگر از این عدول کردی کافیست ترا
که بخوانی انچه میسر شود ترا از قران و باین چهار رکعت شش رکعت
را کامل میکنی یعنی انشش رکعت زیارت مقرره در این حرم را دو از
انها برای زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و چهار دیگر
برای زیارت جناب ادم و نوح علیهما السلام انگاه تسبیح حضرت
زهراء علیها السلام را میفرستی و برای گناهان خود استغفار میکنی
و انچه میخواهی دعا میکنی و مراد از زیارت ان دو پیغمبر علیهما السلام در
این کلمات که سبب بجا اوردن نماز است یا مجرد حضور در سر مرقد
مطهر ایشان است یا با سلام مخصوص که شنیدی یا انچه بزبان زایر جاری
کردد و مسلم داشتن این از زائر مؤمن که نشود در حضور دو پیغمبر
عظیم الشان حاضر شود و سلامی نکند و ثنائی نگوید ولکن واحسن انستکه
که با این همه اهتمام و تاکید از سنن متروکه است که کمتر زائری و مجاوری
بکردن انموفق شود و بالله المستعان

و امّا عمل سیم

که خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب نماز زیارت و سایر
نمازها از واجب و مستحب را میکه در نجف اشرف مشرف اند پس
بدانکه شیخ طوسی قده در تهذیب روایت کرده از شیخ شیبین محمد بن

احمد بن داود صاحب مزار کبیر معروف که او بسند خود روایت کرده از
یونس بن ظبیان گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام
زمانیکه در حیره تشریف داشتند پس مرا با خود برد بمکانی و در آنجا
ایستاد و دستها را بلند کرد و دعائی آهسته خواند که از آن نفهمیدم
پس دو رکعت نماز کرد و در آنها بجهر سورهٔ کوچک خواند که
مرا فهمانیدند و از آن آموختند تا آخر خبر **و سید عبد
الکریم** بن طاوس طاب ثراه در فرحة الغری این خبر را بسند دیگر
نیز نقل کرده و شیخ مفید در مزار و ابن طاوس قده در مصباح الزائر بعد از ذکر
زیارت دوره بروایت صفوان فرمودند (وکلما صلیت صلوة فرضا
کانت او نفلا مدة مقامات بمشهد امیر المؤمنین ع فادع بهذا الدعا
هر وقت نماز کردی یا هرچه نماز کنی چه نماز واجب باشد چه مستحب
مدتیکه در مشهد امیر المؤمنین ع اقامه داری پس این دعا را بخوان
و دور نیست که این از تتمهٔ کلام حضرت صادق علیه السلام باشد
در روایت صفوان نه از کلام شیخ و سید چون نسخ کتب معتبره
در بعضی کلمات این دعا اختلافی داشت ما از او نسخهٔ صحیحه تهذیب
شیخ طوسی نقل کردیم الدُّعاء

اَللّٰهُمَّ لابُدَّ مِنْ اَمْرِكَ وَلابُدَّ مِنْ قَدَرِكَ وَلابُدَّ مِنْ
قَضائِكَ وَلاحَوْلَ وَلاقُوَّةَ اِلّا بِكَ اَللّٰهُمَّ فَما قَضَيْتَ
عَلَيْنا مِنْ قَضاءٍ اَوْ قَدَّرْتَ عَلَيْنا مِنْ قَدَرٍ فَاَعْطِنا مَعَهُ

صَبْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً فی رِضْوانِكَ
يَنْمی فی حَسَناتِنا وَتَفْضيلِنا وَسُؤْدَدِنا وَمَجْدِنا وَنَعْمائِنا
وَكَرامَتِنا فِی الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَلاتَنْقُصْ مِنْ حَسَناتِنا
اَللّٰهُمَّ وَما اَعْطَيْتَنا مِنْ عَطاءٍ اَوْ فَضَّلْتَنا بِهِ مِنْ
فَضيلَةٍ اَوْ اَكْرَمْتَنا بِهِ مِنْ كَرامَةٍ فَاَعْطِنا مَعَهُ
شُكْراً يَقْهَرُهُ وَيَدْمَغُهُ وَاجْعَلْهُ لَنا صاعِداً فی
رِضْوانِكَ وَحَسَناتِنا وَسُؤْدَدِنا وَشَرَفِنا وَنَعْمائِكَ
وَكَرامَتِكَ فِی الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ وَلاتَجْعَلْهُ لَنا اَشَراً
وَلابَطَراً وَلافِتْنَةً وَلامَقْتاً وَلاعَذاباً وَلاخِزْياً فِی
الدُّنْيا وَلافِی الْآخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ عَثَراتِ
اللِّسانِ وَسُوءِ الْمَقامِ وَخِفَّةِ الْميزانِ اَللّٰهُمَّ لَقِّنا
حَسَناتِنا فِی الْمَماتِ وَلاتُرِنا اَعْمالَنا عَلَيْنا حَسَراتٍ
وَلاتُخْزِنا عِنْدَ قَضائِكَ وَلاتَفْضَحْنا بِسَيِّئاتِنا يَوْمَ
نَلْقاكَ وَاجْعَلْ قُلُوبَنا تَذْكُرُكَ وَلاتَنْساكَ وَتَخْشاكَ
كَاَنَّها تَراكَ حَتّی تَلْقاكَ وَبَدِّلْ سَيِّئاتِنا حَسَناتٍ

وَاجعَل حَسَناتِنا دَرَجاتٍ وَاجعَل دَرَجاتِنا غُرُفاتٍ
وَاجعَل غُرُفاتِنا عالِياتٍ اَللّهُمَّ وَاَوسِع لِفَقيرِنا مِن سَعَتِكَ
ما قَضَيتَ عَلى نَفسِكَ وَالهُدى ما اَبقَيتَنا وَالكَرامَةَ
ما اَحيَيتَنا وَالكَرامَةَ اِذا تَوَفَّيتَنا وَالحِفظَ فيما بَقِيَ مِن
عُمرِنا وَالبَرَكَةَ فيما رَزَقتَنا وَالعَونَ عَلى ما حَمَّلتَنا وَالثَّباتَ
عَلى ما طَوَّقتَنا وَلا تُؤاخِذنا بِظُلمِنا وَلا تُعاقِبنا بِجَهلِنا
وَلا تَستَدرِجنا بِخَطيئاتِنا وَاجعَل اَحسَنَ ما نَقولُ ثابِتاً
فى قُلوبِنا وَاجعَلنا عُظَماءَ عِندَكَ اَذِلَّةً فى اَنفُسِنا وَ
انفَعنا بِما عَلَّمتَنا وَزِدنا عِلماً نافِعاً اَللّهُمَّ اِنّا نَعوذُ بِكَ مِن
قَلبٍ لا يَخشَعُ وَعَينٍ لا تَدمَعُ وَصَلوةٍ لا تُرفَعُ وَاَجِرنا مِن
سُوءِ الفِتَنِ يا وَلِيَّ الدُّنيا وَالآخِرَةِ

مؤلف گوید

این دعای شریف با این مضامین عالیه مشتمل بر مهمات امور دنیا و آخرت و اهتمام در خواندن آن در این ارض مقدسه با این کثرت چنان مهجور و متروک شده که در این طول مجاورت گاهی در حرم مطهر بگوشم نرسیده از زائری تا مجاوری بفقرات این دعا و هزارها دعای [illegible] با آن فقرات

موحشه شنیدم و خواهم شنید نیست این مگر از ضعف اسلام و رفتن غیرت از اهل ایمان و غلبهٔ جنود شیطان و رسیدن بدین حد خذلان و انتهای غایت بسوء خذلان

و اما عمل حنانه

که رفتن بمسجد حنانه باشد پس بدانکه نزدیک ارض مقدسهٔ نجف اشرف از طرف شرقی بفاصله سه هزار ذرع تقریباً مکانی است که در آن در قدیم بنائی داشت کوتاه شبیه بمیل که آن را قائم میگفتند و علم هم مینامیدند و وجه نامیده شدن آن بنا باین اسم معلوم نشده و محتملست که نشانه فرسخ بوده چه از آنجا تا شهر کوفه همین مقدار مسافت دارد و چون جنازه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در شب حرکت دادند که در تربت پاک نجف دفن شود عبور بآن بنا افتاد و بجهت تعظیم و احترام آنحضرت چون رکوع کنند کمان کج شد پس از آن حنانه نامیدند و گاهی قائم مائل میگویند و این یکجهت شرافت این محل است و جهت دیگر آنکه چون سر مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام را از کربلا بکوفه میبردند شب در این موضع گذاشتند و از این جهت در آنجا نماز و دعا و زیارت مقرر شده و عامه زوار از فیض این محل محروم بجهت نادانی و تنبیه نکردن دانایان ایشان را و بجهت قلت تردد و ندانستن بزرگی و مقام این محل شریف مهجور و متروک و خراب ماند و حال آنکه منزل اول سر مطهر حضرت ابیعبدالله علیه السلام است که از بدن مبارک جدا شد و غریب و تنها در آنجا شب را بسر برده بلکه شیخ فقها در کتاب حج جواهر الکلام بعد از ذکر

نماز دو از مقام احتمال داده که اینجا مدفن سر مبارک باشد یعنی بعضی از اجزاء شریفه آن و اشاره بمصیبت عظیمه کرده که قلم حقیر را جرئت بر نوشتن آن نیست و مؤید این احتمال است آنچه محمد بن المشهدی در مزار خود گفته

زیارة اخری له صلوات الله علیه یزار بها فی کل یوم و فی کل شهر و یزار بها ایضا

عند القائم الغری فقد جاء فی الاثر ان راس الحسین علیه السلام هناک) زیارت دیگری برای آنحضرت که در هر روز و در هر ماه با آن زیارت کرده میشود و نیز آن حضرت را با آن زیارت کنند در قائم که در نجف است پس بتحقیق که در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین علیه السلام انجا است و ظاهر این خبر دفن در انجا است اگر چه لعله در بحار احتمال داده که در اصل نسخه وضع هناک بوده چنانچه گذشت که در انجا گذاشتند بهر حال این محل باین شرافت اگر در هر بلاد بعیده بود دوستان و موالیان که از شوق و محبت هر ساله الاف و الوف در راه آنحضرت صرف میکنند بقدر مقدور در تعظیم و تبجیل این محل میکوشیدند و در بناء و عمارت و زینت آن و عبادت در آن مجهود خود را صرف مینمودند خانه موجوده در پشت مسجد کوفه که از انسبت میدهند بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام و تا حال در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی را و سندی هر چند بسیار ضعیف باشد برای این نسبت ذکر نشده با انجا بازار شرف و رواج و جزو مناسک زوار و هر چند بی خردان در کیفیت صرف وجوه بریه مبلغی در آن صرف کنند و این محل عظیم القدر مطاف زوار و نه مورد صرف وجوه بر و نه معبد طالبین خیر فتور بسیاری

جابره در قرب همین مسجد شریف با بناهای عالیه و قباب منیعه و شموع معلقه ولی این مسجد چنین خراب و ویران و بی خادم و گویا روشنائی چراغ را تا کنون در شب ندیده اند پس تا روز جزا در نزد مالک یوم الدین چه شکایتها کنند و از مصلی حضرت جبار منتقم چه حکم در آید و اما اعمال وارده برای این مسجد شریف پس چند چیز است اول دو رکعت نماز شیخ مفید در مزار و سید جلیل در مصباح و شهید اول در مزار روایت کرده اند از مفضل بن عمر گفت گذشت حضرت امام جعفر صادق ع بقائم مائل در راه غری یعنی آن علمی که کج شده بود بجهت جنازه حضرت پس دو رکعت نماز کرد پس بآنحضرت عرض کردند این چه نمازی است فرمود این موضع سر جدم حسین بن علی علیهما السلام است که آنرا در اینجا گذاشتند چون از کربلا آمدند آنگاه آنرا بنزد عبید الله بن زیاد بردند دوم خواندن این دعا چنانچه در کتب مزبوره از صفوان جمال روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام باو فرمودند چون بعلم یعنی جنازه رسیدی بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرىٰ مَكانى وَتَسْمَعُ كَلامى وَلا يَخْفىٰ عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ اَمْرى وَكَيْفَ يَخْفىٰ عَلَيْكَ ما اَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبارِئُهُ وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعاً بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَمُتَوَسِّلاً بِوَصِيِّ رَسُولِكَ فَاَسْئَلُكَ بِهِما ثَباتَ الْقَدَمِ وَالْهُدىٰ وَالْمَغْفِرَةَ فِى الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ

سیم شیخ محمد بن المشهدی قده در مزار خود روایت کرده که حضرت امام حسین علیه السلام را حضرت صادق علیه السلام در مسجد حنانه چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز کرد و زیارت این است

السلام علیک یا بن رسول الله السلام علیک یا بن امیر المؤمنین السلام علیک یا بن الصدیقة الطاهرة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا مولای یا ابا عبد الله ورحمة الله وبرکاته اشهد انک قد اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر وتلوت الکتاب حق تلاوته وجاهدت فی الله حق جهاده وصبرت علی الاذی فی جنبه محتسبا حتی اتیک الیقین واشهد ان الذین خالفوک وحاربوک وان الذین خذلوک والذین قتلوک ملعونون علی لسان النبی الامی وقد خاب من افتری لعن الله الظالمین لکم من الاولین والاخرین وضاعف علیهم العذاب الالیم اتیتک یا مولای یا بن رسول الله عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا لاعدائک مستبصرا

بالهدی الذی انت علیه عارفا بضلالة من خالفک فاشفع لی عند ربک

مؤلف گوید

نزدیک مسجد حنانه از طرف مشرق تل کوچکی است که از او ثویه میگویند در قدیم محل معروفی بود و آبی داشت و در انجا جمعی از بزرگان اصحاب حضرت امیر المؤمنین مدفونند که یکی از انها کمیل است که قبرش ظاهر و از ما بقی اثری نیست و کانم رشید هجری که جلالت قدرش خیلی از کمیل بالاتر است در انجا باشد و احنف بن قیس معروف که در حلم با و مثل زنند نیز در انجا است بلکه جبار عنید زیاد پدر عبید الله و مغیره نیز در انجا باشند پس زائر چون بانجا رسید اولا دو رکعت نماز کند چنانچه صفوان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که با و فرمودند چنین کند و ثانیا این دعا را بخواند الحمد لله علی ما اختصنی به من طیب المولد واستخلصنی اکراما به من موالاة الابرار السفرة الاطهار والخیرة الاعلام اللهم فتقبل سعیی الیک وتضرعی بین یدیک واغفر لی الذنوب التی لا تخفی علیک انک الملک الغفار چنانچه در همان روایت مذکور است و ثالثا سلام کند بر همه اصحاب حضرت که در انجا مدفونند و انچه تواند بخواند از سور و ایات قران که معروف است خواندن ان برای اهل قبور مثل سوره یس و حمد و یازده مرتبه قل هو الله احد و هفت مرتبه انا انزلنا وایة الکرسی همه را شریک کند و از فیض همه بهره مند شود و بسوی ارواح مقدسه ایشان متقرب شود بمولای ایشان و مولای هر مؤمن

و مومنه امیرالمؤمنین ع و را لعنا مناسبست که از ان ظالم جبار عنید
زیاد یاد کند و از انچه بشیعیان خاص انحضرت کرد از انواع ظلم و
اذیت و قتل و دار کشیدن و میل اهنی گداخته در چشمان کشیدن
بلکه سب کردن حضرت و جمع کردن مردم در مسجد برای این عمل منکر کرد
همان روز بمقصود نرسید و بطاعون مبتلا و دنیا را از لوث وجود خود پاک
نمود و غیر اینها بخاطر ارد و تا تواند دهانرا بلعن او پاک و پاکیزه و خوشبو
و معطر کند تمام شد انچه مقصود بود از ذکر مختصر از مناسک زایر در
نجف اشرف **واما اعمال مسجد کوفه** و سهله پس
برساله سلامة المرصاد حقیر رجوع کنند که وافی و کافی است

فصل در ذکر شرح زیارت مخصوصه و مطلقه

حضرت ابی عبدالله الحسین ع و غیرها و در ان چند مقام است

مقام اول که ذکر

اعتبار زیارات مخصوصه انحضرت و ان هشت است اول رجب و
نیمه ان و نیمه شعبان و لیالی قدر و عید فطر و عرفه و عاشورا و اربعین یعنی
پس در ان سخنی نیست زیرا که علماء اعلام در کتب معتمد باسانید
معتبره انرا روایت کردند و اما شش زیارت دیگر پس فی الجمله
محل تامل و شبهه شد برای بعضی از اهل علم بجهت نسبت ندادن
انها را علما بامام علیه السلام در کتب مزار چنانچه سابقا از مجلسی
رحمه الله نقل نمودیم و اینکه در کتاب تحفه نقل نکرده بهمین جهت

جز زیارت را باذکر شبهه در ان و ما در سابق وجهی اجمالی برای اعتبار تمام
انها و صحت نسبت بامام ذکر نمودیم و حال نیز دو وجه دیگر برای
اعتبار تمام یا جمله از انها ذکر میکنیم با قراین خاصه برای هریک از انها
که انشاء الله تعالی بعد از تامل در انها شبهه نماند و باطمینان توان نسبت داد
انها را بامام علیه السلام پس میگوییم وجه اول انکه شیخ جلیل محمد بن
المشهدی ره در اول مزار خود فرموده (وبعد فانی جمعت فی کتابی
هذا من فنون الزیارات فی المشاهد وما ورد فی الترغیب فی المساجد
المبارکات والادعیة المختارات و ما یدعی به عقیب الصلوات و ما یناجی
به القدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات و ما یلجأ الیه من
الادعیة عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الرواة الی السادات)
من در این کتاب جمع نمودم از فنون زیارات و انچه رسیده در ترغیب در مساجد
مبارکه و دعاهای برگزیده و انچه در عقب نمازها خوانده میشود و
دعاهای لذیذ که بان با حضرت باری تعالی مناجاة باید کرد و دعاهای
که بان پناه باید برد در نزد امور مهمه از روایات و اخبار یکه بتوسط
راویان عادل بما رسیده تا ائمه انام علیهم السلام یعنی انکه برای من
انها را نقل کرده امامی عادل بود و انکه برای او نقل کرده نیز چنین بود و
هکذا تا برسد بامام علیه السلام پس انچه ذکر شود در این کتاب از
زیارات و دعوات تمام انها مرویست از معصوم علیه السلام بسند صحیح
باصطلاح متاخرین ولا اقل بسند معتبر خواهد بود و از این عبارت
حال ادعیه معروفه مقامات شریفه مسجد کوفه معلوم میشود که تمام

اینها بسند معتبر مروی نیست زیرا که تمام اینها را در این مزار نقل فرموده پس هر زیارت
مخصوصه که از این مزار نقل کنیم مروی و معتبر خواهد بود وجه دوم آنکه
آن عالم جلیل شیخ ابرهیم کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین در اعمال
شهر ربیع الاول بعد از ذکر بعضی اخبار وارده در ثواب زیارت کردن
حضرت ابیعبدالله علیه السلام در هر ماه فرموده (قلت فلهذین
الحدیثین اوردنا فی کتابنا هذا للحسین علیه السلام فی اول کل شهر
زیارة مفردة الا ان یکون فی الشهر زیارة موظفة فیکتفی بذکرها)
انتهی یعنی بجهت این دو حدیث که در استحباب زیارت آنحضرت در
هر ماه وارد شده من در اول هر ماه زیارت مفرده در این کتاب نقل
کردم یعنی از زیارات مأثوره مطلقه مگر آنکه در آن ماه زیارت موظفه
داشته باشد که من اکتفا میکنم بذکر آن و در ماه رجب و شعبان و رمضان
و شوال و ذی الحجه همان زیارات مخصوصه معهوده را نقل کرده و
موظف شدن عملی برای وقتی جز بدستور العمل شرع و رسیدن از
ائمه علیهم السلام نشود و در نزد آن مرحوم بعضی کتب مزار معتبره
قدیمه بود که حال از آنها نشانی نیست

وجه سیم

واما قرائن و شواهد خاصه پس از این قرار است اول رجب سید جلیل
علی بن طاوس قدس سره در کتاب مصباح الزائر بعد از ذکر ثواب زیارت
در آن فرموده شرح زیارته فی ذلک الیوم وزیارته بها لیلة نصف من
شعبان ایضا اذا اردت ذلک الخ آنگاه در فصل فضل زیارت
آنحضرت در نیمه شعبان فرموده (واما الزیارة فی هذه اللیلة

فقد روی انه یزار فیها بالزیارة التی قدمناها فی اول رجب فتؤخذ من هناک)
حاصل فرموده در فصل زیارت مخصوصه اول رجب آنکه باین زیارت در
شب نیمه شعبان نیز زیارت کنند آنحضرت را و در فصل زیارت نیمه شعبان
فرموده واما زیارت در این شب یعنی مخصوصه آن پس بتحقیق که روایت شده
که آن حضرت را زیارت کنند در آن شب بآن زیارتی که در اول رجب ذکر کردیم
پس از آنجا بگیرند و زیارت کنند و این کلام صریح است در اینکه الفاظ این
زیارت واختصاص آن باین دو وقت هر دو مرویست و نیز در کتاب اقبال
در اعمال نیمه شعبان فرموده

فصل

فیما نذکره من لفظ زیارة
الحسین علیه السلام فی نصف شعبان اقول ان هذه الزیارات
مما یزار بها الحسین ع اول رجب ایضا وانما اخرنا ذکرها فی هذه اللیلة
لانها اعظم فذکرناها فی الاشرف من المکان) این زیارتیکه ذکر میشود
آن زیارتیست که حضرت را در اول رجب بآن زیارت کرده میشود
وما این زیارت را در اول رجب ذکر نکردیم و در اینجا ذکر کردیم بجهت بزرگی
قدر و منزلت شب نیمه شعبان پس آن را در محل اشرف ذکر نمودیم و این
کلام در صراحت مثل کلام سابق است و نیز در مصباح بعد از ذکر
زیارت آنحضرت در اول رجب و زیارت شهدا که اسامی ایشان در آن مذکور است
فرموده (قد تقدم عدد الشهداء فی زیارة عاشورا بروایة تخالف
فی هذا المکان و تختلف فی اسمائهم ایضا فی الزیادة والنقصان و ینبغی
ان تعرف ایدک الله جل جلاله بتقواه اننا تبعنا فی ذلک ما رأیناه ورویناه
ونقلنا فی کل موضع کما وجدناه) گذشت عدد شهداء در زیارت عاشورا

ما سطرناه ع

یعنی زیارت ناحیه مقدسه که متضمن است اسامی شهدا را بروایتی که مخالف است
در عدد با انچه در اینجا ذکر کردیم و در اسامی ایشان نیز با هم مخالفت دارند
و بدانکه ما در نقل متابعت نمودیم انچه را که روایت کردیم با ما اذن
داده‌اند که ان را روایت کنیم با انچه را که در کتابی دیدیم و سندی بصاحب انکتاب
نداریم در هر موضع انچه یافتیم نقل نمودیم و واضح است که اگر این زیارت
مرویه بلکه سندش معتبر بود جای معارضه انداختن ان با زیارت ناحیه
مقدسه و عذر خواستن نداشت و نیز مصباح بعد از ذکر زیارت حضرت در فضیلت
در نیمه رجب فرموده **فاما کیفیة زیارته علیه السلام فی هذا الوقت**
فینبغی ان یزار بالزیارة الجامعة فی ایام رجب او بما تقدم من الزیارات المنقولة
فانی لم اقف علی زیارة مختصة بهذا الوقت المذکور) در نیمه رجب سزاوار
است که انحضرت را زیارت کنند بزیارت جامعه رجبیه یا ببعضی از
زیارات منقوله که گذشت زیرا که واقف نشدیم بر زیارتیکه اختصاص
داشته باشد باین وقت و این کلام صریح است در اینکه انچه ذکر کرد
از زیارات مخصوصه در غیر نیمه رجب تمام مروی و مقدم است
بر زیارت مطلقه در ان اوقات اگر زائر یافت انها را و اگر دستش بانها
نرسید پس انگاه یکی از زیارات مطلقه را بخواند و ظاهر امر از
شیخ مفید ره در نزد سید نبود و الا نمیفرمود نیافتم **نیمه رجب**
این زیارت را شیخ مفید و شهید اول ره نقل کرده اند و عبارت مزار شیخ
مفید چنین است (من الزیارات المخصوصة زیارة النصف من رجب
تسمی بالغفیلة فاذا اردت ذلک الخ) و شهید فرموده از زیارات

مخصوصه زیارت غفیله است و از در نصف ماه رجب است پس هرگاه خواستی
که در انوقت زیارت کنی الخ و غفیله اگر اسم این الفاظ زیارت باشد
نشود که غیر مروی باشد چه نشود زیارت تالیف شده دیگران را
علماء اسم گذارند انگاه مثل این دو عالم جلیل در مقام فضل ان زیارات
اسم یاد کنند انرا برای این وقت معین نمایند و لکن محتمل است که اسم
اصل این زیارت مخصوصه باشد یعنی زیارت در نیمه رجب هر
زیارتیکه باشد انرا غفیله گویند بهر حال این زیارت بعینها همان
زیارت جابر بن عبد الله است در روز اربعین با اختلاف جزئی
در زیاده و نقصان و غیر ان که میشود از اختلاف نسخ باشد و اختصاص
دادن این دو بزرگوار انرا باین وقت نشود مگر از روی نص صریح و شاهد صحیح

چنانچه در متامل **نیمه شعبان** منصف پوشیده نیست

گذشت تصریح سید جلیل ابن طاوس که زیارت مخصوصه دارد مرویست
و اینکه این زیارتیست که در اول رجب باید خواند علاوه بر انکه شیخ مفید
و شهید ره نیز هر دو وارد ان زیارت شریک کردند و عبارة شیخ ره
این است (زیارة اول یوم من رجب و لیلة النصف من شعبان فاذا اردت
ذلک الخ) و شهید ره در مزار نیمه رجب را نیز بازد و ملحق نموده و این
گونه کلمات با مروی بودن زیارت از بیست تر بین اهل علم شایسته نیست چه

رسد باکابر دین **لیالی قدر** و در وسط ملت

در مصباح الزائر فرموده شرح الزیارة و هی مختصة بهذه اللیلة و یزار
بها فی العیدین اذا اردت ذلک الخ این زیارت مختصر است بهمین شب و

ولیلة م ۲

در شب عید فطر و اضحی نیز باید زیارت حضرت را زیارت کنند و محمد بن المشهدی
در مزار فرموده   زیارة الحسین بن علی علیهما السلام ایضا مختصر
یزار بها فی لیلة القدر و فی العیدین و الاسناد عن ابی عبد الله الصادق
جعفر بن محمد علیهما السلام اذا اردت زیارة الحسین بن علی علیهما السلام
الخ   زیارة مختصر است برای آنحضرت که باید در شب قدر و عیدین
زیارة کرده میشود و این کلام صریح است در اینکه در صدد این خبر
که از حضرت صادق علیه السلام مسندا نقل کرده باید از آن
یا در خبر دیگر تصریح باختصاص شده و الا چگونه میشود عالمی
زیارت مرویه مطلقه را نقل کند و از خود اختصاص دهد آن را بزمان
معینی و نیز شیخ مفید و شهید اول رحمهما الله آنرا برای این اوقات
معین کرده اند و علامه مجلسی در بحار و تحفه فرموده از خبر که
محمد بن المشهدی ره نقل کرده ظاهر میشود که این زیارت مطلقه است
و اختصاص بازمانها ندارد و با این جمود با تصریحات اعلام
مثل ایشان بعید است **عید فطر و عید اضحی** سید جلیل
علی بن طاوس قدس سره در کتاب اقبال در ضمن اعمال شب فطر فرموده
و منها زیارة الحسین علیه السلام فی لیلة عید الفطر و قد ذکرنا فی
الجزء الثانی من کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر بعض فضلها و
ما اخترناه من الروایة الفاظ الزیارة المختصة فان لم یکن کتابنا عنده
موجودا فی مثل هذا المیقات فلیزر الحسین علیه افضل السلام و الصلوات
بغیر تلک الزیارة من الزیارات المرویات فان لم یجد زیارة من المنقولات

فلیزره علیه السلام بما ینبغی له الله جل جلاله علیه من التعظیم و التسلیم
له و الثناء علیه و الاعتراف له علیه السلام بما منه و البرائة من اهل
عداوته و التوسل الی الله جل جلاله بشریف مقاماته فی قضاء ما یعرض
من حاجاته   از اعمال شب فطر زیارت حسین علیه السلام است و ما در جزء
دوم کتاب مصباح الزائر بعضی از فضائل و الفاظ زیارت مختصه بآن که
از روایات اختیار کردیم ذکر نمودیم پس اگر در آنوقت مصباح نزد او نباشد
آنحضرت را بیکی از زیارات مرویه زیارت کند و اگر از زیارات منقوله
چیزی نیافت پس زیارت کند آنحضرت را بآنچه خدا تعالی بر زبانش جاری
کند از سلام و تعظیم و ثنا بر جنابش و اعتراف بامامتش و بیزاری از
دشمنانش و متوسل شود بمقامات شریفه اش بجهت برآورده شدن
حاجاتی که دارد و در این کلمات بالصراحة خبر داده اند که زیارت مخصوصه
عیدین مرویست و با وجود آن زیارت خواندن نیز مقدم است بر خواندن
زیارات مطلقه مرویه و این نشود مگر با نهایت اطمینان و وثوق بودن
آن از اهل عصمت علیهم السلام   **و نیز در اقبال** در اعمال روز
عید قربان فرموده   و اما الفاظ ما نذکره فی هذا الیوم فی زیارته علیه السلام
فقد ذکرنا فی کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر زیارتین تختصان
بهذا المیقات و لیس هذا الکتاب مما نقصد به الزیارات فان وجد تلک
الزیارتین و الا فزر الحسین علیه السلام لیلة الاضحی و یوم الاضحی بما
ذکرناه فی هذا الکتاب من الزیارة لیوم عرفة   و اما الفاظ مخصوصه که
از آنحضرت وارد در این روز بایست زیارة کرد پس دو زیارة است که

مختص است باین روز و در مصباح الزائر نقل کردیم و چون این کتاب برای ذکر زیارت
نبود از ذکر نکردیم پس اگر از روز زیارت مخصوصه را یافت پس باز زیارت
کند حضرت را در شب و روز قربان و الا زیارت کند بزیارتی که در اعمال
روز عرفه گذشت و این کلام نیز در افاده هر دو مطلب مثل کلام سابق نیست

روز عرفه ایضاً سید جلیل مقدم در اقبال

در اعمال روز عرفه فرموده — **فصل** — فی ما نذکره من الفاظ الزیارة
المختصة بالحسین علیه السلام یوم عرفة اعلم انه سیأتی فی بعض ما نذکره
من الدعوات یوم عرفة زیارة النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الائمة
علیهم افضل الصلوات و انما نذکر فی هذا الفصل زیارة تختص بهذا
الیوم غیر داخلة فی دعواته   در این فصل ذکر میکنیم زیارتی که مختص
بآنحضرت است در روز عرفه و خواهد آمد در ضمن دعاهائی که برای روز
عرفه ذکر میکنیم زیارتی برای پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
و لیکن در اینجا ذکر میکنیم زیارتی که مختص است باین روز و داخل نیست در
این دعاها و دلالت این کلام نیز بر ما نحن فیه بودن آن از ائمه انام علیهم السلم
بر هیچ متاملی مخفی نیست و شیخ مفید و شهید ره نیز تصریح فرموده اند
که این زیارت مختص است باین روز و در مزار محمد بن المشهدی ره مذکور
است   زیارة ابی عبدالله علیه السلام فی یوم عرفة و من لم یمکنه حضور الموقف
للحج و قدر علی اتیان قبر الحسین علیه السلام یوم عرفة فلیحضر   آنگاه زیارت را
نقل کرده و گذشت که آنچه در این کتاب ذکر کرده تمام مروی و بطریق ثقات باو

رسیده و شاید متتبع بیش از این شواهد بدست آورده

مقام دوم اول رجب

در ذکر الفاظ زیارات مخصوصه بازاء اوقات شریفه
شیخ مفید و علی بن طاوس قدس سرهما تصریح نمودند که این زیارت برای روز
اول رجب و شب نیمه شعبان است و لکن شهید اول در مزار فرموده ذکر
زیارتهای مخصوصه بابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزها و
ماهها و آنچه متعلق است باین زیارتها از گفتن و کردن از جمله زیارتها
زیارت روز اول ماه رجب است و شب آن روز و شب نصف ماه رجب که
شب عفیله گویند و روز آن و شب نصف شعبان و روز آن پس هر گاه خواهی
الخ بفرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و مخفی نماند که در اصل
زیارت حضرت متفق اند و لکن شیخ مفید رحمه الله زیارت علی بن الحسین و
شهداء را ذکر نموده مخالف آنچه ابن طاوس رحمه الله در مصباح و اقبال
نقل کرده و شهید رحمه الله در مزار هر دو را جمع کرده و ما نیز چنین کنیم

بسم الله الرحمن الرحیم

هر گاه خواهی زیارت کنی ابا عبدالله الحسین علیه السلام را در آن اوقات
که گفته شد غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بایست
بر در قبه آنحضرت رو بقبله و سلام بفرست بر انبیاء و رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم و بر امیر المؤمنین علی علیه السلام و بر
فاطمه صلوات الله علیها و بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام
و بر باقی ائمه صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از آن داخل شو و بایست
نزد قبر آنحضرت و صد بار بگو الله اکبر و بگو

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن خاتم
النبيين السلام عليك يا ابن سيد المرسلين السلام عليك
يا ابن سيد الوصيين السلام عليك يا ابا عبد الله السلام
عليك يا حسين بن علي السلام عليك يا ابن فاطمة سيدة
نساء العالمين السلام عليك يا ولي الله وابن وليه
السلام عليك يا صفي الله وابن صفيه السلام عليك
يا حجة الله وابن حجته السلام عليك يا حبيب الله وابن
حبيبه السلام عليك يا سفير الله وابن سفيره السلام
عليك يا خازن الكتاب المسطور السلام عليك يا وارث
التورية والانجيل والزبور السلام عليك يا امين
الرحمن السلام عليك يا شريك القرآن السلام عليك
يا عمود الدين السلام عليك يا باب حكمة رب العالمين
السلام عليك يا باب حطة الذي من دخله كان من
الامنين السلام عليك يا عيبة علم الله السلام
عليك يا موضع سر الله السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره

والوتر الموتور السلام عليك وعلى الارواح التي حلت
بفنائك وأناخت برحلك بابي انت وامي ونفسي يا ابا عبد
الله لقد عظمت المصيبة وجلت الرزية بك علينا
وعلى جميع اهل الاسلام فلعن الله امة اسست اساس
الظلم والجور عليكم اهل البيت ولعن الله امة دفعتكم
عن مقامكم وازالتكم عن مراتبكم التي رتبكم الله فيها
بابي انت وامي ونفسي يا ابا عبد الله اشهد لقد اقشعرت
لدمائكم اظلة العرش مع اظلة الخلائق وبكتكم السماء
والارض وسكان الجنان والبر والبحر صلى الله عليك
عدد ما في علم الله لبيك داعي الله ان كان لم يجبك بدني
عند استغاثتك ولساني عند استنصارك فقد اجابك
قلبي وسمعي وبصري سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا
اشهد انك طهر طاهر مطهر طهرت وطهرت بك
البلاد وطهرت ارض انت بها وطهر حرمك اشهد انك
قد امرت بالقسط والعدل ودعوت اليهما وانك صادق

صِدّیقٌ صَدَقتَ فیما دَعَوتَ اِلَیهِ وَاَنَّکَ ثارُ اللهِ فِی الاَرضِ وَاَشهَدُ اَنَّکَ قَد بَلَّغتَ عَنِ اللهِ وَعَن جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ وَعَن اَبیکَ اَمیرِ المُؤمِنینَ وَعَن اَخیکَ الحَسَنِ وَنَصَحتَ وَجاهَدتَ فی سَبیلِ اللهِ وَعَبَدتَهُ مُخلِصاً حَتّی اَتیکَ الیَقینُ فَجَزاکَ اللهُ خَیرَ جَزاءِ السّابِقینَ وَصَلَّی اللهُ عَلَیکَ وَسَلَّمَ تَسلیماً اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَی الحُسَینِ المَظلُومِ الشَّهیدِ قَتیلِ العَبَراتِ وَاَسیرِ الکُرُباتِ صَلوةً نامِیَةً زاکِیَةً مُبارَکَةً یَصعَدُ اَوَّلُها وَلا یَنفَدُ آخِرُها اَفضَلَ ما صَلَّیتَ عَلی اَحَدٍ مِن اَولادِ اَنبِیائِکَ المُرسَلینَ یا اِلهَ العالَمینَ

آنگاه قبر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار بعد از آن روی چپ را آنگاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب قبر را ببوس شیخ مفید طاب ثراه فرموده آنگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین ع و بایست نزد قبر آنجناب و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الطَّیِّبُ الزَّکِیُّ الحَبیبُ المُقَرَّبُ وَابنُ رَیحانَةِ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ مِن شَهیدٍ مُحتَسِبٍ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ ما اَکرَمَ مَقامَکَ وَاَشرَفَ مُنقَلَبَکَ

اَشهَدُ لَقَد شَکَرَ اللهُ سَعیَکَ وَاَجزَلَ ثَوابَکَ وَاَلحَقَکَ بِالذِّروَةِ العالِیَةِ حَیثُ الشَّرَفُ کُلُّ الشَّرَفِ وَفِی الغُرَفِ السّامِیَةِ کَما مَنَّ عَلَیکَ مِن قَبلُ وَجَعَلَکَ مِن اَهلِ البَیتِ الَّذینَ اَذهَبَ اللهُ عَنهُمُ الرِّجسَ وَطَهَّرَهُم تَطهیراً صَلَواتُ اللهِ عَلَیکَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَرِضوانُهُ فَاشفَع اَیُّهَا السَّیِّدُ الطّاهِرُ اِلی رَبِّکَ فی حَطِّ الاَثقالِ عَن ظَهری وَتَخفیفِها عَنّی وَارحَم ذُلّی وَخُضُوعی لِلّهِ وَلِلسَّیِّدِ اَبیکَ صَلَّی اللهُ عَلَیکُما

بعد از آن بیفت بر قبر و بگو

زادَ اللهُ فی شَرَفِکُم فِی الآخِرَةِ کَما شَرَّفَکُم فِی الدُّنیا وَاَسعَدَکُم کَما اَسعَدَ بِکُم وَاَشهَدُ اَنَّکُم اَعلامُ الدّینِ وَنُجُومُ العالَمینَ وَالسَّلامُ عَلَیکُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

بعد از آن رو کن بسوی شهداء و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیکُم یا اَنصارَ اللهِ وَاَنصارَ رَسُولِهِ وَاَنصارَ عَلِیِّ بنِ اَبی طالِبٍ وَاَنصارَ فاطِمَةَ وَاَنصارَ الحَسَنِ وَالحُسَینِ وَاَنصارَ الاِسلامِ اَشهَدُ اَنَّکُم لَقَد نَصَحتُم لِلّهِ وَجاهَدتُم فی

بسبیله فجزاکم الله عن الاسلام واهله افضل الجزاء فزتم
والله فوزا عظیما یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا عظیما
اشهد انکم احیاء عند ربکم ترزقون واشهد انکم
الشهداء السعداء وانکم الفائزون فی الدرجات العلی
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

من الاسلام

بعد از ان یاد کرد و بیا نزدیک سر مبارک انحضرت و نماز زیارت بکن و دعا کن
برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن و سید جلیل علی بن طاوس در
کتاب اقبال و مصباح بعد از ذکر زیارت حضرت و گذاردن روی را و بر
قبر و بوسیدن چهار طرف قبر مطهر و برو و بایست بر سر قبر علی بن الحسین و بگو

السلام من الله والسلام من ملائکته المقربین وانبیائه المرسلین
وعباده الصالحین وجمیع اهل طاعته من اهل السموات
الارضین علی ابی عبد الله الحسین بن علی ورحمة الله وبرکاته
السلام علیک یا اول قتیل من نسل خیر سلیل من سلالة
ابرهیم الخلیل صلی الله علیک وعلی ابیک اذ قال فیک
قتل الله قوما قتلوک یا بنی ما اجرئهم علی الرحمن وعلی
انتهاک حرمة الرسول علی الدنیا بعدک العفا اشهد انک

علی اول قتیل

ابن حجة الله وابن امینه حکم الله علی قاتلیک واصلاهم
جهنم وساءت مصیرا وجعلنا الله یوم القیمة من
ملاقیک ومرافقیک ومرافقی جدک وابیک وعمک
واخیک وامک المظلومة الطاهرة المطهرة ابرء الی الله
ممن قتلک وقاتلک وممن نصب علیکم العداوة واسئل
الله مرافقتکم فی دار الخلود والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

علیکم

ودر بعضی از نسخ مصباح الزائر و مزار الشهید این عبارت (السلام
علی عبد الله بن الحسین الطفل الرضیع لعن الله رامیه
حرملة بن کاهل الاسدی وذویه) نیز مسطور است

السلام علی العباس بن امیر المؤمنین السلام علی جعفر بن امیر
المؤمنین السلام علی عبد الله بن امیر المؤمنین السلام
علی ابی بکر محمد بن امیر المؤمنین السلام علی عثمان بن
امیر المؤمنین السلام علی القاسم بن الحسن السلام
علی محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب السلام علی
جعفر بن عقیل السلام علی عبد الرحمن بن عقیل السلام

على عبد الله بن مسلم بن عقيل السلام على محمد بن ابي سعيد (سعد)
بن عقيل السلام على عون بن عبد الله بن جعفر بن ابي طالب
السلام على عبيد الله (عبد) بن مسلم بن عقيل السلام عليكم يا اهل
بيت المصطفى السلام عليكم اهل الشكر والرضا
السلام عليكم يا انصار الله ورجاله من اهل الحق والبلوى
والمجاهدين على بصيرة في سبيله اشهد انكم كما قال الله
عز وجل وكأين من نبي قاتل معه ربيون كثير فما وهنوا
لما اصابهم في سبيل الله وما ضعفوا وما استكانوا والله
يحب الصابرين فما ضعفتم وما استكنتم حتى لقيتم الله
على سبيل الحق ونصرة وكلمة الله التامة صلى الله عليكم
وعلى ارواحكم وابدانكم وسلم تسليما فزتم والله
ولوددت اني كنت معكم فافوز فوزا عظيما ابشروا بموعد (بمواعد)
الله الذي لا خلف له انه لا يخلف الميعاد اشهد انكم
النجباء وسادة الشهداء في الدنيا والآخرة واشهد انكم
جاهدتم في سبيل الله وقتلتم على منهاج رسول الله و

انتم السابقون المجاهدون اشهد انكم انصار الله وانصار
رسوله الحمد لله الذي صدقكم وعده واراكم ما تحبون والسلام
عليكم ورحمة الله وبركاته

بعد ازان رو بسوی شهدا کن و سلام کن بر شهداء و بگو

السلام على سعيد بن عبد الله الحنفي
السلام على زهير بن القين السلام على حبيب بن
مظاهر السلام على مسلم بن عوسجة السلام على عقبة بن سمعان
حصين السلام على برير بن خضير السلام على عبد الله بن عمير السلام
على نافع بن هلال السلام على منذر بن المفضل الجعفي السلام على
عمر بن قرظة الانصاري السلام على ابي ثمامة الصائدي السلام
على جون مولى ابي ذر الغفاري السلام على عبد الرحمن بن عبد
الله الازدي السلام على عبد الله وعبد الرحمن ابني عروة
السلام على سيف بن الحارث السلام على مالك بن عبد
الخاوي الله الحائري السلام على حنظلة بن اسعد الشامي السلام على
بشر قاسم (القاسم) بن الحارث الكاهلي السلام على بشير بن عمرو الحضرمي

السلام على عابس بن شبيب الشاكري السلام على حجاج بن مسروق
الجعفي السلام على عمرو بن خلف وسعيد مولاه السلام على
حيان بن الحارث السلام على مجمع بن عبد الله العائذي
السلام على نعيم بن عجلان السلام على عبد الرحمن بن يزيد
السلام على عمرو بن ابي كعب السلام على سليمان بن عوف
الحضرمي السلام على قيس بن مسهر الصيداوي السلام
على عثمان بن فروة الغفاري السلام على غيلان بن عبد
الرحمن السلام على قيس بن عبد الله الهمداني السلام
على عمير بن كناد السلام على جبلة بن عبد الله السلام على
مسلم بن كناد السلام على سليمان بن سليمان الازدي السلام
على حماد بن حماد الخزاعي المرادي السلام على عامر بن مسلم
ومولاه مسلم السلام على بدر بن رقيط وابنيه عبد الله
وعبيد الله السلام على رميث بن عمرو السلام على
سفيان بن مالك السلام على زهير بن سيار السلام
على قاسط وكرش ابني زهير السلام على كنانة بن عتيق

عمرو

السلام على عامر بن مالك السلام على منيع بن زياد السلام على نعمان
بن عمرو السلام على جلاس بن عمرو السلام على عامر بن جليدة
السلام على زائدة بن مهاجر السلام على شبيب بن عبد الله
النهشلي السلام على حجاج بن يزيد السلام على جوين بن
مالك السلام على ضبيعة بن عمرو السلام على زهير بن
بشير السلام على مسعود بن الحجاج السلام على عمار بن حسان
السلام على جندب بن حجير السلام على سليمان بن كثير السلام
على زهير بن سليمان السلام على قاسم بن حبيب السلام على
انس بن الكاهل الاسدي السلام على الحر بن يزيد الرياحي السلام
على ضرغامة بن مالك السلام على زاهر مولى عمرو بن الحمق السلام
على عبد الله بن يقطر رضيع الحسين عليه السلام السلام
على منجح مولى الحسين ع السلام على سويد مولى
شاكر السلام عليكم ايها الربانيون انتم خيرة اختاركم الله
لابي عبد الله عليه السلام وانتم خاصة اختصكم الله اشهد
انكم قتلتم على الدعاء الى الحق ونصرتم ووفيتم وبذلتم

عمرو

مهجکم مع ابن رسول الله صلی الله علیه و آله و انتم السعداء سعدتم و فزتم بالدرجات العلی فجزاکم الله من اعوان و اخوان خیر ما جازی من صبر مع رسول الله صلی الله علیه و آله هنیئاً لکم ما اعطیتم و هنیئاً لکم ما به حبیتم طافت علیکم من الله الرحمة و بلغتم بها شرف الآخرة

آنگاه برگرد نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام و نماز زیارت بکن و آنچه خواهی نماز بگذار و برای خود و والدین خود و برادران بسیار دعا کن که مستجاب خواهد شد

نصف رجب را از زیارات ماثوره

اول زیارت گذشته چنانچه تاج الفقها شهید اول تصریح فرموده در مزار که در شب روز نیمه رجب آنرا بخوانند و عبارت مزار گذشت **دوم** زیارتیست که شیخ مفید قده و شهید در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نصف رجب است که آنرا غفیله میگویند چون قصد کردی زیارت آنحضرت را در این وقت و آمدی در صحن شریف پس داخل شو یعنی در حرم مطهر و سه نوبت بگو (الله اکبر) و بایست در نزد قبر منور و بگو

السلام علیکم یا آل الله السلام علیکم یا صفوة الله السلام علیکم یا سادة السادات السلام علیکم یا لیوث الغابات السلام علیکم یا سفن النجاة السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین السلام علیک یا وارث علم الانبیاء و رحمة الله و برکاته

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله

السلام علیک یا وارث اسمعیل ذبیح الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یابن محمد المصطفی السلام علیک یابن علی المرتضی السلام علیک یابن فاطمة الزهراء السلام علیک یابن خدیجة الکبری السلام علیک یا شهید بن الشهید السلام علیک یا قتیل بن القتیل السلام علیک یا ولی الله و ابن ولیه السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته علی خلقه اشهد انک قد اقمت الصلوة و اتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر و بررت بوالدیک و جاهدت عدوک و اشهد انک تسمع الکلام و ترد الجواب و انک حبیب الله و خلیله و نجیبه و صفیه و ابن صفیه یا مولای زرتک مشتاقاً فکن لی شفیعاً یا سیدی و استشفع الی الله بجدک سید النبیین و بابیک سید الوصیین و بامک فاطمة سیدة نساء العالمین الا لعن الله قاتلیک و لعن الله ظالمیک و لعن الله سالبیک

بنیتک

وَمُبغضيكَ مِنَ الاَوَّلينَ وَالاخِرينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ

آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو بسوی علی بن
الحسین علیه السلام و آنجناب را زیارت کن و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَابْنَ مَوْلايَ لَعَنَ اللهُ قاتِليكَ وَلَعَنَ
اللهُ ظالِميكَ اِنّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللهِ بِزِيارَتِكُمْ وَبِحُبِّكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللهِ
مِنْ اَعْدائِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَوْلايَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

بعد از آن برو تا بپائین قبر و شهدا را با این زیارت بگو

اَلسَّلامُ عَلَى الاَرْواحِ الْمُنيخَةِ بِقَبْرِ اَبي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلامُ
اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا طاهِرينَ مِنَ الدَّنَسِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا
مَهْدِيُّونَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَبْرارَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى
الْمَلائِكَةِ الْحافّينَ بِقُبُورِكُمْ اَجْمَعينَ جَمَعَنَا اللهُ وَاِيّاكُمْ في
مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ اِنَّهُ اَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَالسَّلامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

بعد از آن برو بحرم عباس بن امیر المؤمنین ع چون رسیدی بآنجا بایست بر در قبه
آنجا و بگو سلام الله تا آخر زیارت معروفه که خواهد آمد

نصف شعبان

در آن نیز دو زیارت مأثور و مروی است **اوّل** زیارت وارث که گذشت و شیخ
مفید و غیره صریحاً فرموده‌اند که آن را در شب نیمه شعبان نیز بخوانند و ابن طاوس قدس سره
در این خصوص روایت نقل کرده چنانچه گذشت و شهید اول ره فرموده در
روز نیمه نیز بخوانند **دوّم** زیارتی است که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین روایت
کرده از حضرت امام جعفر صادق ع که فرموده می‌ایستی نزد قبر آن حضرت و میگوئی

اَلْحَمْدُ للهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الزَّكِيُّ
اُوْدِعُكَ شَهادَةً مِنّي لَكَ تُقَرِّبُني اِلَيْكَ في يَوْمِ شَفاعَتِكَ
اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجاءِ حَيوتِكَ حَيِيَتْ قُلُوبُ
شيعَتِكَ وَبِضِياءِ نُورِكَ اهْتَدَى الطّالِبُونَ اِلَيْكَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ نُورُ اللهِ الَّذي لَمْ يُطْفَأْ وَلا يُطْفَأُ اَبَداً وَاَنَّكَ وَجْهُ اللهِ الَّذي
لَمْ يَهْلِكْ وَلا يُهْلَكُ اَبَداً وَاَشْهَدُ اَنَّ هذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ
وَهذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَهذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ لا ذَليلَ
وَاللهُ مُعِزُّكَ وَلا مَغْلُوبَ وَاللهُ ناصِرُكَ هذِهِ شَهادَةٌ لي عِنْدَكَ
اِلى يَوْمِ قَبْضِ رُوحي بِحَضْرَتِكَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَ
بَرَكاتُهُ

مجلسی ره در بحار فرموده ظاهر این است که این زیارت مطلقه است یعنی مخصوص
به نیمه نیست و لیکن کفعمی آن را برای نیمه شعبان نقل کرده (مؤلف گوید)

بانتصریح کفعمی که برای چند ماه زیارت موظفه است چنانچه سابقاً نقل کردیم وزیارت مذکوره را از وظیفه این ماه و عمل بنیه آن شمرده لابد در خبر مذکور باید در خبر دیگر بتصریح یا تشخص باشد زیرا که هرگز عالمی عمل مطلق را بمثل خود بوقتی معین نکند وانرا از وظایف آنوقت نشمرد پس برای ظهور مذکور مجملی نباشد

لیالی قدر شیخ مفید

ومحمد بن المشهدی وابن طاوس وشهید اول رحمهم الله این زیارت را که محمد بن المشهدی باسناد معتبر خود روایت کرده از ابی عبد الله الصادق جعفر بن محمد علیهما السلام فرمودند مخصص است بشبهای قدر و روز فطر و روز قربان حضرت فرمودند پس هرگاه خواهی که زیارت کنی ابا عبد الله الحسین ع را داخل شو در روضه مبارکه آنحضرت بعد از آنکه غسل کرده و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیده پس چون ایستادی نزد قبر آنحضرت روکن بجانب و قبله را میان دو کتف خود بگذار و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ الصِّدّیقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَ اٰتَیْتَ الزَّکوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَتَلَوْتَ الْکِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَی الْاَذی فی جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّی اَتیکَ الْیَقینُ

اَشْهَدُ اَنَّ الَّذینَ خالَفُوکَ وَحارَبُوکَ وَالَّذینَ خَذَلُوکَ وَ الَّذینَ قَتَلُوکَ مَلْعُونُونَ عَلی لِسانِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَقَدْ خابَ مَنِ افْتَری لَعَنَ اللهُ الظّالِمینَ لَکُمْ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْاٰخِرینَ وَضاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ الْاَلیمَ اَتَیْتُکَ یا مَوْلایَ یَابْنَ رَسُولِ اللهِ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکَ مُعادِیاً لِاَعْدائِکَ مُسْتَبْصِراً بِالْهُدَی الَّذی اَنْتَ عَلَیْهِ عارِفاً بِضَلالَةِ مَنْ خالَفَکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ

پس بچسبان خود را بقبر و ببوس قبر را و بگذار هر دو طرف روی خود را بر قبر پس برو بجانب سر مقدس و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَسَمائِهِ صَلَّی اللهُ عَلی رُوحِکَ الطَّیِّبِ وَجَسَدِکَ الطّاهِرِ وَعَلَیْکَ السَّلامُ یا مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

پس ببوس ضریح را و بگذار صورت خود را بر آن پس برگرد بجانب سر و دو رکعت نماز زیارت بگذار و نماز کن بعد از آن و رکعت آنچه میسر شود تو را پس از آن برگرد بسمت پا و زیارت کن علی بن الحسین صلوات الله علیه را و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ وَابْنَ مَوْلایَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ لَعَنَ اللهُ مَنْ ظَلَمَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَکَ وَضاعَفَ عَلَیْهِمُ

العذاب الالیم (دعا کن بانچه میخواهی پس زیارت کن شهدا را در حالتیکه میل کنی از سمت طرف پا
قبله پس بگو) السلام علیکم ایها الصدیقون السلام علیکم
ایها الشهداء الصابرون اشهد انکم جاهدتم فی سبیل
الله وصبرتم علی الاذی فی جنب الله ونصحتم لله ولرسوله
حتی اتاکم الیقین اشهد انکم احیاء عند ربکم ترزقون
فجزاکم الله عن الاسلام واهله افضل جزاء المحسنین
وجمع الله بیننا وبینکم فی محل النعیم

پس برو بزیارتگاه عباس بن امیر المؤمنین ع پس همینکه نزدیک شدی بانجناب بگو

السلام علیک یابن امیر المؤمنین السلام علیک ایها العبد
الصالح المطیع لله ولرسوله اشهد انک قد جاهدت
ونصحت وصبرت حتی اتاک الیقین لعن الله الظالمین لکم
من الاولین والاخرین والحقهم بدرک الجحیم

عید فطر و عید اضحی

و در این دو روز زیارتست اول زیارت سابقه بجهت شبهای قدر و ان مخصوص
بروز عید فطر و عید قربانست چنانچه شیخ مفید و ابن طاوس و شهید رحمهم الله
تصریح کرده اند و محمد بن المشهدی رحمه الله گفته اگر در عیدین نیز بخوانند و ظاهر

ان نیز رواست **دوم** زیارتیست که شیخ مفید و رضی الدین علی بن
طاوس و شهید اول و محمد بن المشهدی رضوان الله علیهم روایت کرده اند جز
انکه انسه جلیل این زیارت را از زیارات مخصوصه شب عید فطر و شب عید
قربان شمرده اند از دخول شروع کرده اند و محمد بن المشهدی اولا این را در
عداد مطلقات شمرده و لکن گفته که در عیدین نیز باین زیارت زیارت کرده
میشود و ظاهر اراده خبر اختصاص اذن دخول در غیر انوقت هم داده اند و ثانیا
این زیارت را برای عیدین گفته و ظاهر ان روایت و ثالثا برای این زیارت
قبل از اذن دخول مقدماتی ذکر کرده لهذا ما این زیارت را از کتاب مزار ایشان
که شهادت داده که تمام ان بتوسط رواة ثقات باو رسیده نقل میکنیم چون
اراده کنی زیارت انحضرت را پس سه روز روزه بدار و در روز سیم غسل کن و اهل و عیال خود

را بسوی خود جمع کن و بگو اللهم انی استودعک الیوم نفسی واهلی و
ولدی ومالی وکل من کان بسبیل منی الشاهد منهم والغائب
اللهم احفظنا بحفظک بحفظ الایمان واحفظ علینا
اللهم اجعلنا فی حرزک ولا تسلبنا نعمتک ولا تغیر ما بنا
من نعمة وعافیة وزدنا من فضلک انا الیک راغبون

انگاه از منزل خود بیرون برو و بسیار بگو (لا اله الا الله والله اکبر والحمد
لله) و ثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و ال او صلوات الله علیهم
و راه بیفت با ارامی و وقار و روایت شده که خدای تعالی خلق میکند از
زوار قبر حسین علیه السلام از هر عرق هفتاد هزار ملک تسبیح میکنند

خداتعالی را و استغفار میکند برای او و برای زوار حسین علیه السلام تا آنکه روز قیامت برپا شود پس چون نمایان شد قبه سامیه پس بگو

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلامٌ عَلىٰ عِبادِهِ الَّذينَ اصْطَفىٰ آللّٰهُ خَيْرٌ اَمّا يُشْرِكُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَسَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰسٓ اِنّا كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنينَ وَالسَّلامُ عَلَى الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْاَوْصِياءِ الصّادِقينَ الْقائِمينَ بِاَمْرِ اللّٰهِ وَحُجَجِهِ السّاعينَ اِلىٰ سَبيلِ اللّٰهِ الْمُجاهِدينَ فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ النّاصِحينَ لِجَميعِ عِبادِهِ الْمُسْتَخْلَفينَ في بِلادِهِ الْمُرْشِدينَ اِلىٰ هِدايَتِهِ وَاِرْشادِهِ پس چون

مشرف شوی بر قطره علقمی بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ قَصَدَ الْقاصِدُونَ وَفي فَضْلِكَ طَمِعَ الرّاغِبُونَ وَبِكَ اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ وَقَدْ قَصَدْتُكَ وافِدًا وَفي رَحْمَتِكَ طامِعًا وَلِعِزَّتِكَ خاضِعًا وَلِاَمْرِهِمْ مُتابِعًا اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْني عَلىٰ مَحَبَّةِ اَوْلِيائِكَ وَلا تَقْطَعْ اَثَري عَنْ زِيارَتِهِمْ وَاحْشُرْني في زُمْرَتِهِمْ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ

پس چون بفرات برسی صد مرتبه بگو الله اکبر و صد مرتبه بگو لا اله الا الله و صد مرتبه صلوات بفرست بر پیغمبر آنگاه بگو

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَيْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَيْهِ الرِّجالُ وَشُدَّتْ اِلَيْهِ الرِّحالُ وَاَنْتَ سَيِّدي اَكْرَمُ مَزُورٍ وَاَكْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ لِكُلِّ زائِرٍ كَرامَةً وَلِكُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً فَاَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ اِيّايَ فَكاكَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَاشْكُرْ سَعْيي وَارْحَمْ مَسيري اِلَيْكَ مِنْ اَهْلي بِغَيْرِ مَنٍّ مِنّي عَلَيْكَ بَلْ لَكَ الْمَنُّ عَلَيَّ اِذْ جَعَلْتَ لِيَ السَّبيلَ اِلىٰ زِيارَةِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَعَرَّفْتَني فَضْلَهُ وَحَفِظْتَني بِاللَّيْلِ وَالنَّهارِ حَتّىٰ بَلَّغْتَني هٰذَا الْمَكانَ وَقَدْ رَجَوْتُ فَلا تَقْطَعْ رَجائي وَقَدْ اَمَّلْتُكَ فَلا تُخَيِّبْ اَمَلي وَاجْعَلْ مَسيري هٰذا كَفّارَةً لِذُنُوبي يا رَبَّ الْعالَمينَ

و بورود از آب فرات غسل کن و در وقت غسل کردن بگو

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلىٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ وَالصّادِقينَ عَنِ اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبي وَاشْرَحْ بِهِ صَدْري وَنَوِّرْ بِهِ قَلْبي وَيَسِّرْ بِهِ اَمْري اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لي نُورًا وَ

طَهُوراً وَشِفاءً مِنْ كُلِّ داءٍ وَآفَةٍ وَعاهَةٍ وَسُوءٍ مِمّا اَخافُ وَاَحْذَرُ

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لي شاهِداً يَوْمَ حاجَتي وَفَقْري وَفاقَتي اِلَيْكَ

يا رَبَّ الْعالَمينَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ

وچون از غسل فارغ شوی پس د وجامه طاهر بپوش و دو رکعت نماز بکن در بیرون شهر که آن همان مکان است که خداوند عزوجل در شأن او فرموده وَفِي الْاَرْضِ قِطَعٌ مُتَجاوِراتٌ وَجَنّاتٌ مِنْ اَعْنابٍ وَزَرْعٌ وَنَخيلٌ صِنْوانٌ وَغَيْرُ صِنْوانٍ يُسْقى بِماءٍ واحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَها عَلى بَعْضٍ فِي الْاُكُلِ و میخوانی در این دو رکعت نماز در رکعت اول سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره حمد و قل هو الله احد پس چون سلام نماز گفتی تسبیح کن و بگو

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْواحِدِ الْمُتَوَحِّدِ فِي الْاُمُورِ كُلِّها الرَّحْمٰنِ الرَّحيمِ الَّذي هَدانا لِهٰذا وَما كُنّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللّٰهُ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْداً كَثيراً اَبَداً لا يَنْقَطِعُ وَلا يَفْنى حَمْداً يَصْعَدُ اَوَّلُهُ وَلا يَنْفَدُ آخِرُهُ حَمْداً يَزيدُ وَلا يَبيدُ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ الْبَشيرِ النَّذيرِ وَعَلى آلِهِ الْاَخْيارِ الْاَبْرارِ وَسَلَّمَ تَسْليماً كَثيراً پس چون متوجه حائر شدی بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَلِبابِكَ قَرَعْتُ وَبِفِنائِكَ نَزَلْتُ وَبِحَبْلِكَ اعْتَصَمْتُ وَلِرَحْمَتِكَ تَعَرَّضْتُ وَبِوَلِيِّكَ تَوَسَّلْتُ

فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ زِيارَتي مَبْرُورَةً وَدُعائي مَقْبُولاً

پس برو و کوتاه بردار گامهای خود را و بوده باش بر حال تانی و وقار و دل خاشع و تکبیر و تهلیل و تحمید و تمجید و ثنای خدا بگو و صلوات بفرست بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و بیزاری جو از کسانی که اول اساس جور و ظلم بر اهل بیت گذاشتند و برطرف کردند مقام و مراتب آنها را و مهیا کردند از برای آنها جنگ را و انکار کردند حق آنها را پس چون اذن دخول خواهی بایست بر در روضه و نظر بیفکن بجانب قبر و بگو یا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِاللّٰهِ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ عَبْدُكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الذَّليلُ بَيْنَ يَدَيْكَ وَالْمُصَغِّرُ في عُلُوِّ قَدْرِكَ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكَ جاءَكَ مُسْتَجيراً بِكَ قاصِداً اِلى حَرَمِكَ مُتَوَجِّهاً اِلى مَقامِكَ مُتَوَسِّلاً اِلَى اللّٰهِ تَعالى بِكَ ءَاَدْخُلُ يا مَوْلايَ ءَاَدْخُلُ يا وَلِيَّ اللّٰهِ ءَاَدْخُلُ يا مَلائِكَةَ اللّٰهِ الْمُحْدِقينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ الْمُقيمينَ في هٰذَا الْمَشْهَدِ پس داخل شو و مقدم بدار پای راست را و بگو بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَفي سَبيلِ اللّٰهِ وَعَلى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْني

منزلاً مبارکاً وانت خیر المنزلین پس بگو اللّه اکبر کبیراً
والحمد للّه کثیراً وسبحان اللّه بکرة واصیلاً والحمد للّه
الفرد الصمد الماجد الاحد المتفضل المنّان المتطوّل
الحنّان الذی من تطوّله سهّل لی زیارة مولای باحسانه
ولم یجعلنی عن زیارته ممنوعاً ولا عن ذمّته مدفوعاً
بل تطوّل ومنح پس داخل شو و چون بمیان روضه رسیدی بایست
محاذی قبر با حال خشوع و گریه و زاری و بگو السلام علیک
یا وارث آدم صفوة اللّه السلام علیک یا وارث نوح
امین اللّه السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل اللّه
السلام علیک یا وارث موسی کلیم اللّه السلام
علیک یا وارث عیسی روح اللّه السلام علیک یا
وارث محمّد حبیب اللّه السلام علیک یا وارث علیّ
ولیّ اللّه وحجّته السلام علیک یا وارث الحسن
السلام علیک ایّها الرضیّ البرّ التقیّ السلام علیک
یا ثار اللّه وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انّک قد

اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف
ونهیت عن المنکر وجاهدت فی سبیل اللّه حقّ
جهاده حتّی استبیح حرمتک وقتلت مظلوماً

پس بایست در نزد سر مبارک
با دل خاشع و چشم گریان پس بگو

السلام علیک یا ابا عبد اللّه السلام علیک یابن
رسول اللّه السلام علیک یابن سیّد الوصیّین السلام
علیک یابن فاطمة الزهراء سیّدة نساء العالمین
السلام علیک یا بطل المسلمین یا مولای اشهد انّک
کنت نوراً فی الاصلاب الشامخة والارحام المطهّرة
لم تنجّسک الجاهلیّة بانجاسها ولم تلبسک مدلهمّات
ثیابها واشهد انّک من دعائم الدین وارکان المسلمین
ومعقل المؤمنین واشهد انّک الامام البرّ التقیّ
الرضیّ الزکیّ الهادی المهدیّ واشهد انّ الائمّة
من ولدک کلمة التقوی واعلام الهدی والعروة

الوثقی وَالحجة علی اهل الدنیا

پس صورت خود را بر قبر و مبارک بگذار

إنّا لله وَإنّا إلیه راجعون یا مولای أنا موالٍ لولیکم وَمعادٍ لعدوکم وَأنا بکم مؤمن وَبإیابکم موقن بشرایع دینی وَخواتیم عملی وَقلبی لقلبکم سلم وَأمری لأمرکم متّبع یا مولای أتیتک خائفاً فآمنّی وَأتیتک مستجیراً فأجرنی وَأتیتک فقیراً فأغننی سیّدی وَمولای أنت مولای حجة الله علی الخلق أجمعین آمنت بسرّکم وَعلانیتکم وَبظاهرکم وَباطنکم وَأوّلکم وَآخرکم وَأشهد أنّک التالی لکتاب الله وَأمین الله الداعی إلی الله بالحکمة وَالموعظة الحسنة الجمیلة لعن الله أمّة ظلمتک وَلعن الله أمّة سمعت بذلک فرضیت به

پس چهار رکعت نماز بکن در جانب سر آنحضرت پس چون سلام نماز گفتی بگو

اللهمّ إنّی لک صلّیت وَلک رکعت وَلک سجدت

وحدک لا شریک لک لأنّه لا تجوز الصلوة وَالرکوع وَالسجود إلّا لک لأنّک أنت الله الذی لا إله إلّا أنت اللهمّ صلّ علی محمّد وَآل محمّد وَأبلغهم عنّی أفضل السلام وَالتحیّة وَاردد علیّ منهم السلام اللهمّ وَاجعل هاتین الرکعتین هدیة منّی إلی سیّدی الحسین بن علیّ علیه السلام اللهمّ صلّ علی محمّد وَآله وَتقبّلهما منّی وَأجرنی علیهما أفضل عملی وَرجائی فیک وَفی ولیّک یا ولیّ المؤمنین

پس سینه از خود را بر قبر و ببوس از او بگو

السلام علی الحسین بن علیّ المظلوم الشهید قتیل العبرات وَأسیر الکربات اللهمّ إنّی أشهد أنّه ولیّک وَابن ولیّک وَصفیّک وَابن صفیّک الثائر بحقّک أکرمته بکرامتک وَختمت له بالشهادة وَجعلته سیّداً من السادة وَقائداً من القادة وَأکرمته بطیب الولادة وَأعطیته مواریث الأنبیاء وَجعلته حجّة علی خلقک من الأوصیاء

فاعذر في الدعاء ومنح النصيحة وبذل مهجته فيك
حتى استنقذ عبادك من الجهالة وحيرة الضلالة و
قد توازر عليه من غرته الدنيا وباع حظه من الآخرة
بالأدنى وتردى في هواه واسخطك واسخط نبيك و
اطاع من عبادك اولي الشقاق والنفاق وحملة الاوزار
والمستوجبين النار فجاهدهم فيك صابرا محتسبا
مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة لائم حتى سفك
في طاعتك دمه واستبيح حريمه اللهم العنهم لعنا
وبيلا وعذبهم عذابا اليما

پس میل کن بجانب علی بن الحسین علیهما السلام
که در طرف پای مبارک حضرت حسین است و بگو

السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا بن رسول الله
السلام علیک یا بن خاتم النبیین السلام علیک یا بن
فاطمة سیدة نساء العالمین السلام علیک یا بن امیر
المؤمنین السلام علیک ایها المظلوم الشهید بابی انت
وامی عشت سعیدا وقتلت مظلوما شهیدا

پس رو کن بسوی قبور شهداء رضوان
الله علیهم و بگو

السلام علیکم ایها الذابون عن توحید الله السلام علیکم
بما صبرتم فنعم عقبی الدار بابی انتم وامی فزتم

پس از ابن محمد بن المشهدی در باب
زیارت عباس بن علی علیه السلام گفته بگو

السلام علیک ایها الولی الصالح والصدیق المواسی
اشهد انک آمنت بالله ونصرت ابن رسول الله ودعوت
الی سبیل الله وواسیت بنفسک وبذلت مهجتک
فعلیک من الله افضل التحیة والسلام

پس میاندازی خود را بر قبر و میگوئی

بابی انت وامی یا ناصر دین الله السلام علیک یا ناصر
الحسین الصدیق السلام علیک یا ناصر الحسین الشهید
علیک منی السلام ما بقیت وبقی اللیل والنهار

پس نماز میکنی در نزد سر آنحضرت دو رکعت و میگوئی بعد از آنچه میگفتی
در نزد سر حضرت حسین علیه السلام که مراد دعاء (اللهم انی لک
صلیت) تا آخر است پس برمیگردی بسوی مشهد حسین علیه السلام
و میمانی نزد او آنچه خواهی مگر آنکه مستحب است که قرار ندهی آنجا را مکان

شیخ مفید و سید ابن طاوس و شهید رحمهم الله بعد از زیارت فرموده‌اند پس برو بمشهد عباس بن علی علیهما السلام و بایست نزد ضریح شریف و بگو السلام علیک یا... منه

بیتوته خود یعنی خوابگاه و چون خواهی وداع کنی آنحضرت را پس بایست نزد سر
مقدس و گریه کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا
قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ
سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللهُ الصّابِرینَ یا مَوْلایَ لا جَعَلَهُ اللهُ
آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ وَرَزَقَنِیَ الْعَوْدَ اِلَیْکَ وَالْمَقامَ
فی حَرَمِکَ وَالْکَوْنَ فی مَشْهَدِکَ آمینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ

پس ببوس ضریح را و جمیع روی و بدن خود را بر آن بمال که دستاویز گران بهاء امان
و حرز تو است و بیرون بیا از نزد آنحضرت در حالتی که روبت بجانب قبر باشد
پشت بر قبر منکنی و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ الْمَقامِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَریکَ
الْقُرْآنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ الْخِصامِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا سَفینَةَ النَّجاةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَلائِکَةَ اللهِ رَبّی
الْمُقیمینَ فی هذَا الْحَرَمِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَبَداً ما بَقیتُ وَ
بَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ و میگوئی اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ
لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

تا آنکه قبر از نظرت غائب شود پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی باشی که زیارت

کرده خدا او را در عرش زیارت روز عرفه محمد بن المشهدی رحمه

در مزار و سید علی بن طاوس ره در کتاب اقبال و مصباح الزائر و شهید اول
در مزار این زیارت را برای روز عرفه ذکر کردند ولکن علامه مجلسی قدس سره
در بحار شب عرفه را نیز ملحق بروز کرده و مستندانه بدست نیامد چون خواستی
آنحضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر تو را ممکن شد از فرات غسل کن
و اگر نشد از هر آبی که تو را ممکن باشد و پاکیزه ترین جامه های خود را
بپوش و قصد زیارت آنحضرت کن در حالتی که با آرامی و وقار و تأنی باشی
پس چون بدر حائر برسی بگو الله اکبر و بگو

اَللهُ اَکْبَرُ کَبیراً وَسُبْحانَ اللهِ بُکْرَةً وَاَصیلاً وَالْحَمْدُ لِلّهِ
الَّذی هَدانا لِهذا وَما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْلا اَنْ هَدانَا اللهُ لَقَدْ
جاءَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَآلِهِ اَلسَّلامُ عَلی اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْراءِ
سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ
عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ اَلسَّلامُ عَلی
عَلِیِّ بْنِ مُوسی اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ
مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلَی الْخَلَفِ الصّالِحِ الْقائِمِ

المنتظر السلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا بن
رسول الله عبدك وابن عبدك وابن امتك الموالي
لوليك المعادي لعدوك استجار بمشهدك وتقرب الى
الله بقصدك الحمد لله الذي هدانا لولايتك وخصني

بزيارتك وسهل	پس داخل روضه شو و بایست محاذی سر و بگو	لي قصدك

السلام عليك يا وارث آدم صفوة الله السلام عليك
يا وارث نوح نبي الله السلام عليك يا وارث ابرهيم
خليل الله السلام عليك يا وارث موسى كليم الله
السلام عليك يا وارث عيسى روح الله السلام
عليك يا وارث محمد حبيب الله السلام عليك يا وارث امير
المؤمنين السلام عليك يا وارث فاطمة الزهراء
السلام عليك يا بن محمد المصطفى السلام عليك
يا بن علي المرتضى السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء
السلام عليك يا بن خديجة الكبرى السلام عليك
يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك قد

اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت
عن المنكر واطعت الله حتى اتيك اليقين فلعن الله
امة قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت
بذلك فرضيت به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد الله
وملائكته وانبيائه ورسله اني بكم مؤمن وبايابكم
موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي ومنقلبي الى ربي
فصلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم
وعلى شاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم السلام
عليك يا بن خاتم النبيين وابن سيد الوصيين
وابن امام المتقين وابن قائد الغر المحجلين الى جنات
النعيم وكيف لا تكون كذلك وانت باب الهدى
وامام التقى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا و
خامس اصحاب (اهل) الكساء غذتك يد الرحمة ورضعت من
ثدي الايمان وربيت في حجر الاسلام فالنفس غير راضية
بفراقك ولا شاكة في حيوتك صلوات الله عليك و

عَلى اٰبائِكَ وَاَبْنائِكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَرِيعَ الْعَبْرَةِ السّاكِبَةِ
وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ
مِنْكَ الْمَحارِمَ فَقُتِلْتَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ مَقْهُوراً وَاَصْبَحَ
رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِكَ مَوْتُوراً وَاَصْبَحَ
دِينُ اللّٰهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُوراً اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى جَدِّكَ
وَاَبِيكَ وَاُمِّكَ وَاَخِيكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ وَعَلَى
الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافِّينَ بِقَبْرِكَ وَ
الشّاهِدِينَ لِزُوّارِكَ الْمُؤْمِنِينَ (بِالْقَبُولِ) عَلى دُعاءِ شِيعَتِكَ
وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا
بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ لَقَدْ عَظُمَتِ
الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَمِيعِ اَهْلِ
السَّمٰواتِ وَالْاَرْضِ فَلَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ
وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ قَصَدْتُ
حَرَمَكَ وَاَتَيْتُ مَشْهَدَكَ اَسْئَلُ اللّٰهَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ
عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ اَنْ يُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

كتاب

مُحَمَّدٍ وَاَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ بِمَنِّهِ وَجُودِهِ
وَكَرَمِهِ

پس بوس ضریح را پس از آن در بالای سر دو رکعت نماز کن و در این
دو رکعت هر سوره که خواهی بخوان و چون فارغ شدی پس بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَلَكَ رَكَعْتُ وَلَكَ سَجَدْتُ وَحْدَكَ
لا شَرِيكَ لَكَ لِاَنَّ الصَّلٰوةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لا تَكُونُ
اِلّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لا اِلٰهَ اِلّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلامِ
وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلامَ اَللّٰهُمَّ وَهاتانِ
الرَّكْعَتانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلى مَوْلايَ وَسَيِّدِي وَاِمامِي
الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَ
اٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنِّي وَاْجُرْنِي عَلى ذٰلِكَ اَفْضَلَ اَمَلِي
وَرَجائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

پس بیرون برو و بگرد بسوی پای مبارک حسین علیه السلام
و زیارت کن علی بن الحسین علیه السلام را پس بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللّٰهِ

ابن

السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلامُ عَلَيْكَ يَابْنَ
الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ ابْنُ الشَّهِيدِ
السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ أُمَّةً
قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً سَمِعَتْ
بِذٰلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ
لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى
جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ وَأَبْرَءُ إِلَى اللهِ

في الدنيا والآخرة	پس متوجه شو بجانب شهدا و زیارت کن ایشان را و بگو	وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ

السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللهِ وَأَحِبَّائَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ
يَا أَصْفِيَاءَ اللهِ وَأَوِدَّائَهُ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ
دِينِ اللهِ وَأَنْصَارَ نَبِيِّهِ وَأَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْصَارَ
فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ
أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ السَّلامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ
أَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ الْمَظْلُومِ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْأَرْضُ

الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ وَفُزْتُمْ وَاللهِ فَوْزاً عَظِيماً يَا لَيْتَنِي كُنْتُ
مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ فِي الْجِنَانِ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
وَحَسُنَ أُولٰئِكَ رَفِيقاً وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

پس بر گرد بجانب سر امام حسین علیه السلام و بسیار دعا کن از برای خود و اهل و عیال خود و برادران مؤمن خود و شیخ مفید رحمة الله علیه فرموده که چون اراده کردی بیرون آئی ببند از خود را بر قبر و ببوس او را و بگو

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَالِصَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللهِ
سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قَالٍ وَلا سَئِمٍ فَإِنْ أَمْضِ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ
بِمَا وَعَدَ اللهُ الصَّابِرِينَ لا جَعَلَهُ اللهُ يَا مَوْلايَ آخِرَ
الْعَهْدِ لِزِيَارَتِكَ وَرَزَقَنِيَ الْعَوْدَ إِلَى مَشْهَدِكَ وَالْمَقَامَ
فِي حَرَمِكَ وَأَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

ملاذ الزوار
أقم فلا عن
تهم

پس بیرون بیا و پشت بقبر مکن و بسیار بگو (إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ) پس برو بسوی مشهد عباس بن علی علیهما السلام همانکه انجا رسیدی بایست نزد قبر و بگو

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمُطِيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ
وَلِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمُ السَّلامُ

وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ
اللهَ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَى مَا مَضَى الْبَدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللهِ الْمُنَاصِحُونَ فِي جِهَادِ اَعْدَائِهِ (الاعداء نخ) الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَةِ اَوْلِيَائِهِ (فی نصرة اولیائه نخ)
فَجَزَاكَ اللهُ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَاَوْفَرَ جَزَاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ وَفَى
بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ
الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَحَسُنَ اُولَئِكَ رَفِيقًا

پس دو رکعت نماز کن در نزد سر و بخوان خدا را بعد از این دو
رکعت هر دعا که خواهی پس چون اراده بیرون آمدن
کنی وداع کن آنجناب را و بگو

اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَاَسْتَرْعِيكَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ آمَنَّا
بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرَ
وَلِيِّكَ وَابْنِ اَخِي نَبِيِّكَ وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ مَا اَبْقَيْتَنِي وَ
احْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبَائِهِ فِي الْجِنَانِ

ودعا کن از برای خود و از برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود پس برگرد بسوی
قبر حسین علیه السلام بجهة وداع آنحضرت پس چون خواستی که او را وداع
کنی پس بایست نزد قبر چنانچه در اول مرتبه ایستادی و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ
اَنْتَ لِي جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ وَهَذَا اَوَانُ انْصِرَافِي غَيْرَ رَاغِبٍ
عَنْكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ سِوَاكَ وَلَا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ غَيْرَكَ
وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ اَسْئَلُ اللهَ تَعَالَى اَنْ لَا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ
مِنِّي وَمِنْ رُجُوعِي وَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِي اَرَانِي مَكَانَكَ وَ
هَدَانِي لِلتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَلِزِيَارَتِي اِيَّاكَ اَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ
وَيَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجِنَانِ مَعَ آبَائِكَ الصَّالِحِينَ

پس سلام کن بر پیغمبر و هر یک از امامان ع و دعا کن
بآنچه میخواهی پس رو کن بسوی قبور شهدا و وداع کن ایشانرا و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ
الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي اِيَّاهُمْ وَاَشْرِكْنِي مَعَهُمْ فِي صَالِحِ مَا
اَعْطَيْتَهُمْ عَلَى نَصْرِهِمْ ابْنَ نَبِيِّكَ وَحُجَّتَكَ عَلَى خَلِيقَتِكَ (خلقك نخ)
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا وَاِيَّاهُمْ فِي جَنَّتِكَ مَعَ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ
وَحَسُنَ اُولَئِكَ رَفِيقًا اَسْتَوْدِعُكُمُ اللهَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكُمُ
السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْهِمْ وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس بیرون رو و پشت خود را بقبر مکن تا آنکه از نظرت پنهان شود و بایست برو رو
بسوی قبله و دعا کن بآنچه خواهی و برگرد انشاء الله تعالی **زیارات** روز عاشوراء از این روز پنج زیارت
وارد شده اول زیارت عاشوراء معروفه که متضمن صد مرتبه لعن و صد مرتبه
سلام است و در کیفیت خواندن آن اختلاف عظیمی بین علما شده و برای آن چند
وجه گفته اند و بنابر بعضی وجوه شاید خواندن آن به سه یا دو یا چهار ساعت طول
کشد و از این جهت بسیاری از فیض آن محروم مانده اند و ما تحقیق آن وجوه را با کیفیت بزرگان
علمای گذشته و سهل ترین آن وجوه است در رساله سلامة المرصاد ذکر کردیم
هر که راغب باشد بآنجا رجوع کند **دویم** زیارتیست طولانی که از ناحیه
مقدسه صادر شده و در آن بسیاری از فضائل و مناقب و مصائب آنحضرت
مذکور است با دو رکعت نماز زیارت که در آن سوره انبیا و سوره حشر باید
خواند با دعای طولانی و از فیض این زیارت نیز غالب از این محروم هستند **سیم**
دعا و زیارتیکه شیخ طوسی ره در مصباح و علی بن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده اند از
عبد الله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام با اجر عظیم ولکن با اختلافی بسیار بین
دو روایت و اشتمال عمل بر هزار مرتبه لعن بر قاتل آنحضرت و بعضی جزئیات دیگر
که همت اغلب از این قاصر است از اینجا ورد دران **چهارم** زیارتیست که
سید ره در اقبال ذکر کرده از کتاب مختصر منتخب که معلوم نیست مؤلفان و نسبت نیز داده بامام
پنجم زیارتیست که در مزار قدیم که نسخه کهنه از آن بدست آمده و
از بعضی قرائن مستفاد میشود که از مؤلفات قطب راوندی یا بعضی از معاصرین
او باشد و آن نیز مثل زیارت عاشوراء علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام
روایت کرده و چون در ثواب آن زیارت هر دو شریک اند و خواندن آن سهل

و بنابر اختصار و آسان کردن کار است بر زوار و لهذا در اینجا بهمان اقتصار کرده میگویم
در آن کتاب شریف روایت کرده از علقمة بن محمد الحضرمی از ابی جعفر امام محمد باقر
علیه السلام که فرمود هر کس اراده کرده زیارت کند حسین بن علی بن ابیطالب
علیهما السلام را در روز عاشوراء از روز دهم از محرم پس این روز را ببرآورد
با حالت گریه و تضرع و اندوه که ملاقات خواهد نمود خداوند عز و جل را با ثواب
دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب هر حج و عمره و جهاد آن مانند
ثواب آنکه حج کند و عمره نماید و جهاد کند با رسول خدا و با ائمه صلوات الله علیهم
اجمعین علقمة بن محمد حضرمی گفت که گفتم بحضرت ابی جعفر علیه السلام فدایت شوم
پس چه کند آنکه از کربلا دور و در بلاد بعیده است و متمکن نیست از رساندن خود
بکربلا در آن روز پس فرمود چون چنین روزی شد یعنی روز عاشوراء هر کس که
دوست دارد زیارت کند آنحضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود
بصحرا یا بام خانه آنگاه دو رکعت نماز کند و بخواند در آن سوره قل هو الله احد
چون سلام گفت پس اشاره کند بسوی آنحضرت و متوجه شود باین سلام و
اشاره و نیت بآن جهتی که در آن است ابو عبد الله علیه السلام یعنی رو کند
بکربلای معلا آنگاه با خشوع و استکانت بگو (السَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ الله)
تا آخر آنچه بیاید انشاء الله تعالی حضرت صادق علیه السلام فرمود زیارت کند
حسین بن علی علیهما السلام را باین زیارت نزد قبر امیر المؤمنین صلوات الله علیه
نزد سر آنحضرت علقمة بن محمد الحضرمی روایت کرده از حضرت ابی جعفر امام محمد
باقر علیه السلام که آنحضرت فرمود ای علقمه اگر توانی هر روز زیارت کنی آنحضرت
را باین زیارت در خانه خود و در هر جا که باشی از شهرها و در زمین خدا تعالی پس

بجا آورد این زیارت را که تمام این ثوابها برای تو خواهد بود پس سعی و کوشش کن در
لعن بر قاتلان و دشمنان آنحضرت و بوده باشد این عمل در اول روز پیش از زوال ای
علقمه پس ندبه کنند و بگریند بر آنحضرت و هر اینه امر کنید هر که در خانهٔ شما است
بگریستن بر آنحضرت و یکدیگر را در این روز ملاقات کنید در خانه‌ها یا هر جا که
باشد با گریه و یکدیگر را تعزیت بگویید بمصیبت حسین علیه السلام راوی
گفت گفتم اصلحک الله چگونه تعزیت بگوییم یکدیگر را فرمود بگویید
(اَحْسَنَ اللهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِاَبِی عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا
مِنَ الطّالِبِینَ بِثارِهِ مَعَ الْاِمامِ الْمَهْدِیِّ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ)
واگر توانستید در این روز از پی کاری نروید که این روز نحسی است که حاجت
مؤمن در آن روا نمیشود و اگر بر آورده شد برکت از آن برداشته خیر و
رشدی در آن نخواهد بود و مبادا ذخیره کند از شما کسی در منزل خود چیزی را
زیرا که برکت برای او ندارد راوی میگوید حضرت باقر علیه السلام فرمود
که من ضامنم برای آنکه چنین کند نزد خدای عز و جل آنچه گذشت از ثوابهای
عظیم و خدایش حشر کند در زمرهٔ آنانکه شهید شدند با حضرت امام حسین
علیه السلام راوی گفت خدمت باقر عرض کردم که روزه بگیرم در آن
روز فرمود روزه بگیر بی آنکه در شب نیت روزه کنی و افطار کن نه از روی
شماتت چنانچه دشمنان میکردند و تامل کن تا وقت عصر پس چون هنگام
عصر شد افطار کن بیک شربت آبی که در آن وقت جنگ بر طرف شد از آن
حضرت و اصحاب و در حالتی که همه شهید شده بودند صلوات الله علی
ارواحهم و اجسادهم اجمعین و لعنة الله و سخطه و عذابه و نکاله و نقمته

علی من کان السبب فی قتلهم وحلّ علیهم العذاب الالیم آمین رب العالمین

زیارت عاشورا که در اخبار معتبره رسیده

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْبَشِیرِ
النَّذِیرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ
سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ وَ
ابْنَ خِیَرَتِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا ثارَ اللهِ وَابْنَ ثارِهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوِتْرُ الْمَوْتُورُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْاِمامُ الْهادِی
الزَّکِیُّ وَعَلی اَرْواحٍ حَلَّتْ بِفِنائِکَ وَاَقامَتْ فِی جِوارِکَ
وَوَفَدَتْ مَعَ زُوّارِکَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنّی ما بَقِیتُ وَبَقِیَ
اللَّیْلُ وَالنَّهارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِیَّةُ وَجَلَّتْ فِی
الْمُؤْمِنِینَ وَالْمُسْلِمِینَ وَفِی اَهْلِ السَّماواتِ وَاَهْلِ الْاَرَضِینَ
اَجْمَعِینَ فَاِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ صَلَواتُ اللهِ وَ
بَرَکاتُهُ وَتَحِیّاتُهُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ وَعَلی آبائِکَ
الطَّیِّبِینَ الْمُنْتَجَبِینَ وَعَلی ذُرِّیّاتِکُمُ الْهُداةِ الْمَهْدِیِّینَ
لَعَنَ اللهُ اُمَّةً خَذَلَتْکَ وَتَرَکَتْ نُصْرَتَکَ وَمَعُونَتَکَ وَ

لعن الله امة اسست اساس الظلم لكم ومهدت الجور
عليكم وطرقت الى اذيتكم وتحيفكم وجادت ذلك في
دياركم واشياعكم برئت الى الله عز وجل واليكم يا ساداتي
وموالي واتمنى منهم ومن اشياعهم واتباعهم واسئل
الله الذي اكرم يا موالي مقامكم وشرف منزلتكم وشانكم
ان يكرمني بولايتكم ومحبتكم والايتمام بكم والبرائة من اعدائكم
واسئل الله البر الرحيم ان يرزقني مودتكم وان يوفقني
للطلب بثاركم مع الامام المنتظر الهادي من ال محمد
وان يجعلني معكم في الدنيا والاخرة المقام المحمود
لكم عند الله واسئل الله عز وجل بحقكم وبالشان
الذي جعل الله لكم ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما اعطى
مصابا بمصيبة انا لله وانا اليه راجعون يا لها
من مصيبة ما افجعها وانكاها لقلوب المؤمنين و
المسلمين فانا لله وانا اليه راجعون اللهم صل
على محمد وال محمد واجعلني في مقامي ممن تناله منك

صلوات ورحمة ومغفرة واجعلني عندك وجيها في الدنيا
والاخرة ومن المقربين فاني اتقرب اليك بمحمد وال
محمد صلواتك عليه وعليهم اجمعين اللهم اني اتوسل
واتوجه بصفوتك من خلقك وخيرتك من خلقك
محمد وعلي والطيبين من ذريتهما اللهم فصل على
محمد وال محمد واجعل محياي محياهم ومماتي مماتهم
ولا تفرق بيني وبينهم في الدنيا والاخرة انك
سميع الدعاء اللهم وهذا يوم تجدد فيه النقمة
وتنزل فيه اللعنة على اللعين يزيد وعلى ال يزيد
وعلى ال زياد وعمر بن سعد والشمر اللهم العنهم و
العن من رضي بقولهم وفعلهم من اول واخر لعنا كثيرا
واصلهم حر نارك واسكنهم جهنم وسائت مصيرا
واوجب عليهم وعلى كل من شايعهم وبايعهم وساعدهم
ورضي بفعلهم وافتح لهم وعليهم وعلى كل من رضي
بذلك لعناتك التي لعنت بها كل ظالم وكل غاصب و

كل جاحد وكل كافر وكل مشرك وكل شيطان رجيم وكل
جبار عنيد اللهم العن يزيد وآل يزيد وبني مروان
جميعا اللهم وضعف غضبك وسخطك وعذابك
ونقماتك على اول ظالم ظلم اهل بيت نبيك اللهم و
العن جميع الظالمين لهم وانتقم منهم انك ذو نقمة
من المجرمين اللهم والعن اول ظالم ظلم آل بيت محمد و
العن ارواحهم وديارهم وقبورهم
والعن اللهم العصابة التي نازلت الحسين بن بنت نبيك
وحاربته وقتلت اصحابه وانصاره واعوانه واوليائه
وشيعته ومحبيه واهل بيته وذريته والعن اللهم
الذين نهبوا ماله وسلبوا حريمه ولم يسمعوا كلامه سبوا انـ
ولا مقاله اللهم والعن كل من بلغه ذلك فرضي
به من الاولين والآخرين والخلائق اجمعين الى يوم
الدين السلام عليك يا ابا عبد الله الحسين وعلى من
ساعدك وعاونك وواساك بنفسه وبذل مهجته

في الذب عنك السلام عليك يا مولاي وعليهم وعلى
روحك وعلى ارواحهم وعلى تربتك وعلى تربتهم
اللهم لقهم رحمة ورضوانا وروحا وريحانا السلام
عليك يا مولاي يا ابا عبد الله يا ابن خاتم النبيين و
يا ابن سيد الوصيين ويا ابن سيدة نساء العالمين السلام
عليك يا شهيد يا ابن الشهيد اللهم بلغه عني في
هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الوقت وكل وقت
تحية وسلاما السلام عليك يا ابن سيد العالمين
وعلى المستشهدين معك سلاما متصلا ما اتصل
الليل بالنهار السلام على الحسين بن علي الشهيد
السلام على علي بن الحسين الشهيد السلام على العباس
بن امير المؤمنين الشهيد السلام على الشهداء من ولد
امير المؤمنين السلام على الشهداء من ولد جعفر
وعقيل السلام على كل مستشهد من المؤمنين اللهم
صل على محمد وآل محمد وبلغهم عني تحية وسلاما

السلام علیك یا رسول الله وعلیك السلام ورحمة الله وبركاته احسن الله لك العزاء فی ولدك الحسین السلام علیك یا ابا الحسن یا امیر المؤمنین وعلیك السلام ورحمة الله وبركاته احسن الله لك العزاء فی ولدك الحسین السلام علیك یا فاطمة یا بنت رسول رب العالمین وعلیك السلام ورحمة الله وبركاته احسن الله لك العزاء فی ولدك الحسین السلام علیك یا ابا محمد الحسن وعلیك السلام ورحمة الله وبركاته احسن الله لك العزاء فی اخیك الحسین السلام علی ارواح المؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات وعلیهم السلام ورحمة الله وبركاته احسن الله لهم العزاء فی مولاهم الحسین اللهم اجعلنا من الطالبین بثاره مع امام عدل تعز به الاسلام واهله یا رب العالمین پس بسجده برو و بگو اللهم لك الحمد علی جمیع ما یاتی من خطب ولك الحمد علی كل امر والیك المشتكی فی المهمات

بخیرتك واولیائك وذلك لما اوجبت لهم من الكرامة والفضل الكبیر اللهم فصل علی محمد وآل محمد وارزقنی شفاعة الحسین علیه السلام والذین واسوه بانفسهم وبذلوا دونه مهجهم وجاهدوا معه اعدائك ابتغاء مرضاتك ورجائك وتصدیقا بوعدك وخوفا من وعیدك انك لطیف لما تشاء یا ارحم الراحمین

زیارت روز اربعین

شیخ طوسی در تهذیب و غیر او بسندهای معتبر روایت كردند از صفوان بن مهران جمال كه گفت فرمود بمن مولای من حضرت صادق علیه السلام در زیارت اربعین كه زیارت میكنی در هنگامیكه روز بلند شده باشد و میگوئی

السلام علی ولی الله وحبیبه السلام علی خلیل الله ونجیبه السلام علی صفی الله وابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام علی اسیر الكربات وقتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیك وابن ولیك وصفیك وابن صفیك الفائز بكرامتك اكرمته بالشهادة وحبوته بالسعادة واجتبیته بطیب

الولادة وجعلته سيداً من السادة وقائداً من القادة
وذائداً من الذادة واعطيته مواريث الانبياء وجعلته
حجة على خلقك من الاوصياء فاعذر فى الدعاء ومنح
النصح وبذل مهجته فيك ليستنقذ عبادك من
الجهالة وحيرة الضلالة وقد توازر عليه من غرته
الدنيا وباع حظه بالارذل الادنى وشرى آخرته بالثمن
الاوكس وتغطرس وتردى فى هواه واسخطك واسخط
نبيك واطاع من عبادك اهل الشقاق والنفاق وحملة
الاوزار المستوجبين النار فجاهدهم فيك صابراً
محتسباً حتى سفك فى طاعتك دمه واستبيح حريمه
اللهم والعنهم لعناً وبيلاً وعذبهم عذاباً اليماً
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد
الاوصياء اشهد انك امين الله وابن امينه عشت
سعيداً ومضيت حميداً ومت فقيداً مظلوماً شهيداً
واشهد ان الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك

ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله و
جاهدت فى سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله من
ظلمك ولعن الله من قتلك ولعن الله امة سمعت
بذلك فرضيت به اللهم انى اشهدك انى ولى لمن
والاه وعدو لمن عاداه بابى انت وامى يا ابن رسول الله
اشهد انك كنت نوراً فى الاصلاب الشامخة والارحام
الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك
المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين
واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك الامام
البر التقى الرضى الزكى الهادى المهدى واشهد ان
الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى و
العروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد انى بكم
مؤمن وبايابكم موقن بشرايع دينى وخواتيم عملى و
قلبى لقلبكم سلم وامرى لامركم متبع ونصرتى لكم معدة
حتى يأذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله

عليكم وعلى ارواحكم واجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم آمين رب العالمين

پس دو رکعت نماز میکنی و دعا میکنی با آنچه میخواهی و برمیگردی سید بن طاوس علیه الرحمة گفته که نیافتم من برای این زیارت وداعی که مخصوص است آن را و چنین که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی

السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن علي المرتضى وصي رسول الله السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين السلام عليك يا وارث الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في ارضه وشاهده على خلقه السلام عليك يا ابا عبد الله الشهيد و السلام عليك يا مولاي وابن مولاي اشهد انك قد اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين اشهد انك على بينة من ربك اتيتك يا مولاي زائرا وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا اليك من الخطايا لتشفع لي عند ربك يا ابن رسول الله صلى

[توجهت اليك … بگوید در صورتی که از دور زیارت کند، منه]

الله عليك حيا وميتا فان لك عند الله مقاما معلوما وشفاعة مقبولة لعن الله من ظلمك ولعن الله من حرمك وغصب حقك ولعن الله من قتلك ولعن الله من خذلك ولعن الله من دعوته فلم يجبك ولم يعنك ولعن الله من منعك من حرم الله وحرم رسوله وحرم ابيك واخيك ولعن الله من منعك من شرب ماء الفرات لعنا كثيرا يتبع بعضها بعضا اللهم فاطر السموات والارض عالم الغيب والشهادة انت تحكم بين عبادك فيما كانوا فيه يختلفون وسيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارته وارزقنيه ابدا ما بقيت وحييت يا رب وان مت فاحشرني في زمرته يا ارحم الراحمين

مؤلف گوید

برای روز اربعین زیارت دیگر در کتب مزار موجود است که از آنجا باید خواند اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند همان زیارت نیمه رجب را بخواند که فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید از اختلاف نسخ باشد

مقام سیم

در ذکر زیارات مطلقه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که مرتب بی زیارت
میشود و از مقدمه که در فصل اول ذکر شد معلوم شد که مقدم بر تمام انها زیارتیست
که مشایخ عظام در کافی و فقیه و تهذیب نقل کرده باشند و ان منحصر در یک زیارت
شریفه است که از جهات عدیده از تمام این زیارات ممتاز است اولاً نه
چندان مختصر است که از شوق نفس بزیارت چیزی نکاهد و نه چندان طولانی
که در خواندنش زایر را ملالت کیرد و از حالت حضور قلب بیفتد و نه اداب مشکله
دارد که غالبا خصوص در اوقات ازدحام از عهده ان نتوان بیرون امد و ثانیا
هر سه بزرکوار ان نقل کرده اند در تهذیب و کامل ذکر کرده و در
کافی دوم و در فقیه غیر این زیارت دیکر نقل نکرده و ثالثاً متضمن است مضامین
عالیه را که در هیچ زیارتی یافت نمیشود چنانچه بر ناظر بصیر مخفی نیست و رابعاً
شهادت شیخ المحدثین شیخ صدوق در فقیه بر انکه این زیارت اصح زیارات است
علاوه بر ان شهادتیکه در اول کتاب بر صحت تمام اخبار موجوده در ان داده و عبارت
فقیه بعد از ذکر ان زیارت این است (وقد اخرجت فی کتاب الزیارات و فی کتاب مقتل
الحسین علیه السلام انواعا من الزیارات و اخترت هذه لهذا الکتاب لانها اصح
الزیارات عندی من طریق الروایة وفیها بلاغ وکفایة) و من در کتاب زیارات و
کتاب مقتل حضرت امام حسین علیه السلام انواعی از زیارات نقل کردم و این
زیارت را برای این کتاب برکزیدم زیرا که این زیارت صحیح ترین زیارات است
نزد من از جهت سند روایت و در ان است انچه زائر را بمقصد برساند و ا

انچه خواهد کفایت نماید با این مناقب شریفه و نعوت جمیله مهجور و بسیار
کم خوانده میشود اما جل عوام کالانعام را که نه خود بصیرتی دارند و نه از بصیر
پرسش کنند شیطان از فیض خالص زیارات ماثوره و ثواب الفاظ مروی محروم
کرده زیارت یافته اخوندی جبری یا روضه خوان بی سوادی که اسم ان را زیارت
مجموعه کذاشته بدست ایشان داده بهمان مشغول و مشعوف از اب زلال کوار
بسرابی قانع و از طلای احمر بمغشوش بسفالی راضی از ان جعال بیسواد کسی نپرسید
که در تمام زیارات ماثوره از ائمه طاهرین علیهم السلام هرکز اسمی از خواهران
و دختران مکرمات انحضرت برده نشده و مناسبتی هم ندارد سبب این
فضولی چه بود کسی نپرسید که این عاتکه یا عاتقه و صفیه کیانند دختر کی
زن کی خواهر کی در کدام کتاب مذکورند بچه مناسبت سلام بر ایشان کردی
و هکذا و الحق این زیارت و ان دعای یافته عارف سنی الهی با خصوصیاتی
الخ بعد از ان چون جمع شود مقصد شیطان از محروم نمودن زوار از فیض
این حرم مطهر و قبه سامیه است بدست امده و بر بعضی عوام چون حقیقت
حال منکشف شده عذر اورده که در این زیارت بعضی فقرات جانسوز
و کلمات اتش افروز است که مناسب حال زوار و سبب انکسار قلب و کریستن در
این بیت الاحزان است که غایت امال و ارزوی ایشان است و این عذر بیان
کار شاه در بلد قطار است زیرا که برای چنین اشخاص که راغب بذکر
مصائب انحضرت و کریستن در ان حرم شریفند نیز دستور العمل داده اند
و زیارت منجیه مبکیه که بهتر از روضه خواندن مقرر داشتند توضیح
این اجمال انکه یکی از زیارات روز عاشوراء زیارتیست که از ناحیه مقدسه

چلاد روضه خوانند م

رسیده و مشتملست بر بسیاری از مصائب آنحضرت که آن را خوند جهال جمله از
فقرات زیارت مجعوله را با تمه خود را از ان دزدیده و چون بحسب روایت مختص
بروز عاشورا است زوار غالبا از فیض خواندن ان محروم مند و سید جلیل
علی بن طاوس قده در مصباح الزائر در ضمن زیارات مطلقه زیارتی نقل کرده
که مشتملست بر تمام فقرات ان زیارت ولکن با ادخال مبسوطی که در ان
نیز اشاره بجمله از مصائب شده و تقسیم کردن انکه بعضی را پیشتر و بعضی را در
سر و پائین پا باید خواند و سید فرموده این زیارتیست که سید مرتضی بان
زیارت کرده علامه مجلسی ره در بحار این زیارت را از مصباح الزائر نقل
کرده و در اخر ان فرموده مظنون ان است که این زیارت از مؤلفات سید مرتضی
باشد که از فقرات ناحیه مقدسه ان را ترکیب نموده و چیزی بر ان افزوده
واز این جهت این زیارت را در کتاب تحفه نقل نکرده و غالب عوام را که چون
اداب و سننی که در کتب ان مرحوم ببینند بکتاب و گفته دیگران اعتنائی ندارند
از فیض ان زیارت محروم کرده اند و در مزار قدیم همین زیارت را نقل کرده
و در اول ان فرموده (زیارة اخری تختص بالحسین صلوات الله علیه و هی
مرویة باسانید و هی اول زیارة زاربها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه
علیه السلام فاذا بلغت المقتل الخ) حاصل ترجمه این زیارت بچند سند
روایت شده و این اول زیارتیست که بان زیارت کرد علم الهدی سید مرتضی
پس معلوم شد که این زیارت شریفه مرویه و معتبره در هر وقت میشود
خواند و نزد ان مرحوم بی اصل بلکه با طریقه سید مرتضی ابدا مناسبتی ندارد
بهر حال نسخه از زیارت بسیار هر که راغب تذکر مصائب و سوختن دل و گریستن

بر انحضرت براستی ان را بخواند و غرض از این کلمات اتمام حجت و رفع عذر بود و لا
بر خیر است که از حقوق لازمه اخوان مؤمنین است که تا بتوان از عهده آن در
آمد باطن بی غرضی و بنتیجه نداشتن این و دست نکشیدن عوام و جهال از خواندن
این زیارت مجعوله و گفتن بعضی اکاذیب در ان محضر عظیم الشان و اما نوع دانایان
غالبا از زیارت وارث و زیارت امین الله یا جامعه صغیره نگذرند و ذاکر موفق
بخواندن زیارت عاشورا نشدند و الحمد لله که ظاهر و مکشوف شد
تقدیم این زیارت بر همه انها و غیر انها و چون نسخه این زیارت که در کافی
و فقیه و تهذیب و کامل الزیارة مرویست فی الجملة اختلافی در بعضی از
کلمات بود و ذکر ان اختلاف موجب تشتت حواس بود ما بهمان نسخه ثقة
الاسلام در کافی قناعت کردیم و در انجا بسند معتبر روایت کرده از حسین بن
ثویر که گفت من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج نشسته
بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام و سخن گوینده میان
ما یونس بود که سنش از همه ما بزرگتر بود پس بحضرت عرض کردم فدایت
شوم من حاضر میشوم در مجلس این قوم یعنی اولاد عباس پس چه بگویم فرمود
هر گاه حاضر شدی و ما را بیاد اوردی پس بگو (اَللّٰهُمَّ اَرِنَا الرَّخَاءَ
وَالسُّرُورَ) که انچه میخواهی یعنی از ثواب یا رجوع در رجعت خواهی
رسید گفت گفتم فدایت شوم من بسیار میشود که امام حسین علیه السلام
را یاد کنم پس چه بگویم فرمود بگو (صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ) و این
را سه مرتبه بگو که سلام میرسد بانحضرت از نزدیک و دور پس فرمود
چون ان حضرت شهید شد گریست بر انحضرت هفت اسمان و انچه

در آنها است و آنچه در ما بین آنها است و هر که در بهشت و جهنم است از خلق پروردگار ما و آنچه دیده میشود و دیده نمیشود گریستند بر حضرت ابی عبد الله علیه السلام مگر سه چیز که بر آنحضرت نگریستند گفتم فدایت شوم آن سه چیز کدام است فرمود نگریست بر آنحضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان لعنهم الله گفتم فدایت شوم میخواهم بزیارت آنحضرت بروم پس چه بگویم و چه کار کنم فرمود چون بزیارت ابی عبد الله الحسین علیه السلام رفتی پس غسل کن در کنار شط فرات پس بپوش جامههای پاک خود را و روانه شو با پای برهنه بدرستیکه تو در حرمی هستی از حرمهای خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و بسیار کن در وقت رفتن از ذکر (الله اکبر و لا اله الا الله و سبحان الله) و هر ذکری که متضمن تمجید و تعظیم حقتعالی است و صلوات بفرست بر محمد و آل محمد تا آنکه برسی بدر حایر پس میگوئی (السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته السلام علیکم یا ملائکة الله و زوار قبر ابن بنت نبی الله) پس ده گام بردار پس بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس برو بسوی قبر از پیش روی پس مقابل کن روی خود را با روی آنحضرت و قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود یعنی پشت بقبله باش پس بگو

السلام علیک یا حجة الله و ابن حجته السلام علیک یا قتیل الله و ابن قتیله السلام علیک یا ثار الله و ابن ثاره السلام علیک یا وتر الله الموتور فی السموات و الارض اشهد ان دمک سکن فی الخلد و اقشعرت له اظلة العرش و بکی له

جمیع الخلائق و بکت له السموات السبع و الارضون السبع و ما فیهن و ما بینهن و من یتقلب فی الجنة و النار من خلق ربنا و ما یری و ما لا یری اشهد انک حجة الله و ابن حجته و اشهد انک قتیل الله و ابن قتیله و اشهد انک ثار الله و ابن ثاره فی الارض و اشهد انک وتر الله الموتور فی السموات و الارض و اشهد انک قد بلغت و نصحت و وفیت و اوفیت و جاهدت فی سبیل الله و مضیت للذی کنت علیه شهیدا و مستشهدا و شاهدا و مشهودا انا عبد الله و مولاک و فی طاعتک و الوافد الیک التمس کمال المنزلة عند الله و ثبات القدم فی الهجرة الیک و السبیل الذی لا یختلج دونک من الدخول فی کفالتک التی امرت بها من اراد الله بدء بکم بکم یبین الله الکذب و بکم یباعد الله الزمان الکلب و بکم فتح الله و بکم یختم الله و بکم یمحو الله ما یشاء و بکم یثبت و بکم یفک الذل من رقابنا و بکم یدرک الله ترة کل مؤمن یطلب بها و

بِكُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَبِكُمْ تُخْرِجُ الْأَشْجَارُ ثِمَارَهَا وَبِكُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا وَبِكُمْ يَكْشِفُ اللهُ الْكَرْبَ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ اللهُ الْغَيْثَ وَبِكُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِي تَحْمِلُ أَبْدَانَكُمْ وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَلَى مَرَاسِيهَا إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ وَالصَّادِرُ عَمَّا فُصِّلَ مِنْ أَحْكَامِ الْعِبَادِ لُعِنَتْ أُمَّةٌ قَتَلَتْكُمْ وَأُمَّةٌ خَالَفَتْكُمْ وَأُمَّةٌ جَحَدَتْ وِلَايَتَكُمْ وَأُمَّةٌ ظَاهَرَتْ عَلَيْكُمْ وَأُمَّةٌ شَهِدَتْ وَلَمْ تُسْتَشْهَدْ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ النَّارَ مَأْوَاهُمْ وَبِئْسَ وِرْدُ الْوَارِدِينَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس سه بار میگوئی صلوات را صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ پس سه مرتبه بگو أَنَا إِلَى اللهِ مِمَّنْ خَالَفَكَ بَرِيءٌ

ثمارها
تنزل
تنبع
تهبط
شوبهم

پس برمیخیزی میروی بنزد قبر فرزند آنحضرت علی بن الحسین علیه السلام که در نزد پای آنحضرت است پس میگوئی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ وَمیگوئی سه مرتبه صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ

لَعَنَ اللهُ مَنْ قَتَلَكَ) و سه مرتبه (أَنَا إِلَى اللهِ مِنْهُمْ بَرِيءٌ) پس برمیخیزی و اشاره میکنی بدست خود بسوی شهداء رضی الله عنهم و میگوئی سه مرتبه (اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ) پس میگوئی (فُزْتُمْ وَاللهِ فُزْتُمْ فَلَيْتَنِي مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً) پس دو و میروی تا آنکه قرار میدهی مر حضرت ابی عبد الله علیه السلام را برابر خود یعنی میروی پشت قبر پس شش رکعت نماز میکنی و چون چنین کردی زیارت تمام میشود پس اگر خواهی انجا بمان و اگر خواهی برگرد

مؤلف گوید

اگرچه در خبر بیانی نشده از برای این شش رکعت ولکن بگمان حقیر دو رکعت نماز زیارت حضرت باشد که در اخبار عدیده سوره یس و سوره الرحمن را برای آن معین نموده اند اگر میسر شود دو رکعت برای علی بن الحسین علیه السلام و دو رکعت برای شهداء رضوان الله علیهم و در یکی از زیارات مبسوطه حضرت که در کامل الزیارة بسند معتبر از ابی حمزه ثمالی مرویست از حضرت صادق علیه السلام بعد از ذکر نماز زیارت با سوره یس و الرحمن چنین مذکور است فاذا فرغت فصل ما احببت الا ان الركعتين ركعتي الزيارة لابد منهما عند كل قبر) و چون فارغ شدی پس نماز کن آنچه خواهی جز آنکه آن دو رکعت نماز زیارت چاره نیست از بجا آوردن آن نزد هر قبری که آن را زیارت کنند و باین عبارت میشود حکم باستحباب نماز زیارت برای مثل قبر علی بن الحسین و ابی الفضل و شهداء و امثال ایشان کرد اگر نگوئیم برای قبور همه مؤمنین چنانچه ظاهر خبر است و برای اختصاص قبر مذکور بغیر امام علیه السلام شاهدی نیست پس دست از ظاهر آن برداشتن راهی ندارد

مقام چهارم

در بعضی از اعمال این روضه منوره و زیارة ابی الفضل اما اول پس عمده
این دعا است که اجابت تحت قبه سامیه یکی از معجزها ثابت کرده عوض
شهادت حضرت احدیت با نجناب لطف فرموده زائر باید از غنیمت دانسته
در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در بعضی زیارات آن
حضرت پیش از نماز زیارت و بعد از نماز ادعیه بسیار با مضامین عالیه
وارد شده و چون زائرین غالبا نمیدانند چه بگویند و چه بخوانند اینها را از
این هم فارغ و بدریوزگی درخانه اجانب آسوده کردند و چون بنا بر اختصار
است ما از ان ادعیه دو دعا اختیار کردیم امید از خواندن ان تغافل و
تکاهل نکنند اول دعائیست که در مزار شیخ مفید و مزار محمد بن المشهدی
قبل از نماز زیارت نقل کردند و فرمودند دستها را باسمان بلند کرده بگو

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفادَةٍ اِلٰى مَخْلُوقٍ رَجاءَ
رِفْدِهِ وَجائِزَتِهِ وَنَوافِلِهِ وَفَواضِلِهِ وَعَطاياهُ فَاِلَيْكَ يا رَبِّ وجوائزه نسخه
كانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتي وَتَعْبِئَتي وَاِعْدادي وَاسْتِعْدادي وَسَفَري
اِلٰى قَبْرِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ وَبِزِيارَتِهِ اِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ رَجاءَ رِفْدِكَ
وَجَوائِزِكَ وَنَوافِلِكَ وَعَطاياكَ وَفَواضِلِكَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ
رَجَوْتُ كَريمَ عَفْوِكَ وَواسِعَ مَغْفِرَتِكَ فَلا تَرُدَّني خائِباً
فَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَما عِنْدَكَ اَرَدْتُ وَقَبْرَ اِمامِيَ الَّذي اَوْجَبْتَ
عَلَيَّ طاعَتَهُ زُرْتُ فَاجْعَلْني بِهِ عِنْدَكَ وَجيهاً فِي الدُّنْيا

وَالْاٰخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبينَ الَّذينَ لا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلا
هُمْ يَحْزَنُونَ وَاَعْطِني بِهِ جَميعَ سُؤْلي وَاقْضِ لي بِهِ
جَميعَ حَوائِجي وَلا تَقْطَعْ رَجائي وَلا تُخَيِّبْ دُعائي
وَارْحَمْ ضَعْفي وَقِلَّةَ حيلَتي وَلا تَكِلْني اِلٰى نَفْسي وَلا
اِلٰى اَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ مَوْلايَ فَقَدْ اَقْحَمَتْني ذُنُوبي وَ
قَطَعَتْ حُجَّتي وَابْتَلَيْتُ بِخَطيئَتي وَارْتَهَنْتُ بِعَمَلي
وَاَوْبَقْتُ نَفْسي وَوَقَفْتُها مَوْقِفَ الْاَذِلّاءِ الْمُذْنِبينَ
الْمُجْتَرِئينَ عَلَيْكَ التّارِكينَ اَمْرَكَ الْمُغْتَرّينَ بِكَ المغترين نسخه
الْمُسْتَخِفّينَ بِوَعْدِكَ وَقَدْ اَوْبَقَني ما كانَ مِنْ قَبيحِ
جُرْمي وَسُوءِ نَظَري لِنَفْسي فَارْحَمْ تَضَرُّعي وَنَدامَتي
وَاَقِلْني عَثْرَتي وَارْحَمْ عَبْرَتي وَاَقْبَلْ مَعْذِرَتي وَعُدْ
بِحِلْمِكَ عَلٰى جَهْلي وَبِاِحْسانِكَ عَلٰى اِساءَتي وَبِعَفْوِكَ
عَلٰى جُرْمي فَاِلَيْكَ اَشْكُو ضَعْفَ عَمَلي فَارْحَمْني يا اَرْحَمَ
الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لي فَاِنّي مُقِرٌّ بِذَنْبي مُعْتَرِفٌ
بِخَطيئَتي وَهٰذِهِ يَدي وَناصِيَتي بِالْغَفْرِ مِنّي يا سَيِّدي

فاقبل توبتي ونفس كربتي وارحم خشوعي وخضوعي و
اسفي على ما كان مني ووقوفي عند قبر وليك وذلي بين
يديك فانت رجائي ومعتمدي وظهري وعدتي فلا
تردني خائبا وتقبل عملي واستر عورتي وامن روعتي
ولا تخيبني ولا تقطع رجائي من بين خلقك يا سيدي
اللهم وقد قلت في كتابك المنزل على نبيك المرسل
صلى الله عليه واله ادعوني استجب لكم ان الذين يستكبرون
عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين يا رب وقولك
الحق وانت الذي لا تخلف الميعاد فاستجب لي يا رب
فقد سئلك السائلون وسئلتك وطلب الطالبون
وطلبت منك ورغب الراغبون ورغبت اليك
وانت اهل ان لا تخيبني ولا تقطع رجائي فعرفني الاجابة
يا سيدي واقض لي حوائج الدنيا والاخرة يا ارحم الراحمين

دوم دعائیست که در مزار قدیم و در مصباح الزائر
نقل کرده قبل از نماز زیارت و در بعضی نسخ مصباح
بعد از نماز ذکر کرده اند و این عبارت از بعض اصحاب ما است نقل کرده

اللهم صل على محمد وال محمد وصل على الحسين المظلوم
الشهيد قتيل العبرات واسير الكربات صلوة نامية
زاكية مباركة يصعد اولها ولا ينفد اخرها افضل ما صليت
على احد من اولاد الانبياء والمرسلين يا رب العالمين
اللهم صل على الامام الشهيد المقتول المظلوم المخذول
والسيد القائد والعابد الزاهد الوصي الخليفة
الامام الصديق الطهر الطاهر الطيب المبارك
الرضي المرضي والتقي الهادي المهدي الزاهد وسبط
الرسول وقرة عين البتول صلى الله عليه واله وسلم
اللهم صل على سيدي ومولاي كما عمل بطاعتك ونهى
عن معصيتك وبالغ في رضوانك واقبل على ايمانك
غير قابل فيك عذرا سرا وعلانية يدعو العباد
اليك ويدلهم عليك وقام بين يديك يهدم الجور
بالصواب ويحيي السنة بالكتاب فعاش في رضوانك
مكدودا ومضى على طاعتك وفي اوليائك مكدوحا

في اوليائك

كربتي
حوائجي في
الدائب المجاهد العالم الامام المهدي
وقتيل

وقضى اليك مفقودا لم تعصك في ليل ولا نهار بل جاهد
فيك المنافقين والكفار اللهم فاجزه خير جزاء الصادقين
الابرار وضاعف عليهم العذاب ولقاتليه العقاب
فقد قاتل كريما وقتل مظلوما ومضى مرحوما يقول
انا ابن رسول الله محمد وابن من زكى وعبد فقتلوه
بالعمد المعتمد قتلوه على الايمان واطاعوا في قتله الشيطان
ولم يراقبوا فيه الرحمن اللهم فصل على سيدي و
مولاي صلوة ترفع بها ذكره وتظهر بها امره وتعجل
بها نصره واخصصه بافضل قسم الفضائل يوم القيمة
وزده شرفا في اعلى عليين وبلغه اعلى شرف المكرمين
وارفعه من شرف رحمتك في شرف المقربين في الرفيع
الاعلى وبلغه الوسيلة والمنزلة الجليلة والفضل و
الفضيلة والكرامة الجزيلة اللهم فاجزه عنا
افضل ما جازيت اماما عن رعيته وصل على سيدي و
مولاي كلما ذكر وكلما لم يذكر يا سيدي ومولاي

جزيت

ادخلني في حزبك واستوهبني من ربك وربي فان
لك عند الله جاها وقدرا ومنزلة رفيعة ان سألت
اعطيت وان شفعت شفعت الله الله في عبدك
ومولاك لا تخلني عند الشدائد والاحوال لسوء عملي و
قبيح فعلي وعظيم جرمي فانك املي ورجائي وثقتي ومعتمدي
ووسيلتي الى الله ربي وربك لم يتوسل المتوسلون الى
الله بوسيلة هي اعظم حقا ولا اوجب حرمة ولا اجل
قدرا عنده منكم اهل البيت لا خلفني الله عنكم
بذنوبي وجمعني واياكم في جنة عدن التي اعدها لكم و
لاوليائكم انه خير الغافرين وارحم الراحمين اللهم
ابلغ سيدي ومولاي تحية كثيرة وسلاما واردد
علينا منه السلام انك جواد كريم وصل عليه كلما ذكر
السلام وكلما لم يذكر يا رب العالمين

واز جمله اعمال این روضه منوره دعای مظلوم است بر ظالم چنانچه شیخ طوسی
رحمه الله در مصباح متهجد در اعمال روز جمعه فرموده مستحبست که دعا کند بدعای
مظلوم در نزد قبر ابی عبد الله الحسین ع و دعا اینست

و بجای فلان نام ظالم را ببرد

اَللّهُمَّ اِنّی اَعتَزُّ بِدینِکَ وَاُکرَمُ بِهِدایَتِکَ وَفُلانٌ
یُذِلُّنی بِشَرِّهِ وَیُهینُنی بِاَذِیَّتِهِ وَیُعَیِّبُنی بِوَلاءِ اَولِیائِکَ
وَیَبهَتُنی بِدَعواهُ وَقَد جِئتُ اِلی مَوضِعِ الدُّعاءِ وَ
ضَمانُکَ الاِجابَةُ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَعِدنی
عَلَیهِ السّاعَةَ السّاعَةَ انگاه برو بیفت و بگو مَولایَ اِمامی
مَظلومٌ اِستَعدی عَلی ظالِمِهِ اَلنَّصرَ النَّصرَ انقدر بگو
تا نفس منقطع شود

وَاز جملهٔ اعمال دو رکعت نماز است در حرم مطهر با سورهٔ الرحمن و سورهٔ تبارک هر که از انجا بخواند خداوند منان مینویسد برای او بیست و پنج حجه مقبوله مبروره که با رسول خدا صلی الله علیه و اله کرده باشد چنانچه سید علی بن طاوس قدّه در مصباح الزائر نقل کرده **و از جملهٔ** اعمال در ان بقعه سامیه استخاره است و ان چنان است که بایستد در بالای سر حضرت امام حسین ع و صد مرتبه بگوید (اَستَخیرُ اللهَ) پس تحمید و تهلیل و تسبیح و تمجید کند حق تعالی را و ثنا بگوید خدا را بانچه سزاوار او است و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام چنانچه حمیری در قرب الاسناد ذکر کرده که چنین نمیکند بنده در امری هرگز مگر انکه حق تعالی میاندازد در دل او انچه را که خیر است از برای او در ان امر **وَاز** جمله دعائیست که ابن فهد ره در عدة الداعی از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند هر که از برای او حاجتی

باشد بسوی خدای عز و جل پس بایستد نزد حضرت امام حسین علیه السلام و بگوید یا اَبا عَبدِ اللهِ اَشهَدُ اَنَّکَ تَشهَدُ مَقامی وَتَسمَعُ کَلامی وَعِندَ رَبِّکَ تُرزَقُ فَاسئَل رَبَّکَ وَرَبّی فی قَضاءِ حَوائِجی) پس بدرستیکه براورده میشود حاجت او انشاء الله تعالی

وامّا زیارت جناب ابی الفضل عباس بن امیر المؤمنین علیه السلام پس بنحویکه شیخ مفید و محمد بن المشهدی ره و غیر ایشان روایت کرده چنان است که چون بدر حرم رسیدی بایست و بگو

سَلامُ اللهِ وَسَلامُ مَلائِکَتِهِ المُقَرَّبینَ وَاَنبِیائِهِ المُرسَلینَ
وَعِبادِهِ الصّالِحینَ وَجَمیعِ الشُّهَداءِ وَالصِّدّیقینَ وَ
الزّاکِیاتُ الطَّیِّباتُ فیما تَغتَدی وَتَروحُ عَلَیکَ یَا بنَ اَمیرِ المُؤمِنینَ
اَشهَدُ لَکَ بِالتَّسلیمِ وَالتَّصدیقِ وَالوَفاءِ وَالنَّصیحَةِ
لِخَلَفِ النَّبِیِّ المُرسَلِ وَالسِّبطِ المُنتَجَبِ وَالدَّلیلِ العالِمِ
وَالوَصِیِّ المُبَلِّغِ وَالمَظلومِ المُهتَضَمِ فَجَزاکَ اللهُ عَن
رَسولِهِ وَعَن اَمیرِ المُؤمِنینَ وَعَنِ الحَسَنِ وَالحُسَینِ وَعَن فاطِمَةَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَفضَلَ
الجَزاءِ بِما صَبَرتَ وَاحتَسَبتَ وَاَعَنتَ فَنِعمَ عُقبَی الدّارِ
لَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن جَهِلَ حَقَّکَ وَاستَخَفَّ
بِحُرمَتِکَ وَلَعَنَ اللهُ مَن ظَلَمَکَ وَنَعَم مَن حالَ بَینَکَ وَبَینَ ماءِ الفُراتِ

اشهد انك قتلت مظلوما وان الله منجز لكم ما وعدكم
جئتك يا ابن امير المؤمنين وافدا اليكم وقلبي مسلم
لكم وتابع وانا لكم تابع ونصرتي لكم معدة حتى
يحكم الله وهو خير الحاكمين فمعكم معكم لا مع
عدوكم اني بكم وبايابكم من المؤمنين وبمن خالفكم
وقتلكم من الكافرين لعن الله امة قتلتكم بالايدي
والالسن

پس داخل شو و بیفکن خود بر قبر و بگو درحالی که رو بقبله باشی

السلام
عليك ايها العبد الصالح المطيع لله ولرسوله ولامير
المؤمنين والحسن والحسين صلى الله عليهم وسلم
السلام عليك ورحمة الله وبركاته ومغفرته ورضوانه
وعلى روحك وبدنك اشهد انك مضيت على
ما مضى عليه البدريون والمجاهدون في سبيل
الله المناصحون له في جهاد اعدائه المبالغون في
نصرة اوليائه الذابون عن احبائه فجزاك الله
افضل الجزاء واكثر الجزاء واوفر جزاء احد ممن

الجزاء واوفى جزاء

وفى ببيعته واستجاب له دعوته واطاع ولاة امره
واشهد انك قد بالغت في النصيحة واعطيت غاية
المجهود فبعثك الله في الشهداء وجعل روحك
مع ارواح السعداء واعطاك من جنانه افسحها منزلا
وافضلها غرفا ورفع ذكرك في العليين وحشرك
مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين
وحسن اولئك رفيقا اشهد انك لم تهن ولم تنكل
وانك مضيت على بصيرة من امرك مقتديا بالصالحين
ومتبعا للنبيين فجمع الله بيننا وبينك وبين رسوله
واوليائه في منازل المخبتين فانه ارحم الراحمين

پس میل کن بجانب سر پس دو رکعت نماز کن آنچه خواستی بعد از این دو
رکعت نماز کن و دیبا بخوان خدا را و بگو در عقب نماز

اللهم صل على محمد وال محمد ولا تدع لي في هذا المكان
المكرم والمشهد المعظم ذنبا الا غفرته ولا هما الا
فرجته ولا مرضا الا شفيته ولا عيبا الا سترته
ولا رزقا الا بسطته ولا خوفا الا امنته ولا شملا

اِلّا جَمَعْتَهُ وَلا غائِبًا اِلّا حَفِظْتَهُ وَلا دَيْنًا اِلّا اَدَّيْتَهُ
وَلا حاجَةً مِنْ حَوائِجِ الدُّنْيا وَالْاٰخِرَةِ لَكَ فِيها رِضًى وَلِيَ

فِيها صَلاحٌ اِلّا [illegible] قَضَيْتَها يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْفَضْلِ الْعَبّاسَ بْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا
بْنَ اَوَّلِ الْقَوْمِ اِسْلامًا وَاَقْدَمِهِمْ اِيمانًا وَاَقْوَمِهِمْ بِدِينِ
اللهِ وَاَحْوَطِهِمْ عَلَى الْاِسْلامِ اَشْهَدُ لَقَدْ نَصَحْتَ لِلّهِ
وَلِرَسُولِهِ وَلِاَخِيكَ فَنِعْمَ الْاَخُ الْمُواسِي فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اسْتَحَلَّتْ
مِنْكَ الْمَحارِمَ وَانْتَهَكَتْ حُرْمَةَ الْاِسْلامِ فَنِعْمَ الصّابِرُ
الْمُجاهِدُ الْمُحامِي النّاصِرُ وَالْاَخُ الدّافِعُ عَنْ اَخِيهِ الْمُجِيبُ
اِلى طاعَةِ رَبِّهِ الرّاغِبُ فِيما زَهِدَ فِيهِ غَيْرُهُ مِنَ الثَّوابِ
الْجَزِيلِ وَالثَّناءِ الْجَمِيلِ فَاَلْحَقَكَ اللهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ
فِي دارِ النَّعِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي تَعَرَّضْتُ لِزِيارَةِ اَوْلِيائِكَ رَغْبَةً
فِي ثَوابِكَ وَرَجاءً لِمَغْفِرَتِكَ وَجَزِيلِ اِحْسانِكَ فَاَسْئَلُكَ

اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَ رِزْقِي بِهِمْ دارًّا وَ
عَيْشِي بِهِمْ قارًّا وَزِيارَتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً وَحَياتِي بِهِمْ طَيِّبَةً وَاَدْرِجْنِي
اِدْراجَ الْمُكْرَمِينَ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مِنْ زِيارَةِ مَشاهِدِ
اَحِبّائِكَ مُفْلِحًا مُنْجِحًا قَدِ اسْتَوْجَبَ غُفْرانَ الذُّنُوبِ وَ
سَتْرَ الْعُيُوبِ وَكَشْفَ الْكُرُوبِ اِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوى وَاَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ [illegible] اَسْتَوْدِعُكَ

اللهَ وَاَسْتَرْعِيكَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ
وَبِكِتابِهِ وَبِما جاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدِينَ
اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ قَبْرِ ابْنِ اَخِي
رَسُولِكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَارْزُقْنِي زِيارَتَهُ ما
اَبْقَيْتَنِي وَاحْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ آبائِهِ فِي الْجِنانِ وَعَرِّفْ
بَيْنِي وَبَيْنَهُ وَبَيْنَ رَسُولِكَ وَاَوْلِيائِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَوَفَّنِي عَلَى الْاِيمانِ بِكَ وَالتَّصْدِيقِ
بِرَسُولِكَ وَالْوِلايَةِ لِعَلِيِّ بْنِ اَبِي طالِبٍ وَالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ
السَّلامُ مِنْ وُلْدِهِ وَالْبَرائَةِ مِنْ عَدُوِّهِمْ فَاِنِّي رَضِيتُ بِذلِكَ

وصلی الله علی محمد و آل محمد

پس دعا کن از برای خود و بجهت والدین خود و از برای مردمان مؤمن و زنهای مؤمنه و از دعاها
هر دعائیکه میخواهی برگرد

مؤلف

گوید در اینجا لازم است تنبیه بر
دو امر لازم که محل حاجت و ابتلاء و سؤال است اول فقره نماز زیارت جناب ابی الفضل
دوم کیفیت ایستادن در حرم آنجناب وقت زیارت اما نماز زیارت پس بدانکه علامه
مجلسی ره در بحار در باب زیارت آنجناب از کامل الزیارة نقل کرده و آن جزو زیارت
طویله ابو حمزه ثمالی است و در آنجا نماز و زیارت وداع یا بین یا نداده و بعد از آن فرموده
که گذشت زیارت عباس در زیارت کبیره که از شیخ مفید نقل شد مبسوطتر
از این و اصحاب در زیارت آنجناب نماز زیارت را ذکر کرده اند و اخبار خالی است از
این و از این جهت بعضی از معاصرین منع کرده اند نماز برای غیر معصوم چون در اخبار
تصریح نشده دیگر در نماز برای زیارت غیر ایشان لکن اگر نماز کند نه بقصد ورود
این بخصوص بلکه بجهت اخبار عامه که وارد شده در هدیه فرستادن نماز و
صدقه و روزه و سایر افعال خیر برای انبیا و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین و مؤمنین و
مؤمنات و اینکه اینها داخل میشود بر ایشان در قبورشان و با اینها متنعم میشوند
باکی باز نیست و کار نیکوئی کرده با آنکه مفید و غیر او رحمهم الله از او در کتب خود
ذکر کرده اند و شاید بایشان خبری رسیده که بما نرسیده و خواهد آمد در زیارت
جابر در اربعین که مشتمل است بر نماز زیارت و این فرمایش از مثل ایشان خالی
از تعجب نیست اولا آنکه زیارت کبیره که از شیخ مفید ره سابقا نقل کردند
نماز زیارت آنجناب در آن مذکور است نص صریح است در این باب و احتمال
آنکه این زیارت از تألیف شیخ یا دیگران باشد در اینجا نمی آید زیرا که عبارت

شیخ مفید ره در مزار چنانچه خود آن مرحوم در اول آن زیارت نقل کرده این است
(زیارة اخری له علیه السلام غیر مقیدة بوقت من الاوقات اذا وردت الخ) پس امر
بنماز در بالای سر از امام علیه السلام خواهد بود و ثانیا همین زیارت را محمد بن
المشهدی ره در مزار خود نقل کرده و در بحار نیز بآن نسبت داده و گذشت که در
اول مزار خود تصریح نموده که آنچه در این مزار ذکر میشود از زیارات و دعوات
همه آنها ماثور و اسناد از ائمه علیهم السلام بروایت ثقات و ثالثا گذشت
فرموده حضرت صادق علیه السلام بروایت ابو حمزه ثمالی که چاره بیت
کردن دو رکعت نماز نزد زیارت هر قبری و مثل آنجناب و شهدا که برای ایشان زیارات
مخصوصه وارد شده البته داخل در این عموم خواهند بود و رابعا گذشت از
مزار محمد بن المشهدی در زیارت عیدین که در غیر آن نیز میشود خواند تصریح بنماز
امر بزیارت آنجناب برای ... و فعل مستحبی بیش از این محتاج نیست بدلیل
و تسامح بفعل جابر

و اما کیفیت

ایستادن در وقت
زیارت پس علامه مذکور بعد از کلام سابق فرموده بدانکه ظاهر این روایت
یعنی روایت کامل الزیارة جواز ایستادن نزد قبر آنجناب است بهر نحو که باشد
و اگر بقعه آنجناب در سابق مثل حالا بود بعضی در حرم در رو برو نماز میشد
هر اینه ظاهر این خبر مواجهه آنجناب است وقت زیارت لکن ظاهر اصحاب
و عمل ایشان اینستکه سزاوار نیست در زیارت غیر معصوم رو برو شدن بلکه
سزاوار رو کردن بقبله است و ایستادن در پشت سر او و ندیدم در بیشتر
زیارات منقوله تصریحی باین مطلب ملی در زیارت مؤمنین مطلقا وارد
شده استحباب استقبال قبله چنانچه بیاید ولیکن بعید نیست آنکه گفته

شود که چنانچه امتیاز دادند از سایر مؤمنین باین زیارتیکه مشتمل است بر مخاطبات
امتیاز داده باشند از سایر مؤمنین باینکه رو بروی ایشان بایستند چنانچه
متعارفست در مکالمات و محاورات لکن در بعضی روایات منقوله امر شده
باستقبال قبله در وقت زیارت کردن بعضی از ایشان مثل علی بن الحسین
علیهما السلام چنانچه وارد شده از ناحیه مقدسه و مخیر بودن زائر در
هرجا که بخصوص نص نرسیده اظهر است و این کلام نیز در غرابت مثل سابق است
اما اولا بجهة آنکه شیخ طوسی قده در تهذیب از مزار شیخ مفید ره همان زیارت
را در بحار از آن مزار و مزار محمد بن المشهدی نقل کرده ایشان نیز نقل کرده اند
و عبارت مزار در نسخ تهذیب چنین است بعد از خواندن زیارت
در حرم (ثم ادخل و انکب علی القبر و قل و انت مستقبل القبلة السلام علیک
ایها العبد الصالح الخ) پس داخل شو و بر قبر بیفت و بگو در حالتیکه رو بقبله
کرده باشی و این صریح است در آنکه پشت بسر باید ایستاد چنانچه در زیارت علی
بن الحسین و سایر شهداء علیهم السلام باید چنین کنند چنانچه در زیارت
ناحیه مقدسه تصریح فرمودند که (اذا اردت زیارة الشهداء رضوان
الله علیهم فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین
صلوات الله علیهما فاستقبل القبلة بوجهک الخ) یعنی هرگاه خواهی زیارت
کنی شهداء را پس بایست نزد پاهای امام که آنجا قبر علی بن الحسین است
و روی کن بسوی قبله الخ) و نیز گذشت در زیارت اول رجب بروایت سید در
اقبال و مصباح الزائر که برو و بایست نزد قبر علی بن الحسین و رو بقبله و بگو
و ظاهرا از نسخه مزار ایشان فقره (و انت مستقبل القبلة) افتاده بود

لکن جای ایراد هست که با کثرت مراجعه بکافی و تهذیب در این جلد چرا در
این محل مراجعه نفرمودند که چنین بفرمایند پس مکشوف شد که برای تخییر محلی
نماند بعد از بیرون رفتن آن دو بزرگوار و سایر شهداء از آن بجهت وجود نص
صریح و اتحاد حکم ایشان در این جهة با سایر مؤمنین خصوص مثل جناب سلمان فارسی
سلام الله علیه که سید بن طاوس در مصباح الزائر در اول زیارت آنجناب تصریح
نموده که رو بقبله میایستی و همچنین فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام در قم چنانچه در بحار از حضرت رضا علیه السلام روایت
کرده پس دیگر محلی نیست برای تخییر زیرا که همه داخلند در مؤمنین اند که حکمشان
معلوم شده در اخبار بسیار و اما ثانیا پس بر ناظر متتبع مخفی نیست که در بیشتر
زیارات مطلقه و مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و سایر ائمه
علیهم السلام در کیفیت دخول و ایستادن برای خواندن زیارت تصریح فرمودند
که رو بایشان و پشت بقبله میکنی و در بسیاری از زیارات حضرت ابی عبد
الله علیه السلام مختصری یا مطولی از زیارت جناب ابی الفضل ذکر شده و ابدا
در آنها اشاره نشده و معلوم است از آنکه بوضوح خود واگذاشتند و بهمان
دستور العملی که برای زیارت قبور مؤمنین مقرر فرمودند قناعت نمودند
و اگر امتیازی بود البته بآن اشاره میکردند و اما ثالثا پس احتمال امتیازی که
دادند برای آنجناب بملاحظه امتیاز ایشان باین زیارات متضمن مکالمات
و مخاطبات بعد از چشم پوشیدن از ضعف آن بجهت شراکت جناب سلمان و
سیده فاطمه در این جهت و نداشتن این امتیاز باین حال در نهایت ضعف است
بجهت صدمه زدن بامتیازی دیگر که از جهات عدیده اولی است برعایت و

حفظ آن امتیاز معصوم است چه پیغمبر و چه امام صلوات الله علیهم از سایر مؤمنین بآن حکم مخصوص چنانچه از همه آنها ممتاز بوده زانکه معصوم را غسل نمیدهد غیر معصوم علیه السلام و نماز نکند بر غیر معصوم و مقتدا را خوابیدن جسد مبارک پیغمبر ما و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین از زمین اشرف است از کعبه معظمه باتفاق جمیع فقها چنانچه شهید ره در قواعد تصریح نموده پس حفظ این امتیاز و اختصاص اولی است و احق بملاحظه ادای حق امامت و ولایت که بر همه لازم و متحتم است

فصل پنجم

در مختصری از تکلیف وارد در کاظمین و سرّ من رای و در آن چند مقام است

مقام اول

در آنچه متعلق بکاظمین است و زیارات حرم انور و بعضی مختص است بهر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک میان آن دو امام همام علیهما السلام و بعضی از هر یک از آنها در اینجا ذکر میشود **اما** مختص بحضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام پس شیخ مفید و محمد بن المشهدی و شهید اول رحمهم الله در مزار شان فرموده اند چون خواهی زیارت کنی آنجناب را در بغداد پس غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد شریف را و بایست بر در حرم و اذن دخول بطلب و بهتر آنکه همان اذن دخولیکه در مقدمه کتاب ذکر کردیم بخوان فرموده اند که داخل شود در حالتیکه میگوئی

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى أَوْلِيَاءِ اللهِ

بعد از آن برو تا مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام پس چون ایستادی نزد قبر آنحضرت بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَآتَيْتَ الزَّكٰوةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِبًا وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْلَى بِاللهِ وَبِرَسُولِهِ وَأَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللهِ حَقًّا وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ بِمُوَالَاتِكَ أَتَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ

پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونهای خود را بر او بگذار و بگرد از انجا و بیا بجانب سر و بایست و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ صَادِقٌ أَدَّيْتَ نَاصِحًا وَقُلْتَ أَمِينًا وَمَضَيْتَ شَهِيدًا لَمْ تُؤْثِرْ عَمًى عَلَى هُدًى وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ إِلَى بَاطِلٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ وَأَبْنَائِكَ الطَّاهِرِينَ

پس بوسه قبر مطهر را و دو رکعت نماز زیارت بگذار و بعد از این دو رکعت هر نماز که خواهی بکن پس آن سجده و بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اعْتَمَدْتُ وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَبِفَضْلِكَ رَجَوْتُ وَقَبْرَ اِمَامِيَ الَّذِي اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ زُرْتُ وَبِهِ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي اَوْجَبْتَ عَلَى نَفْسِكَ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَا كَرِيمُ

پس روی راست خود را بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِي فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِهَا

پس روی چپ را بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ اَحْصَيْتَ ذُنُوبِي فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ

پس برگرد بسجده و بگو شکراً شکراً تا صد مرتبه پس از آن سر از سجده بردار و دعا کن با هر چه خواهی از برای هر که میخواهی و دو شب بیداری از برا

مؤلف گوید

سید جلیل علی بن طاوس قدّه در مصباح الزائر این صلوات بر آنحضرت را که متضمّن شمّه از فضائل و مناقب و عبادت و مصائب آنجنابست بعد از زیارت نقل کرده البته زائر خود را از فیض خواندن آن محروم نکند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَصَلِّ عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْاَبْرَارِ وَاِمَامِ الْاَخْيَارِ وَعَيْبَةِ

الْاَنْوَارِ وَوَارِثِ السَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَالْحِكَمِ وَالْآثَارِ الَّذِي كَانَ يُحْيِي اللَّيْلَ بِالسَّهَرِ اِلَى السَّحَرِ بِمُوَاصَلَةِ الْاِسْتِغْفَارِ حَلِيفِ السَّجْدَةِ الطَّوِيلَةِ وَالدُّمُوعِ الْغَزِيرَةِ وَالْمُنَاجَاتِ الْكَثِيرَةِ وَالضَّرَاعَاتِ الْمُتَّصِلَةِ الْجَمِيلَةِ وَمَقَرِّ النُّهَى وَالْعَدْلِ وَالْخَيْرِ وَالْفَضْلِ وَالنَّدَى وَالْبَذْلِ وَمَأْلَفِ الْبَلْوَى وَالصَّبْرِ وَالْمُضْطَهَدِ بِالظُّلْمِ وَالْمَقْبُورِ بِالْجَوْرِ وَالْمُعَذَّبِ فِي قَعْرِ السُّجُونِ وَظُلَمِ الْمَطَامِيرِ ذِي السَّاقِ الْمَرْضُوضِ بِحَلَقِ الْقُيُودِ وَالْجَنَازَةِ الْمُنَادَى عَلَيْهَا بِذُلِّ الْاِسْتِخْفَافِ وَالْوَارِدِ عَلَى جَدِّهِ الْمُصْطَفَى وَاَبِيهِ الْمُرْتَضَى وَاُمِّهِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ بِاِرْثٍ مَغْصُوبٍ وَوِلَاءٍ مَسْلُوبٍ وَاَمْرٍ مَغْلُوبٍ وَدَمٍ مَطْلُوبٍ وَسَمٍّ مَشْرُوبٍ اَللّٰهُمَّ وَكَمَا صَبَرَ عَلَى غَلِيظِ الْمِحَنِ وَتَجَرَّعَ فِيكَ غُصَصَ الْكُرَبِ وَاسْتَسْلَمَ لِرِضَاكَ وَاَخْلَصَ الطَّاعَةَ لَكَ وَمَحَّضَ الْخُشُوعَ وَاسْتَشْعَرَ الْخُضُوعَ وَعَادَى الْبِدْعَةَ وَاَهْلَهَا وَلَمْ يَلْحَقْهُ فِي شَيْءٍ مِنْ اَوَامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ

لومة لائم صل عليه صلوة نامية منيفة زاكية توجب
لها بها شفاعة أمم من خلقك وقرون من براياك وبلغه
عنا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في موالاته فضلا
واحسانا ومغفرة ورضوانا انك ذو الفضل العميم و
التجاوز العظيم برحمتك يا ارحم الراحمين

واما زیارت مخصوص بحضرت امام محمد تقی علیه السلام پس در همان نسخه مزار شریف
مسطور است که پس متوجه شو بسوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیهما السلام
که در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آنحضرت بگو

السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله
السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض السلام عليك
يا بن رسول الله السلام عليك وعلى آبائك السلام
عليك وعلى ابنائك السلام عليك وعلى اوليائك
اشهد انك اقمت الصلوة وآتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر وتلوت الكتاب حق تلاوته
وجاهدت في الله حق جهاده وصبرت على الاذى في
جنبه حتى اتاك اليقين اتيتك زائرا عارفا بحقك مواليا

لاوليائك معاديا لاعدائك فاشفع لي عند ربك

پس ببوس قبر را و روی خود را بر قبر بنه پس دو رکعت نماز زیارت
بگذار و بعد از آن دو رکعت هر نماز که خواهی بجا آور پس سر بسجده گذار و بگو

ارحم من اساء واقترف واستكان واعترف

پس روی راست خود را بگذار و بگو

ان كنت بئس العبد فانت نعم الرب

پس روی چپ خود را بگذار و بگو

عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا كريم

پس برگرد بسجده و بگو صد مرتبه شکرا شکرا پس برگرد و بنابر
سید بن طاوس ره صلوات بر آنحضرت را بعد از زیارت تعیین فرموده

اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على محمد بن
علي الزكي التقي والبر الوفي والمهذب الصفي هادي
الامة ووارث الائمة وخازن الرحمة وينبوع
الحكمة وقائد البركة وعديل القرآن في الطاعة
وواحد الاوصياء في الاخلاص والعبادة وحجتك
العليا ومثلك الاعلى وكلمتك الحسنى الداعي اليك
والدال عليك الذي نصبته علما لعبادك ومترجما
لكتابك وصادعا بامرك وناصرا لدينك وحجة على

خلفائك ونوراً تخرق به الظلم وقدوة تدرك بها الهداية وشفيعاً ينال به الجنة اللهم وكما اخذ في خشوعه لك حظه واستوفي من خشيتك نصيبه فصل عليه اضعاف ما صليت على ولي ارتضيت طاعته وقبلت خدمته وبلغه منا تحية وسلاماً وآتنا في موالاته من لدنك فضلاً واحساناً ومغفرة ورضواناً انك ذو المن القديم والصفح الجميل

زیارت دیگر

که مخصوص بانحضرتست شیخ صدوق ره در فقیه روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی امام محمد تقی را پس غسل کن و خود را پاکیزه نما و دو جامه پاکیزه بپوش و بگو

اللهم صل على محمد بن علي الامام التقي النقي الرضي المرتضى حجتك على من فوق الارض ومن تحت الثرى صلوة كثيرة نامية زاكية متواصلة مترادفة متواترة كافضل ما صليت على احد من اوليائك والسلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض اتيتك زائراً عارفاً بحقك معادياً لاعدائك موالياً

لاوليائك فاشفع لي عند ربك

انگاه حاجت خود را سؤال کن بعد از آن نماز کن دو رکعت که در زیر قبر حضرت امام محمد تقی علیه السلام است چهار رکعت دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم علیه السلام و دو رکعت برای امام محمد تقی علیه السلام

مؤلف گوید

بدرستیکه قبر مطهر حضرت کاظم علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام جدا و قبه و درب علیحده داشت بعد از زیارت از انجا بیرون میآمدند در قبه حضرت جواد علیه السلام میرفتند که از هم در و دیوار و سقف علیحده داشت **و اما** زیارت مشترکه میان دو امام همام علیهما السلام که این زیارت را در هر کدام علیحده باید خواند پس شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کامل الزیارة از حضرت ابی الحسن یعنی امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که در نزد هر کدام از این دو امام علیه السلام چنین بگوید

السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حجة الله السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض السلام عليك يا من بدا لله في شانه اتيتك زائراً عارفاً بحقك معادياً لاعدائك موالياً لاوليائك اشفع لي عند ربك يا مولاي

و شیخ صدوق علیه الرحمة همین زیارت را در فقیه نقل کرده و فقره (السلام عليك يا من بدا لله) را نقل نکرده و ثقة الاسلام نیز از اسناد روایت کرده باسقاط چند فقره و لکن فقره بدا را ذکر کرده و چون روایت کامل اکمل بود از او ذکر نمودیم **و نیز** در کافی و کامل الزیارة زیارة جامعه صغیره معروفه که سندا از دو غایت اعتبار است برای هر یک از این دو امام همام علیهما السلام نقل

کردند با ضریح با اینکه خواندن آن در سایر مشاهد مشرفه نیز مجرب است مانند زیارت رجبیه در اوایل همین مقام ذکر خواهیم نمود انشاء الله اینجا ذکر کردیم هر که طالب است از اینجا بخواند

و نیز ذکر کردیم در کتاب نجم ثاقب و رساله جنة المأوی قصه عجیبه نافعه عدل صالح تقی حاجی علی بغدادی که در سنه شرف ملاقات ولی عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه روزی او شد مشتمل است بر معجزات بسیار و فواید جمیله بلا واسطه از مومی الیه نقل کردیم در آنجا مذکور است که حاجی علی مذکور در خدمت آنجناب وارد صحن کاظمین شدند نزدیک غروب روز پنجشنبه پس از باب المراد که در پایین پا است داخل رواق شدند بی اذن دخول و در حرم مطهر ایستادند بجای اذن فرمود استیذان کن حاجی چون نمیشناخت خادمی یا مستدعی شد که برای من بخوان پس حضرت روحی له الفداء مشغول شدند بسلام باین نحو (السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ السَّلامُ عَلَيْكِ يا فاطِمَةَ الزَّهْراءِ) و هم بر هر یک از امامان باین اختصار تا بوالدین بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام سلام کردند و ساکت شدند پس باو فرمودند چون با امام عصر چه میگوئی عرض کرد (السَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الزَّمانِ) فرمود (وَعَلَيْكَ السَّلامُ) و او ملتفت نشد پس داخل در حرم شدند و مقابل قبر مطهر ایستادند و باو فرمودند زیارت بخوان عرض کرد نمیدانم شما برای من بخوانید فرمود کدام زیارت را عرض کرد بهترین زیارات را پس حضرت فرمود بهترین زیارات زیارت امین الله است آنگاه برای او زیارت امین الله را خواندند باین قسم (السَّلامُ عَلَيْكُما يا اَمينَيِ اللهِ) تا آخر و هر دو امام علیهما السلام را شرایط نمودند تا آخر حکایت که خواندن آن دل را نورانی و چشم را روشن کند چون این مقدار از آن مناسب مقام بود بهمان قناعت کردیم

مقام دوم

وبالله المستعان

در زیارت کاظمین و آداب و مناسک مؤمنین در بلد طیبه کاظمین و آن سه چیز است **اول** رفتن بمسجد شریف براثا و نماز کردن در آن **دوم** رفتن ببغداد جهت زیارت چهار نائب خاص حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه **سیم** رفتن بمداین بجهت زیارت سلمان محمدی علیه السلام **اما** اول پس بدان که مسجد براثا از مساجد شریفه معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوار و غالبا از فیض آن محروم و اعتنائی بآن ندارند با همه فضائل و اسباب شرافتی که برای آن ذکر نمودند شیخ جلیل ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی خود مسندا روایت کرده از حضرت امام باقر علیه السلام که فرمود چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ خوارج نهروان برگشت و گذشت بزوراء که محل شهر بغداد بوده است پس گفت بمردم که این زوراء است پس راه بروید و اجتناب کنید از داخل شدن آن که خسف و فرو رفتن زمین بآن نزدیکتر است از فرو رفتن میخ در میان سبوس و چون بموضع دیگر رسید پرسید که این چه موضع است گفتند نجرا است فرمود که این زمین شوره است بجانب راست این زمین میل کنید پس براهبی رسید که در صومعه خود بود بآن راهب خطاب نمود که در اینجا فرود آیم راهب گفت که با لشکر خود در اینجا فرود میا فرمود که چرا راهب گفت در این موضع فرود نمیاید مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر با لشکر خود که جهاد کند در راه خدا چنین خواندیم ما در کتابهای خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من وصی پیغمبرم پس راهب از صومعه خود فرود آمد بسوی آن حضرت و عرض کرد که عرض کن بر من دین اسلام را و بگیر از من بیعت

ازاکه من در انجیل وصف ترا خوانده ام و خوانده ام که فرود خواهی امد
در زمین براثا که خانه حضرت مریم علیها السلام و زمین حضرت عیسی است
پس حضرت فرمود بایست و بما چیزی خبر ده که ما بهتر از تو میدانیم پس رفت بموضع
از صحرا و امر کرد که خاک را دور کردند پس سنگی عظیم ظاهر شد پس زبانی بران
سنگ زد و از زیران چشمه بزرگی ظاهر شد پس فرمود که این چشمه ایست که از
برای مریم علیها السلام ظاهر کردید پس هفت ذرع ازان چشمه دور شد فرمود
که بشکافید این مکان را چون شکافتند سنگ سفیدی ظاهر شد فرمود که حضرت
مریم علیها السلام را حضرت عیسی ع از دوش خود گرفت و بران سنگ گذاشت
و در این موضع نماز کرد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام ان سنگ را
نصب کرد و بسوی ان نماز کرد و چهار روز در انجا ماند و حرم خود را در
موضع فرود اورده بود که انقدر دور بود که اگر صدا زنند نتوان شنید پس فرمود
که این زمین براثا است این خانه مریم است این موضع مقدسی است که پیغمبران
در ان نماز کردند حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ما در کتب یافته
ایم که حضرت ابرهیم علیه السلام پیش از حضرت عیسی علیه السلام در انموضع نماز
کرده است **وشیخ شهید اول** که در کتاب ذکری فرموده

از جمله مشاهد شریفه مسجد براثا است که در غربی بغداد است و ان باقیست الی الان و
من ان را دیدم و در ان نماز کردم و جماعتی روایت کرده اند از جابر انصاری که گفت
امیر المؤمنین علیه السلام با ما نماز کرد در مسجد براثا بعد از برگشتن از
جنگ خوارج و ما زیاده از صد هزار مرد بودیم پس نصرانی از صومعه
خود فرود امد و پرسید که سر کرده این لشکر کیست ما اشاره بامیر المؤمنین

علیه السلام کردیم که این است پس نزد انحضرت امد و سلام کرد و گفت ای
سید من تو پیغمبری فرمود نه پیغمبر سید و اقای من است گفت پس تو وصی پیغمبری
فرمود بلی گفت من این صومعه را از برای این موضع بنا کرده ام که براثا نام
دارد و در کتب سماوی خوانده ام که در این موضع با این جمعیت نماز نمیکند
مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس مسلمان شد و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
باو فرمود که کی در اینجا نماز کرده است گفت حضرت عیسی و مادرش حضرت
فرمود که حضرت ابرهیم خلیل علیه السلام نیز در اینجا نماز کرده است
روایت است از جابر از انس بن مالک که چون امیر المؤمنین علیه السلام
از جنگ خوارج برگشت در براثا فرود امد و در انجا راهبی در دیر خود
بود ان راهب چون ان لشکر را دید از دیر خود فرود امد و پرسید که سرکرده
لشکر کیست گفتند امیر المؤمنین است و از جنگ اهل نهروان برگشته
است پس بخدمت حضرت شتافت و با ادب ایستاد و گفت اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا اَمیرَ المُؤمِنینَ حَقّاً حَقّاً حضرت فرمود که چه میدانی من امیر المؤمنینم
بحقیقت و راستی گفت چنین خبر داده اند رهبانان و دانایان ما حضرت
فرمود که ای حباب راهب گفت نام مرا چه میدانی فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و اله چنین خبر داده حباب گفت دست دراز
کن که من شهادت میدهم بوحدانیت خدا و برسالت محمد صلوات الله
علیه و اله و شهادت میدهم که تو علی بن ابی طالب و وصی انحضرتی فرمود
که در کجا میباشی گفت در این دیر میباشم فرمود که بعد از این اینجا مباش و
لکن در اینجا مسجدی بنا کن و باسم بنا کننده اش نام کن از این پس بنا کرد از امر

که نامش براثا بود پس مسجد را براثا نام کرد و امیر المؤمنین ع از راهب پرسید
که از کجا آب میخوری گفت از دجله فرمود که چرا در اینجا چشمه یا چاهی نمیکنی گفت
یا امیر المؤمنین هر چاهی که کندیم آبش شور بود حضرت جائی را نشان داد
فرمود که اینجا چاهی بکن چون کند سنگ بزرگی ظاهر شد که نتوانستند کند
از این آنحضرت سنگ را کند و از زیرش چشمهٔ ظاهر شد از عسل شیرین تر و
از کره لذیذتر پس فرمود که ای حباب از این چشمه آب بخور ای حباب زود باشد
که در پهلوی مسجد تو شهری بنا شود که جباران در ان بسیار باشند و بلاء و
فتنه در ان عظیم باشد حتی آنکه در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج را بحرام
جماع کنند و مراد از ان شهر بغداد است **و ابن شهر آشوب**
در مناقب مضامین این اخبار را باسانید متعدده نقل کرده و بعد از ان
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام صیحه زد بان چاه بزبان
عبرانی که نزدیک من بیا پس چون عبور کرد بمسجد در انجا درخت عوسجی
بود که خار بسیار داشت پس شمشیر را کشید و خارها را از ان درخت
دور کرد و فرمود در انجا قبر پیغمبری است از پیغمبران خداوند و امر فرمود تا آب
را که بر گرد پیر برگشت و با اطهر شیر زده کس از اصحابش همراه بودند پس قبله را بجانب
سمت خود درست کرد و بسوی ان نماز کرد **مؤلف گوید** از مجموع این
اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم میشود که هر کدام در هر مسجدی
باشد سزاوار است که انسان منازل طی کند و بفیض نماز و دعای در ان مستفیض
و متبرک شود اول مفر فرمودن خداوند که در ان زمین فرود نیاید ربیبی تا
لشکر بجهت جهاد در راه خداوند و نماز نکنند در ان جز پیغمبر یا وصی پیغمبر و

ان را در کتب سماویه ثبت نمودن **دوم** آنکه خانه حضرت مریم بتول است
سیم آنکه زمین حضرت عیسی علیه السلام است **چهارم** بودن چشمه
که برای مریم علیها السلام ظاهر شده بود چنانچه خدا تعالی میفرماید (قَدْ
جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا) در اینجا **پنجم** ظاهر کردن امیر المؤمنین ع
ان چشمه را که آبش لذیذ و گوارا بود باعجاز برای ان جماعت **ششم** بودن
سنگ سفید مبارک که مریم عیسی را بر ان گذاشت در انجا هنگام بیرون آوردن حضرت
ان سنگ را از انجا باعجاز و نماز کردن بسوی ان یعنی از انجای دیوار قبلهٔ محراب نماز
خود قرار داد و این سنگ مبارک مقدس هنوز موجود و در انجا منصوب و
لکن مکرر جهال بیگانگان از اد را ورده و در چاه میاندازند پس از اطلاع
باز بعضی مؤمنین از اد را ورده نصب میکنند و چون بجهت غفلت و
بی اعتنائی شیعیان باین مسجد عظیم الشان معمور و آباد نیست لهذا این سنگ
با قیمت تا بکجا بکشد **هشتم** نماز کردن حضرت امیر المؤمنین و حضرت
مجتبی و سید الشهداء علیهم السلام در انجا **نهم** توقف نمودن حضرت
در انجا چهار روز بجهت شرافت مکان و مقدس بودن زمین **دهم**
نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در انجا **یازدهم**
بودن قبر پیغمبری از پیغمبران در انجا **دوازدهم** برگشتن آفتاب برای
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در انجا و این شرافت و فضائل و بروز آیات
الهیه و معاجز حیدریه در ان معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی انجا برود
با آنکه مکرر از پهلوی ان میگذرند و چون بیگانگان بجهت استفاع جزئی در
مسجد را می بندند که از وارد بن چند عروشی بگیرند اگر اتفاقا کسی بانجا برود از

دادن ان جزئی مضایقه کند بر گردد وگاه شود برای محض تماشا کردن شهر بغداد
وعمارت جبابره مصر قفا کند چه رسد بمصارف عظیمه بجهت فضول معاش
وامتعه نجسه بخسه کفار که گرفتن ان از مهمات زیارت بسیاری از زوار است
ودر اینجا لازم است تنبیه بر امری و ان انست که مشهور در نزد اصحاب و
مقتضای اخبار کثیره برگشتن افتاب است برای حضرت امیر المؤمنین دو مرتبه
اوّل در حیاة حضرت رسول صلی الله علیه واله در قریب مسجد قبا که
در انجا مسجدی بنا کردند وانرا مسجد رد شمس میگویند و مسجد فضیخ نیز گویند
وفضیخ اسم نخلی است که در انجا بود واین از مساجدیست که مستحب مؤکد است
که حاجیها چون بمدینه طیبه مشرف شدند که بانجا باید بروند و نماز
کنند واین مسجد الان سقف و دیواری ندارد **دوم** بعد از وفات
حضرت رسول صلی الله علیه واله بعد از مراجعت از جنگ نهروان چون بصحرای
شهر بابل رسیدند فرود امدند و نماز ظهر را با اصحاب کردند پس کله
پوسیده در انجا دیدند فرمودند جمجمه را حاضر کردند واز ان پرسید از
اسم وشغل وحالش پس اسم خود را گفت که یکی از عظمای ملوک جبابره بود
وشرح سلطنت و طغیان و عقوبات بعد از هلاک شدن خود را بکلامی طولانی
عرض کرد پس موکب همایون از انجا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزات عجیبه
از انحضرت بروز کرد که در کتب فضائل مسطور است وچون از فرات
گذشتند وبجهت طول کشیدن سخن جمجمه وقت تنگ شد بزمین شوره زار
رسیدند که روا نیست نبی یا وصی در ان نماز کند اصحاب را امر کردند بنماز و
خود بسرعت سیر کردند تا یک نفر یا دو نفر در خدمت انحضرت بود چون از

زمین گذشتند فرود امدند تا وضو واعمال نماز بجا اوردند افتاب غروب کرده بود ولی نور ان
را ابر گرفته بود پس افتاب امر فرمودند برگردد اطاعت کرد نماز عصر را بجا
اوردند واز محل نماز ظهر تا محل نماز عصر یکفرسخ است تقریبا و در ان دو محل شریف
که یکی محل نماز ظهر و بروز اسرار باهره سخن گفتن جمجمه بود با انحضرت و دوم که محل نماز
عصر و ظهور معجزه قاهره برگشتن افتاب بود برای انجناب دو مسجد بنا کردند اولی
را مسجد جمجمه میگویند و دوم را مسجد رد شمس و چون در سنه ۲۹۸ شهر حله بنا شد
واتفاقا در جنب مسجد رد شمس واقع شد وامرا و ملوک وعلما واعیان ان بلد
غالبا از امامیه و مخلصین اهل بیت علیهم السلام بودند این مسجد همیشه
معمور واباد واگر گاهی خرابی بهمرسانید فورا اصلاح شده چنانچه در دو سال قبل
خرابی پیدا کرد بهمت جناب مستطاب عمدة العلماء والسادة ومعدن العلم
والاحسان والفضل والسعادة سیدنا الاجد السید محمد خلف الصدق
سید الفقهاء وتاج العلماء صاحب المناقب الفاخرة السید مهدی القزوینی
الحلی که فعلا رئیس امور شرعیه بلکه انتظام بسیاری از امور عرفیه راجع
بوجود مبارک ایشان است مسجد را در نهایت صفا واتقان اصلاح نمودند
حتی از حکومت عثمانیه بجهت مصارف ان اعانت نمودند **و امّا** مسجد
جمجمه چون در کناره افتاده واز عبور و مرور شیعیان دور و بهذا مهجور ومتروک ومجهول
وخراب و ویران اندک اندک اسمش هم از میان رفت با انکه جماعتی از بزرگان علما
مثل ابن شهراشوب و قطب راوندی و ابن حمزه طوسی و غیرهم این مسجد شریف را
در باب معاجز و در باب فضائل و مساجد منسوبه بان حضرت ذکر کردند
وابن حمزه در ثاقب المناقب گفته که این مسجد تا حال که سنه است باقیست

وحقیر بهما بقا شنیده بودم که در بالای حله در کنار فرات قریه ایست که از او جمجمه میگویند
وملتفت نشدم تا چندی نظرم باین موضع از کتب احادیث افتاد احتمال قوی
دادم که مسجد در همین قریه باشد لهذا در سال گذشته بعزم استکشاف این
مسجد شریف رفتم بحله اولاً از جناب سید سابق الذکر ایده الله جویا شدم
معلوم شد خود و سایر اعیان حله اصلاً از آن مسجد خبری ندارند از قریه
جمجمه سؤال کردم گفتند قریه معموره ایست قریب هزار خانه دارد و همه شیعه
اند ولکن ملاکین آن اهل سنت و بغدادیند و در آنجا امام زاده است معروف
بعمران پسر جناب امیر ع و معروفست در آن اطراف میان شیعه و اهل سنت ببزرگی
وجلالت قدر و بروز کرامات و میگویند در جنگ نهروان مجروح شده در آنجا
وفات کرد باز مایوس نشدم و راه خود را بکربلای معلی بتوسط کشتی از آن طرف
قرار دادیم چون قریب بقریه سجی آمدیم بانجا رسیدیم قریه چنان بود که شنیدیم
ودر شرقی شط واقع شده و از طرف شمال متصل است بخرابه شهر عظیم
بابل که بعضی فرنگیان باذن دولت علیه عثمانیه چند سال است با استعداد
آلات و عمله زیاد مشغول کشف شهر و در آوردن اشیاء قدیمه اند و قبر عمران
بین قریه و آن خرابها واقع شده پس از بعضی کهن سالان آنجا از مسجد پرسیدم
گفت جمجمه را میگوئی گفتم بلی و معلوم شد اسم اصلی آن ناحیه است گفت در
آخر باغات از طرف شرق و دور است و هوا گرم گفتم شد و حال در این سفر
جهت دیدن او است پس دلیلی بما داد چون بانجا رسیدیم دیدیم در باغ آخر
قریه از طرف شرق در آخر آن باغ تلی است از خاک بنا ملجای قبه و صحن معلوم
شد دو رکعت نماز کرده مراجعت کردیم و العجب که اسم آن قریه را بهمین آن

مسجد جمجمه نامیده اند و حال فرع باین معموری و آبادی و اصل باین خرابی و ویرانی
چون بنجف اشرف رسیدیم جناب سید معظم ایده الله را از صورت حال
اطلاع دادم و مستدعی کشف مسجد و مقدار مصرف لازمه آن شدم پس
با جماعتی از اعیان و اشراف حله با استاد و معمار که زیاده از پنجاه نفر بودند
بانجا رفتند و خاکها را برداشته اساس قبه و دیوار صحن مکشوف و معلوم
شد در نهایت اتقان بوده پیرمردان قریه حاضر شدند و آن پیرمردان بیان
سابق نقل کردند که قبه این مسجد را درک نموده اند و از مسلمات اهل آن قریه
است که اگر کسی از آجر آنجا بجهت خانه یا چاه کرد در کار وسط میبازند بجهت
کشیدن آب که بزبان حالیه آن را چرد میگویند برد و ساخت هرج و خراب
شد لهذا احدی جرئت ندارد از آن چیزی بردارد و دویست لیره که قریب
هزار تومان میشود مصرف آن را معین نمودند و بحقیر بعد از اظهار مسرت
و تشکر پیدا شدن مسجد اطلاع دادند و حقیر نیز مشافهه و مکاتبه با اهل
خیر و ثروت اطلاع دادم و تحریص کردم و تعظیم این مشعر بزرگ خداوندی را
که افتخار شیعه است بیان کردم بعضی ساکت و بعضی وعده دادند و اکنون
یکسال تمام است گذشته و دیناری از کسی دریافت نشده و عمده سبب
تعویق بودن حقیر است محل خوف و رجای امری که در این عصر مرسوم شده
ملاحظه آن در صرف وجوه بریه و اقدام در امور خیریه و این چند کلمه
را در این مقام بجهت آن نوشتم بامید آنکه شاید در بعضی از مطالعه کنندگان
اثری کند و عرق غیرت دینی و عصبیت مذهبی او را حرکت دهد تنها
یا باعانت و شراکت راغبین در خیر اقدام نموده این خانه خراب خداوند

را و مصلای امیر المؤمنین علیه السلام را معمور و مخالفان محو شدند و بر
اندازند و جماعت شیعه را مفتخر و سرافراز نماید و از زراعت بانصار
(الدال علی الخیر کفاعله) خوشه نیز بدست چینی افتد و چون معلوم شد
آفتاب مطابق اخبار کثیره و مشهور بین امامیه دو مرتبه برای آنجناب
برگشت حال میگوئیم مطابق خبر آخر که از ابن شهرآشوب نقل نمودیم در مسجد براثا
نیز برگشت و این بنظر غریب نماید زیرا که در مقام بروز معجزه فرقی میان دو
مرتبه و ده و صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی نیست نهایت
آنکه دو مرتبه مشهور شد مثل جمله از معاجز و بعضی نشد بلکه بزرگان
اهل حدیث بیش از این نقل کردند **شیخ** جلیل ابن شهرآشوب در مناقب
و حسین بن جبر در نخب و غیر ایشان نقل کردند که آفتاب برگشت برای علی علیه السلام
زیاده از نوزده نوبت و در فصل اطاعت جمادات از آنحضرت در آن دو
کتاب بعد از نقل بسیاری از کتب عامه و خاصه مذکور است که برای ابو
الحسن بن شاذان بیان است یعنی کتابیست که نامید آن را بیان برای ردّ
شمس برای علی علیه السلام و ذکر کرده که آفتاب برای آنحضرت مکرر برگشته
(۱) قضیه که از سلمان ذکر کرده (۲) روز بساط (۳) روز خندق (۴) روز
حنین (۵) روز خیبر (۶) روز مر (۷) روز براثا (۸) روز غاضریه (۹)
روز نهروان (۱۰) روز بیعت رضوان (۱۱) روز صفین (۱۲) در نجف
اشرف (۱۳) در بنی مازن در بصره (۱۴) در وادی عقیق (۱۵) روز احد
(۱۶) کلینی روایت کرده برای حضرت در مسجد فضیخ مدینه و اما معروف
پس دو مرتبه است (۱۷) در حیات پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در کراع

الغنیم و بعد از وفات آنحضرت در بابل **دوم** از تکالیف زوار در ایام توقف
در بلده طیبه کاظمین رفتن ببغداد است بقصد زیارت چهار نائب
خاص امام عصر صلوات الله علیه که اکثر مردم از آنها در بلاد بعید
بودند باید رنج سفر کشید و بفیض زیارت ایشان رسید زیرا که در میان
تمام اصحاب خاص ائمه علیهم السلام ببزرگی و جلالت قدر ایشان کسی
نمیرسد قریب بهفتاد سال بمنصب سفارت و وساطت میان امام
علیه السلام و رعیت فائز شدند و بر دست ایشان کرامات نمایان
و خوارق عادات بیشمار جاری شد **نقل** کردند از بعضی علماء که قائل
بعصمت ایشان شده و ذکر فضائل و مناقب ایشان مناسب این کتاب
نیست و لکن بجهت ملتفت شدن نوع زوار از عام و خاص بجلالت
قدر ایشان و شوق کردن بزیارت قبور مقدسه ایشان اشاره بدو مطلب
میکنیم **اول** آنکه چنانچه آن بزرگواران در حیات خود واسطه بودند
میان ولی عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب
ایشان رساندن عرائض و رقعجات حاجت خلق بود بآنحضرت حالا
نیز بهمان منصب مفتخر و باید رقاع حاجت که در شدائد و سختیها
نوشته میشود بتوسط ایشان بآنحضرت برسد چنانچه در باب صورت
این عرائض که دستور العمل داده‌اند مذکور است که میروی نزد نهر یا غدیر و
قصد میکنی یکی از آن چهار شخص معظم را و میگوئی یا فلان بن فلان سلام
عَلَیْکَ اَشْهَدُ اَنَّ وَفاتَکَ فی سَبیلِ اللهِ وَاَنَّکَ حَیٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ
وَقَدْ خاطَبْتُکَ فی حَیوتِکَ الَّتی لَکَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهذِهِ رُقْعَتی و

حاجتی الی مولانا علیه السلام فسلمها الیه فانت الثقة الامین
پس آن رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر آب بینداخت و حاصل معنی آنکه ای
فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم که وفات تو در راه خدا و نزد
و بدرستی که تو زنده در نزد خدای عز و جل که تو را روزی میدهد
با تو مخاطبه میکنم در این زنده کانی که داری نزد خدای عز و جل و این رقعه حاجت
من است بسوی آقای ما علیه السلام پس آنرا بآنجناب برسان که تو ثقه
و امینی پس اگر فرض کنیم در یک وقت معین در بلادهای دور از یک
دیگر هزارها رقعه حوائج نوشته و در آبی اندازند و یکنفر از آن چهار
را مخاطب کنند باید از عهده خدمت خود بر آید و بر عرض هر یک و آن
و عریضه اش را بولی عصر علیه السلام برساند و این نشود مگر با علم
احاطه و قدرتیکه اندازه آن را جز خدای عز و جل کسی نداند **دوم**
آنکه برای ایشان زیارت مخصوصه اینکه ماثوراست از نایب سیم
ابی القاسم حسین بن روح که البته از حضرت حجة صلوات الله علیه شنید
و از آن ناحیه مقدسه باو رسیده چنانچه خود ابی القاسم در خبری
بتصریح فرموده که آنچه میگویم از آنجا است و از نزد خود نمیگویم و از این جهة
است که علامه مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد دعای معروف با فتتاح
الثنا را که در هر شب ماه مبارک رمضان باید خواند نسبت بحضرت صاحب
الامر علیه السلام داده و حال آنکه در سند مذکور نیست جز آنکه
راوی آن ابو عمرو و محمد بن محمد بن نصر سکونی میگوید که از ابی بکر احمد خواهش
کردم که بیرون بیاورد برای من ادعیه ماه مبارک رمضان را که عموی اش

ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری رضی الله عنه که نایب دوم است آنرا
میخواند پس دفتری برای من در آورد که جلدش قرمز بود و من از آن ادعیه بسیار
نسخه کردم که از جمله آنها بود که میخوانی این دعا را هر شب از ماه رمضان
که دعای این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند
و آن دعا اینست (اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّنآءَ الخ) با آنکه نسبت بامام
نداده از روی تقاعد نسبت داده و در آن کتاب فرموده و بسند معتبر
از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقولست که بشیعیان نوشتند
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند الخ و نیز در آن کتاب بعد
از ذکر اعمال روز فطر فرموده و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر
علیه السلام منقولست که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخوانند اللهم
اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ) و حال آنکه در سند مذکور نیست جز آنچه در سند دعای
افتتاح مذکور است و از جمله آن دعاها اینست که در آن دفتر جلد قرمز
بوده و ظاهر است که اختصاص دادن امام علیه السلام این جماعت را بزیارت
مخصوصه کاشف از جلالت قدر و علو مقام است و هم ترغیب و تحریص
و امر است بزیارت ایشان و این مقدار برای ترغیب و ارو شوق ایشان
بزیارت کردن این بزرگواران کافیست و اول ایشان ابو عمرو عثمان بن سعید
[illegible] وکالت و نیابت از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری
علیهما السلام نیز داشت در سنه ۲۶۵ بسفارت و نیابت امام علیه السلام
[illegible] و دو سنه وفات کرد و قبر شریف در بغداد است اگر
از بغداد [illegible] کنند از کاظمین بآنجا روند چون از کوچه سرای

ودار الحکومه بلند در کوچه دیگر بازارچه وسند دراوائل ان درب
داود داخل شوند بحیاط محقری که در ان درخت بید است وایوان کوچکی که غالبا
در ان معلم اطفال مینشیند ودر انجا قبه مختصر بست وقبر معظم در انجا
میان صندوقیست وچنانچه زائر بانجا رفت بان معلم چیزی بدهد
که برای تنظیف امکان شریف بلکه برای راهنمائی وباز کردن در قبر فواید
بسیاری دارد **دوم** ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید که در حدود سنه ۲۵۷
تاج نیابت بر سر گذاشت وقریب به پنجاه سال باین منصب عظیم مفتخر
بود ودر سنه ۳۰۴ یا ۳۰۵ وفات کرد وقبر شریفش در نزدیک دروازه سلمان در
میان قبرستان وسیعی با قبه عالیه وبنای محکم که در چند سال قبل همت
شیعیان انجا برپا شده ودر انجاها معروفست بشیخ خلانی چون در دکان
واقع شده وزائر غریب بی دلیل باید بپرسد پس سؤال کند از قبر شیخ
خلانی **سیم** ابو القاسم حسین بن روح بن بحر نوبختی از طایفه جلیله
نوبختیین که از خانواده معروف امامیه اند که اغلب ایشان از علمای متکلمین
وفضلای مؤلفین اند در سنه ۳۰۴ یا ۳۰۵ بمنصب نیابت سرافراز ودر سنه ۳۲۶ وفات
کرد قبر شریفش در اخر کوچه دربسته ایست که از وسط بازار عطاران بانجا داخل
میشود در میان خانه ایست که از قرار مذکور وقف است ولکن در سال
طاعون عظیم ارباب وقف ملاک ووقفنامه مفقود شد لهذا بدست
دیگران افتاد بایستی استیذان کرد وداخل شد ایوان وقبه وصندوقی
باهیبت وهنوز اهل خیری پیدا نشده اینخانه را بخرد وصحن مختصر وچند
ایوانی وحوضی بسازد که منافع خیرات احصا ندارد علاوه بر تجلیل و

بغداد
اربعه است در
دهر زیارت نواب

تعظیم صاحب قبر شریف زیرا که غالب زوار که شغل خرید وداد وستد
در بغداد دارند با زیارت این بزرگواران مشرف شوند محل استراحت
چند ساعتی بجهت خوردن غذا واقتضا شدت گرما وتطهیر ونماز
لازم دارند ودر بغداد برای شیعه چنین محلی نیست وغالبا خسته در گرما
ونماز نکرده در اخر وقت خود را بکاظمین میرسانند واگر این محل
ساخته شود هزارها اعانت دینی ودنیوی وعرضی وجانی بهزارها
از زوار در هفته وماه کرده میشود چه مصارفهای عظیمه در وجوه خیریه
کرده میشود که جز صورت تعظیم شعائر ونشر اسم بانی فائده ندارد واز این
خیرات جاریه ومنافع متواتره غافل بجهت غرور واعتماد بر عقل ناقص
خود واعراض ومشورت نکردن از اهل دانش وبینش واز اینجا است
که در چند خبر شریف رسیده که میزان شناختن عقل ادمی دیدن محل
مصارف خیریه او است که بکی میدهد ودر چه محل صرف میکند **چهارم**
ابو الحسن علی بن محمد السمری که اخر نواب است ودر سنه ۳۲۶ بر مسند نیابت نشست
ودر سنه ۳۲۹ دنیا را وداع کرد وروز وفات خود را معین کرد حسب توقیع
مبارک که شرف وزیبش رسیده بود وچون در وقت احتضار بزرگان
شیعه از نایب بعد از او سؤال کردند خبر داد که رشته نیابت منقطع
وظلمت غیبت کبری عالم را فرو خواهد گرفت قبر شریفش نزدیک
محراب مسجدی بزرگ در میان حجره بسیار تنگی که از ان پنجره در میان بازار
هراج باز میشود واز این جهت بعضی همان خواندن فاتحه از مقابل
پنجره در بازار قناعت میکنند که اگر بنای زیارت شد بایست از در

مسجد داخل شد و انجا رفت و از فراز سموع حجره از این وسیع تر بود و در وقت
بنای مسجد از آن کاهیده شد و بر این افزوده شد **و اما الفاظ**
زیارت پس چنین است که شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب و سید
جلیل علی بن طاوس در مصباح الزائر نسبت داده اند زیارت را با بوالقاسم حسین بن
روح رضی الله عنه که فرمود که سلام میکنی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله
و بعد از او بامیر المؤمنین علیه السلام و خدیجه کبری و بر فاطمه زهراء سلام الله
علیها و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمه علیهم السلام میشمری تا
صاحب الزمان علیه السلام پس میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اَشْهَدُ اَنَّكَ بابُ الْوَلِيِّ اَدَّيْتَ
عَنْهُ وَاَدَّيْتَ اِلَيْهِ ما خالَفْتَهُ وَلا خالَفْتَ عَلَيْهِ قُمْتَ
خاصّاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً جِئْتُكَ عارِفاً بِالْحَقِّ الَّذي اَنْتَ
عَلَيْهِ وَاَنَّكَ ما خُنْتَ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسِّفارَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
مِنْ بابٍ ما اَوْسَعَكَ وَمِنْ سَفيرٍ ما اَمَنَكَ وَمِنْ ثِقَةٍ
ما اَمْكَنَكَ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ اخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتّى عايَنْتَ
الشَّخْصَ فَاَدَّيْتَ عَنْهُ وَاَدَّيْتَ اِلَيْهِ

پس برمیگردی و باز سلام میکنی بر رسول خدا تا صاحب
الزمان صلوات الله علیهم آنگاه میگوئی

جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحيدِ اللهِ وَمُوالاةِ اَوْلِيائِهِ وَالْبَراءَةِ مِنْ
اَعْدائِهِمْ وَمِنَ الَّذينَ خالَفُوكَ يا حُجَّةَ الْمَوْلى وَبِكَ اِلَيْهِمْ
تَوَجُّهي اِلَى اللهِ وَتَوَسُّلي

پس دعا میکنی و هرچه میخواهی از خدا میطلبی که اجابت میشود ان شاء الله **سیم**
از تکالیف مهمه زوار در کاظمین رفتن بمداین است بجهت زیارت سلمان علیه السلام
که جلالت قدر و عظمت شانش بر همه معلوم و برای شوق زائرین و رغبتشان بزیارت
آنجناب کافیست تامل در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت با آنکه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باعجاز و طی الارض از مدینه بمداین تشریف
آوردند و بدست مبارک او را غسل دادند و از کفنی که با خود آورده بودند او را کفن
کردند و نماز کردند با صفوفی از ملائکه برای آنجناب و قد رقد بهم الایام از بعضی فضلا شنیدم
روایتی که مضمونش این بود اتمام الزیارة بزیارة سر من رای و اکمالها بزیارة سلمان
در عراق بزیارت ائمه سر من رای علیهم السلام زیارت تمام میشود و بزیارت
سلمان کامل میشود و بعد از آنچه تفحص کردم اثری از آن نیافتم حتی در حدیث
کتابی مثل چند خبر دیگر که شهرتی دارد در عراق و اصلی ندارد و در هیچ کتابی دیده
نشده چنانچه از حضرت رضا علیه السلام نقل کنند که فرمود هر کس قدرت ندارد
بزیارت من بیاید پس زیارت کند قاسم برادرم که در رعدارات که از توابع حله
است مدفون است و اهل نجف را عقیده آنست که حضرت سید الشهدا
علیه السلام فرمود که هر که نتواند بزیارت من بیاید در ایام زیارات مخصوصه
مثل اول و نیمه رجب و نیمه شعبان و لیالی قدر و عیدین و عرفه و عاشورا و از

پس زیارت کند پسر عم مسلم را در کوفه و لهذا در این ایام ازدحام عجیبی شود در مرقد جناب مسلم و بپا شود که در آنروز حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در نجف اشرف با صلاة زیارت نکنند و بجهت این خبر که تا کنون کسی از اصل آن نشان نداده از بعض شریفان و زخود را محروم نمایند بهر حال علو مقام جناب سلمان اجل از آن است که برای ترغیب بزیارتش متمسک بامور واهیه شد و کافیست که شیخ طوسی ره در تهذیب بعد از زیارت ائمه علیهم السلام و شهدا و ثواب برای احدی زیارت نقل کرده جز برای آنجناب و عالم جلیل شیخ خضر ... در مزار خود فرموده سزاوار نیست ترک زیارت سلمان ره با آنچه ذکر نموده از ادو تهذیب و از آنچه شک نیست در دو روایت بود بار هر چند اما روایت نسبت نداده

زیارت سلمان ره

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ سَلْمانُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا تابِعَ صَفْوَةِ اللهِ الرَّحْمٰنِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ لَمْ یَتَمَیَّزْ مِنْ اَهْلِ بَیْتِ الْاِیمانِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ خالَفَ حِزْبَ الشَّیْطانِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ وَلَمْ یَخَفْ صَوْلَةَ السُّلْطانِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ نابَذَ عَبَدَةَ الْاَوْثانِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَیْرَ مَنْ تَبِعَ الْوَصِیَّ زَوْجَ سَیِّدَةِ النِّسْوانِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ جاهَدَ فِی اللهِ مَرَّتَیْنِ مَعَ النَّبِیِّ وَالْوَصِیِّ اَبِی السِّبْطَیْنِ

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ صَدَّقَ فَكَذَّبَ بِهِ اَقْوامٌ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ قالَ لَهُ سَیِّدُ الْخَلْقِ مِنَ الْاِنْسِ وَالْجانِّ اَنْتَ مِنّا اَهْلَ الْبَیْتِ لا اُبَدِّلُ بِكَ اِنْساناً اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا مَنْ تَوَلّٰی اَمْرَهُ عِنْدَ وَفاتِهِ اَبُو الْحَسَنَیْنِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ جُوزِیتَ عَنْهُ بِكُلِّ اِحْسانٍ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ فَلَقَدْ كُنْتَ عَلٰی خَیْرِ اَدْیانٍ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَتَیْتُكَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ زائِراً قاضِیاً فِیكَ حَقَّ الْاِمامِ وَشاكِراً لِبَلائِكَ فِی الْاِسْلامِ فَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِی خَصَّكَ بِصِدْقِ الدِّینِ وَمُتابَعَةِ الْخَیِّرِینَ الْفاضِلِینَ اَنْ یُحْیِیَنِی حَیٰوتَكَ وَاَنْ یُمیتَنِی مَماتَكَ وَیَحْشُرَنِی مَحْشَرَكَ وَعَلٰی اِنْكارِ مَا اَنْكَرْتَ وَمُنابَذَةِ مَنْ نابَذْتَ وَالرَّدِّ عَلٰی مَنْ خالَفْتَ اَلا لَعْنَةُ اللهِ عَلَی الظّالِمِینَ مِنَ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ فَكُنْ یا اَبا عَبْدِ اللهِ شاهِداً لِی بِهٰذِهِ الزِّیارَةِ عِنْدَ اِمامِی وَاِمامِكَ جَمَعَ اللهُ بَیْنِی وَبَیْنَكَ وَبَیْنَهُمْ فِی مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ اِنَّهُ وَلِیُّ ذٰلِكَ وَالْقادِرُ عَلَیْهِ اِنْشاءَ اللهُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَهُوَ قَرِیبٌ

مجیب و صلی الله علی خیرته من خلقه محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا

مؤلف گوید

که سید جلیل علی بن طاوس ره در مصباح الزائر فرموده ذکر زیارتیکه مختص است بابی عبدالله سلمان فارسی رضوان الله علیه میآئی بر سر قبر او و رو بقبله میکنی میگوئی آنگاه سه زیارت نقل کرده و این زیارت مذکوره را زیارت چهارم قرار داده و در آخر فرموده آنگاه نماز میکنی نماز زیارت و آنچه خواهی بسیار دعا کن برای خود و برای مؤمنین و چون خواستی از زیارت آنجناب برگردی پس بایست نزد قبر او و برای وداع بگو

السَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ اَنْتَ بابُ اللهِ الْمُؤْتى مِنْهُ وَ الْمَأْخُوذُ عَنْهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قُلْتَ حَقّاً وَ نَطَقْتَ صِدْقاً وَ دَعَوْتَ اِلى مَوْلايَ وَ مَوْلاكَ اَتَيْتُكَ زائِراً وَ حاجاتي لَكَ مُسْتَوْدِعاً وَ ها اَنَا ذا مُوَدِّعُكَ اَسْتَوْدِعُكَ ديني وَ اَمانَتي وَ خَواتيمَ عَمَلي وَ جَوامِعَ اَمَلي اِلى مُنْتَهى اَجَلي وَ السَّلامُ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكاتُهُ وَ صَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الْاَخْيارِ

آنگاه خدا تعالی را بسیار بخوان و برگرد (مؤلف گوید) چون زائر بآنجا مشرف شد و از زیارت فارغ شد دو تکلیف دیگر دارد اول نماز کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیاده چون آنجا مصلی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است جناب

خبر آن را در نفس الرحمن و کتاب مستدرک ذکر کردم دوم زیارت کردن جناب حذیفه که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیرالمؤمنین علیه السلام است و در میان صحابه مخصوص بود بشناختن منافقین و دانستن نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمیشد خلیفه ثانی بر او نماز نمیکرد و از جانب او سالها در مدائن والی بود پس او را عزل کرد و جناب سلمان والی آنجا شد و چون وفات کرد دو باره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا نوبت خلافت بشاه ولایت علیه السلام رسید پس از مدینه رقمی مبارک باو و فرمان همایونی باهل مدائن صادر شد از خلافت خود و استقرار حذیفه در آنجا بنحویکه بود اطلاع دادند و لکن حذیفه بعد از حرکت آنحضرت از مدینه بجانب بصره بجهت دفع شر اصحاب جمل و قبل از نزول موکب همایون بکوفه وفات کرد و در همان مداین مدفون شد و در صحن آنجناب قبر دیگر هست معلوم نیست کیست معروفست بقبر عبدالله انصاری و معروف باین اسم دو نفرند یکی عبدالله بن حرام پدر جابر جلیل انصاری و او از شهداء احد و با شهداء در آنجا مدفون است و دیگری عبدالله انصاری صوفی صاحب مناجاة معروفه و قبر او نیز در هراة است و در جنب حرم جناب سلمان مسجد جامع مداین است که منسوبست بحضرت امام حسن علیه السلام کمتر زائر یا سیاحی است که در آنجا نماز کرده از فیض دو رکعت نماز تحیت در آن محل شریف خود را محروم نکند و در میان ضریح مقدس آنجناب ظرف آبخوری سفالی است که خدام آن آستانه را اعتقاد است که این ظرف از خود آنجنابست و در این طول سنین و مرور ایام و حوادثات بی حساب سالم و از کرامات آنجناب باقی و از زهد

وقناعت آن معظم با آن پایه وولایت که داشت بیاد کار مانده مقام

سیمره تکلیف دوازدهم حرم مطهر عسکریین علیهما السلام

مخفی نماند که از مطاوی ایات و اخبار خاصه و عامه اداب مخصوص برای دخول در روضات مشرفه و حرمهای منوره معلوم میشود که علمای اعلام جمله از انها را بترتیب ذکر کرده اند وما انشاء الله تعالی در فصل اینده بانها بنحو اختصار اشاره خواهیم کرد وتمام قباب سامیه وعتبات عالیه در همه ان اداب شریکند و زائر در تمام مشاهد بایست مقید میشود انها را بجای آرد اکر شایق است که بفیض ان حرم شریف برسد جز یکی از ان اداب که برای بجا اوردن در حرم مطهر عسکریین علیهما السلام مانعی پیدا شد که از امتثال ان امر الهی زائر معذور است وان ایستادن نزد قبر مطهر است که حال ضریح منسوب بجای او است چه خود را بان بچسباند یا نچسباند چنانچه شهید اول ره در کتاب دروس تصریح کرده وفرموده توهم انکه دور ایستادن ز ادبست وهم است بلکه نص وارد شده بر تکیه نمودن بر قبر و بوسیدن ان واما ان مانع پس بان اشاره فرموده عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب کرامات باهره شیخ خضر شلال نجفی که قبر شریف در کوچه سلام نجف اشرف مقابل مزار عموم مجاورین و محل نذور و تبرکات ایشان است در کتاب مزار که از اجزای شرح کبیر انمرحوم است بر شرح لمعه واین عین عبارت ایشان است بعد از ذکر زیارت و وداع ان دو امام همام علیهما السلام (نعم لاریب فی ارجحیة التأخر عن ضریح الهادی علیه السلام بمقدار ذراع او ازید عند زیارته علیه السلام لما بلغنا انه مقدم علی الشباك

المنصوب فی عصرنا ویرشد الیه انی قد تشرفت بزیارته مع جماعة من العلماء والصلحاء وفیهم من یحمل العلم من العلویین فاخبرنی بما یقضی بتثبیته واضطرابه من انه وقف قریبا من الضریح المشرف مستدبر القبلة واذا بصوت من الضریح یامره بالتنحی عن موقفه وما ذاك الا لذلك) حاصل ترجمه انکه شکی نیست در انکه ارجح در وقت زیارت حضرت هادی علیه السلام متاخر بودن از ضریح مبارک است بمقدار یک ذراع یا زیاده زیرا که بما رسیده که قبر مطهر پیش از شباك است که در عصر ما منصوبست بر روی قبر شریف وان همان ضریح پولادی شاه سلطان حسین مرحوم است که در عصر ایشان تاکنون موجود است و تایید میکند این مقاله را که من با جماعتی از علماء و صلحا بزیارت ان حضرت مشرف شدیم ودر میان ایشان بود انکه حامل علم بود از سادات علویین یعنی اینه الله بحر العلوم چنانچه قرائن عدیده بر ان دلالت کند و صریحا از فقیه عصر و علامه دهر شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه شنیدم که مراد ایمرحوم همان معظم است پس مرا خبر داد بچیزیکه ایشان را مشوش و مضطرب کرده بود باینکه نزد ضریح مقدس پشت بقبله ایستاده بود که ناگاه اوازی از ضریح مبارک بیرون امد که از انجا که ایستاده بعقب رود و سببی برای دور شدن از ان مکان نیست مکر انکه انچه ذکر شد که قبر مطهر بهر دو نسبت از ضریح وهر کدام از این دو وجه خود کافیست برای رعایت ادب در ان حرم شریف ونزدیک نشدن بضریح که سبب شود برای هتك عظیم وایستادن روی قبر منور انحضرت واما تکلیف در انجا بعد از رعایت اداب دخول در حرمهای شریفه پس چهار چیز است اول زیارت دو امام علیهما السلام

زیارات خاصه بایشان که اصح آنها زیارتیست که در فقیه و تهذیب و کامل الزیارة و سایر مزارات موجود است و ما آنرا از لفظ کامل نقل میکنیم روایت کرده از بعض ائمه علیهم السلام که فرمود بعد از غسل کردن برو و نزد قبر برو در تهذیب فرموده بعد از غسل خود را پاکیزه کن و دو جامه پاک بپوش و برو نزد قبر و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا وَلِیَّیِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا حُجَّتَیِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا نُورَیِ اللهِ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا مَنْ بَدا لِلّٰهِ فی شَاْنِکُما اَتَیْتُکُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّکُما مُعادِیاً لِاَعْدائِکُما مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکُما مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ کافِراً بِما کَفَرْتُما بِهِ مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما مُبْطِلاً لِما اَبْطَلْتُما اَسْئَلُ اللهَ رَبّی وَرَبَّکُما اَنْ یَجْعَلَ حَظّی مِنْ زِیارَتِکُمَا الصَّلوٰةَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ یَرْزُقَنی مُرافَقَتَکُما فِی الْجِنانِ مَعَ آبائِکُمَا الصّالِحینَ وَاَسْئَلُهُ اَنْ یُعْتِقَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَیَرْزُقَنی شَفاعَتَکُما وَمُصاحَبَتَکُما وَیُعَرِّفَ بَیْنی وَبَیْنَکُما وَلا یَسْلُبَنی حُبَّکُما وَحُبَّ آبائِکُمَا الصّالِحینَ وَاَنْ لا یَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیارَتِکُما وَیَحْشُرَنی مَعَکُما فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنی حُبَّهُما وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِما اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

ظالِمی آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الْاَوَّلینَ مِنْهُمْ وَالْآخِرینَ وَضاعِفْ عَلَیْهِمُ الْعَذابَ وَابْلُغْ بِهِمْ وَبِاَشْیاعِهِمْ وَمُحِبّیهِمْ وَمُتَّبِعیهِمْ اَسْفَلَ دَرْکٍ مِنَ الْجَحیمِ اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ اَللّٰهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِیِّکَ وَابْنِ وَلِیِّکَ وَاجْعَلْ فَرَجَنا مَعَ فَرَجِهِمْ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ

وسعی میکنی در دعا کردن برای خود و پدر و مادر خود و هر دعا که خواهی بکن و اگر بتوانی نزدیک قبر ایشان بروی دو رکعت نماز در نزدیک قبر ایشان بکن و اگر نتوانی داخل مسجد شوی دو رکعت نماز بکن و هر دعا که خواهی بکن که مستجابست و این مسجد در پهلوی خانه ایشانست و امام علی نقی و امام حسن عسکری علیهما السلام در آن نماز میکردند

مؤلف گوید که شیخ محمد بن المشهدی و شهید اول این زیارت را در مزار خود نقل کرده اند با اختلاف جزئی و بعد از (فِی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ) فرموده اند آنگاه برو و بیفت بر ضریح و ببوس آنرا و روی راست و چپ خود را بر قبر بگذار و بعد از آن سر خود را بردار و بگو (اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنی حُبَّهُمْ وَتَوَفَّنی عَلی مِلَّتِهِمْ) الخ و بعد از آن چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر و بعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار الخ و منقول است که این دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند و برای آن دری بود که گاهی باز میکردند و شیعیان داخل میشدند و در نزد قبر زیارت میکردند و گاهی بسته بود و از بیرون مقابل شباکی که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت میکردند و در صدر همین خبر زیارت مذکور است که غسل میکنی و نزد قبر ایشان میروی

اکر توانی رفت و اکر نه اشاره میکنی بسلام مقابل شبکه که باز میشود بسوی قبر و حسین
زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند چون بهمت موالیان آنخانه بود اشتر شد
و بجای ارونه وحرم و رواق و ایوان ساخته شد آن مسجد داخل در حرم شد و الان
معروفست که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما السلام متصل
است بر رواق همان مسجد مذکور است بهر حال زوار از این جهة آسوده شدند
و برای مادر و بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام و مشترک میان هر دو بزرگوار
در کتب مزار مذکور است اکر راغب شدند نسخه ان بسیار است ولکن
اکر زائر را حالی و مجالی و اقبالی باشد بسیار مناسبت که زیارت جامعه کبیره
معروفه یا غیر معروفه را که بیاید ان شاء الله تعالی در فصل آینده بخواند چه
هر دو این کلمات بلیغه دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و اعتراف
بعظمت و جلالت ایشان از مصدر جلال حضرت هادی صلوات الله علیه است
مکرر خوانده نباید دعای شریف را پیش از نماز زیارت و بعد از آن و در
هر حال چنانچه ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی خود روایت کرده از منصوری که
گفت عرض کردم خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام ای سید من مرا
دعائی تعلیم کن که بان تقرب جویم بسوی خداوند عز و جل فرمود این دعائی است
که من بسیار میخوانم از او از خداوند خواستم که نا امید نکند کسیرا که این دعا
را در روضه من میخواند و آن دعا این است (یا عُدَّتی عِندَ العُدَدِ وَیا رَجائی
وَالمُعتَمَدُ وَیا کَهفی وَالسَّنَدُ وَیا واحِدُ یا اَحَدُ وَیا قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ
اَسئَلُکَ اللّهُمَّ بِحَقِّ مَن خَلَقتَهُ مِن خَلقِکَ وَلَم تَجعَل فی خَلقِکَ
مِثلَهُم اَحَداً صَلِّ عَلی جَماعَتِهِم وَافعَل بی کَذا وَکَذا) و بجای این حاجات

خود را بخواهد سید در مصباح الزائر فرموده اینکه باید بخوان سپس
زیارت کردن ملکه دنیا و آخرت حامل خاتم ولایت نرجس خاتون مادر حضرت
قائم علیه السلام بانچه شیخ مفید و سید شهید در مزار خود نقل کرده اند
در مزار خود فرموده که این زیارت را شخصی از اهل بحرین برای من خواند و شنیدم که
زیارت میفرمود و این زیارت اینست میایستی در پشت سر ضریح مقدس عسکریین
اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ الصّادِقِ الاَمینِ
اَلسَّلامُ عَلی اَمیرِ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَی الاَئِمَّةِ الطّاهِرینَ
الحُجَجِ المَیامینِ اَلسَّلامُ عَلی والِدَةِ الاِمامِ وَالمُودَعَةِ اَسرارَ
المَلِکِ العَلّامِ وَالحامِلَةِ لاَشرَفِ الاَنامِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ
اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ المَرضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ یا شَبیهَةَ اُمِّ موسی
وَابنَةَ حَوارِیِّ عیسی اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ
اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ المَرضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیکِ اَیَّتُهَا
المَنعُوتَةُ فِی الاِنجیلِ المَخطُوبَةُ مِن رُوحِ اللهِ الاَمینِ وَمَن
رَغِبَ فی وُصلَتِها مُحَمَّدٌ سَیِّدُ المُرسَلینَ وَالمُستَودَعَةُ اَسرارَ
رَبِّ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیکِ وَعَلی آبائِکِ الحَوارِیّینَ اَلسَّلامُ
عَلَیکِ وَعَلی بَعلِکِ وَوَلَدِکِ اَلسَّلامُ عَلَیکِ وَعَلی رُوحِکِ و

بدنك الطاهر اشهد انك احسنت الكفالة وأديت الأمانة
واجتهدت في مرضات الله وصبرت في ذات الله وحفظت
سر الله وحملت ولي الله وبالغت في حفظ حجة الله و
رغبت في وصلة ابناء رسول الله عارفة بحقهم مؤمنة
بصدقهم معترفة بمنزلتهم مبصرة بأمرهم مشفقة
عليهم مؤثرة هواهم واشهد انك مضيت على بصيرة
من امرك مقتدية بالصالحين راضية مرضية تقية
نقية زكية فرضي الله عنك وارضاك وجعل
الجنة منزلك ومأويك فلقد اولاك من الخيرات
ما اولاك واعطاك من الشرف ما به اغناك فهناك
الله بما منحك من الكرامة وامراك (پس از آن میکنی سجود و میگوی)
اللهم اياك اعتمدت ولرضاك طلبت وباوليائك
اليك توسلت وعلى غفرانك وحلمك اتكلت وبك
اعتصمت وبقبر ام وليك لذت فصل على محمد وآل
محمد وانفعني بزيارتها وثبتني على محبتها ولا تحرمني

نقشهٔ زیارت حضرت

شفاعتها وشفاعة ولدها وارزقني مرافقتها واحشرني معها
ومع ولدها كما وفقتني لزيارة ولدها وزيارتها اللهم اني
اتوجه اليك بالائمة الطاهرين واتوسل اليك بالحجج
الميامين من آل طه ويس ان تصلي على محمد وآل محمد
الطيبين وان تجعلني من المطيعين الفائزين الفرحين
المستبشرين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون واجعلني
ممن قبلت سعيه ويسرت امره وكشفت ضره وآمنت
خوفه اللهم بحق محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد
ولا تجعله آخر العهد من زيارتي اياها وارزقني العود
اليها ابدا ما ابقيتني واذا توفيتني فاحشرني في زمرتها
وادخلني في شفاعة ولدها وشفاعتها واغفر لي و
لوالدي وللمؤمنين والمؤمنات وآتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار والسلام
عليكم يا ساداتي ورحمة الله وبركاته

چهارم زیارت کردن حکیمه خاتون که حلیمه که در السنهٔ عوام دائر شده و آن

معظمه جلیله نجیبه فاضله دختر امام محمد تقی و خواهر امام علی نقی و عمه امام
حسن عسکری علیهم السلام است و چهار امام را درک نموده و خدمت کرده و حضرت
امام علی نقی علیه السلام مکرمه نرجس خاتون را باو سپرد که معالم دین و احکام
شرع را باو بیاموزد و بآداب لهیه ترتیب کند و بعد از وفات حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام در ایام حیوة خود منصب سفارت داشت از جانب امام
عصر علیه السلام و عرایض حلو را بآنحضرت و توقیعات شریفه که از ناحیه مقدسه
صادر میشد بآنها میرسانند مثل سایر نواب و مفتخر شد بمقابله کری امام عصر صلوات
الله علیه و رسیدگی بامور ولادت آنجناب چنانچه عمه این معظمه حکیمه خاتون
دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شده بود بمنصب قابلگی
برادرش امام محمد تقی علیه السلام و این جلیله اول کسی است که بشرف دیدن
حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف شد بعد از والده مکرمه آنحضرت
و اول کسیست که آنجناب را بوسید و در آغوش گرفت و نزد پدر بزرگوارش
برد و بار دوم بنرجس خاتون برگرداند و بالجمله در میان سادات علویه و بنات
هاشمیه از جهة فضایل و مناقب و عبادت و تقوی و علم ممتاز و بتحمل اسرار
امامت سرافراز بود و علما تصریح کرده اند باستحباب زیارت آن معظمه که
ضریح علیحده دارد و در پایین پا ملاصق ضریح عسکریین علیهما السلام است
و در کتب زیارت مخصوصه برای ایشان دیده نشده جز در حاشیه نسخه از مصباح
الزائر که ظاهرا جزو متن نبوده لهذا نقل نکردیم پس زائر زیارت کند آن جلیله را
بزیارتیکه برای اولاد ائمه علیهم السلام در کتب مزار اصحاب مسطور است چنانچه
شهید اول در مزار از زیارت آنجا نقل کرده و ما در خاتمه آنرا ذکر خواهیم نمود انشا

الله تعالی و معروفست که در نزدیک قبر ایشان مقبور جمله از سادات عظام است
مثل حسین پسر امام علی نقی علیه السلام و غیره

مقام چهارم

از فصل سیم در آداب دخول در سرداب مطهر و کیفیت زیارت ولی زمان صاحب
العصر و بقیة الله فی الارضین صلوات الله و سلامه علیه و قبل از شروع باید دو
امر تنبیه نمود **اول** آنکه این سرداب مطهر در السنه و در کتب مزار جمله از متأخرین
مشهور است بسرداب غیبت و آنچه در کتب مختصه و ابواب متعلقه بحالات
شریفه آنحضرت از ولادت تا ظهور موفور السرور تفحص کردم وجهی از برای این نام
و سببی برای نامیدن آن بسرداب غیبت ندیدم بلکه کافه علمای اهل سنت بمعاشر امامیه
در کتب خود نسبت میدهند که ایشان معتقدند که حضرت حجة بن الحسن
العسکری علیهما السلام در کودکی داخل در آن سرداب شد و مادرش نرجس خاتون
ایستاده و نگاه میکرد تا از نظرش غایب شد و مقام آنحضرت تا کنون در همانجا
واقع که در این طول مدت آنجناب اندرون و در آنجا باقیست تا از آنجا بیرون آید
و ظهور نماید و دنیا را پر از عدل و داد گرداند و ما در چند سال قبل در رساله
کشف الاستار که در جواب شبهات بعضی از علمای بغداد کرده در اصل ولادت
آنجناب کرده و آنها در ضمن قصیده منظوم در آورده برای علمای عتبات عالیه
فرستاده نوشتیم و مکشوف داشتیم که تمام آنچه نسبت داده اند بما در این مقام
افتراست و اصلا در کتب ما از هیچیک از آنها اثری نیست هر که خواست بآنجا
رجوع کند و از حال مؤلفات آنجماعت مطلع شود و تعجب نماید در باب
معجزات آنحضرت قضیه از معتضد عباسی بطرق مختلفه موجود است
و خلاصه یکی از آنها آنکه بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام

سوارانی چند فرستاد با مر که شب داخل در خانه آنحضرت بشوند و هر که را دیدند
بگیرند آنها رفتند شب داخل شدند و کسی را ندیدند و از سرداب صدای تلاوت
قرآنی شنیدند بآنجا رفتند در آنجا آبی دیدند در وسط آن حصیری مفروش و کسی
بر روی آن مشغول نماز است یکی از آنها تهور کرده خود را در آب انداخته غرق شد
و نزدیک بهلاکت رسید رفقا نجاتش دادند دیگر چنین پس هراسان شدند و بنا
بر توبه و استغاثه گذاشتند امام در این حالات اعتنائی بآنها ننمود مأیوس مراجعت بسامرا
کردند و در شب معتضد را خبر کردند معتضد از ایشان عهد گرفت که این سر
را افشا نکنند و شاید سبب این باشد یا چیز دیگر که در دست ما نیست و هم
آنکه این سرداب مطهر داخل در خانهای بزرگواران بود و راه دخول در آن سرداب از
قدیم قبل از بنا جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک بقبر
نرجس خاتون بود و شاید حالا در رواق باشد آنجا پایین میرفتند و دالان دراز
تاریکی داشت چون از آنجا میگذشتند بدر سرداب غیبت میرسیدند که
حال آینه کاری شده و پنجرهٔ از آن بسمت عسکریین از طرف قبله باز میشود و آن
دراز و وسط این سرداب باز میشود که حال کاشی دیوار بجای آن از اشکال محرابی ساختند
و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از پایین حرم میشد و لهذا شهید اول قده در
مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از
از زیارت حکیمه خاتون و نرجس خاتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید مسند
احمدخان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن از دو امام را بنحویکه الان موجود است
جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبهٔ عالیه برپا نمود و برای سرداب مطهر صحن
علیحده و ایوانی و راهرو پله جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنان ساختند

چنانچه حالا دیده میشود و آن راه اول و پله‌ها و در سرداب بالمره مسدود شد و نشانی
از آنها نیست محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نماند ولکن محل جلیل از زیارت
که اصل سرداب شریف است تغییر نکرده و اما استیذان و خواندن اذن دخول پس
بحسب استقرار در همه زیارات تصریح علما هر دیگر از آنجا معلوم شد دخول
در آن حرم از هر اماکن باید با استیذان باشد بلکه در خانهٔ الهی و خانهٔ پیغمبر
صلی الله علیه و آله بی اذن نباید داخل شد اما اذن مخصوص این سرداب مطهر
پس همان زیارت معروفه به (السلام علیک یا خلیفة الله) است که در آخر
آن استیذان میشود و با نسبت از آن در سرداب پیش از زیارت متن آن را خواند و چون
طولانی است و ما در هیچ مقام اذن دخول خاص باز امام را ذکر نکردیم و بهمان اذن دخول
عام که در مقدمه گذشت قناعت نمودیم در اینجا نیز چنین کردیم پس از استیذان و
دخول در سرداب مطهر زیارت کند آنحضرت را بآنچه خود دستور العمل داده‌اند
چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی قده در کتاب شریف احتجاج روایت کرده
از ناحیهٔ مقدسه بیرون آمد بسوی محمد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آنحضرت
سؤال کرده بود (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ لا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلا مِنْ أَوْلِیائِهِ
تَقْبَلُونَ حِکْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِی النُّذُرُ اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَعَلی عِبادِ اللهِ
الصّالِحِینَ) هرگاه خواستید توجه کنید بوسیلهٔ ما بسوی خداوند تبارک و
تعالی و بسوی ما پس بگوئید چنانچه خداوند تبارک و تعالی فرموده

سَلامٌ عَلی آلِ یس اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا داعِیَ اللهِ وَرَبّانِیَّ آیاتِهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ اللهِ وَدَیّانَ دِینِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا

خليفة الله وناصر حقه السلام عليك يا حجة الله ودليل ارادته
السلام عليك يا تالي كتاب الله وترجمانه السلام عليك في آناء
ليلك واطراف نهارك السلام عليك يا بقية الله في ارضه
السلام عليك يا ميثاق الله الذي اخذه ووكده السلام عليك
يا وعد الله الذي ضمنه السلام عليك ايها العلم المنصوب
والغوث والرحمة الواسعة وعدا غير مكذوب السلام عليك
حين تقوم السلام عليك حين تقعد السلام عليك حين
تقرء وتبين السلام عليك حين تصلي وتقنت السلام
عليك حين تركع وتسجد السلام عليك حين تهلل وتكبر
السلام عليك حين تحمد وتستغفر السلام عليك حين
تصبح وتمسي السلام عليك في الليل اذا يغشى والنهار
اذا تجلى السلام عليك ايها الامام المأمون السلام عليك
ايها المقدم المأمول السلام عليك بجوامع السلام اشهدك
يا مولاي اني اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و
ان محمدا عبده ورسوله لا حبيب الا هو واهله واشهدك يا مولاي

ان عليا امير المؤمنين حجته والحسن حجته والحسين
حجته وعلي بن الحسين حجته ومحمد بن علي حجته وجعفر
بن محمد حجته وموسى بن جعفر حجته وعلي بن موسى
حجته ومحمد بن علي حجته وعلي بن محمد حجته والحسن
بن علي حجته واشهد انك حجة الله انتم الاول والآخر
وان رجعتكم حق لا ريب فيها يوم لا ينفع نفسا ايمانها لم
تكن آمنت من قبل او كسبت في ايمانها خيرا وان الموت
حق وان ناكرا ونكيرا حق واشهد ان النشر حق والبعث
حق وان الصراط حق والمرصاد حق والميزان حق و
الحشر حق والحساب حق والجنة والنار حق والوعد
والوعيد بهما حق يا مولاي شقي من خالفكم وسعد
من اطاعكم فاشهد على ما اشهدتك عليه وانا ولي
لك بريء من عدوك فالحق ما رضيتموه والباطل ما
اسخطتموه والمعروف ما امرتم به والمنكر ما نهيتم عنه
فنفسي مؤمنة بالله وحده لا شريك له وبرسوله وبامير

الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ
مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ آمِينَ آمِينَ

دعائیکه خوانده میشود عقب این زیارت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ
وَأَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ وَفِكْرِي
نُورَ النِّيَّاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ
الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي نُورَ
الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ
عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ
فَتُغَشِّيَنِي رَحْمَتَكَ يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ
فِي أَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ وَ
الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِأَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ
وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ
وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ
النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَعَلَمِ الْهُدَى وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى
وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى وَمُجَلِّي الْعَمَى الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ

عَدْلاً وَقِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَجَوْراً إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَأَوْجَبْتَ
حَقَّهُمْ وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً اللَّهُمَّ انْصُرْهُ
وَانْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ وَانْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشِيعَتَهُ
وَأَنْصَارَهُ وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ
وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَ
عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ
بِسُوءٍ وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ
وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ وَانْصُرْ نَاصِرِيهِ وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَاقْصِمْ
قَاصِمِيهِ وَاقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَاقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ
الْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ
وَمَغَارِبِهَا بَرِّهَا وَبَحْرِهَا وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلاً وَأَظْهِرْ
بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ
مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ
السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلٰهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا

ذا الجلال والاکرام **مؤلف گوید** یا ارحم الراحمین

در اینجا تنبیه بر چند امر لازم است اول آنکه مرکوز در اذهان کافه شیعیان و سیرهٔ مستمرهٔ ایشان آنستکه در وقت زیارت آنحضرت چه در سرداب مطهر باشد یا در سایر روضات ناضرات یا در غیر اینها از بلاد دور و نزدیک رو بقبله کنند و ظاهرا مستندی در دست ندارند برای این عمل ولکن از بعضی مواضع میشود شاهدی برای آن سیره تحصیل نمود اولا سید جلیل علی بن طاوس ره در اول زیارات آنحضرت بعد از ذکر اذن دخول امر بگفتن تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید در وقت نزول سرداب فرموده و چون مستقر شدی باینجا پس بایست رو بقبله و بگو سلام الله الخ و بعد از آن سایر زیارات را نقل کرده بدون این مقدمات و از این معلوم میشود که آنچه ذکر نموده آداب عمومیه است برای زیارت در اینجا و ثانیا در مقام وداع آنحضرت فرموده چون خواستی از اینجا مراجعت کنی پس برگرد بسرداب شریف و آنچه خواستی نماز کن پس بایست و رو بقبله و بگو الخ و ثالثا در یکی از توسلات باین باب که نماید دو رکعت نماز کردن با سورهٔ انا فتحنا و اذا جاء نصر الله و بعد از آن زیارت کردن آنحضرت را باین زیارت اول آن اینست سلام الله الکامل الخ و در هر جا میشود خواند ایضا متن گو راست پس برخیزد در حالتیکه روی بقبله کرده باشی و بگو سلام الله الخ دوم آنکه در این زیارت شریفه ذکری از نماز زیارت نشده ولکن در مزار کبیر بسند معتبر و در مصباح الزائر زیارت مذکوره را بنحو ابسط و در آخر آن دعای دیگر نقل کرده اند و در آنجا امر فرموده اند بنماز زیارت قبل از زیارت و آن دوازده رکعت است با سورهٔ قل هو الله پس اگر این عمل را برای زیارتیکه ذکر کردیم بکنند ظاهر اینجا و مناسبت و اگر نکرده همان دو رکعت نماز زیارت که

برای هر امام علیه السلام باید کرد قناعت کند بهر آنکه با بنای بر اختصار از ذکر زیارات دیگر که در آن عمل صفر است چاره نیست شیخ محمد المشهدی و سید علی بن طاوس بعد از ذکر آداب در سرداب نقل کرده اند که چون داخل در سرداب شدی دو رکعت نماز در عرصه سرداب بکن و بگو اللّهُ اَکْبَرُ اَللّهُ اَکْبَرُ لا اِلهَ اِلَّا اللّهُ وَاللّهُ اَکْبَرُ وَلِلّهِ اَلْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی هَدانا لِهذا وَعَرَّفَنا اَوْلِیائَهُ وَاَعْدائَهُ وَوَفَّقَنا لِزِیارَةِ اَئِمَّتِنا وَلَمْ یَجْعَلْنا مِنَ الْمُعانِدینَ النّاصِبینَ وَلا مِنَ الْغُلاةِ الْمُفَوِّضینَ وَلا مِنَ الْمُرْتابینَ الْمُقَصِّرینَ اَلسَّلامُ عَلی وَلِیِّ اللّهِ وَابْنِ اَوْلِیائِهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْمُدَّخَرِ لِکَرامَةِ اَوْلِیاءِ اللّهِ وَبَوارِ اَعْدائِهِ اَلسَّلامُ عَلَی النُّورِ الَّذی اَرادَ اَهْلُ الْکُفْرِ اِطْفائَهُ فَاَبَی اللّهُ اِلّا اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ بِکُرْهِهِمْ وَاَیَّدَهُ بِالْحَیاةِ حَتّی یَظْهَرَ عَلی یَدِهِ الْحَقُّ بِرَغْمِهِمْ اَشْهَدُ اَنَّ اللّهَ اصْطَفاکَ صَغیراً وَاَکْمَلَ لَکَ عُلُومَهُ کَبیراً وَاَنَّکَ حَیٌّ لا تَمُوتُ حَتّی تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطّاغُوتَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلی خُدّامِهِ وَاَعْوانِهِ عَلی غَیْبَتِهِ وَنَأْیِهِ وَاسْتُرْهُ سَتْراً عَزیزاً وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلاً حَریزاً وَاشْدُدِ اللّهُمَّ وَطْأَتَکَ عَلی مُعانِدیهِ وَاحْرُسْ مَوالیهِ وَزائِریهِ اَللّهُمَّ کَما جَعَلْتَ قَلْبی بِذِکْرِهِ مَعْمُوراً

اللّه اکبر نه

فاجعل سلاحی بنصرته مشهورا وان حال بینی وبین
لقائه الموت الذی جعلته علی عبادک حتما واقدرت
به علی خلیقتک رغما فابعثنی عند خروجه ظاهرا من
حفرتی مؤتزرا کفنی حتی اجاهد بین یدیه فی الصف
الذی اثنیت علی اهله فی کتابک فقلت کانهم
بنیان مرصوص اللهم طال الانتظار وشمتت
بنا الفجار وصعب علینا الانتصار اللهم ارنا وجه
ولیک المیمون فی حیاتنا وبعد المنون اللهم انی
ادین لک بالرجعة بین یدی صاحب هذه البقعة
الغوث الغوث الغوث یا صاحب الزمان قطعت
فی وصلتک الخلان وهجرت لزیارتک الاوطان واخفیت
امری عن اهل البلدان لتکون شفیعا عند ربی و ربک و
الی آبائک وموالیّ فی حسن التوفیق لی واسباغ النعمة
علیّ وسوق الاحسان الیّ اللهم صل علی محمد وآل محمد
اصحاب الحق وقادة الخلق واستجب منی ما دعوتک

واعطنی ما لم انطق به فی دعائی من صلاح دینی ودنیای
انک حمید مجید وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین

پس داخل در صفه شود ودو رکعت نماز گذارد وبگو

اللهم عبدک الزائر فی فناء ولیک المزور الذی فرضت طاعته
علی العبید والاحرار وانقذت به اولیائک من عذاب
النار اللهم اجعلها زیارة مقبولة ذات دعاء مستجاب
من مصدق بولیک غیر مرتاب اللهم لا تجعله آخر العهد
به ولا بزیارته ولا تقطع اثری من مشهده وزیارة ابیه
وجده اللهم اخلف علیّ نفقتی وانفعنی بما رزقتنی
فی دنیای وآخرتی لی ولاخوانی وابویّ وجمیع عترتی استودعک
الله ایها الامام الذی یفوز به المؤمنون ویهلک علی
یدیه الکافرون المکذبون یا مولای یا ابن الحسن بن علی
جئتک زائرا لک ولابیک وجدک متیقنا الفوز بکم
معتقدا امامتکم اللهم اکتب هذه الشهادة والزیارة
لی عندک فی علیین وبلغنی بلاغ الصالحین وانفعنی

بحبهم یا رب — مؤلف گوید — العالمین

درمیان صفه مذکوره و سرداب مقدس شباکی است با دری از چوب ساج که از امر احمد ناصر بالله عباسی در سنه ششصد و دوازده ساختند چنانچه صورت آن با بعض آیات شریفه در کتیبه انجا مرقوم است و انچه از مشایخ دست بدست رسیده انست که این صفه محل حوضی بود بجهت وضو گرفتن از بزرگواران در ان سرداب پس از انکه بزرگواران که مزار و محل عبادت و دعا شد این صفه شریفه معین شده بود بجهت گذاشتن و انداختن عرایض و رقاع حاجات که شیعیان بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مینوشتند و با نجا میگذاشتند و هر وقت صلاح بود جواب عریضه از انجا یا از خارج بصاحبش میرسید چنانچه بعضی از حکایات از سید جلیل علی بن طاوس در اواخر کتاب فرج المهموم نقل کرده و بملاحظه این سیره و عادت در طرف راست رو بسرداب سوراخی بقدر انکه دست درمیان ان برود ورقعه را بیندازد گذاشتند که در طرف دیگر نظیر ندارد و هر کس تأمل کند میداند که این سوراخ ساختن برای همین کار بود و ان محل درمیان همه ان سرداب متمازی پیدا کرده در بزرگی و شرافت و احترام بوسیدن و استشفا بتربت ان تا انکه صحن و راه سرداب مطهر از ان صحن مقدس جدا شد و از غیر حبس برای ان خدمه پیدا شد و دیدند حرص و رغبت شیعیان را بان محل شریف و غلبه استیلاء خود را بر غربا و زوار بی معین لهذا ان را شبکه قرار دادند و باقسام حیل از انها فایده بردند و کم کم بدادن دیگ و خاک از ایشان بیچاره کان و گرفتن چیزی مقداری از انجا کود شد و در چهل و هفت سال تقریبا که اول مشرف شدن حقیر بود باز استانه مبارکه کودی

انجا تا بدیله رسیده بود و باز زیاد شد تا انکه زمانیکه شیخ عالم جلیل علامه عصره شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه بجهت تذهیب گنبد مطهر و اصلاح صحن منور با نجا مشرف شدند پس از مشاهده ان خرابی و زیاد شدن در هر روز و خوف صدمه رسیدن باساس عمارت مقرر فرمودند انجا را پر کردند تا بمقدار دو پله بنا الامانت و ان را با جر و گچ محکم نمودند پس از وفات ان مرحوم چون در سر منبر ان جماعت و باش بجهت از بنا تخلی پیدا شد دو باره از بنا را خراب کردند و بیادادن دیگ و سنگ انجا بجهال زوار و بردن عوام بی لجام کالانعام را در انجا با سم تبرک بازار کسب خود را رونق دادند و کم کم بمنزله چاهی شد و اسم ان را چاه صاحب الزمان گذاشتند و جزء مناسک زوار شد که چون با نجا روند از چاه صاحب الزمان سؤال کنند و بانواع بی ادبی و جسارت خود را درمیان چاه افکنند و مقداری دیگ بردارند تمام این حرکات بی اصل و بی پا و خلاف ادب و احترام بلکه در بعضی مواضع شبهه حرمت دارد ولکن درد جهل را دوائی جز پرسش از عالم با تنبه و نهی عالم بینیت و هر دو از میان رفته و بالله المستعان

چهارم انکه محل شریف سرداب علاوه بر دارائی شرافت از جهات عدیده و بودن ان خانه سه امام علیهم السلام و طول مدت اقامت ان بزرگواران در انجا با ان اعمال و عبادات و بروز آیات باهرات و توجه خاص امام عصر بان محل چنانچه از شرف ملاقات جمعی از سلف بحضرت ان جناب در انجا معلوم میشود حسب تجربه بزرگان و سالکان طریق رشد و هدایت از تضرع و انابت و دعا و استغاثه در ان محل شریف بعنوان شاده

خاصه و مقامات سامیه رسیدند حتی از آیة الله بحر العلوم سید مهدی طباطبا
طاب ثراه معروف است که فرمودند آنچه داشتند با ایشان رسیده بود از برکت ائمه
با مسجد سهله بود پس زائر را تا که بحال خرابی خود مطلع و به زحمت بسیار خود را باینجا
رسانید فرصت غنیمت شمارد و تا تواند با سوز دل و حضور قلب در اینجا بگوید و بگرید
و بخواهد از کردار زشت خود معذرت جوید و آنچه داند بخواند و گرنه از خواندن بعض
دعاهای خاصه و اعمال وارده مسامحه نکند و ما در اینجا بچند امر از آن اشاره
میکنیم اول فرستادن صلوات بر آن وجود مبارک و تقدیم آن بر ذکر حاجات خود و برای آن اوراد
عدیده است و مختصر آن نحویکه سید جلیل ابن طاوس در مصباح الزائر فرموده این است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلٰى وَلِيِّ الْحَسَنِ
وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَ
الْمُنْتَظِرِ لِاِذْنِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ
وَاكْشِفْ عَنْ بَاْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَاَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ
الْمِحْنَةِ وَقَدِّمْ اَمَامَهُ الرُّعْبَ وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَاَقِمْ
بِهِ الْحَرْبَ وَاَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلٰائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَسَلِّطْهُ عَلٰى
اَعْدَاءِ دِينِكَ اَجْمَعِينَ وَاَلْهِمْهُ اَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْناً اِلَّا هَدَّهُ
وَلَا هَاماً اِلَّا قَدَّهُ وَلَا كَيْداً اِلَّا رَدَّهُ وَلَا فَاسِقاً اِلَّا حَدَّهُ وَ
لَا فِرْعَوْناً اِلَّا اَهْلَكَهُ وَلَا سِتْراً اِلَّا هَتَكَهُ وَلَا عَلَماً اِلَّا نَكَّسَهُ

وَلَا شَيْطَاناً اِلَّا اَذَلَّهُ

وَلَا سُلْطَاناً اِلَّا كَسَبَهُ وَلَا رُمْحاً اِلَّا قَصَفَهُ وَلَا مِطْرَداً اِلَّا خَرَقَهُ
وَلَا مِنْبَراً اِلَّا اَحْرَقَهُ وَلَا جُنْداً اِلَّا فَرَّقَهُ وَلَا سَيْفاً اِلَّا كَسَرَهُ
وَلَا صَنَماً اِلَّا رَضَّهُ وَلَا دَماً اِلَّا اَرَاقَهُ وَلَا جَوْراً اِلَّا اَبَادَهُ
وَلَا حِصْناً اِلَّا هَدَمَهُ وَلَا بَاباً اِلَّا رَدَمَهُ وَلَا قَصْراً اِلَّا
اَخْرَبَهُ وَلَا مَسْكَناً اِلَّا فَتَّشَهُ وَلَا سَهْلاً اِلَّا اَوْطَئَهُ وَلَا
جَبَلاً اِلَّا صَعَدَهُ وَلَا كَنْزاً اِلَّا اَخْرَجَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دوم خواندن این دعای شریف در اینجا مکرر چنانچه علماء در
ضمن اعمال اینجا ذکر کرده اند و در غیر امکان نیز وارد شده خواندن
آن و این دعا مروی از حضرت صاحب الامر علیه السلام است و در نسخ آن
فی الجمله اختلافی هست و شیخ معتمد محمد بن المشهدی و شهید رحمهم الله تعالی آنرا بعد از نماز زیارت
حضرت در اینجا نقل کردند و موافق نسخه ایشان این است

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَبَرِحَ الْخَفَاءُ وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ
وَضَاقَتِ الْاَرْضُ وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ وَاِلَيْكَ يَا رَبِّ الْمُشْتَكٰى
وَعَلَيْكَ الْمُعَوَّلُ فِي الشِّدَّةِ وَالرَّخَاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ فَعَرَّفْتَنَا بِذٰلِكَ
مَنْزِلَتَهُمْ فَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عَاجِلاً كَلَمْحِ الْبَصَرِ اَوْ هُوَ
اَقْرَبُ مِنْ ذٰلِكَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ اُنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَايَ

وَاكْفِيانِي فَاِنَّكُما كافِيايَ يا مَوْلايَ يا صاحِبَ الزَّمانِ الْغَوْثَ
الْغَوْثَ الْغَوْثَ اَدْرِكْنِي سیم اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي

بجا آوردن نماز آن حضرت بجهت مطالب مهمه و حوائج عظیمه و آن دو رکعت
است با سوره حمد و قل هو الله احد و چون در حمد بآیهٔ مبارکهٔ ایاک نعبد و ایاک
نستعین برسد صد مرتبه بگوید و بهتر آنکه تسبیح رکوع و سجود تسبیح کبری باشد
و آنرا هفت نوبت بگوید و بعد از نماز صد نوبت صلوات بفرستد و بعد از
آن دعای اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ مذکور را بخواند آنگاه حاجت خود را بخواهد و
این نماز در هر وقت و در هر جا میتوان کرد و لکن در سحر شب جمعه و روز جمعه
مخصوصاً وارد شده و این نماز از اعمال نفیسه و کنوز خفیه است که نباید از خوا
ندن آن غفلت نمود **چهارم** دعای معروف بدعای ندبه که از شیخ جلیل محمد بن المشهدی
و رضی الدین علی بن طاوس و صاحب مزار قدیم نقل کردند از شیخ نبیل محمد بن علی بن ابی
قره که او از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری این دعا را نقل نموده که مستحب است آنرا در
چهار عید خواندن و ما آنرا از مزار محمد بن المشهدی نقل میکنیم بجهة نکتهٔ لطیفه که بعد خواهیم گفت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلى ما جَرى بِهِ
قَضاؤُكَ فِي اَوْلِيائِكَ الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ
اِذِ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ ما عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ الَّذِي لا

زَوالَ وَلا اضْمِحْلالَ بَعْدَ اَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي زَخارِفِ
هٰذِهِ الدُّنْيا الدَّنِيَّةِ وَزِبْرِجِها فَشَرَطُوا لَكَ ذٰلِكَ وَ
عَلِمْتَ مِنْهُمُ الْوَفاءَ بِهِ فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ وَقَدَّمْتَ لَهُمُ
الذِّكْرَ الْعَلِيَّ وَالثَّناءَ الْجَلِيَّ وَاَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلائِكَتَكَ
وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ وَرَفَدْتَهُمْ بِعِلْمِكَ وَجَعَلْتَهُمُ
الذَّرائِعَ اِلَيْكَ وَالْوَسِيلَةَ اِلى رِضْوانِكَ فَبَعْضٌ اَسْكَنْتَهُ
جَنَّتَكَ اِلى اَنْ اَخْرَجْتَهُ مِنْها وَبَعْضٌ حَمَلْتَهُ فِي فُلْكِكَ
وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ وَبَعْضٌ اتَّخَذْتَهُ
خَلِيلاً وَسَئَلَكَ لِسانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَاَجَبْتَهُ
وَجَعَلْتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً وَبَعْضٌ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْعِلْمِ تَكْلِيماً
وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ اَخِيهِ رِدْءاً وَوَزِيراً وَبَعْضٌ اَوْلَدْتَهُ
مِنْ غَيْرِ اَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّناتِ وَاَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ
وَكُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَرِيعَةً وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهاجاً وَتَخَيَّرْتَ
لَهُ اَوْصِياءَ مُسْتَحْفِظاً بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ مِنْ مُدَّةٍ اِلى مُدَّةٍ
اِقامَةً لِدِينِكَ وَحُجَّةً عَلى عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ

وبعلب الباطل على اهله ولا يقول احد لولا ارسلت
الينا رسولا منذرا واقمت لنا علما هاديا فنتبع
اياتك من قبل ان نذل ونخزى الى ان انتهيت بالامر
الى حبيبك ونجيبك محمد صلى الله عليه واله فكان
كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة من اصطفيته و
افضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته قدمته على
انبيائك وبعثته الى الثقلين من عبادك واوطأته مشارقك
ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت به الى سمائك
واودعته علم ما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته
بالرعب حففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من
ملائكتك ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله ولو
كره المشركون وذلك بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله
وجعلت له ولهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة
مباركا وهدى للعالمين فيه ايات بينات مقام ابرهيم
ومن دخله كان امنا وقلت انما يريد الله ليذهب عنكم

الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا ثم جعلت اجر محمد
صلوات الله عليه واله مودتهم في كتابك فقلت قل لا
اسئلكم عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت ما سئلتكم
عليه من اجر فهو لكم وقلت ما اسئلكم عليه من اجر
الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا هم السبيل اليك
والمسلك الى رضوانك فلما انقضت ايامه اقام وليه
علي بن ابي طالب صلوات الله عليهما والهما هاديا اذ
كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ امامه من
كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من
عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت
انا نبيه فعلي اميره وقال انا وعلي من شجرة واحدة
وساير الناس من اشجار شتى واحله محل هرون من
موسى فقال انت مني بمنزلة هرون من موسى الا انه لا
نبي بعدي وزوجه ابنته سيدة نساء العالمين واحل
له في مسجده ما حل له وسد الابواب الا بابه ثم اودعه

علمه وحكمته فقال أنا مدينة العلم وعلي بابها فمن أراد
الحكمة فليأتها من بابها ثم قال أنت أخي ووصيي ووارثي
لحمك لحمي ودمك من دمي وسلمك سلمي وحربك حربي
والإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي ودمي وأنت
غداً على الحوض معي وأنت خليفتي وأنت تقضي ديني و
تنجز عداتي وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم
حولي في الجنة وهم جيراني ولولا أنت يا علي لم يعرف
المؤمنون بعدي فكان بعده هدى من الضلال ونوراً
من العمى وحبل الله المتين وصراطه المستقيم لا يسبق
بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق في منقبة
من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما و
آلهما ويقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم
قد وتر فيه صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش
ذؤبانهم وأودع قلوبهم أحقاداً بدرية وخيبرية
وحنينية وغيرهن فأضبت على عداوته وأكبت على

منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما
قضى نحبه وقتله أشقى الآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل
أمر الرسول صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين و
الأمة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه وإقصاء
ولده إلا القليل ممن وفى لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي
من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له
حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من
عباده الصالحين والعاقبة للمتقين وسبحان الله إن
كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو
العزيز الحكيم فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلي
صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون وإياهم فليندب
النادبون ولمثلهم فلتدر الدموع وليصرخ الصارخون
ويضج ويعج الجازعون أين الحسن أين الحسين أين أبناء
الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق أين
السبيل بعد السبيل أين الخيرة بعد الخيرة أين الشموس

وليضج الضاجون ويعج العاجون

الطالعة وقواعد العلم اين الاقمار المنيرة اين الانجم
الزاهرة اين اعلام الدين وقواعد العلم اين بقية الله
التى لا تخلو من العترة الهادية اين المعد لقطع دابر
الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت والعوج اين المرتجى
لازالة الجور والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض
والسنن اين المتخير لاعادة الملة والشريعة اين
المؤمل لاحياء الكتاب وحدوده اين محيى معالم الدين
واهله اين قاصم شوكة المعتدين اين هادم ابنية
الشرك والنفاق اين مبيد اهل الفسوق والعصيان اين
حاصد فروع الغى والشقاق اين طامس آثار الزيغ و
الاهواء اين قاطع حبائل الكذب والافتراء اين مبيد
اهل العناد والمردة اين معز الاولياء ومذل الاعداء
اين جامع الكلمة على التقوى اين باب الله الذى منه
يؤتى اين وجه الله الذى اليه يتوجه الاولياء اين
السبب المتصل بين الارض والسماء اين صاحب

الرجی نسخه

يوم الفتح وناشر راية الهدى اين مؤلف شمل الصلاح و
الرضا اين الطالب بذحول الانبياء وابناء الانبياء اين
الطالب بدم المقتول بكربلاء اين المنصور على من اعتدى
وافترى اين المضطر الذى يجاب اذا دعى اين صدر الخلائق
ذو البر والتقوى اين ابن النبى المصطفى وابن على المرتضى
وابن خديجة الغراء وفاطمة الكبرى بابى انت وامى
نفسى لك الوقاء والحمى يابن السادة المقربين يابن النجباء
الاكرمين يابن الهداة المهديين يابن الخيرة المهذبين
يابن الغطارفة الانجبين يابن الاطائب المطهرين يابن
الخضارمة المنتجبين يابن القماقمة الاكرمين
يابن البدور المنيرة يابن السرج المضيئة يابن الشهب
الثاقبة يابن الانجم الزاهرة يابن السبل الواضحة
يابن الاعلام اللائحة يابن العلوم الكاملة يا
ابن السنن المشهورة يابن المعالم المأثورة يابن المعجزات
الموجودة يابن الصراط المستقيم يابن الآيات البينات

وابن الدلائل الظاهرات یابن البراهین الباهرات یا
ابن الحجج البالغات یابن طه والمحکمات یابن یس و
الذاریات یابن من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی
دنوا واقترابا من العلی الاعلی لیت شعری این استقلت
بک النوی ای ارض تقلک او ثری ابرضوی او غیرها ام ذی
طوی عزیز علی ان اری الخلق وانت لا تری ولا اسمع لک
حسیسا ولا نجوی عزیز علی ان تحیط بک دونی البلوی
ولا ینالک منی ضجیج ولا شکوی بنفسی انت من مغیب لم
یخل منا بنفسی انت امنیة شائق یتمنی من مؤمن ومؤمنة
ذکرا فحنا بنفسی انت من عقید عز لا یسامی بنفسی
انت من اثیل مجد لا یجاری بنفسی انت من تلاد نعم
لا تضاهی بنفسی انت من نصیف شرف لا یساوی الی متی
احار فیک یا مولای والی متی وای خطاب اصف فیک
وای نجوی عزیز علی ان اجاب دونک واناغی عزیز علی
ان ابکیک ویخذلک الوری عزیز علی ان یجری علیک

دونهم ما جری هل من معول فاطیل معه العویل والبکاء هل
من جزوع فاساعد جزعه اذا خلا هل قذیت عین فتسعدها
عینی علی القذی هل الیک یابن احمد سبیل فتلقی
هل یتصل یومنا منک بغده فنحظی متی نرد مناهلک الرویة
فنروی متی ننتقع من عذب مائک فقد طال الصدی متی
نغادیک ونراوحک فنقر عینا متی ترانا ونراک وقد نشرت لواء
النصر تری اترانا نحف بک وانت تؤم الملا وقد ملات
الارض عدلا واذقت اعداءک هوانا وعقابا وابرت العتاة
وجحدة الحق وقطعت دابر المتکبرین واجتثثت اصول
الظالمین ونحن نقول الحمد لله رب العالمین اللهم انت
کشاف الکرب والبلوی والیک استعدی فعندک العدوی
وانت رب الاخرة والدنیا فاغث یا غیاث المستغیثین
عبیدک المبتلی واره سیده یا شدید القوی وازل عنه
الاسی والجوی وبرد غلیله یا من علی استوی ومن الیه
الرجعی والمنتهی اللهم ونحن عبیدک التائقون الی

وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنا عِصْمَةً وَمَلاذاً وَاَقَمْتَهُ
لَنا قِواماً وَمَعاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنينَ مِنّا اِماماً فَبَلِّغْهُ عَنّا
تَحِيَّةً وَسَلاماً وَزِدْنا بِذلِكَ يا رَبِّ اِكْراماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ
مُسْتَقَرّاً وَمُقاماً وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْديمِكَ اِيّاهُ اَمامَنا حَتّى
تُورِدَنا جِنانَكَ وَمُرافَقَةَ الشُّهَداءِ مِنْ خُلَصائِكَ اَللّهُمَّ
صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ رَسُولِكَ السَّيِّدِ
الْاَكْبَرِ وَعَلى اَبيهِ السَّيِّدِ الْاَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصِّدّيقَةِ
الْكُبْرى فاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلى مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ آبائِهِ الْبَرَرَةِ
وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَتَمَّ وَاَدْوَمَ وَاَكْثَرَ وَاَوْفَرَ ما صَلَّيْتَ
عَلى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيائِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ
عَلَيْهِ صَلوةً لا غايَةَ لِعَدَدِها وَلا نِهايَةَ لِمَدَدِها وَلا
نَفادَ لِاَمَدِها اَللّهُمَّ وَاَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَاَدْحِضْ بِهِ الْباطِلَ
وَاَدِلْ بِهِ اَوْلِيائَكَ وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْدائَكَ وَصِلِ اللّهُمَّ
بَيْنَنا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدّي اِلى مُرافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنا مِمَّنْ
يَأْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ في ظِلِّهِمْ وَاَعِنّا عَلى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ

اِلَيْهِ وَالْاِجْتِهادِ في طاعَتِهِ وَاجْتِنابِ مَعْصِيَتِهِ
وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعائَهُ
وَخَيْرَهُ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَ
اجْعَلْ صَلوتَنا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً وَ
دُعائَنا بِهِ مُسْتَجاباً وَاجْعَلْ اَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ
هُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنا
بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا اِلَيْكَ وَانْظُرْ اِلَيْنا نَظْرَةً
رَحيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا
بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رَيّاً رَوِيّاً هَنيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ بَعْدَهُ
يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

پس میخوانی خدا را بهرچه میخواهی **مؤلف** گوید در اینجا تنبیه بر چند امر
لازم است اول آنکه زمان خواندن این دعا را در مزار محمد بن المشهدی و مصباح
الزائر در اعیاد اربعه یعنی روز فطر و روز قربان و روز غدیر و روز جمعه
معین کرده‌اند و لکن در مزار قدیم که او هم از همان کتاب محمد بن ابی قره نقل
کرده شب جمعه را نیز بر آن افزوده دوم آنکه در مصباح الزائر بعد از ذکر

ایشان فرموده انکاه نماز زیارت بکن و وصف ان کذشت یعنی دوازده رکعت بهر
سوره که باشد و ظاهر میشود که دعای مذکور بمنزلهٔ زیارتست و در ان دو مزار
ذکری از نماز نشده والبته بجا اوردن ان بجهته فرموده سید بهتر است
سیما انکه در مزار محمد بن المشهدی و مزار قدیم که تالیف هردو مدتها قبل از تالیف
مصباح الزائر شده عبارت دعا چنین است که نقل کردیم (وعرجت به
الی سمائك) و در بعضی نسخ مصباح الزائر که حقیر دیدم نیز چنین بود ولکن
در جمله از نسخ مصباح این فقره چنین است (وعرجت بروحه الی سمائك) و
نسخهٔ مصباح مرحوم مجلسی ره نیز از این نسخ بوده و در بحار و زاد المعاد این دعا
را از انجا بهمین قسم نقل کرده و بجهت کثرت اشتغال و نوشتن کتاب ادعیه
واحادیث طولانی را در نسخ اصل تالیف چنانچه از مشاهده جملهٔ از انها معلوم
میشود ملتفت باین اختلاف نشده اند ولهذا در بحار فرموده بعد از
نقل دعا از مصباح الزائر که محمد بن المشهدی این دعا را از کتاب محمد بن ابی قره نقل
کرده بمثل انچه سید نقل نموده وکمان دارم که سید ره این دعا را از محمد بن المشهدی
نموده و دانستی نسخ مزار مشهدی و مزار قدیم بنحویست که گفتیم و ماخذ هر سه
مزار کتاب ابن ابی قره است پس معلوم میشود در نسخ مصباح تحریفی شده
از بعضی ناسخین که مبتلا بوده ببعضی امراض قلبیه و عقاید فاسده و
عروج جسمانی انحضرت را که ضروری مذهب بلکه دین بران قائم شده منکر
و باور نموده و از انجا که ملاذ و مرجع کافهٔ علما و عوام در امثال این مقام
مؤلفات مرحوم مجلسی است و بماخذ کتب انمرحوم کاهی مراجعه نکنند
لهذا این فقره محرفه شایع و ذایع و منتشر شده و در السنه و افواه دائر و شبهه

شده در بعضی قلوب مریضه و نفوس ضعیفه و اصل صحیح ان اصلا در دست
نیست و طرف احتمال نشده والحمد لله که اساس شبهه از بیخ منهدم و
خراب شد چنانچه بر اهل بصیرت پوشیده نیست با انکه بر فرض صحت ان
نسخه نیز دلالت بر صحت ان عقیده فاسده که معراج انحضرت صلی الله
علیه واله بروح بوده نه بجسم نکند توضیح این مطلب بنحو اجمال انکه این هیکل
مخصوص که در صورت انسانی است و برای اشخاص ان نامهای مختلفه گذارند
چون علی و حسن و حسین و غیر ان چون نام یکی از انها را برند مراد انچه هیکل دارد
است از اعضا و جوارح داخله و خارجه و قوای ظاهره و باطنه و روح
و نفس و عقل که با این کثرت اجزا و اعضا حسب ترکیب الهیه جهت وحدانیتی
دارد که از او تعبیر کنند در وقت امتیاز بان اسم مخصوص و برای هر یک از ان
اعضا و جوارح اسامی مخصوصه است که در وقت حاجت از ان عضو بان اسم
تعبیر کنند مثل سر و چشم و کردن و دست و غیرها و از اعضا و جوارح مختلف
باشند در حاجت ان هیکل بان بعضی چنان باشد که اگر مفقود شود هیکل از
هم کسیخته شود چون سر و کردن و روح و مثل ان و بعضی چنین نباشد مثل
انکشت و دست و زبان و غیرها و در لغت عرب متعارفست که کاهی
نام یکی از ان قسم اول را برند و مراد ایشان نه ان عضو مخصوص است بلکه
تمام ان هیکل بمناسبت انکه قوام ان بان عضو است مثل رقبه که بمعنی کردن
است پس کویند امروز رقبه خریدم یا رقبه ازاد کردم و مراد تمام یک هیکل
انسانست که بنده است و در قران مجید در مقام ذکر کفاره جرائم مکرر
فرموده (فتحریر رقبة) یعنی ازاد کردن بنده نه کردنی و این مطلب واضح

وامثله ان بسیار است وچون اصل وعمده قوام تمام اعضا وقوای این هیکل
در حال حیاة بروح است لهذا در بسیاری از مواضع روح گویند وتمام آن
هیکل مراد باشد نه خصوص نفس ناطقه چنانچه گویند روحی لك الفداء
وروحی له الفداء وغرض از روحی فداء وقربانی شدن است برای ان دوست
که زندگی او رابر زندگی خود مقدم میدارد وفدا وقربانی از حالات تمام این
هیکل است مثل خوردن ونوشیدن وخوابیدن والان در میان عرب متعارف
است در مقام تاکید ومبالغه یکی بدیگری میگوید جئتك بروحی ونیز
در زبان فارسی نیز موجود است که میگویند خودم امدم پیش تو مثلا فلان
چیز را خواستم ندادی ومراد از خود روح است چنانچه میگویند فلانی بیخود
شد یعنی غش کرد وبیهوش شد وبالجمله این استعمال شایع ومتعارف
ودر کلمات فصحا موجود ومسطور است پس ترجمه ان عبارت صحت بنابر
ان معنی این باشد که خودش را باسمان بردی وشاید در این تاکید اشاره
باختصاص این تشریف باشد بان حضرت چه در معراج روحانی بی
جسد در خواب یا بیداری همه پیغمبران شریك باشند در غالب وقت
اگرچه مختلف باشند در درجات وبرای انحضرت امتیاز واختصاص
نباشد جز بمعراج جسمانی که از ضروریات شمرده میشود ونظیر تعبیر کردن
از شخص انسانی دارای تمام اجزاء بروح بمناسبت مذکوره تعبیر کردن
از این هیکل جسمانیت بعد از مردن ومفارقت روح بعظام بملاحظه
انکه قوام این هیکل وامثال ان بعد از مردن باستخوانهای او است بانضمام
ترکیبی که بان بهم پیوسته شده وچون از یکدیگر بگسلد وبپاشد امتیاز

برداشته واز هیکل صوری نماند چنانچه شاعر عرب گفته رَحِمَ اللهُ اَعْظُماً
دَفَنُوها بِسِجِسْتانَ طَلْحَةَ الطَّلَحاتِ خداوند رحمت کند استخوانها
راکه دفنش کردند در سیستان وان طلحه شخصی معروف ومعلوم است
که مراد از اعظم همان جسد طلحه است چنانچه خود تفسیر کرده ونظیر ان قول
شاعر در مرثیه حضرت ابیعبدالله ع

اُمْرُرْ عَلیٰ جَدَثِ الْحُسَیْنِ وَقُلْ لِاَعْظُمِهِ الزَّکِیَّةِ یا اَعْظُماً لازِلْتِ فی
وَطْفاءَ ساکِبَةٍ رَوِیَّةٍ بگذر بقبر حسین علیه السلام وبگو یا استخوانهای
پاکیزه اثرای استخوانها پیوسته وظاهر است که مراد از
ان جسد مبارکست ومیتوان گفت مراد از عظام در ایه شریفه (مَنْ
یُحْیِی الْعِظامَ وَهِیَ رَمِیمٌ) نیز تمام جسد میت باشد خصوص بعد از
ملاحظه انکه حیوة از خصایص جسد است واز اخذ اشتغالی زنده کند و
برای استخوان در هر حال حیوتی نیست ولهذا داخل شده در ان اجزای بی
روح میته که حکم ان در شرع مطهر طهارتست واز این باب است انچه گذشت
در خبر که تعبیر فرمودند از جسد حضرت ادم علیه السلام بعظام از روی
بلاغت وتفنن در عبارت چنانچه تعبیر فرمودند از جسد نوح ع ببدن و

فصل چهارم

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بجسم
در ذکر اداب زیارت ودخول در مشاهد شریفه وزیارت مخصوصه ودعا
ونماز ووداع که همه ان بقاع مطهره در ان اعمال مشترکند ودر ان

مقام اول

چند مقام است در اداب و ان
بسیار است وبعضی از انها اگرچه بظاهر مختص بحرم مطهر حسینی علیه

السلام است ولکن بعد از تامل معلوم میشود اختصاصی ندارد مگر در چند فقره
که سببان را ذکر فرموده اند و ما انها را بنحو اختصار و حذف اخبار مگر
در بعضی از انها که از ذکر ان چاره نیست ذکر میکنیم **اوّل** غسل پیش از
بیرون رفتن برای سفر زیارت **دوّم** ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و
مجادله در راه **سیّم** غسل برای زیارت هر امامی هر چند برای امام دیگر
غسل کرده و هنوز نشکسته **چهارم** خواندن دعای ماثور در وقت
غسل **پنجم** طهارت از حدث کبری مثل جنابه و حیض و نفاس و از حدث صغری
ششم پوشیدن جامههای پاک و پاکیزه **هفتم** سفید بودن رنگ جامه
هشتم نو بودن جامه چنانچه در خبر سید و شیخ شهید ره در دروس تصریح
نموده **نهم** در وقت رفتن بروضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن
و با رامی و وقار سیر نمودن **دهم** برهنه بودن پا در وقت رفتن بروضه
مقدسه چنانچه در اداب زیارت حضرت رضا صلوات الله علیه رسیده
و ظاهرا اختصاصی نداشته باشد چنانچه بعضی از علمای معاصرین مجاورین
ارض اقدس بر این مضمون در مزار خود تصریح کرده و تایید میکند این را انچه در کتاب
دعائم الاسلام روایت نموده از امیر المؤمنین علیه السلام که انجناب پیاده
راه میرفت در پنج موطن با پای برهنه و نعلین در دست چپ مبارکش اویزان
بود و میفرمود اینجاها مواطنی است که مخصوص خدای تعالی و من دوست دارم
که در اینجاها پا برهنه باشم **یازدهم** خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت
کربلای معلّی **دوازدهم** در وقت رفتن بحرم مطهر زبان را بذکر
تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند تبارک و تعالی مشغول کردن و

و بصلوات بر پیغمبر و ال اطهارش معطّر نمودن **سیزدهم**
بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول را بانجا طلبیدن بکلمات ماثوره
با سلام کردن بر پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم و سعی در تحصیل رقّت و
سوزش دل و خضوع و شکستگی خاطر نمودن بتصور و فکر در عظمت جلالت
قدر صاحب ان مرقد منوّر و اینکه می بیند ایستادن او را و میشنود کلام
او را و جواب میدهد سلام او را چنانچه بهمه اینها شهادت میدهد
در وقت خواندن اذن دخول و تدبر در محبت و لطف و مکرمتی که بشیعیان
و زایران خود دارند و تامل در خرابیهای حال خود و خلافهائی که با ایشان
کرده و فرمودههای بیجهٔ که از ایشان نشنیده و ازارها و اذیتها که از
او بایشان یا بخاصان و دوستانشان رسانده که برگشتن باز در دین
ایشانست و اگر براستی در خود نگرد قدمهایش باز افتد و قلبش هراسان و
چشمش گریان شود و روح تمام اداب بلکه زیارت در همین است که اگر
این نعمت روزی شد بسیاری از اداب فوت او نداشته بعمل اید برای
فهمیدن اذن دادن صاحب ان مرقد شریف در دخول در ان محضر انور
علامت باشد و شهید اول در دروس فرموده بعد از ذکر این ادب اگر
در قلب خود رقتی دید داخل شود و الا در صدد تحصیل رقتی بر اید
که در قلب خود رقتی یابد چه غرض اهم حضور قلب است بجهت تلقّی
رحمت که از پروردگار فرود میاید یعنی قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست برای
نزول رحمت خاصه در ان حین و زیارتش جسدی شود بی روح و لفظی
بی معنی مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند **چهاردهم**

بوسیدن عتبه علیه و استانه مبارکه **پانزدهم** سجده کردن برای
خداوند بجهت شکر بر این نعمت سنیه و رسیدن باین تربت زکیه **شانزدهم**
مقدم داشتن پای راست برای داخل شدن و موخر داشتن آن در وقت
بیرون آمدن بعکس پای چپ **هفدهم** رفتن بنزدیك ضریح مقدس
بنحویکه خود را تواند بآن چسباند مگر در حرم عسکریین علیهما السلام از
باب بیشتر وچنانچه گذشت شرح آن **هجدهم** سجده نکردن بر قبر
مطهر اگر منتهی شود **نوزدهم** بوسیدن قبر مطهر **بیستم**
گذاشتن و مالیدن طرفین روی راست و چپ بر آن **بیست و یکم** پشت بقبله
و رو بقبر منور ایستادن چنانچه گذشت مشروحا **بیست و دوم**
ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا
وغیرها و این ادب تصریحا و علیحده در کتب زیارات مذکور نیست ولکن در بودن
آن از آداب موکده شبهه نیست اما اولا بجهت ذکر علما آن را در ذکر آداب دیگر
چنانچه میفرمایند بایستند نزدیك ضریح مقدس الخ و میفرمایند بایست
پشت بقبله و رو بقبر مطهر وغیر آنکه بر متتبع مخفی نیست و اما ثانیا
پس بجهت تصریح آن در اغلب زیارات معتبره ماثوره بعد از ذکر آداب
دخول و رسیدن بضریح مقدس بمثل این عبارت (ثم قف وقل) یا
آنکه (وقف وتقول) و اگر کسی سیر کند در این موارد مطمئن میشود که هرجا ذکر
نشده از آن بوضوح آن وا گذاشتند و معنی وقوف ایستادن است و بغیر
این کلمه بنظر ندارم تعبیری دیگر کرده باشند و اما ثالثا پس بجهت
تصریح باین ادب در زیارات ایشان از دور چنانچه در مصباح الزائر مرویست

از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و
قبور ائمه را و در بلد خود است پس غسل کند و دو جامه پاك بپوشد و بصحراء
رود و در روایتی ببام خانه خود آنگاه چهار رکعت نماز بجای آورد و هر
سوره از قرآن که خواست چون تشهد و سلام را تمام کرد بایستد رو بقبله
و بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ الخ وچنانچه از دور باید بایستد در
نزدیك رعایت آن از جهات عدیده اهم خواهد بود و اما رابعا پس بجهت
آنکه از مطاوی اخبار معلوم میشود که اذن دخول صاحب خانه برای آنکه از او اذن
دخول میطلبد کافی نیست از اذن جلوس بلکه هر کس اذن خواست و داخل خانه
شد دوباره اذن نشستن بخواهد اگر اذن داد بنشستن یا ابتدا او را اذن داد
بنشستن بنشیند و الا ننشیند و شاهد این دعوی در مطاوی آن صنف از
اخبار که در آنها ذکر دخول اصحاب و اجانب و اقارب است بر ائمه علیهم السلام
و اینکه بعد از دخول تا اذن نمیدادند نمی‌نشستند بسیار است و ما بذکر خلاصه مضمون
یك خبر قناعت کنیم در کتاب علل الشرایع صدوق مرویست که سالی در
ایام موسم حج حضرت صادق علیه السلام در منی تشریف داشتند و جمعی از
اصحاب در خدمت آنجناب مشغول استفاده بودند که ابو حنیفه وارد شد و
اذن دخول خواست اعراض فرمودند و بدیگران مشغول صحبت شدند اذن نشستن
طول کشید باز اذن خواست ندادند و بدیگران مشغول شدند چون خسته شد
بی اذن نشست و بحضرت عرض کرد اصحاب خود را در کوفه منع کن از گفتن بعضی
سخنها فرمود میان من و ایشان چه قدر مسافتست گفت فرسخهای بسیار

فرمود میان من و تو چه مقدار است عرض کرد چند ذراع فرمود تو بفاصله
چند ذراع عصیان من کردی و بی اذن من نشستی چگونه انها با این دوری مشت
مرا اطاعت کنند الخ و این ادب تا حال مرسوم است برای آنانکه داخل شوند
بر ملوک و سلاطین و امراء عظام و هر پست رتبه بالنسبه بانکه رتبه اش از او بلندتر
بالاتر است مطابق ادب بشر هیبت و رعایت از علمای عظام و پیشوایان دین در
این وضعات معتد شا باید بیشتر باشد چه کافر عوام در امثال این موارد نظر
بکردار و رفتار ایشان دارند و انچه در در حرم مطهر خواندن میشود اذن دخول
است نه جلوس در وقت مواجهه و مکالمه و دانستی که در هیچ خبری در زیارتی
این اذن نرسیده انچه دارد بعد از دخول انستکه برو تا نزد ضریح پس بایست و بگو
بلی بعد از فراغ از سلام و زیارت فرموده ندبرو بالای سر یا پشت سر نماز کن و
دعا کن یا بنشین و چنین بگو و خود بخاطر دارم در ایام مجاورت بکربلای معلا
در ایام یکی از زیارات مخصوصه فخر الشیعه و تاج الشریعه شیخ المشایخ شیخ
طاب ثراه با آن کبر سن و شکستگی در میان پالکی هفت فرسخ راه از کاظمین
سوار تا کربلا را طی نمود و بمجرد ورود وارد در حرم و تکیه بدیوار داد در پیش رو
مشغول زیارت عاشورا شدند با تمام لعن و سلام و در خلال الحال متصل
زوار و مجاور مسئله میپرسیدند و ایشان جواب میدادند لحظه ای ننشستند ایستادن
ایستادن آن شخص جلیل با ضعف پیری و خستگی راه چه قدر طول کشیده باشد
و گمان ندارم در متعارف من سرم کسی عذر نشستن خود را باندازه اعذار
ایشان برساند **بیست و سوم** در وقت رفتن بحرم و انجا
هنگام زیارت سر بزیر انداختن و ببالا و طرف راست و چپ التفات ننمودن

بیست و چهارم گفتن تکبیر پیش از شروع در خواندن زیارت
بانچه ماثور است در خصوص این زیارت از صد مرتبه و چهل و سی و دو و ۸
باختلاف زیارات و اگر در آن زیارت که میخواهد ذکری از گفتن تکبیر نشده
باشد باز بگوید چه از استقراء در زیارات مطلقه و مخصوصه ائمه علیهم السلام
ناظر بصیر مطمئن میشود که گفتن تکبیر اجمالا از اداب حضور در نزد
امام است و موید این مقال انکه شیخ جلیل محمد بن الحسن الصفار در کتاب
بصائر الدرجات روایت کرده بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر که بسعد
ظریف فرمود در ضمن ذکر ثواب رفتن خدمت امام علیه السلام پس چون امام
را دید تکبیر بگوید که خواهد بود از برای او در روز قیامت سنگ بزرگی
که در میزان او سنگین تر است از هفت آسمان و هفت زمین و انچه در انها
است تا انکه میفرماید و هر که تکبیری بگوید در پیش روی امام علیه السلام
و بگوید (لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ) خواهد نوشت خدا سبحانه
برای او خوشنودی بزرگ خود را و هر که نوشته شود برای او رضوان اکبر خدای
تعالی واجب شود که جمع شود میان او و میان ابرهیم و محمد و پیغمبران علیهم السلام
در دار جلال ظاهر این خبر اگر چه ذکر ادب ملاقات کردن امام علیه السلام
است در زمان حیوة ولکن در این قسم مطالب فرقی میان حیوة و ممات و خانه
و حرم نباشد **بیست و پنجم** خواندن زیارات وارده ماثوره از سادات
انام که علمای اعلام بعد از تنقیح و تعب بسیار انها را جمع نموده در کتب مثبت
کردند و بعد از آنچه شایع است که دست هر کسی بان میرسد و ترک کند
خواندن زیارتهای مختر عه نافته بیخردان را تا از فیوضات بی نهایت خود را

تحریم نموده باشد **بیست و ششم** بجا آوردن نماز زیارت و اقل آن
دو رکعت است و بعد از آن چهار رکعت و بهتر از آن شش رکعت و بالاتر
از آن هشت رکعت است چنانچه در خبر صحیح فرموده اند **بیست و هفتم**
خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرحمن در رکعت دوم اگر برای آن زیارت نماز
مخصوصی ذکر نفرموده باشند آنچه گفتیم ظاهر خبر طولانی ابو
حمزه ثمالی است که در هر نماز زیارت باید چنین کند **بیست و هشتم**
خواندن دعا بعد از نماز زیارت بآنچه در آن باب خواندن وارد شد یا دعای مخصوص
با مفهوم آنچه خواندن آن در حرم هر امامی سنت است و آنچه خواسته از حاجات
برای خود و برای اخوان مؤمنین بهتر زیارت کردن از خداوند بخواهد **بیست و
نهم** خواندن مقداری از قرآن و هدیه کردن مقداری از آن بروح مقدس
صاحب آن مرقد شریف چنانچه شهید اول ره در دروس تصریح فرموده
سی ام تقدیم نماز واجبی بر نماز زیارت اگر بعد از دخول در حرم بجماعت
منعقد شده و نماز هم نکرده و اگر مشغول زیارت بود که صدای قد قامت
الصلوة را شنید زیارت را ترک کند و مشغول نماز جماعت شود و همچنین اگر
داخل در حرم شد و وقت داخل شده و نماز نکرده و انتظار جماعتی نیز ندارد باید
نماز را مقدم بدارد پس از آن مشغول زیارت شود چه ادای حق خداوند مقدم است
بر ادای حق امام و در اینجا فروع متعدده است که ذکر آن مناسب این مختصر نیست
سی و یکم زیارت کردن برای پدر و مادر و احبا و اقارب و بنیابت
ایشان سلام کردن و برای ایشان طلب مغفرت نمودن **سی و دوم** طواف
نمودن در ضریح مقدس مراد از طواف مجرد دور ضریح گشتن است نه آن طواف

معروف که هفت بار و با خصوصیات بسیار دور کعبه معظمه باید گشت چه آن از عبادات
مخصوصه آن بقعه شریفه معظمه است باستقلال یا در ضمن حج و عمره و مشروع
نیست در غیر آن محل هر چند بسیار معظم باشد اما مجرد گشتن دور ضریح که
آن را در لغت نیز طواف گویند پس رجحان آن و شمردنش از آداب بجهت چند خبر
است **اول** ثقة الاسلام کلینی ره روایت کرده از محمد بن ابی العلا
گفت بعد از آنکه با یحیی بن اکثم قاضی بغداد مناظره کردم و از او از علوم آل محمد
پرسیدم شنیدم گفت روزی داخل شدم و طواف میکردم دور قبر رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم که دیدم امام جواد محمد بن علی الرضا ع که طواف
میکند با آن قبر پس با او مناظره کردم الخ **دوم** شیخ جلیل علی بن ابراهیم
قمی در تفسیر خود و شیخ طبرسی در کتاب احتجاج بسند معتبر روایت کردند
از حضرت صادق علیه السلام حدیثی طولانی در قصه فدک و در آخر آن
مذکور است که پس فاطمه علیها السلام داخل مسجد شد و دور قبر پدر بزرگوار خود
طواف کرد در حالتی که میگریست و میفرمود (اِنّا فَقَدْناكَ فَقْدَ الأَرْضِ
وابِلَها) الخ **سیم** در زیارت جامعه کبیره معروفه زیارت ائمه
المؤمنین که از شیخ مشهدی و ابن طاوس در مزار خود روایت کرده اند بعد از
ذکر جمله از مصائب و رزایای ایشان پس قبر را ببوس و بگو (بِأَبِي وَأُمِّي يا آلَ
المُصْطَفى إنّا لا نَمْلِكُ إلّا أنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشاهِدِكُمْ وَنُعَزّي فيها أرْواحَكُمْ)
الخ پدر و مادرم فدای شما ای اهل بیت پیغمبر ما را قدرت و توانائی
بر چیزی نیست یعنی بر طلب خون شما و هلاک کردن ظالمین و دشمنان
شما همان توانیم که دور قبر شما بگردیم و ارواح مقدسه شما را تسلی دهیم

تعزیر گوییم **چهارم** گذشت در زیارت مخصوصه حضرت سید الشهداء
علیه السلام در اول رجب و نیمه آن و نیمه شعبان که فرمودند پس از تمام شدن
زیارت ببوس ضریح را بگرد و چهار جانب آنرا ببوس و این مقدار کافیست ان شاء الله
برای آنچه گفتیم و شیخ حر ره در کتاب مزار وسائل منع فرموده از طواف بقبر و خبری در
نهی از آن نقل کرده و ما در کتاب مستدرک واضح نمودیم که مراد از طواف در
خبر ایشان تخلی کردن بر قبر است که یکی از معانی لغویه او است و لهذا فقهاء
در آداب تخلی ذکر نمودند **مخفی نماناد** که رعایت این ادب در حرم کاظمین
و حرم عسکریین و مشهد حضرت رضا علیه السلام ممکن و دشوار نیست اما در
حرمین شریفین نجف و کربلا پس مزاحمی دارد که رعایت آن اهم است اما در اول
پس ملاحظه قبر سر مبارک حضرت ابی عبدالله الحسین ع که گذشت در اخبار
کثیره که محل آن بالای سر است و موضع آن معلوم نیست بلکه محتمل است از حرم بیرون
باشد و لکن چون پا گذاشتن بر آن با معلومیت حرام و از افراد واضحه اهانت
و استخفافست لهذا در صورت اشتباه مرجوح و مقتضای احتیاط عبور از
آنجا شایسته نیست که مبادا پا بر آن نهند و در محذور بزرگ بیفتند و لهذا علماء
راسخین و اتقیاء راشدین از آن طرف عبور نکنند بلکه بعضی از ایشان از صحن از
طرف بالای سر نگذرند و بعضی اگر عبور کنند پا را برهنه کنند و اما در دوم
پس بجهت قبور شهداء رضوان الله علیهم و بعضی از خبر چهارم که مختص بکربلا
بود توهم کردند که امر بگشتن دور ضریح و بوسیدن از چهار جانب نشود مگر
بعد عبور از قبور شهداء و این شخص جاهل گویا ندانسته که مراد از ضریح در لغت
عرب و در اخبار قبر است و گاهی در این شباک متعارف که بفارسی ضریح میگویند

استعمال نشده و در سابق برای قبر مطهر و قبر علی بن الحسین شباکی نبود بلکه
بقعه کوچکی بود که در بعضی اخبار تعبیر نمودند از آن به سقیفه و برای سایر شهداء
سقیفه بود علیحده و چون از زیارت حضرت فارغ میشدند از آن سقیفه
بیرون میآمدند آنگاه در سقیفه شهداء میشدند و در زیارت مخصوصه عرفه
گذشت که فرمودند بعد از فراغ از زیارت مخصوصه (ثم اخرج من الباب الذی
عند رجلی علی بن الحسین فتوجه هناک الی الشهداء و زرهم) آنگاه بیرون بیا
از آن در دیگر که در زیر پای علی بن الحسین ع است برو در حائر و بشهداء اکرم ایشان را
زیارت کن و چون قبر مطهر در آن وقت معلوم و حد او و حد قبور اینها نیز معلوم بود پس
دور گردیدن بدور قبر حضرت ابدا محذوری نبود و چون آن بنا خراب شد و
وضع تغییر کرد و قبر علی بن الحسین علیهما السلام جدا شد از قبر منور و قبور شهداء
و آن ممر بسته شد و شباکی با آن عظمت بر دور آن دو قبر احاطه کرد جائی برای امتثال
آن امر نماند و گردیدن بدور این ضریح موجود اگرچه طواف است بدور قبر مطهر
و لکن محذور و اهانت لگد زدن بقبور شهداء را دارد و خبر گذشته بملاحظه
آنچه گفتیم دفع از آن کند **سی و سیم** با موزه و کفش و نعلین داخل در حرم مطهر
نشدن **سی و چهارم** ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده
و اشتغال بصحبتهای دنیویه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب
قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای
تعالی خبر داده از بزرگی مقامش و جلالت شانش در کلام مجید خود که (فی
بُیُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَیُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ
رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِیتَاءِ الزَّکٰوةِ

یخافون یوما تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا و
یزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیر حساب) وما در کتاب کلمهٔ طیبه
توضیح نمودیم که خانهای مذکوره خاصه خانهای ایشان است در حیات و مشاهد
شریفه ایشانست بعد از وفات واگر مراد بیوت انبیا واوصیا باشد باز داخل
باشد پس مردانی که خدا تعالی ایشان را مدح نموده و عمل ایشان را در آنها بیان
نموده زائرین و مجاورین باشند که در این مشاهد شریفه مشغول ذکر خداوند
باشند بتسبیح و تقدیس و سایر عبادات مناسب بمقام که ذکر خداوند را است
تمام آنها را و نیز امر فرموده که اینها را بر پا داشت و بلند مرتبه انگاشت که یاد
کنند در آنها خدا تعالی را پس هر کس در آنجا مشغول شود بغیر عبادت امتثال
این فرمان الهی نکرده و از حوزه عصابه مهتدیه (رجال لا تلهیهم) بیرون رفته
و از فیض جزای وافر بیحساب خود را محروم نموده و آخر کارش بجائی رسد که داخل در
آیات بعد از آن آیات شود که شرح آن طولی دارد و در مذمت صحبت امور
دنیویه و کلمات بیهوده در خصوص مساجد اخبار بسیار رسیده و مشاهد شریفه
شریکست با آنها در این احکام **پنجم** بلند نکردن آواز خود را در آن مشاهد
شریفه برای هر چه باشد چنانچه علامه مجلسی ره و غیره تصریح نموده‌اند و مستند قول
خدا تعالی است که فرموده (یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی
ولا تجهروا له کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ان بالقول
الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم
للتقوی لهم مغفرة واجر عظیم) ای گروهیکه ایمان آورده‌اید بلند مکنید
آوازهای خود را بالای آواز پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم و آواز خود را بلند مکنید

برای آنجناب بگفتن مانند بلند کردن آواز بعضی از شما برای بعضی که مبادا هیچ و نا
بود شود کردارهای شما بدرستی که آنانکه پست میکنند صداهای خود را نزد رسول
خدا صلی الله علیه و آله وسلم آن ایشان کسانیند که آزموده است خدا تعالی دل
ایشان را برای پرهیزکاری از برای ایشانست آمرزش گناهان و مزدی بزرگ و ظاهر
این چنان است که در حضور انور نبوی هنگام سخن گفتن و سوال کردن و جواب دادن
چنان کنند که آواز ایشان پست تر باشد از آواز آنحضرت پس اگر برای جنابش نظام
آوازی نباشد مثل بعد از وفات پس این حکم برای آنانکه در حضور قبر شریفش
سخن گویند نباشد زیرا که آوازی نیست تا آواز خود را از حد بلندی آن آواز
پست تر کنند و لکن شیخ کلینی رحمه الله در کافی بسند معتبر حدیثی طولانی
روایت کرده در وفات امام حسن علیه السلام و در آنجا مذکور است که
چون برآن حضرت نماز کردند و داخل مسجد نمودند و نزد قبر رسول خدا صلعم نگاهش
داشتند و عایشه آمد و مانع شد از دفن کردن آنجناب در آنجا گفت پسر خود
را دور کنید از خانه من که در او دفن نمیشود و پرده عظمت و جلالت رسول خدا
دریده نمیشود پس حضرت امام حسین علیه السلام فرمود ای عایشه برادرم
مرا امر نموده که او را نزدیک پدرش رسول خدا برم که با او عهد خود را تازه کند
و برادرم داناتر از مردم بود بحرمت رسول خدا صلعم و بمعنی کتاب خداوند از آن
تر بود که هتک حرمت رسول خدا کند زیرا که حق تعالی میفرماید (یا ایها
الذین آمنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم) و داخل کردی تو در
خانه رسول خدا صلعم مردانی را بی رخصت او و بتحقیق که خدای فرموده (یا ایها
الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی) تو دهم برای پدرت

ابوبکر نزد گوش رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و سلم کلنگها زدید و حال آنکه خدا
میفرماید آنانکه صداها آهسته و پست میکنند نزد رسول‌خدا آنها گروهیند که
آزموده است خدا دل ایشان را برای پرهیزکاری و بجان خود قسم که داخل کردی
تو و عمر بر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنزدیکی ایشان آزارها و رعایت نکردید
از حق او و آنچه خدا بان امر فرموده بود بر زبان پیغمبرش بدرستیکه خدای حرام
کرده است از مؤمنان در حال مردن ایشان آنچه را که حرام کرده در زندگی ایشان
مؤلف گوید مجلسی مرحوم در کتاب بحار و تحفه از این خبر و روایت
استظهار فرموده که بلند نمودن آواز در حرم مطهر نبوی و مشاهد شریفه چه در
زیارت و چه در غیر آن منهی و مذموم است چه بنیک فرموده و این ادبیست خاص که
در مرحله احترام و تعظیم رسول‌خدا و ذریه طاهره اش را بان امتیاز و اختصاص داده
و پرده ناموس برای تکریم و توقیر ایشان در میانشان گذاشته پس هر که آواز را بلند
کند هرچند در عبادتی باشد که بلند نمودن صدا در آن ممدوح باشد مانند
اذان پرده ناموس الهی را دریده باشد بلند نمودن آواز در اذان مرغوبست اما در
مکان مرتفع مثل مناره و بام مساجد و امثال آن که این محذور و مزاحمت برای نیست
چنانچه در اینجا است و نظیر آنکه چشم پیغمبر یا امامی در خواب رفته جاهلی
برای نماز باواز بلند اذان بگوید و خواب را از چشم ایشان بیرون برد و از اینجا معلوم
میشود قباحت و شناعت آنچه متعارف و مرسوم شده در حرم مطهر علوی
و بقعه منوره حسینی که در اوقات نماز خصوص در صبح و شام جماعت بسیاری
که گاه باشد عدد ایشان زیاده باشد از عدد گوش کنندگان بغایت بلندی
آواز زیر خبر ند اذان گویند و دعا کنند و صداها درهم پیچد و فقرات اذان در

بلکه گر مخلوط شود عبادان محل را از زائرین و نماز گذاران و متضرعین گریه کنندگان
از کار خود باز دارند و داخل در زمره صادین عن سبیل الله شوند و پاس حرمت
نبوت و امامت را از هم درند و حکایت اذان را که از مستحبات اکیده است از
میان بر چیده سامع نداند که کدام را حکایت کند با این مفاسد و غیر آن گمان
دارد ثوابی برده و بفیض رسیده و حال آنکه با ایشان از منکرات شرع
شمرده شود نه عبادات و در مو بقات داخل شود نه قربات **سی و ششم**
وداع کردن امام علیه السلام در وقت بیرون رفتن از بلد آنحضرت با آنچه از
ایشان رسیده با آدابیکه برای آن مقرر فرمودند **سی و هفتم** بوسیدن
زمین در روبروی امام علیه السلام شیخ صدوق در کمال الدین روایت
کرده که چون حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرد قافله از قم و
اطراف آن با اموالیکه هر ساله رسم بود که برای آنجناب میبردند وارد شدند
چون بسر من رای رسیدند با ایشان گفتند که آنحضرت وفات کرد پس جعفر برادر
آنجناب آن اموال را از ایشان مطالبه کرد با و ندادند و بعد از نامیکه چون
از بلد بیرون آمدند بقصد مراجعت غلامی از پشت سر ایشان صدا زد و نام یک
یک از ایشان را برد و گفت جابت نمائید آقای خود را یعنی شما طلبید پس نقل کرد
برگشتن و دخول ایشان را بر امام عصر صلوات الله علیه و بیان کرد آنجناب اوصاف
و علامات آن اموال را تا اینکه راوی میگوید پس همه ما ها بر روی زمین افتادیم
برای شکر خدا تعالی که امام ما را بما شناسانید و زمین را در پیش روی آن
حضرت بوسیدیم آنگاه آنچه خواستیم از جنابش پرسیدیم و جوابش دادند و
ظاهر خبر آنستکه این عمل مرسوم بود و نهی نکردن آنحضرت از آن عمل در آن محضر

انور خالی از اعتبار دلالت کند بر جواز بلکه رجحان آن و دانستی که احترام مؤمن چه
رسد بامام علیه السلام در حال حیوة و وفات فرقی نکند و نظیر این خبر است
آنچه روایت کرده شیخ صدوق ره نیز در کتاب عیون الاخبار از صفوان بن
یحیی که گفت ابو قرة صاحب جاثلیق از من خواست که او را نزد حضرت رضا علیه السلام
برسانم پس اذن خواستم فرمود بیاورش نزد من پس چون داخل شد بر آنحضرت
بوسید بساط آنجناب را و گفت در دین ما یعنی دین عیسی بر ما لازم است که چنین
کنیم با اشراف زمان خود و اگر در شرع ما جایز بلکه راجح بود و نیز آنشخص
که نه خود نماد بود البته آنحضرت انکار میفرمود و این ادب از خصایص این
کتاب نیست مؤید این و خبر است آنچه علامه مجلسی ره در بحار از جمعی
ثقات نقل کرده از قصه وزیر ناصبی حاکم بحرین که اناری بحاکم داد که در
بوستان نقش بود (لا اله الا الله محمد رسول الله) ابوبکر و عمر و عثمان (و علی
خلفاء الله) و حاکم را وا داشت که شیعیان را مخیر کند میان سه چیز جواب از
این برهان یا جزیه دادن بخواری یا کشتن مردان و اسیر کردن زنان و نهب اموال
پس شیعیان سه روز مهلت خواستند و هر شب یکی از صلحا میرفت بصحرا
و انابه و تضرع میکرد و متوسل میشد بامام عصر علیه السلام شب سیم اصلح و اتقی
و ازهد ایشان محمد بن عیسی با سر و پای برهنه بیرون رفت و مشغول استغاثه شد
در آخر شب مشرف بحضور مبارک شد و تدلیس وزیر را بیان فرمود که قالبی از
گل درست کرد بشکل انار و در نصف آن کلمات را بر آن نقش نمود و در خانه اش
درخت اناری است انار کوچکی را داخل در آن قالب کرد چون بزرگ شد آن خط بر آن
نقش بست و آن قالب در میان کیسه سفیدی است در طاقچه فلانی در غرفه خانه

باو زیر و حاکم را بانجا رو و انار را بگیر پیش حاکم و مشاهده بکن که چون انار را
وزیر بشکافد دود و خاکستری از آن بصورت و ریش او خواهد رسید چون
محمد بن عیسی این کلام معجز نشان را از آنحضرت شنید شاد گردید و در مقابل جنابش
زمین را بوسید با سرور باهل خود برگردید تا آخر حکایت و مجلسی ره فرموده
این قصه نزد اهل بحرین معروف است و قبر محمد بن عیسی نزد ایشان است از آن زیارت
میکنند **سی و هشتم** بیرون آمدن از حرم مطهر به قهقری
و پشت نکردن بضریح مقدس را بامی و اندک اندک تا آنکه از نظر غایب
شود و این ادب علاوه بر آنکه موافق تعظیم و توقیر متعارف رعایا با ملوک است
در چند خبر معتبر بتصریح بیان شده **سی و نهم** بیرون رفتن از بلد
امام است پیش از انتظار جمعه چنانچه شیخ طوسی ره در تهذیب روایت کرده
که هر که از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حائر امام حسین ع بیرون رود پیش از
آنکه انتظار روز جمعه را بکشد ندا کنند او را ملائکه که بکجا میروی خدا
تو را بری گرداند و علما در این خبر دو احتمال داده اند یکی آنکه غرض کردن نماز
روز جمعه باشد و این تهدید برای کسانی که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت
کنند و انتظار نکشند که نماز جمعه را بکنند و بنابراین در این اعصار که در
مشاهد مشرفه اقامه جمعه نمیشود از مسافرت پیش از ظهر روز جمعه
از این جهت نهی نباشد دوم آنکه چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد که
بفیوضات زیارت و ادعیه شب و روز جمعه برسد پس در روز پنجشنبه از
بلد بیرون نرود و احتمال اول اظهر است **چهلم** قصد مراجعت
داشتن بحرم مطهر و عود بزیارت هر وقت که برگشت بمنزل خود مادام که

دران مشهد شریف نامه دارد چنانچه شهید و مجلسی و دیگران فرموده‌اند و از مستحبات شمرده‌اند و بعضی مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد امام علیه السلام دانسته‌اند و جمع هردو ممکن و در کتاب حسین بن شهریار مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که از مکه بیرون بیاید و قصد نداشته باشد عود با آنجا را پس بتحقیق که اجلش وعذابش نزدیک شده واو فی الجملة تأکید اراده عود میکند بجهت مشارکت کعبه معظمه و مشاهد مشرفه در نسبتهای از این امور امثال ... بهتر کردن خیال و کردار گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود از آنها پیش از زیارت چنانچه شهید و مجلسی و غیر ایشان ذکر نموده‌اند و فرموده‌اند در حرم مطهر توبه کند و عزم نماید بر ترک و این مطلب اگرچه از آداب شمرده شده و لکن بهتر آنکه از علامات و دلالات قبولی زیارات محسوب دارند چنانچه در سایر عبادات مرغوبه مثل نماز و روزه و حج چنین است چه اگر زیارتش قبول شود گناهانش آمرزیده شود و چون آمرزیده و بی گناه شد البته اطوار را تغییر کند (لَا یَسْتَوِی اَصْحَابُ النَّارِ وَاَصْحَابُ الْجَنَّةِ) و شرح این مقام طولانی و رساله را گنجایش آن نیست و در اینجا بحدیث قناعت کنیم و در کتاب شریف جعفریات مرویست از امیرالمؤمنین علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود علامت قبول حج ترک نمودن است گناهانی را که بآن مشغول بود و در خبر دیگر قریب بهمین مضمون را فرمود و بعد از آن فرمود و اگر برگشت و ابتدا مشغول شد بکارهائی که داشت از زنا یا خیانت یا معصیت پس بتحقیق که حج او را برگردانند و در کامل الزیاره مرویست از محمد بن مسلم که گفت عرض کردم

خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام که چون ما بزیارت حسین بن علی میرویم آیا مانند آنستکه ما در حج هستیم فرمود بلی گفت گفتم پس برما لازم میشود آنچه بر حاجیان ثابت است از ترک کنند در حال احرام فرمود بر تو لازم است که نیکو مصاحبت کنی با آنکه رفیق تو است و بر تو لازم است که کم گفتن سخن مگر خیر و لازم بر تو که یاد خداوند بسیار کنی و لازم است بر تو پاکیزه کردن جامه و لازم است بر تو غسل پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازم است بر تو خشوع و بسیار نماز کردن و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار فرستادن و باید خود را نگاه داری از کردن آنچه سزاوار تو نیست و باید که دیده خود را از حرام و شبهه بپوشانی و لازمست که احسان کنی بر فقرا برادران مؤمن خود اگر دیدی وامانده و با آنها مواسات کن و لازمست بر تو تقیه که قوام دین بانست و پرهیزکاری از آنچه خدا تعالی تو را از آن نهی کرده و خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله که در آن سوگندها خورند پس چون چنین کردی حج و عمره‌ات تمام میشود و مستحق شوی از جانب آنکه طالب ثواب او باشی بوسیله مالی که خرج او کردی و غریبی که از اهل خود کشیدی و از ایشان دور افتادی و شوق و رغبت با آنچه بآن راغب شدی یعنی زیارت ابی عبدالله علیه السلام آنکه برگردی با مغفرت و رحمت و خوشنودی خدا تعالی) (مؤلف گوید) (در فضایل زیارت حضرت امیرالمؤمنین و امام رضا علیهما السلام نیز ذکر حج و عمره و افضلیت زیارت آن دو بزرگوار از آن عمل شده و علاوه اغلب زوار مقصد اصلی ایشان از مسافرت بعراق

زیارت حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه است پس این خبر شامل
زوار همه ائمه عراق علیهم السلام خواهد بود و بملاحظه خبر اول علامت قبول
زیارت بدست خواهد رسید و متجاهرین بمعاصی خصوص متظاهرین
از ایشان مثل ریش تراشندگان که صورت بر آن ضریح مقدس مالند و با
مانند صورت را تبرک کنند و هنوز از مشاهد شریفه بیرون نیامده
صورت را بدست دلاک دهند و آن موهای تبرک شده را در مزبله
ریزند و شرم نکنند فکری برای مال رفته و رنج کشیدن خود کنند که
از این زیارت جز خسارت در دنیا و آخرت محصولی ندارد **چهل
و سوم** انفاق کردن بقدر میسور و توانائی بر خاصان حقیقی آستانه
مبارکه یعنی آنان که براستی مشغول خدمات لازمه اند از تنظیف
و حراست و محافظت زوار و غیر آن چنانچه شهید و مجلسی و دیگران
تصریح فرموده اند و آن دخلی با اجرت زیارت نامه خواندن ندارد و
شرح این مقام طولانی با این رساله مناسبت ندارد **چهل
و چهارم** انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین از
سادات و اهل علم و منقطعین که بمرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره از
حفظه علم و تعظیم شعائر الله را بر پا نموده و در ایشان جهات عدیده است که
هر یک از آنها کافیست در لزوم اعانت و رعایت و ما آنها را مشروحا
در کتاب کلمه طیبه ذکر نموده ایم بلکه غرض اصلی از تألیف آن کتاب
دستگیری مجاورین است و در آن فوائد بسیار است که در هیچ کتابی
یافت نشود امید بآن رجوع نمایند و تکلیف خود را بالنسبه بایشان در سفر

زیارت بلکه در مراجعت نیز بخوانند و بالله التوفیق

مقام دوم

در زیارت جامعه و آن بسیار است و ما بیک زیارت جامعه کبیره و دو
جامعه صغیره قناعت کنیم

اما جامعه کبیره

پس بدانکه شیخ جلیل نبیل شیخ ابرهیم کفعمی در کتاب بلد الامین روایت
کرده از امام علی نقی صلوات الله علیه بعد از ذکر صد تکبیر که آن بزرگواران
را چنین زیارت کنند

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ
وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِکَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْیِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ
وَمُنْتَهَی الْحِلْمِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَمَاوَی السَّکِینَةِ
وَاُصُولَ الْکَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَ
دَعائِمَ الْجَبّارِ وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْکانَ الْبِلادِ وَ
اَبْوابَ الْایمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ النَّبِیّینَ
وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلینَ وَآلَ یس وَعِتْرَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمینَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَئِمَّةَ الْهُدی
وَمَصابیحَ الدُّجی وَکُهُوفَ الْوَری وَبُدُورَ الدُّنْیا
وَاَعْلامَ التُّقی وَذَوِی النُّهی وَاُولِی الْحِجی وَذُرِّیَّةَ

وَاَوْلِیاءَ النِّعَمِ

الأنبياء والمثل الأعلى والدعوة الحسنى وورثة
الأنبياء والحجة على من في الأرض والسماء والآخرة
والأولى ورحمة الله وبركاته السلام على محال
معرفة الله ومساكي نور الله ومساكن بركة الله و
معادن حكمة الله وورثة رسول الله وأوصيائه و
ذريته صلى الله عليه وآله وبركاته السلام على الدعاة
إلى الله والأدلاء على مرضاة الله والمؤدين عن الله
والقائمين بحق الله والناطقين عن الله والمستقرين
في أمر الله والمخلصين في توحيد الله والصادقين
بأمر الله والثابتين في محبة الله والمظهرين لأمر الله
ونهيه وعباده المكرمين الذين لا يسبقونه بالقول
وهم بأمره يعملون ورحمة الله وبركاته السلام على
الأئمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة
والذادة الحماة وأهل الذكر وأولي الأمر وبقية الله
وحزبه وخيرته وعيبة علمه وحجته وعينه و

جنبه وصراطه ونوره ورحمة الله وبركاته أشهد أن لا
إله إلا الله وحده لا شريك له كما شهد الله لنفسه و
شهدت له ملائكته وأولوا العلم من خلقه لا إله إلا
هو العزيز الحكيم وأشهد أن محمداً عبده المجتبى ورسوله
المرتجى ونبيه المصطفى وأمينه المرتضى أرسله بالهدى
ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون
فصدع صلى الله عليه وآله بأمر ربه وبلغ ما حمله
ونصح لأمته وجاهد في سبيل ربه ودعا إليه
بالحكمة والموعظة الحسنة وصبر على ما أصابه في
جنبه وعبد صادقاً حتى أتاه اليقين فصلى الله
عليه وآله وأشهد أن الدين كما شرع والكتاب كما
تلا والحلال كما أحل والحرام كما حرم والفصل كما قضى
والحق كما قال والرشد كما أمر وأن الذين كذبوا وخالفوا
عليه وجحدوا حقه وأنكروا فضله واتهموه و
ظلموا وصيه وحلوا عقده ونكثوا بيعته وأعتدوا

عليه وغصبوا خلافته ونبذوا أمره فيه وأسسوا
الجور والعدوان على أهله وقتلوهم وتولوا غيرهم
ذائقوا العذاب في أسفل درك من نار جهنم لا يخفف
عنهم من عذابها وهم فيه مبلسون ملعونون متعبون
ناكسوا رؤسهم يعاينون الندامة والخزي الطويل مع
الأذلين الأشرار قد كبوا على وجوههم في النار وأن
الذين آمنوا به وصدقوه ونصروه ووقروه وعزروه
واتبعوا النور الذي أنزل معه أولئك هم المفلحون
في جنات النعيم والفوز العظيم والثواب المقيم الكريم
والغبطة والسرور والفوز الكبير فجزاه الله
عنا أحسن الجزاء وخير ما جزى نبيا عن أمته و
رسولا عمن أرسل إليه وخصه بأفضل قسم الفضائل
وبلغه أعلى محل شرف المكرمين من الدرجات العلى
في أعلى عليين في جنات ونهر في مقعد صدق
عند مليك مقتدر وأعطاه حتى يرضى وزاده بعد

الرضا وجعله أقرب النبيين مجلسا وأدناهم إليه
منزلا وأعظمهم عنده جاها وأعلاهم لديه كعبا
وأكثرهم أتباعا وأوفر الخلق نصيبا وأجزلهم حظا في
كل خير الله قاسمه بينهم ونصيبا وأحسن اللهم مجازاته
عن جميع المؤمنين من الأولين والآخرين وأشهد
أنكم الأئمة الراشدون المهديون المعصومون المكرمون
المقربون الصادقون المصطفون المطيعون لله القوامون
بأمره العاملون بإرادته الفائزون بكرامته اصطفاكم
بعلمه واصطنعكم لنفسه وارتضاكم لغيبه واختاركم
لسره واجتباكم بقدرته وأعزكم بهداه وخصكم
ببرهانه وانتجبكم لنوره وأيدكم بروحه ورضيكم
خلفاء في أرضه وجعلكم حججا على بريته وأنصارا
لدينه وحفظة لحكمته وخزنة لعلمه ومستودعا
لسره وتراجمة لوحيه وأركانا لتوحيده وشهداء
على خلقه وأسبابا إليه وأعلاما لعباده ومنارا

في بلاده وسبيلاً الى جنابه وادلّاء على صراطه
عصمكم الله من الذنوب وبرّأكم من العيوب وائتمنكم
على الغيوب وجنّبكم الآفات ووقاكم من السيّئات
وطهّركم من الدنس والزيغ ونزّهكم من الزلل والخطأ
واذهب عنكم الرجس وطهّركم تطهيرا وآمنكم من
الفتن واسترعاكم الانام وعرّفكم الاسباب و
اورثكم الكتاب واعطاكم المقاليد وسخّر لكم ما خلق فعظّمتم
جلاله واكبرتم شأنه وهبتم عظمته ومجّدتم كرمه و
ادمتم ذكره ووكّدتم ميثاقه واحكمتم عقد طاعته
ونصحتم له في السرّ والعلانية ودعوتم الى سبيله بالحكمة
والموعظة الحسنة وبذلتم انفسكم في مرضاته و
صبرتم على ما اصابكم في جنبه وصدعتم بامره وتلوتم
كتابه وحذّرتم بأسه وذكّرتم بايّامه واوفيتم بعهده
واقمتم الصلوة وآتيتم الزكوة وامرتم بالمعروف
ونهيتم عن المنكر وجادلتم بالّتي هي احسن وجاهدتم

في الله حقّ جهاده حتّى اعلنتم دعوته وقمعتم عدوّه
واظهرتم دينه وبيّنتم فرائضه واقمتم حدوده
وشرعتم احكامه وسننتم سنّته وصرتم في ذلك
الى الرضا وسلّمتم له القضاء وصدّقتم من رسله
من مضى فالراغب عنكم مارق واللازم لكم لاحق و
المقصّر عنكم زاهق والحقّ معكم وفيكم ومنكم واليكم
وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوّة عندكم واياب
الخلق اليكم وحسابهم عليكم وفصل الخطاب
عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم ونوره
معكم وبرهانه عندكم وامره نازل اليكم من والاكم
فقد والى الله ومن عاداكم فقد عادى الله ومن احبّكم
فقد احبّ الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم
يا موالي نعم الموالي لعبيدهم انتم السبيل الاعظم
والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار
البقاء والرحمة الموصولة والآية المخزونة والامانة

المحفوظة والباب المبتلى به الناس من اتيكم نجى
ومن لم ياتكم هلك ومن ابيكم هوى الى الله
تدعون وعليه تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون
وبامره تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون
واليه تنيبون واياه تعظمون سعد والله بكم من
والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جهلكم وضل
من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجا اليكم
وسلم من صدقكم وهدى من اعتصم بكم من اتبعكم
فالجنة ماويه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم
كافر ومن حاربكم مشرك ومن رد عليكم ففي اسفل
درك من الجحيم اشهد ان هذا سابق لكم فيما مضى وجار
لكم فيما بقي وان انواركم واشباحكم وسناءكم وظلالكم
وارواحكم وطينتكم واحدة جلت وعظمت وبوركت
وقدست وطابت وطهرت بعضها من بعض لم تزالوا [بعين]
الله وعنده في ملكوته انوارا تامرون وله تخافون واياه

تسبحون وبعرشه محدقون وبه حافون حتى من بكم
علينا فجعلكم في بيوت اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه
تولى عن زكره بتطهيرها ورضي من خلقه بتعظيمها فرفعها
على كل بيت قدسه واعلاها على كل بيت طهره في السما
لا يوازيها خطر ولا يسمو الى سمائها النظر ولا يقع على
كنفيها الفكر ولا يطمح الى ارضها البصر ولا يغادر
سكانها البشر يتمنى كل احد انه منكم ولا يتمنون
انكم من غيركم اليكم انتهت المكارم والشرف وفيكم
استقرت الانوار والعظم والمجد والسودد فما فوقكم
احدا الا الله ولا اقرب اليه ولا اخص لديه ولا اكرم
عليه منكم انتم سكن البلاد ونور العباد وعليكم
الاعتماد يوم التناد كلما غاب منكم حجة او افل منكم
علم اطلع الله على خلقه من عقب الماضي خلفا اماما
ونورا هاديا وبرهانا مبينا نيرا داعيا عن داع و
هاديا بعد هاد وخزنة وحفظة لا يغيض بكم غوره و

ولا تنقطع عنكم موادّه ولا يسلب عنكم اريجه سبباً
موصولاً من الله عليكم ورحمةً منه علينا يرشدنا اليه
ويقرّبنا منه ويزلفنا لديه وجعل صلواتنا عليكم و
ذكرنا لكم وما خصّنا به من ولايتكم و عرّفنا من
فضلكم طيباً لخلقنا وطهارةً لانفسنا وتزكيةً لنا
وكفّارةً لذنوبنا اذ كنّا عندكم مؤمنين مسلّمين
وبفضلكم معروفين وبتصديقنا اياكم مشكورين و
بطاعتنا لكم مشهورين فبلغ الله بكم اشرف محلّ المكرّمين
وافضل شرف المشرّفين واعلى منازل المقرّبين وارفع
درجات المرسلين حيث لا يلحقه لاحق ولا يفوقه فائق
ولا يسبقه سابق ولا يطمع في ادراكه طامع حتّى لا يبقى ملك
مقرّب ولا نبيّ مرسل ولا صدّيق ولا شهيد ولا عالم
ولا جاهل ولا دنيّ ولا فاضل ولا مؤمن صالح ولا
فاجر طالح ولا جبّار عنيد ولا شيطان مريد ولا خلق
فيما بين ذلك شهيد الّا عرّفهم جلالة امركم وعظم خطركم

وكبر شأنكم وتمام نوركم وصدق مقاعدكم وثبات مقامكم
وشرف محلّكم ومنزلتكم عنده وكرامتكم عليه وخاصّتكم
لديه وقرب منزلتكم منه بابي انتم وامّي ونفسي واهلي و
مالي واسرتي يا سادتي وائمّتي اشهد الله واشهدكم انّي
مؤمن بكم وبما آمنتم به وكافر بعدوّكم وبما كفرتم به
مستبصر بشأنكم عارف بضلالة من خالفكم موالٍ لكم
ولاوليائكم مبغض لاعدائكم ومعادٍ لهم سلم لمن سالمكم
وحرب لمن حاربكم محقّق لما حقّقتم مبطل لما ابطلتم
مطيع لكم عارف بحقّكم مقرّ بفضلكم محتمل لعلمكم مقتدٍ
بكم محتجب بذمّتكم معترف بكم مؤمن بايابكم مصدّق
برجعتكم منتظر لامركم مرتقب لدولتكم آخذ بقولكم
عامل بامركم مستجير بكم زائر لكم عائذ بكم لائذ
بقبوركم مستشفع الى الله عزّ وجلّ بكم متقرّب اليه
بمحبّتكم ومقدّمكم امام طلبتي ومسئلتي وحوائجي و
ارادتي ومتوسّل بكم اليه ومقدّمكم بين يدي في كلّ

احوالي واموري مؤمن بسرّكم وعلانيتكم وشاهدكم
وغائبكم واوّلكم وآخركم ومفوّض في ذلك كله الى الله
عزوجل ثمّ اليكم ومسلّم فيه معكم وقلبي لكم مسلّم
ورأيي لكم تبع ونصرتي لكم معدّة حتى يحيي الله تعالى
دينه بكم ويردّكم في ايامه ويظهركم لعدله ويمكّنكم
في ارضه فمعكم معكم انشاء الله لا مع غيركم آمنت بكم
وتوالیت آخركم بما توالیت به اوّلكم وبرئت الى الله
عزوجل من اعدائكم ومن الجبت والطاغوت واوليائهم
والشياطين وحزبهم والظالمين لكم والجاحدين لحقّكم
والمارقين من دينكم وولايتكم والغاصبين لارثكم
والشاكّين فيكم والمنحرفين عنكم ومن كلّ وليجة دونكم
وكلّ مطاع سواكم ومن الائمّة الذين يدعون الى النار
فثبّتني الله ابدا ما حييت على موالاتكم ومحبّتكم ودينكم
ووفّقني لطاعتكم ورزقني شفاعتكم وجعلني من خيار
مواليكم والتابعين الى ما دعوتم اليه وجعلني ممّن

يقتصّ آثاركم ويسلك سبيلكم ويهتدي بهداكم و
يحشر في زمرتكم ويكرّ في رجعتكم ويملّك في دولتكم
ويشرّف في عافيتكم ويمكّن في ولايتكم ويتمكّن في
ايامكم وتقرّ عينه غدا برؤيتكم بابي انتم وامّي و
مالي واسرتي من اراد الله بدء بكم ومن وحّده قبل
عنكم ومن قصده توجّه بكم موالي لا احصي ثنائكم
ولا ابلغ من المدح كنهكم ولا من الوصف قدركم وانتم
نور الانوار وخيرة الاخيار وحجج الجبّار بكم فتح الله
وبكم ختم الله وبكم ينزّل الغيث والرحمة وبكم يمسك
السماء ان تقع على الارض الّا باذنه وبكم ينفّس الهمّ
ويكشف الضرّ وعندكم ما نزلت به رسله وهبطت به
ملائكته والى جدّكم بعث الروح الامين

واگر زیارت امیر المؤمنین صلوات الله علیه باشد
بجای والى جدكم بعث الروح الامين (بگو) والى
اخيك بعث الروح الامين (پس بگو)

وبمفتاح منطقكم نطق كلّ لسان وبكم يسبّح القدّوس

السبوح وبتسبيحكم جرت الألسن بالتسبيح والله بمنه
آتاكم ما لم يؤت أحدا من العالمين طأطأ كل شريف لشرفكم
وبخع كل متكبر لطاعتكم وخضع كل جبار لفضلكم وذل
كل شيء لكم وأشرقت الأرض بنوركم وفاز الفائزون
بولايتكم بكم يسلك إلى الرضوان وعلى من جحد ولايتكم
غضب الرحمن بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي ذكركم
في الذاكرين وأسمائكم في الأسماء وأجسادكم في الأجساد
وأرواحكم في الأرواح وأنفسكم في الأنفس وآثاركم في
الآثار وقبوركم في القبور فما أحلى أسماءكم وأكرم
أنفسكم وأعظم شأنكم وأجل خطركم وأوفى عهدكم و
أصدق وعدكم كلامكم نور وأمركم رشد ووصيتكم
التقوى وفعلكم الخير وعادتكم الإحسان وسجيتكم
الكرم وشأنكم الحق وكلامكم الصدق وطبعكم الرفق
وقولكم حكم وحتم ورأيكم علم وحلم وكرم وأمركم عزم
وحزم إن ذكر الخير كنتم أوله وآخره وأصله وفرعه و

معدنه ومأواه وإليكم منتهاه بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي
ومالي كيف أصف حسن ثنائكم وأحصي جميل بلائكم
بكم أخرجنا الله من الذل وأطلق عنا رهائن الغل وفرج عنا
غمرات الكروب وأنقذنا من شفا جرف الهلكات ومن
عذاب النار بأبي أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي بموالاتكم علمنا
الله معالم ديننا وأصلح ما كان فسد من دنيانا وبموالاتكم
تمت الكلمة وعظمت النعمة وكملت المنة وائتلفت
الفرقة وبموالاتكم تقبل الأعمال ولكم الطاعة المفترضة
والمودة الواجبة والدرجات الرفيعة والمكان المحمود
والمقام المعلوم عند الله عز وجل والجاه العظيم و
الشأن الكبير والشفاعة المقبولة ربنا آمنا بما أنزلت
واتبعنا الرسول فاكتبنا مع الشاهدين ربنا لا تزغ
قلوبنا بعد إذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة إنك
أنت الوهاب سبحان ربنا إن كان وعد ربنا لمفعولا

پس ببند از خود را بر ضریح و از اسو وبگو

يا وليّ الله انّ بيني وبين الله عزّ وجلّ ذنوباً كثيرة لا يأتي عليها
الّا رضى الله ورضاكم فبحقّ من ائتمنكم على سرّه واسترعاكم
امر خلقه وقرن طاعتكم بطاعته وموالاتكم بموالاته
لمّا استوهبتم ذنوبي وكنتم شفعائي الى الله تعالى فانّي
لكم مطيع من اطاعكم فقد اطاع الله ومن عصاكم فقد
عصى الله ومن احبّكم فقد احبّ الله ومن ابغضكم فقد
ابغض الله پس بلند کن دستهای خود را بسوی آسمان و بگو اللّهمّ انّي
لو وجدت وسيلة اقرب اليك من محمّد واهل بيته الاخيار
الائمّة الابرار عليه وعليهم السّلام لجعلتهم شفعائي
اليك اللّهمّ فبحقّهم الّذي اوجبت لهم عليك
اسئلك ان تدخلني في جملة العارفين بهم وبحقّهم
وفي زمرة المرحومين بشفاعتهم انّك انت ارحم الرّاحمين

مؤلف گوید

این زیارت همان زیارت جامعهٔ کبیرهٔ معروفهٔ مرویّه از همان امام
همام امام علی نقی علیه السّلام است با زیادتی در مواضع عدیده و ظاهر

این جامعهٔ معروفه مختصری باشد از آن و این اختصار میشود از خود آن ائمّهٔ
بزرگوار باشد باینکه بعض اصحاب طولانی آنرا القا کرده‌اند و بدیگری این
مختصر را و میشود اذنی مخصوص داده باشند در خصوص این مورد
یا مطلق زیارات وادعیهٔ مطوّله و خبرهای طولانی که خود علمای
روات آنها را بنحویکه اختلالی پیدا نشود در متن خبر مختصر کنند و این
احتمال اقربست در نظر حقیر زیرا اگر نظایر برای این دو جامعه در طول و
اختصار در بین اخبار مکرّر دیده شد مثل خبر شریف هفتاد حق
که برادر مؤمن است و باید که از عهدهٔ آنها برآید و آنرا ابوحمزهٔ ثمالی از
حضرت امام زین العابدین علیه السّلام روایت کرده و کتاب ابو
حمزه که در احوالش نوشته‌اند همین یک حدیث حقوقست و این خبر
را شیخ صدوق در کتاب خصال و کتاب فقیه روایت کرده و نیز
شیخ کلینی رحمه الله در کتاب رسائل الائمّه و حسن بن علیّ بن
شعبه در کتاب تحف العقول روایت نموده‌اند با زیادتی بر خبر صدوق
بقدر ثلث تقریباً و مثل خبر زندیقی که خدمت حضرت امیرالمؤمنین
علیه السّلام عرض کرد که اگر در قرآن آیات متناقضه نمیدیدم اسلام
میآوردم فرمودند که آنها کدامست پس دسته دسته از آنها را عرض
میکرد و جواب میشنید و این خبر طولانی را شیخ صدوق قدّس سرّه
در کتاب توحید روایت کرده و نیز آنرا شیخ طبرسی در کتاب احتجاج
نقل کرده با زیادتی بسیار که شاید بقدر ثلث آن خبر شود و مثل اعمال
کوفهٔ معروفه و آنچه ما بحمد الله تعالی پیدا کردیم در رسالهٔ سلامة المرصاد

نقل نمودیم و در زیاده و نقصان قریب بان و خبر است و نظر بران که براهل حضور مخفی نیست بهر حال اگر صد تکبیر اول را بان ترتیب زیارت جامعه معروفه بخواند بهتر است که سی از انرا در وقت دیدن ضریح مقدس و سی از انرا بعد از رفتن چند قدم بایستد و بگوید و چهل دیگر را چون بمقام زیارت رسید و در اینجا نکته مختصریست که ناچاریم از ذکر ان و ان انست که شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار خود زیارت جامعه معروفه را نقل کرده باسناد متصل تا بشیخ صدوق و از او بسندی که ان مرحوم دارد و در تمام فقرات مطابق است با روایت صدوق جز انکه بعد از فقره (اَلسَّلامُ عَلٰی مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللّٰهِ) این فقره (وَمَساکِنِ بَرَکَةِ اللّٰهِ) را دارد و بعد از ان مطابق است تا اخر و دانسته که این فقره در جامعه طویله نیز هست پس معلوم میشود این فقره شریفه از قلم شیخ صدوق ساقط شده و جزو جامعه معروفه است و اگر چه شیخ مختصر کرده باشد از قلم ناسخ فقیه افتاده بهر حال زائرین بعد از مطالعه این مقام این فقره شریفه را البته داخل نمود و در وقت خواندن جامعه معروفه را خواهد بخواند

واما دو جامعه صغیره پس اول ان زیارت

امین الله است که بنص صریح امام عدیم صلوات الله علیه افضل و اکمل زیارات است چنانچه گذشت و جمله از علماء مثل علامه مجلسی ره و دیگران نیز تصریح کرده اند که این زیارت بحسب سند و اعتبار والفاظ متن صحیح ترین و کاملترین زیارات مذکوره است (این زیارت) باسانید عدیده در زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین و در مخصوصه روز غدیر و در زیارات جامعه و دانها فی الجمله اختلافیست در زیادتی و نقصان و اختلاف

روایت

کلمات و ما بذکر یکی قناعت کنیم جعفر بن محمد بن قولویه در کامل الزیارة روایت کرده باسناد معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که انجناب زیارت کرد قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را و ایستاد نزد قبر شریف گریست انگاه گفت

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللّٰهِ فی اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلٰی عِبادِهِ اَشْهَدُ لَقَدْ جاهَدْتَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ فِی اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ بِکِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتّٰی دَعاکَ اللّٰهُ اِلٰی جِوارِهِ وَقَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ لَکَ کَریمَ ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ عَلَیْکَ الْحُجَّةَ فی قَتْلِهِمْ اِیّاکَ مَعَ ما لَکَ مِنَ الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلٰی جَمیعِ خَلْقِهِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ راضِیَةً بِقَضائِکَ مُولَعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعائِکَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیائِکَ مَحْبُوبَةً فی اَرْضِکَ وَسَمائِکَ صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِکَ شاکِرَةً لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةً لِسَوابِغِ آلائِکَ مُشْتاقَةً اِلٰی فَرْحَةِ لِقائِکَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوٰی لِیَوْمِ جَزائِکَ مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ اَوْلِیائِکَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِکَ مَشْغُولَةً

عَنِ الدُّنیا بِحَمْدِكَ وَثَنائِكَ

پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و کفت

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتینَ اِلَیْكَ والِهَةٌ وَسُبُلَ الرّاغِبینَ اِلَیْكَ شارِعَةٌ وَاَعْلامَ الْقاصِدینَ اِلَیْكَ واضِحَةٌ وَاَفْئِدَةَ الْعارِفینَ مِنْكَ فازِعَةٌ وَاَصْواتَ الدّاعینَ اِلَیْكَ صاعِدَةٌ وَاَبْوابَ الْاِجابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ ناجاكَ مُسْتَجابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنابَ اِلَیْكَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَكی مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ وَالْاِغاثَةَ لِمَنِ اسْتَغاثَ بِكَ مَوْجُودَةٌ وَالْاِعانَةَ لِمَنِ اسْتَعانَ بِكَ مَبْذُولَةٌ وَعِداتِكَ لِعِبادِكَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَلَ مَنِ اسْتَقالَكَ مُقالَةٌ وَاَعْمالَ الْعامِلینَ لَدَیْكَ مَحْفُوظَةٌ وَاَرْزاقَ الْخَلائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نازِلَةٌ وَعَوائِدَ الْمَزیدِ اِلَیْهِمْ واصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرینَ مَغْفُورَةٌ وَحَوائِجَ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِیَّةٌ وَجَوائِزَ السّائِلینَ عِنْدَكَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوائِدَ الْمَزیدِ مُتَواتِرَةٌ وَمَوائِدَ الْمُسْتَطْعِمینَ مُعَدَّةٌ وَمَناهِلَ الظِّماءِ لَدَیْكَ مُتْرَعَةٌ

اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعائی وَاقْبَلْ ثَنائی وَاجْمَعْ بَیْنی وَبَیْنَ اَوْلِیائی وَاَحِبّائی بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَالْاَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّةِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ السَّلامُ اَئِمَّتی اِنَّكَ وَلِیُّ نَعْمائی وَمُنْتَهی مُنایَ وَغایَةُ رَجائی فی مُنْقَلَبی وَمَثْوایَ اَنْتَ اِلٰهی وَسَیِّدی وَمَوْلایَ اغْفِرْ لِاَوْلِیائِنا وَكُفَّ عَنّا اَعْدائَنا وَاشْغَلْهُمْ عَنْ اَذانا وَاَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْیا وَاَدْحِضْ كَلِمَةَ الْباطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلی اِنَّكَ عَلی كُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ

مؤلف گوید

در جمله از روایات این زیارت شریفه وافئدة العارفین منک مضبوط شده ودر بعضی از آنها وافئدة الوافدین الیک مثبت شده وبنا بر نسخهٔ اول فازعة با زای معجمه وعین مهمله از فزع بمعنی هول وترس است یعنی دلهای عارفین از تو ترسان و هراسان است چه هر کس معرفتش بیشتر است خوف وخشیتش زیادتر است وبنا بر نسخه دوم فارغة با راء بی نقطه وغین با نقطه است از فراغ بمعنی تهی وخالی یعنی دلهای وارد شونده کان بر تو تهی وپرداخته شده از یاد غیر از هر غم واندوهی زیرا که میدانند که نزد تو بجلال ایشان میرسی وایشان را بنا بیت در فکر خویشتن بودن با آنکه از لذت بودن در خدمت جنابت شاد وتازه زنده وهم تهی وآزادند ومخفی نماند که اول این زیارت بملاحظه سایر روایات السلام علیک یا امین الله

وان سلام اول که حضرت سجاد علیه السلام در زیارت امیر المؤمنین علیه السلام استفا فرمود زائر در زیارت باقی ائمه علیهم السلام نخواند اولا بجهت نبودن ان در خبر یکی از اجزا جامعه محسوب داشته و ثانیا بجهت اختصاص این لقب شریف بان وجود مقدس و حرمت نامیدن احدی از امامان یا غیر ایشان را باین اسم که در حیاة رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم از جانب رب العزة جبرئیل ماموشد که انجناب را باین لقب بخواند و براو سلام کند و او اول کسیست که ان حضرت را باین لقب سلام کرد و حدیث بغیر شنید و رسول خدا صلی الله علیه و اله وسلم مامور شد که اعلام کند سایرین را که انحضرت را سلام کنند باین لقب در شرحی طولانی که اصل ان در ارشاد القلوب دیلمی است و در ان فواید بسیار است

وَ اَمّا جامعهٔ صغیره
که مرقوم

پس بدان که عالم جلیل شیخ شرف الدین نجفی تلمیذ محقق ثانی رحمهما الله در کتاب شریف تاویل الایات الباهرة در سوره مبارکهٔ نحل در ذیل ایهٔ شریفه (وَاَوحی رَبُّكَ اِلَی النَّحلِ) این زیارت را از مزار کبیر که در خزانه عامره غرویه بود نقل کرد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی الْقُبَّةِ الْهاشِمِیَّةِ وَالْمِشْکوةِ الْباهِرَةِ النَّبَوِیَّةِ وَالدَّوْحَةِ الْمُبارَکَةِ الْاَحْمَدِیَّةِ وَالشَّجَرَةِ الْمَیْمُونَةِ الرَّضِیَّةِ الَّتی تَنْبَعُ بِالنُّبُوَّةِ وَتَفَرَّعُ بِالرِّسالَةِ

وَتُثْمِرُ بِالْاِمامَةِ وَیَنابیعِ الْحِکْمَةِ وَتُسْقی مِنْ مُصَفَّی الْعَسَلِ وَالْماءِ الْعَذْبِ الْغَدَقِ الَّذی مِنْهُ حَیٰوةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْاَبْصارِ الْمُوحی اِلَیْهِ بِاَکْلِ الثَّمَراتِ وَاتِّخاذِ الْبُیُوتاتِ مِنَ الْجِبالِ وَالشَّجَرِ وَمِمّا یَعْرِشُونَ السّالِکِ سُبُلَ رَبِّهِ الَّذی مَنْ رامَ غَیْرَها ضَلَّ وَمَنْ سَلَکَ سِواها هَلَکَ یَخْرُجُ مِنْ بُطُونِها شَرابٌ مُخْتَلِفٌ اَلْوانُهُ فیهِ شِفاءٌ لِلنّاسِ

مؤلف گوید

عالم مذکور بعد از ذکر این شریفه چند خبر معتبر نقل کرده در تاویل ان باینکه مراد از نحل ائمه اطهار علیهم السلام است و جبال و اشجار و عروش مذکوره در ان کنایت نحل در انها منزل گیرند شیعیان ایشانند از عرب و عجم و عسل انواع علوم ایشان است که در انها شفا است از امراض قلوب بیرون از آن فرموده و تایید میکند ان اخبار را انچه دیدیم تا اخر انچه گذشت و واضح است که زیارات از مزار با خصوص این زیارت اگر ماثور نبود از ائمه علیهم السلام چنین عالمی از اخبار معتبره را بان تایید نمیکرد بلکه مضامین عالیه کلمات بلیغه ان خود گواهی صادق و شاهدیست ناطق بر صدور ان از ینابیع حکمت و بیوت طهارت و شدت حلاوت ان در لسان اهل بینش و معرفت نیز خبر دهد از بودن ان عسل مصفی و شهد منقی که در ان است شفا امراض صدور و انواع اشفا قلوب والله العالم

مقام سیم

در بعضی از زاد عمر مرد

کرد رهمه مشاهد متبرکه بعد از زیارت بایست خواند وان دعا است واحسن انها بحسب اعتبار و مضامین این دعا است

اَللّٰهُمَّ اِنْ كانَتْ ذُنُوبي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْ
دُعائي عَنْكَ وَحالَتْ بَيْني وَبَيْنَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُقْبِلَ
عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَريمِ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَتُنْزِلَ عَلَيَّ مِنْ
بَرَكاتِكَ وَاِنْ كانَتْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لي اِلَيْكَ صَوْتاً اَوْ تَغْفِرَ
لي ذَنْباً اَوْ تَتَجاوَزَ عَنْ خَطيئَةٍ مُهْلِكَةٍ فَها اَنَا ذا مُسْتَجيرٌ بِكَرَمِ
وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلالِكَ مُتَوَسِّلٌ اِلَيْكَ مُتَقَرِّبٌ اِلَيْكَ
بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ وَاَكْرَمِهِمْ اِلَيْكَ وَاَوْلاهُمْ بِكَ وَ
اَطْوَعِهِمْ لَكَ وَاَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَمَكاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ وَ
بِعِتْرَتِهِ الطّاهِرينَ الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ الْمَهْدِيّينَ الَّذينَ فَرَضْتَ
عَلى خَلْقِكَ طاعَتَهُمْ وَاَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ وُلاةَ
الْاَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يا مُذِلَّ كُلِّ
جَبّارٍ عَنيدٍ وَيا مُعِزَّ الْمُؤْمِنينَ بَلَغَ مَجْهُودي فَهَبْ لي
نَفْسِيَ السّاعَةَ رَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِها عَلَيَّ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ

انگاه قبر مطهر را ببوس و دو طرف رخسار خود را بر ان بمال و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا مَشْهَدٌ لا يَرْجُو مَنْ فاتَتْهُ فيهِ رَحْمَتُكَ
اَنْ يَنالَها في غَيْرِهِ وَلا اَحَدٌ اَشْقى مِنِ امْرِءٍ قَصَدَهُ مُؤَمِّلاً
فَآبَ عَنْهُ خائِباً اَللّٰهُمَّ اِنّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ (سوء)
الْاِيابِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَالْمُناقَشَةِ عِنْدَ الْحِسابِ وَ
حاشاكَ يا رَبِّ اَنْ تَقْرِنَ طاعَةَ وَلِيِّكَ بِطاعَتِكَ وَمُوالاتَهُ
بِمُوالاتِكَ وَمَعْصِيَتَهُ بِمَعْصِيَتِكَ ثُمَّ تُؤْيِسَ زائِرَهُ وَالْمُتَحَمِّلَ
مِنْ بُعْدِ الْبِلادِ اِلى قَبْرِهِ وَعِزَّتِكَ يا رَبِّ لا يَنْعَقِدُ عَلى
ذٰلِكَ ضَميري اِذْ كانَتِ الْقُلُوبُ اِلَيْكَ بِالْجَميلِ تُشيرُ
(انگاه بگو) يا وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً
لا يَأْتي عَلَيْها اِلّا رِضاكَ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكَ عَلى سِرِّهِ وَ
اسْتَرْعاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَمُوالاتَكَ
بِمُوالاتِهِ تَوَلَّ صَلاحَ حالي مَعَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاجْعَلْ حَظّي
مِنْ زِيارَتِكَ تَخْليطي بِخالِصي زُوّارِكَ الَّذينَ تَسْئَلُ اللّٰهَ
عَزَّ وَجَلَّ في عِتْقِ رِقابِهِمْ وَتَرْغَبُ اِلَيْهِ في حُسْنِ ثَوابِهِمْ

وَهَا اَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَائِذٌ وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَائِذٌ فَتَلَافَنِي
يَا مَوْلَايَ وَاَدْرِكْنِي وَاسْئَلِ اللّٰهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي اَمْرِي فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ
اللّٰهِ مَقَامًا كَرِيمًا وَجَاهًا عَظِيمًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

انگاه قبر مطهر را ببوس و رو کن بقبله
و دست را بلند کن و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَمَّا فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ وَاَكْرَمْتَنِي بِمُوَالَاتِهِ
عَلِمْتُ اَنَّ ذٰلِكَ لِجَلِيلِ مَرْتَبَتِهِ عِنْدَكَ وَنَفِيسِ حَظِّهِ
لَدَيْكَ وَلِقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ فَلِذٰلِكَ لُذْتُ بِقَبْرِهِ لِوَاذَ
مَنْ يَعْلَمُ اَنَّكَ لَا تَرُدُّ لَهُ شَفَاعَةً فَبِقَدِيمِ عِلْمِكَ فِيهِ وَ
حُسْنِ رِضَاكَ عَنْهُ اِرْضَ عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَلَا تَجْعَلْ
لِلنَّارِ عَلَيَّ سُلْطَانًا وَلَا سَبِيلًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید

بهتر انست که زائر چون خواهد در مشاهد مشرفه دعا کند بلکه هر دعا
کند در هر کجا باشد برای هر مطلبی که خواهد مقدم دارد برای خود
دعای برای سلامتی وجود مبارک امام عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه را
و این مطلب بسیار مهم است و انرا در باب نهم کتاب نجم ثاقب مشروحا ذکر نمودیم
با فواید نافعه و ادعیه مخصوصه مختصر ترین انها که فرمودند در همه

ایام در هر حالت که باشی نشسته یا ایستاده در رکوع یا سجود باید
بخوانی بعد از حمد خداوند تبارک و تعالی را و صلوات بر پیغمبر صلوات
الله علیه و اله انکه بگوئی اَللّٰهُمَّ كُنْ لِوَلِيِّكَ (فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ)
(و بجای فلان بن فلان) (بگوید) الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ فِي هٰذِهِ
السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَقَائِدًا وَ
عَيْنًا حَتّٰى تُسْكِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

مقام چهارم

در ذکر نمازیکه بجا اوردن ان در مشاهد مشرفه اجری عظیم دارد
بدانکه علامه مجلسی رحمه الله در بحار نقل کرده از خط شیخ جلیل
حسین بن عبد الصمد والد شیخ بهاء الملة والدین رحمهما الله که شیخ
ابو الطیب حسین بن احمد فقیه راضی رحمه الله ذکر نموده که هر کس
زیارت کند جناب امام رضا علیه السلام یا یکی از ائمه علیهم السلام
را پس در نزد ان امام بجای اورد نماز جعفر را پس بدرستیکه نوشته
میشود برای او بهر رکعتی ثواب کسی که هزار مرتبه حج کرده باشد
و هزار نوبت عمره بجای اورده باشد و هزار بنده در راه خدا ازاد
نموده باشد و هزار مرتبه در راه خدا جهاد کرده باشد با پیغمبر
مرسلی و برای اوست بهر گامی که برمیدارد ثواب صد حج و صد عمره
و ازاد کردن صد بنده در راه خدا تعالی و نوشته شود برای او صد
حسنه و ریخته شود از او صد سیئه

مؤلف گوید

نماز جعفر در میان شیعه امامیه معروف و در انجاح حوائج و کشف

سندا به تاثیر عجیبی دارد و برای آن اداب و ادعیه بسیاری است ولکن کفایت میکند برای درک ثواب مذکور در آن خبر شریف آنکه چهار رکعت نماز بقصد نماز جعفر بکند هر دو رکعت بیک سلام بهر سوره که خواسته و بهتر آنکه در اول حمد و سوره اذا زلزلت و در دوم حمد و سوره والعادیات و در سیم حمد و سوره اذا جاء نصر الله و در چهارم حمد و سوره قل هو الله احد را بخواند و سیصد مرتبه در این چهار رکعت بگوید (سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ) و این عدد را بر آن چهار رکعت تقسیم کند پس در هر رکعتی هفتاد و پنج مرتبه میشود و این عدد را در هر رکعت باین قسم بخواند بعد از قرائت پانزده مرتبه و در رکوع و بعد از آن در حال ایستادن و در سجود و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از آن در حال نشستن در این شش محل در هر کدام ده مرتبه و بهتر آنکه این دعا را در سجده آخر نماز بخواند (سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ مَنْ اَحْصى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحانَ ذِي الْعِزِّ وَالْفَضْلِ سُبْحانَ ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِماتِكَ التّامّاتِ الَّتي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً اَنْ تُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بي كَذا وَكَذا) و بجای کذا و کذا حاجات خود را بخواند

مَقامِ پنجُم

در ذکر وداع ائمه علیهم السلام مخفی نماند که در غالب زیارات مطلقه و مخصوصه مأثوره وداعی رسیده که ظاهرا مخصوص بآن زیارت باشد ولکن برای زیارت جامعه کبیره معروفه وداعی است که دارا است مضامین غالب زیارات وداع را با زیادتی و ظاهر علما اینست که این وداع مخصوص بجامعه نیست که اگر زائر زیارت جامعه را نخواند نتواند بقصد ورود آن بخواند بلکه بآن هر امامی را وداع کند چه جامعه را خوانده یا نخوانده باشد و شاهد بر این دعوی چند چیز است اول آنکه شیخ محمد بن المشهدی در مزار کبیر زیارت جامعه را نقل کرده با سندش و بعد از زیارات ائمه بقیع و مشهد مقدس و بلد کاظمین و بعض زیارات جامعه دیگر را نقل کرده آنگاه فرموده (باب الوداع لسائر الائمة علیهم السلام تقول) و وداع معهود را ذکر کرده دوم آنکه سید علی بن طاوس در فصل هجدهم که در آن زیارات جامعه را جمع نموده جامعه کبیره را نقل نکرده اصلا نه در آنجا و نه در غیر آنجا و اول زیارت جامعه معروفه بائمة المؤمنین را نقل کرده و پس از آن فرموده و چون خواستی وداع کنی و برگردی پس بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ تا آخر وداع مذکور سیم آنکه شهید اول در فصل اول خاتمه مزار خود زیارت جامعه صغیره معروفه را نقل کرده و غیر آن جامعه دیگر نقل ننموده و پس از آن فرموده پس هرگاه خواهی که بازگردی وداع کن ایشان را و بگو در وداع تا آخر آنچه بیاید و از این کلمات معلوم میشود که این زیارت را عمل مستقل دانستند و جزو جامعه نفهمیدند بهر حال ما متابعت ایشان کنیم و برای وداع زیارات بهمین وداع قناعت کنیم

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ

سلام مودّع لا سئم ولا قالٍ ورحمة الله وبركاته عليكم
اهل البيت انّه حميد مجيد سلام ولىٍّ غير راغبٍ عنكم
ولا منحرفٍ عنكم ولا مستبدلٍ بكم ولا مؤثرٍ عليكم
ولا زاهدٍ في قربكم لا جعله الله آخر العهد من زيارة
قبوركم واتيان مشاهدكم والسلام عليكم وحشرني
الله في زمرتكم واوردني حوضكم وارضاكم عنّي ومكّنني
في دولتكم واحياني في رجعتكم وملّكني في ايّامكم وشكر
سعيي بكم وغفر ذنوبي بشفاعتكم واقال عثرتي بحبّكم
واعلى كعبي بموالاتكم وشرّفني بطاعتكم واعزّني بهداكم
وجعلني ممّن ينقلب مفلحاً منجحاً سالماً غانماً معافاً غنيّاً
فائزاً برضوان الله وفضله وكفايته بافضل ما ينقلب به
احدٌ من زوّاركم ومواليكم ومحبّيكم وشيعتكم ورزقني
الله العود ثمّ العود ثمّ العود ما ابقاني ربّي بنيّةٍ صادقةٍ
وايمانٍ وتقوى واخباتٍ ورزقٍ واسعٍ حلالٍ طيّبٍ اللّهمّ
لا تجعله آخر العهد من زيارتهم وذكرهم والصلوة

عليهم واوجب لي المغفرة والرحمة والخير والبركة والنور
والايمان وحسن الاجابة كما اوجبت لاوليائك العارفين
بحقّهم الموجبين طاعتهم والراغبين في زيارتهم
المتقرّبين اليك واليهم بابي انتم وامّي ونفسي ومالي و
اهلي اجعلوني من همّكم وصيّروني في حزبكم وادخلوني
في شفاعتكم واذكروني عند ربّكم اللّهمّ صلّ على محمّد
وآل محمّد وابلغ ارواحهم واجسادهم عنّي تحيّة كثيرة
وسلاماً والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته

مؤلف گوید

سوز قلب زائر در وقت وداع وتلخی کام در مقام مهاجرت وفرقت از آن
روضه مقدّسه باندازه شوق وانبساط وفرح ونشاط اوست در اول
ورود ودرجات آن مختلف است بحسب درجات معرفت ومحبّت که بان
ذوات مقدّسه وارواح طیّبه دارد اگر صادق است در ان دعوی
پست ترین مرتبهٔ آن است که براستی وجود مقدّس امام علیه السلام
نزد او محبوب تر باشد از اهل ومال واولاد وانچه با نها دل بسته وعلاقه
دارد پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که میخواهد از عزیزترین
خلق ومحبوبترین ایشان در نزد او مفارقت کند واز او جدا شود پس نا چار

دلش بریان و اشکش در جریان و پایش لرزان خواهد بود پس خدای را شکر کند بر این نعمت عظیم و الا در دعوی کاذب و رجایش خایب

خاتمه

در ذکر زیارت انبیاء علیهم السلام و امامزادگان و بعضی مطالب متفرقهٔ نافعه و در آن سه مقام است

مقام اول

در زیارت انبیاء عظام علیهم السلام که تکریم و تعظیم و توقیر ایشان عقلاً و شرعاً لازم (لا نفرق بین احد من رسله) و زیارت ایشان راجح و پسندیده و علما نیز تصریح نموده اند باستحباب زیارت ایشان و عدد ایشان اگرچه زیاده از صد هزار است لکن قبور معلومه ایشان بسیار کم مثل جناب آدم و نوح علیهما السلام که در مرقد منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مدفونند و جمله از انبیاء بنی اسرائیل که در بیت المقدس قبورشان در نزد اهل آنجا معلوم و جمله از آنها مشتبه مثل قبر جناب هود و صالح که در اخبار محل آن مختلف و آنچه در قبرستان وادی السلام نسبت میدهند بایشان سند درستی ندارد و مثل قبر جناب یونس علیه السلام که در شریعه کوفه است منسوب بایشان و ابن طاوس و غیره در ضمن آداب نماز زیارتی برای ایشان ذکر کرده اند و نیز در شرقی دجله در کنار شهر موصل در بالای تپه صحن بسیار باصفا و مسجدی و قبر و ضریح و قبهٔ باصفا است منسوب بآنجناب و مظنون همین است چه آن حضرت مبعوث بر اهل نینوی بود که در قدیم شهر عظیمی بود چند فرسخی از موصل دور است و آثار آن موجود است و در بیت المقدس نیز بنائی و قبری است

منسوب بایشان و در شهر موصل قبر جرجیس است آن نیز مظنون است چه آن حضرت بر اهل بلد مبعوث بود و در بیرون شهر قبر شیث هبة الله است و در شوشتر قبر دانیال نبی است و در خارج حله قبریست منسوب بایوب نبی و بنظر بسیار موهون است و مرقد حضرت خلیل الرحمن در قدس خلیل که نزدیک بیت المقدس است معروف و مشهور و مزاریست برای عامه مسلمین امجد و لکن در جمله از اخبار معلوم میشود که قبر آنحضرت در عراق در نزد بدن جناب امیر است و قبر جناب اسمعیل که در مسجد الحرام است و قبر یوشع که در خارج کاظمین است در قبلی مسجد براثا است و قبر جناب ذی الکفل که در حله و قبر جناب یحیی در بیروت و غیر اینها که بعضی شواهد بر صدق دارند و بعضی مشتبه و مشکوک است بهر حال در اخبار زیارت مخصوصی برای آن بزرگواران بنظر نرسیده جز آنچه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و بعد از او رضی الدین علی بن طاوس در مصباح الزائر در آداب دخول کوفه نقل کردند که چون داخل کوفه شدی پس بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللّٰهُمَّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

آنگاه دو رکعت نماز بکن بجهت تحیهٔ منزل
آنگاه برو و بگو

سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ

تا بتوانی و داخل شود در مسجد یونس نبی علیه السلام و زیارت کن آنجناب را بزیارتی میگوئی

السلام علی اولیاء الله واصفیائه السلام علی امناء الله
واحبائه السلام علی انصار الله وخلفائه السلام علی
محال معرفة الله السلام علی معادن حکمة الله السلام علی
مساکن ذکر الله السلام علی عباد الله المکرمین الذین لا
یسبقونه بالقول وهم بامره یعملون السلام علی مظاهری
امر الله ونهیه السلام علی الادلاء علی الله السلام
علی المستقرین فی مرضات الله السلام علی الممحصین فی
طاعة الله السلام علی الذین من والاهم فقد والی الله
ومن عاداهم فقد عادی الله ومن عرفهم فقد عرف الله
ومن جهلهم فقد جهل الله ومن اعتصم بهم فقد اعتصم
بالله ومن تخلی عنهم فقد تخلی من الله اشهد الله انی
حرب لمن حاربکم وسلم لمن سالمکم مؤمن بما آمنتم
به کافر بما کفرتم به محقق لما حققتم مبطل لما ابطلتم
مؤمن بسرکم وعلانیتکم مفوض فی ذلک کله الیکم
لعن الله عدوکم من الجن والانس

انکاه تربت را ببوس و دو رکعت نماز کن برای تحیه مسجد و دو رکعت نماز کن برای
زیارت وانچه خواهی برای خود دعا کن و برای هر کس که خواهی و مستحبست که
بخوانند دعائی را که حضرت امام زین العابدین علیه السلام از امی خواند نزد
مشهد و از ادعای استقاله مینامند و از اینست

اللهم یا من برحمته یستغیث المذنبون ویا من الی ذکر
احسانه یفزع المضطرون یا انس کل مستوحش غریب
ویا فرج کل محزون کئیب ویا عون کل مخذول فرید
ویا عضد کل محتاج طرید انت الذی وسعت کل شیء رحمة
وعلما وانت الذی جعلت لکل مخلوق فی نعمک سهما وانت الذی
عفوه اعلی من عقابه وانت الذی تسعی رحمته امام غضبه
وانت الذی عطاؤه اکثر من منعه وانت الذی لا یرغب
فی جزاء من اعطاه وانت الذی لا یفرط فی عقاب من عصاه
وانا عبدک الذی امرته بالدعاء فقال لبیک وسعدیک
ها انا ذا بین یدیک وانا الذی اوقرت الخطایا ظهره و
انا الذی افنت الذنوب عمره وانا الذی بجهله عصاک
ولم یکن اهلا لذاک هل انت راحم من دعاک فابلغ

نعمتک نسخه
من نعمک نسخه

فابلغ نسخه

في الدعاء ام انت غافر لمن بكى اليك فأسرع في البكاء ام انت
متجاوز عمن عفر لك وجهه تذللا ام انت مغن من شكى اليك فقره
توكلا الهي لا تخيب من لا يجد مطلبا غيرك ولا تخذل من لا يستغني
عنك باحد دونك اللهم صل على محمد وال محمد ولا تعرض
عني وقد اقبلت عليك ولا تحرمني وقد رغبت اليك ولا
تجبهني بالرد وقد انتصبت بين يديك انت الذي وصفت نفسك
بالرحمة فصل على محمد وال محمد فاعف عني فقد ترى يا الهي
فيض دمعي من خيفتك ووجيب قلبي من خشيتك وانتفاض
جوارحي من هيبتك كل ذلك حياء مني لسوء عملي ولذلك
خمد صوتي عن الجأر اليك وكل لساني عن مناجاتك يا
الهي فلك الحمد فكم من عائبة سترتها علي فلم تفضحني وكم من
ذنب غطيته علي فلم تشهرني وكم من شائبة ألممت بها فلم
تهتك عني سترها ولم تقلدني مكروه شنارها ولم تبد سوءاتها لمن
يلتمس معايبي من جيرتي وحسدة نعمتك عندي ثم لم
ينهني ذلك عن ان جريت الى سوء ما عهدت مني فمن اجهل مني
يا الهي برشده ومن اغفل مني عن حظه ومن ابعد مني
من استصلاح نفسه حين انفق ما اجريت علي من رزقك
فيما نهيتني عنه من معصيتك ومن ابعد غورا في الباطل

واشد اقداما على السوء مني حين اقف بين دعوتك ودعوة
الشيطان فاتبع دعوته على غير عمى مني في معرفة به ولا
نسيان من حفظي له وانا حينئذ موقن بان منتهى دعوتك
الى الجنة ومنتهى دعوته الى النار سبحانك ما اعجب
ما اشهد به على نفسي واعدده من مكتوم امري واعجب
من ذلك اناتك عني وابطاؤك عن معاجلتي وليس ذلك
من كرمي عليك بل تأنيا منك لي وتفضلا منك علي لان
ارتدع عن معصيتك المسخطة واقلع عن سيئاتي المخلقة
ولان عفوك عني احب اليك من عقوبتي بل انا يا الهي
اكثر ذنوبا واقبح آثارا واشنع افعالا واشد في الباطل
تهورا واضعف عند طاعتك تيقظا واقل لوعيدك
انتباها وارتقابا من ان احصي لك عيوبي او اقدر على ذكر
ذنوبي وانما اوبخ بهذا نفسي طمعا في رأفتك التي بها
صلاح امر المذنبين ورجاء لرحمتك التي بها فكاك
رقاب الخاطئين اللهم وهذه رقبتي قد ارقتها الذنوب
فصل على محمد واله واعتقها بعفوك وهذا ظهري قد اثقلته
الخطايا فصل على محمد واله وخفف عنه بمنك يا الهي لو
بكيت اليك حتى تسقط اشفار عيني وانتحب حتى ينقطع

صوتی وقمت لك اللیل حتی تنتشر قدمای ورکعت لك حتی ینخلع صلبی وسجدت لك حتی تتفقأ حدقتای واکلت تراب الارض طول عمری وشربت ماء الرماد آخر دهری وذکرتك فی خلال ذلك حتی یکل لسانی ثم لم ارفع طرفی الی آفاق السماء استحیاء منك ما استوجبت بذلك محو سیئة واحدة من سیئاتی وان کنت تغفر لی حین استوجب مغفرتك وتعفو عنی حین استحق عفوك فان ذلك غیر واجب لی باستحقاق ولا انا اهل له باستیجاب اذ کان جزائی منك فی اول ما عصیتك النار وان تعذبنی فانت غیر ظالم لی الهی فاذ قد تغمدتنی بسترك فلم تفضحنی وتأنیتنی بکرمك فلم تعاجلنی وحلمت عنی بتفضلك فلم تغیر نعمتك علی ولم تکدر معروفك عندی فارحم طول تضرعی وشدة مسکنتی وسوء موقفی اللهم صل علی محمد وآله وقنی من المعاصی واستعملنی بالطاعة وارزقنی حسن الانابة وطهرنی بالتوبة وایدنی بالعصمة واستصلحنی بالعافیة واذقنی حلاوة المغفرة واجعلنی طلیق عفوك وعتیق رحمتك واکتب لی امانا من سخطك وبشرنی بذلك فی العاجل دون الآجل بشری اعرفها وعرفنی فیه علامة اتبینها ان ذلك لا یضیق علیك فی وسعك ولا یتکأدك فی قدرتك انك علی کل شیء قدیر وصلی الله علی محمد وآله المطهرین

مؤلف گوید بدانکه اولا که این زیارت همان زیارت جامعه معروفه صغیره که در زیارت حضرت کاظم علیه السلام مخصوصا وارد شده و فرموده‌اند خواندن آن در سایر مشاهد مشرفه نیست و هذا الزاد در باب زیارات جامعه ذکر میکند فی الجمله

انحلاء فی حوارنك ودر باب ... زیارات ...

شده زیاده از این اختلاف و ما در حاشیه باز اشاره کردیم که اگر کسی خواست آنرا در مشاهد شریفه بخواند و احتیاط رعایت کند چنان بخواند اگرچه بنظر حقیر خواندن همین مجزیست و ثانیا که این جامعه معروفه را جماعتی از بزرگان در زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل کردند با اذن در خواندن آن در جای دیگر و لکن عبارت روایت در اینمقام مختلفست ثقة الاسلام در کافی و صدوق در عیون چنین نقل کرده‌اند که فرمودند (ویجزی فی کلها ان تقول السلام علی اولیاء الله الخ و هذا یجزی فی الزیارات کلها) و ابن قولویه در کامل الزیارة نقل کرده (و یجزی فی المواطن کلها) و در آخر (وهذا یجزی فی الزیارات) و در بعضی نسخ (وفی المشاهد کلها) الخ و ظاهر اختلاف در معنی نباشد و مراد از مواطن و مواضع و مشاهد مطلق مزارهای شریفه مقدسه است که آدمی در آنجا زیارت کرده و تضرع نمود و در اول نظر چنان است که مراد از آنها مراقد شریفه ائمه باشد و لکن ظاهر اشامل باشد مراقد انبیا و سایر اوصیا علیهم السلام را که در اوصاف مذکوره در از زیارت سهیم و شریکند با آن ذوات مقدسه هرچند در درجات مختلف باشند خصوص بملاحظه فقره اخیره که در همه زیارات این زیارت کافیست یعنی در مقابر شریفه که بایست مخصوصا زیارت کرد بآن قناعت میتوان کرد و معلومست که قبور انبیاء و اوصیا داخلست در آن و گذشت در چند خبر که حاصلش آنکه چون زیارت کنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت خواهی کرد جناب آدم و نوح علیهما السلام را و در این کلام

تحریص و ترغیب شده مؤید نیست بزیارت کردن آن دو بزرگوار زیراکه از فضیلت
زیارت آن حضرت شمرده‌اند بودن آن وسیله رسیدن باین فیض عظیم
ونتیجه این کلمات آن است که این زیارت جامعه را در مراقد شریفه
انبیاء علیهم السلام بخوانند بلکه در حرم مطهر علوی بجهت زیارت
جناب آدم و نوح علیهما السلام واحتمال قوی میرود که شیخ محمد بن المشهدی
وسید بن طاوس که این زیارت را در مشهد جناب یونس نقل نموده‌اند
از روی همین کلیه باشد که بیان شد واحتمال میرود که بجهت خصوص
زیارت انبیاء خبری دیده باشند بهتر آنکه زائر همین نسخه مذکوره را
بخواند و تا اثاً مستور نماند که نقل زیارت جناب یونس در این مکان
معلوم چندان صراحتی ندارد که باید قبر شریفش در اینجا باشد زیراکه از
امکنه تعبیر فرموده‌اند بمشهد ومشهد اگرچه ظهوری دارد در مرقد و
محل دفن ولکن مطلق مکانی که امتیاز مخصوص داشته باشد بشخص شریف
مزور و از آن تعبیر میکنند بمشهد یعنی محل حضور او چنانچه در دعای اذن
دخول مسجد کوفه مذکور است (اَلسَّلامُ عَلیٰ مَوْلانا اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ
بْنِ اَبی طالِبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَعَلیٰ مَجالِسِهِ وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ
حِکْمَتِهِ وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ وَاِبْراهیمَ) الخ ومراد از مشاهد در
اینجا امکنه مخصوصه ایست که امتیاز خاصی داشته باشد بآنحضرت
مثل محرابها که محل مناجات وعبادت وشهادت آن حضرت بوده و
منبر که محل بیرون آمدن درهای غلطان بی بهای خطب و حکمت و مواعظ
ونصیحت بود از صدف مطهر دهان مبارکش وبیت الطشت که موضع

ظهور معجزه غریبه الهیه بود از آن نبأ عظیم و دکة القضا که محل فصل خصومت
و سفینه معدلت بود از آن علی حکیم و هکذا و بنابراین احتمال قوی میرود که
محل بیرون انداختن ماهی باشد جناب یونس را از دهان خود و بروز آن همه
آیات عجیبه الهیه در حفظ و حراست و تقویت اش تا آنگاه که بقوم خود در
نینوا مراجعت نمود والبته چنین مکانی در نهایت شرافت خواهد بود و بجهت
امتیازش بآنجناب زیارتش مناسب مثل زیارت حضرت سید الشهداء
علیه السلام در مسجد حنانه چنانچه گذشت و رابعاً مسجد بکه در آخر
زیارت ذکر کردند که در از دعای استقاله حضرت امام زین العابدین را بایست
خواند مسجد شریفی است و برای آن اعمال مخصوصه است و ربطی بزیارت
جناب یونس ندارد و ظاهر اصل مرقد در زوایای مسجد بوده اگرچه حال
جدا شده و صاحب مزار قدیم روایت مبسوطی در اعمال و ادعیه مسجد
کوفه نقل کرده و در آنجا بعد از ورود کوفه و ذکر غسل در آنجا و دعای آن
مذکور است که پس پاکترین جامهای خود را بپوش و دو رکعت نماز کن در
مسجد بکه نزد شریعه است که آن موضع شریفی است و چون از نماز فارغ
شدی بگو اَللّٰهُمَّ تا آخر دعا آنگاه دو رکعت نماز تحیت مسجد را بکن و
پس از آن بگو اَللّٰهُمَّ تا آخر دعا آنگاه متوجه شو بسوی کوفه یعنی مسجد
ما این دو دعای شریف را در رساله سلامة المرصاد نقل کردیم و در آن
مزار اصلا ذکری از جناب یونس و مقبره و زیارت نیست و این خود نیز مؤید
است آنچه را ذکر نمودیم که قبر آنجناب در نینوا نزدیک موصل است نه در
اینجا و نه در بیت المقدس پس معلوم شد که از آداب زائر در نجف اشرف آمدن

باین مسجد شریف و کردن چهار رکعت نماز و خواندن سه دعای شریف دارای
مضامین عالیه که از خصایص آنجاست

مقام دوم

در ذکر زیارت امامزادگان عظام و شاهزادگان والامقام که قبورشان محل فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایات الهیه است و علمای اعلام تصریح نمودند باستحباب زیارت قبور ایشان که بحمد الله تعالی در غالب بلاد مؤمنین موجود بلکه در قریه و بر بر و اطراف کوهها و درها پیوسته ملاذ درماندگان و ملجأ واماندگان و پناه مظلومین و تسلی دلهای پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده ولکن مخفی نماند که امامزادگان که انسان با طمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شد رحال کند بسمت قبر شریفش باید اول دو مطلب را درست کرده آنگاه قصد مقصد کند اول جلالت قدر و عظمت شان صاحب آن مرقد علاوه بر شرافت نسب علاوه بر ثبوت بحسب آنچه از کتب احادیث و انساب معلوم میشود دوم معلوم بودن قبر آن سید جلیل و صحت نسبت آن قبر باو و جمع این دو بسیار کم است چه بسیاری از قبوری که نسبت میدهند بآن بزرگواران نه حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن در آنجا و جمله دفن در آنجا معلوم و حال صاحبش مجهول و پاره جلالت قدر آن امامزاده معلوم ولکن مرقد شریفش مشتبه مثل سید جلیل علی پسر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و تربیت کرده برادر بزرگوارش که از بزرگان راویان و صاحب تصنیف که تا کنون در

دست است بحمد الله و چهار پنج امام را درک نموده و خدمت کرده ولکن قبر شریفش مشتبه و سه موضع است که باو نسبت میدهند اول در بیرون قلعه سمنان در میان باغچه با نضارت با قبه عالیه و رفیعه و عمارت مختصر با نزاهت دوم در مدینه طیبه در قبه عالیه و ضریح وسیع و آثار قدیمه که سبب اطمینان تمام اهل آن بلد است در بودن قبر شریفش در آنجا سیم یک فرسخی مدینه طیبه در قریه عریض که ملک آن جناب و محل سکنای خود شریف و ذریه اش بود و لهذا او را علی عریضی و اولادش نیز بهمین لقب در کتب انساب و غیرها معروفند و در آنجا نیز بر قبر شریفش قبه ایست عالیه و ما در خاتمه کتاب مستدرک در شرح مشیخه صدوق در مقام ذکر احوال آن بزرگوار واضح و روشن نمودیم که صحیح همین است و آنجناب اصلا بعجم نرفته هر که خواهد بآنجا رجوع کند و چند نفر از ذریه او و ذریه جعفر پسر امام علی نقی علیه السلام نیز معروف و نام ایشان علی پسر جعفر محمد ملستان دو قبر منسوب بایشان باشد باقی مانند قلیلی که هر دو جهتشان مکشوفست مثل قبر اسمعیل پسر امام جعفر صادق علیه السلام که در بقیع نزد پای ائمه بقیع علیهم السلام معلومست و جمله از اولاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مثل سید جلیل عظیم القدر و الشان احمد معروف بشاه چراغ که در داخل شهر شیراز مدفون و در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و ضریح و خدمه و موقوفات و تعظیم و احترام تمام دارد و برادر دیگرش سید جلیل القدر و صاحب فضل و صلاح محمد که با احمد از [illegible]

معروفست در شهر شیراز بمیر سید محمد و در نزدیکی قبر برادرش است
و دارای بقعه و ضریح و خدمه است و تعظیم و احترام تمام دارد و برادر
دیگرش قاسم که در هشت فرسخی حله مدفونست و قبر شریفش زیارتگاه
عامه خلق است و پیوسته علما و اخیار بزیارت او میروند و حکایتی
در السنه معروفست قریب باین مضمون که حضرت امام رضا
علیه السلام فرمود هر کس قادر نیست بر زیارت من پس زیارت
کند قاسم برادرم را و این خبر در جائی دیده نشده و تاکنون کسی از اهل
این نشانی نداده ولکن بزرگی جلالت و علو رتبت جناب قاسم اجل از
آن است که برای ترغیب بزیارتش متمسک شود انسان باین خبر بی اصل
و نشان چه آنکه در اصول کافی خبریست که دلالت میکند بر عظمت شأن
و بزرگی مقام او تا آنجا که عقل تصور نمیکند ثقة الاسلام در باب اشاره
و نص بر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خبری طولانی نقل کرده از یزید بن سلیط از
حضرت کاظم علیه السلام در راه مکه و در آنجا مذکور است که آنحضرت باو فرمود خبر دهم ترا
ای ابا عماره بیرون آمدم از منزلم پس وصی قرار دادم پسر فلان را یعنی جناب امام رضا
و او شریک کردم با او پسران خود را در ظاهر و وصیت کردم باو در باطن پس افراد
کردم تنها او را و اگر امر راجع بسوی من بود هر آینه قرار میدادم امامت را در قاسم
پسرم بجهت محبت من او را و مهربانی من بر او ولکن این امر راجع بسوی خداوند
عز و جل است قرار میدهد آنرا هر جا که میخواهد الخ و علامه مجلسی در حال او
گفته است که از جمله امامزاده های مشهور امامزاده قاسم فرزند امام موسی علیه السلام است
که در حوالی نجف اشرف مدفونست و قبرش معروفست و سید بن طاوس ترغیب

بزیارت او نموده است انتهی و مثل برادر دیگرش امامزاده حمزه که با امامزاده
احمد و محمد از یک مادرند و قبر شریفش در ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم
است و مادامیکه عبدالعظیم در ری زنده بود پیوسته بزیارت او میآمد
چنانچه خواهد آمد در حکایت حال او و این سید جلیل القدر الآن در ری صاحب
قبه و بارگاه و ضریح و صحن و خدمه است و هر که بزیارت عبدالعظیم میآید
قصد آنجا را نیز میکند و در استفاضه زیارت او میآیند و بنا صاحب تعظیم
و احترام است و بدانکه در جزیره که در جنوب حله و بین دجله و فرات
است قبریست که مشهور بقبر حمزه پسر حضرت کاظم علیه السلام است مردم او را
زیارت میکنند و برای او کرامات بسیار نقل میکنند و لکن این شهرت بی
اصل است بلکه حمزه فرزند موسی کاظم علیه السلام همان است که ذکر شد
در ری مدفونست و این حمزه بن قاسم بن علی بن حمزة بن حسن بن عبید الله بن
عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام است ابو یعلی ثقه جلیل القدر است که شیخ
نجاشی و دیگران در رجال او را ذکر نموده اند چنانچه تصریح باین فرموده
امام عصر صلوات الله علیه در حکایت تشرف سید العلماء و سناد الفقهاء
وحید عصر جناب سید مهدی قزوینی طاب ثراه ساکن در حله سیفیه بخدمت
آنحضرت صلوات الله علیه و مجمل الحکایت چنین است که وقتی سید مرحوم
بجزیره تشریف بردند و میهمان شدند نزد اهل قریه که در آن جزیره است پس
اهل آنجا مستدعی شدند از جناب ایشان که زیارت کند حمزه را سید امتناع
نمودند و فرمودند نزد من بصحت نرسیده که حمزه پسر موسی علیه السلام
در ری مدفونست با عبد العظیم و صاحب این مزار را نمیشناسم و هذا

زیارت نکنم پس از انجا حرکت نمودند وشب را در مزدیجه نزد بعضی از سادات
بیتوته فرمودند وقت سحر نافله شب را بجا آورده ومنتظر طلوع فجر بودند
که ناکاه داخل شد براو جناب صاحب الامر صلوات الله علیه بهیئت
سیدی که معروف بوده در نزد مرحوم سید از اهل انقریه پس بعد سلام
ونشستن فرمودند یا مولانا دیروز میهمان اهل قریه حمزه شدی واورا
زیارت نکردی گفتاری فرمود چرا عرض کرد زیراکه زیارت نمیکنم کسیراکه
نمیشناسم وحمزه پسر حضرت موسی علیه السلام مدفون است در ری
پس انجناب فرمودند (رب مشهور لا اصل له) بسا چیزها که شهرت کرده
واصلی ندارد واین قبر حمزه پسر حضرت موسی کاظم علیه السلام نیست هر چند
چنین مشهور شده بلکه او قبر ابو یعلی حمزة بن قاسم علوی عباسی است
یکی از علمای اجازه واهل حدیث واو را اهل رجال ذکر کرده اند واو را
ثنا کرده اند بعلم وورع وبعد از ان سید برخواست ورفت تا آخر
حکایت چنانچه در نجم ثاقب است ومثل ابی حمزة امیر علی بن ابی حمزة بن موسی
الکاظم علیه السلام که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است چنانچه
در عمدة الطالب وغیره ذکر شد ومثل سیده جلیله معظمه فاطمه دختر
امام موسی مدفون بقم در نهایت جلالت وعلو مقام است ودر سنه
دویست ویک که پس از یکسال بود جناب امام رضا علیه السلام از مدینه
بامر مامون بمرو تشریف برده بودند انمخدره بشوق ملاقات برادر از
مدینه بیرون امد بطلب انحضرت وتشریف اورد تا بساوه همینکه انجا
رسید مریضه شد پرسید که تا قم چند است گفتند ده فرسخ است پس خادم

خود را فرمود که مرا بقم ببر همینکه خبر بسید با شعریین از ال سعد رسید کرده باستقبال ان حضرت شتافتند واسند ذاکرند کران مخدره را
در قم نزول فرماید پس موسی بن خزرج بن سعد که بن دار الرضا
بود از همه سبقت کرده ومهار ناقه را گرفت وکشید تا وارد ساخت ان
مکرمه را بقم درخانه خود پس انمعظمه نزول اجلال داد درخانه او ونمودند تا
مدت شانزده یا هفده روز مکث فرمودند پس از دنیا رحلت کرده
وبابای طاهرین خود پیوست رضوان الله علیها پس او را دفن کردند در بابلان
بتفصیلی که در تاریخ قم ذکر شد ومزارش در بابلان که اسم همان مکان
است معلوم ومعروفست ودارای قبه عالیه وصحن متعدد وضریح وخدام
بسیار وموقوفات وتعظیم واحترام تمام دارد وقبر شریفش ملاذ و
معاذ عامه خلق است ودر هر سال جماعت بسیار از بلاد بعیده شد رحال
کنند وتعب سفر کشند بجهت درک فیوضات از زیارت انمعظمه واز برای او
زیارتیست مروی از حضرت امام رضا علیه السلام که بسعد اشعری
تعلیم فرمودند وعلامه مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب تحفه ذکر فرموده ودر
فضیلت زیارتش روایات بسیار وارد شده از انجمله شیخ فاضل خبیر
ماهر حسن بن محمد قمی که معاصر شیخ صدوق است در تاریخ قم که بجهت
کافی الکفاة صاحب بن عباد نوشته بسند خود روایت کرده که جناب
صادق علیه السلام فرمودند بدرستیکه از برای حق تعالی حرمی است
وان مکه است واز برای رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم حرمی است
وان مدینه است وبرای امیر المؤمنین علیه السلام حرمیست وان کوفه

است از برای اهل بیت علیهم السلام حرم ایشان قم است و بعد از این دفن شود
در آنجا زنی از اولاد من که نامیده میشود بفاطمه هر که او را زیارت کند بهشت
از برای او واجب شود راوی گفت وقتی که حضرت این را فرمود هنوز حامله
نشده بود مادر حضرت موسی علیه السلام باز امام بزرگوار و بروایت
دیگر منقولست که زیارت فاطمه معادل با بهشتست و بدان که جماعت بسیاری
از بنات فاطمیه و سادات علویه در قم در قبه ستی فاطمه علیها السلام مدفونند
مثل جمله از دختران حضرت جواد علیه السلام چنانچه خواهد ذکر شد و
بسیاری از دختران موسی علیه السلام مبرقع مثل ام محمد و خواهرش میمونه
و خواهر دیگرش بریهیه و خواهر محمد بن موسی و غیر ایشان مثل ام اسحق جاریه
محمد بن موسی و ام حبیب جاریه محمد بن احمد الرضا چنانچه فاضل متقدم
در تاریخ خود فرموده پس از آن فرموده که از جمله قبوری که در قم است
قبر ابی جعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهما السلام است و او اول
کسیست که از سادات رضویه که وارد قم شد و پیوسته برقع بر روی کشیدی
بود پس بزرگان عربها او را از قم بیرون کردند پس از آن پشیمان شدند و قدرش
شناختند و از او اعتذار خواستند و مکرما بقم واردش کردند و گرامی
داشتند او را و از اموال خود برای او خانه و مزرعه ها خریدند و حال
موسی در قم نیکو شد تا آنکه از مال خود قریه ها و مزارع خرید پس از آن
وارد شد بر او خواهرانش زینب و ام محمد و میمونه دختران حضرت جواد
علیه السلام پس بریهیه دختر موسی و تمام اینها مدفون شدند نزد
فاطمه سلام الله علیها و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الآخر

سنه دویست و نود و شش از دار دنیا رفت و مدفون شد در خانه خود و ضریحش الحال
معروفست قبرش پس از آن ذکر کرده قبور بسیاری از سادات رضویه و کثیری از
اولاد محمد بن جعفر الصادق علیه السلام و جمله از اولاد علی بن جعفر و قبور
جمعی از سادات حسنیه که محل ذکر آنها اینجا نیست بلی لازمست که جزئی اشاره
شود بحال موسی علامه مجلسی رحمه الله در تحفه فرموده که در قم قبور بسیار
هست که منسوب باولاد ائمه طاهرین علیهم السلام است و بعضی از آنها
انتسابش بآنها معلوم نیست و بعضی احوال ایشان معلوم نیست مثل
موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی علیه السلام که از بعضی احادیث مدح
او ظاهر میشود و ظاهر مراد جناب از بعضی احادیث حدیثی است که
شیخ مفید طاب ثراه در کتاب ارشاد در باب نصوص و معجزات ابی الحسن
هادی علیه السلام از حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر نقل میکند
که فی الجمله دلالت دارد بر آنکه موسی در زمان عنفوان عمر و جوانی
شرب نبیذ میکرد و لیکن این خبر ضعیف است بجهات چند اولاً لان
جهالت راوی آنخبر بلکه یعقوب که راوی متن خبر است ظاهراً از نزدیکان
متوکل است خبر را اگرچه شیخ مفید طاب ثراه ذکر فرموده که مقدم
بر علما و شیخ محدثین و متکلمین و فقها است بلکه غیر این جناب از دیگران
اما در باب فضائل و مناقب و معجزات و امثال این در نقل اخبار مسامحه
و مساهله داشتند بلکه اگر راوی از اعدا و مخالفین باشد در ذکر آن بیشتر
اعتنا داشتند و ثانیا آنکه گویند کلماتی که در عیب موسی است مثل
موسی فساق ظراف باکل و شرب آنچه همه از فساق و اتباع متوکل بودند

که شهادت تمام ایشان در شرع مطهر ثابت نشود نه جرحی و نه تعدیلی و ثالثاً
معارض بودن آن با خبریکه شیخ کلینی رحمه الله در کافی ذکر نموده که متضمن
است که اکرام حضرت جواد علیه السلام موسی را بر سبیل وصیت و در
آن تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرگوار مستقلاً متولی بود بر جمله از
موقوفات آنحضرت بی مشارکت احدی حتی برادر بزرگوارش خود متصرف
باشد در آنها و تولیت وقف از جانب امام علیه السلام از شواهد عدالت
و امانت و دیانت است چنانچه مخفی نیست و غیر اینها که تفصیل آن در رجال مشروح
است پس ظاهر شد که بمجرد این خبر نتوان در موسی قدح کرد و متعرض او شد
با آنکه موسی نعوذ بالله شارب الخمر بود و امثال آن که در لسان بعض بیخبران
و بیخردان از عوام دایر شده کاشف است از بی باکی و قلت مبالات و جهه
بیلت فرموده علامه مجلسی قده در مزار بحار الانوار که وارد شده بعضی
اخبار در ذم موسی لکن قدحی نمیرسانند بایشان بمجرد بعض خبرهای نادره با
وجود آنکه رسیده در خبری نهی از قدح در آنها و متعرض شدن بآنها
بجهت این نوع چیزها انتهی و بدانکه این موسی همان است که از کثرت فضائل
و مناقب و تقوی و سکوت نفس و حسن رفتار و اهل قم او را شبیه بائمه
کرده قایل بامامت میشدند او را و از انقیاد احکام محدثین قم بر همه
ظاهر و معلوم است که اگر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحالی یا دروغ گوئی روایت
کند او را طرد میکردند هر چند بزرگ و صاحب شان و منزلت بود و دانستی
احترام و اکرام ایشان از سید را او و در طبقه خود مثل احمد بن محمد بن
عیسی الاشعری و احمد بن اسحق و محمد بن یحیی و امثال ایشان بوده که بجهم کرده

بودند میان ریاست دنیا و آخرت و علما در کتب حدیث از او روایت میکنند
چون ثقة الاسلام در کافی و شیخ الطایفه در تهذیب در باب میراث
خنثی و حسن بن علی بن شعبه در تحف العقول و غیر ایشان و مثل معظمه نجیبه حضرت
حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی که چهار امام را درک نموده و بآنها خدمت کرده و در
میان سادات علویه و بنات هاشمیه از جهت فضائل و مناقب و عبادت و علم
ممتاز و محل اسرار امامت و بمنصب سفارت و رساندن عرایض خلق با امام
عصر علیه السلام و رساندن توقیعات شریفه سرافراز بود و قبر شریفش در
قبه سامیه عسکریین است و برخی از جلالت شان او در سابق گذشت و لکن
علما بجهت آن مکرمه زیارتی ذکر نفرموده اند پس باید زیارت نمود او را بزیارتی
که برای مطلق اولاد ائمه بعد از این ذکر میشود **و مثل امامزاده**
لازم التعظیم جناب عبد العظیم که نسب شریفش بچهار
واسطه منتهی میشود بامام حسن مجتبی ع و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور است
و بعلو مقام و جلالت شان معروف و از اکابر محدثین و اعاظم علما و زهاد
و عباد و صاحب ورع و تقوی و قائل بتوحید و عدل بوده و از اصحاب حضرت
جواد و حضرت هادی علیهما السلام است و نهایت توسل و انقطاع بخدمت
ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و او است صاحب کتاب
خطب امیر المؤمنین علیه السلام و فقیر را نسخه از نهایت شیخ طوسی رحمه الله
بخط بعض علما که تاریخ کتابت او روز سه شنبه پانزدهم ربیع الاول از سنه پانصد و
هفده هجری بوده در آخر جزء اول آن نوشته بود بسیاری از فضائل و علو مقام و زهد
علم و زهد و نسب جناب عبد العظیم را از آنجمله در وصف علم او نوشته بود که

روایت کرد ابو تراب رویانی گفت شنیدم از ابو حماد رازی که میگفت وارد شدم بر حضرت امام علی نقی علیه السلام در سر من رای پس سؤال کردم از انحضرت پاره از مسائل حلال و حرام پس جواب داد مسائل مرا تا انکه زمانیکه خواستم بیرون بیایم بوداع انحضرت رفتم همینکه وداع کردم انحضرت بمن فرمود ندای حماد و قتیکه مشکل شد چیزی از امور دین در ناحیه خود پس سؤال کن انها را از عبد العظیم بن عبد الله حسنی و سلام مرا باو برسان الخ و محقق داماد در رواشح گفته که احادیث بسیار در فضیلت و زیارت عبد العظیم وارد شده هر که زیارت کند قبر او را بهشت بر او واجب شود و شیخ شهید ثانی قده در حواشی خلاصه همین روایت را از بعض نسابین نقل فرموده و ابن بابویه و ابن قولویه بسند معتبر روایت کرده اند که مردی از اهل ری بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد که بزیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم فرمود که اگر زیارت میکردی قبر عبد العظیم را که نزد شما است هر اینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع کرده باشد و شیخ نجاشی در رجال بسند معتبر از احمد بن محمد بن خالد برقی روایت کرده که جناب عبد العظیم از خلیفه گریخت و بشهر ری امد در خانه مردی از شیعیان در سکة الموالی و در انجا عبادت خدا میکرد و پیوسته روزها روزه میداشت و شبها بنماز میایستاد و پنهان میماند و زیارت میکرد قبری را که در مقابل قبر او است و راهی که در بین است و میگفت این قبر مردی از فرزندان امام موسی علیه السلام است و پیوسته در انجا میبود و یکی بود و از شیعه خبر میشدند از احوال او تا انکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه

حضرت رسالت صلی الله علیه و اله و سلم در خواب دید که انحضرت فرمود مردی از فرزندان مرا از سکة الموالی بر خواهند داشت و مدفون خواهند کرد در نزد درخت سیب در باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب و اشاره فرمود بهمان مکان که در انجا مدفون است پس انشخص رفت که ان درخت و مکان را از صاحب باغ بخرد گفت از برای چه میخری این درخت و جای انرا انشخص خواب خود را نقل کرد صاحب باغ گفت که من نیز چنین خواب دیده ام و موضع این درخت را با جمیع باغ وقف کرده ام بر ان سید و سایر شیعیان که در انجا مردهای خود را دفن کنند پس عبد العظیم بیمار شد و برحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه کردند که غسل دهند در جیبش رقعه یافتند که در انجا نسب شریف خود را نوشته بود که منم ابو القاسم عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤلف گوید

در زاویه که طرف شمالی صحن جناب عبد العظیم است مزار دیگری است صاحب بقعه و قبه رفیعه و پیوسته محل زیارت مردمست و معروفست بامام زاده طاهر و از برای او زیارتی تالیف کرده اند که بعض فقرا تش مشعر است بانکه این امام زاده در سابق معلوم نبوده و تازه ظاهر شده

و اما الفاظیکه امامزادگان را بان زیارت

کرده میشوند پس چنان است که سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر ذکر نموده فرموده وقتی که قصد کردی زیارت کنی یکی از اولاد ائمه را مثل قاسم فرزند حضرت کاظم علیه السلام یا عباس فرزند امیر المؤمنین ع

يا علی بن الحسين که مقتول بطف است و هر کدام که جاری مجرای ايشان هستند در حکم پس ان باب نزد قبر ايشان بگو

السلام عليك ايها السيد الزكي الطاهر الولي والداعي الحفي اشهد انك قلت حقا ونطقت حقا وصدقا ودعوت الى مولاي ومولاك علانية وسرا فاز متبعك ونجى مصدقك وخاب وخسر مكذبك والمتخلف عنك اشهد لي بهذه الشهادة عندك لاكون من الفائزين بمعرفتك وطاعتك وتصديقك واتباعك والسلام عليك يا سيدي وابن سيدي انت باب الله المؤتى منه والماخوذ عنه اتيتك زائرا وحاجاتي لك مستودعا وها انا ذا استودعك ديني وامانتي وخواتيم عملي وجوامع املي الى منتهى اجلي والسلام عليك ورحمة الله وبركاته

مؤلف گويد

که قاسم بن کاظم عليه السلام که سيد بن طاوس ذکر نموده همان سيد جليل

القدر که مذکور شد و اين زيارت سيد بزرگوار نام دارد و نيز بزرگی شاد ابن طاوس و نيز سيد رضی فرموده زيارتی ديگر است که زيارت کرده ميشوند او لاد ائمه و آن چنان است که ميگوئی

السلام على جدك المصطفى السلام على ابيك المرتضى الرضا السلام على السيدين الحسن والحسين السلام على خديجة ام سيدة نساء العالمين السلام على فاطمة ام الائمة الطاهرين السلام على النفوس الفاخرة وبحور العلوم الزاخرة شفعائي في الآخرة واوليائي عند عود الروح الى العظام النخرة ائمة الخلق وولاة الحق السلام عليك ايها الشخص الشريف الطاهر الكريم اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا عبده ورسوله ومصطفاه وان عليا وليه ومجتباه وان الامامة في ولده الى يوم الدين نعلم ذلك علم اليقين ونحن لذلك معتقدون وفي نصرهم مجتهدون

مقام سيم

در بعضی مطالب متفرقه نافعه که در زيارت مطلب است

اول — توسل برسولخدا وائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در ایام هفته
شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح از ائمه علیهم السلام روایت کرده که مستحب است
ادمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام
بگوید و چهار رکعت را هدیه بحضرت رسولخدا صلی الله علیه واله وسلم
بگرداند و چهار رکعت را هدیه بحضرت فاطمه سلام الله علیها و در روز
شنبه چهار رکعت بکند و هدیه بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه گرداند
و همچنین هر روز چهار رکعت کند هدیه امامی گرداند بترتیب تا آنکه در روز
پنجشنبه چهار رکعت و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام گرداند و باز در روز
جمعه هشت رکعت کند و چهار رکعت را هدیه بحضرت رسول صلی الله علیه واله
وسلم و چهار رکعت را هدیه بحضرت فاطمه علیها السلام گرداند در روز شنبه
چهار رکعت هدیه امام موسی علیه السلام گرداند و همچنین هر روز چهار
رکعت بگذارد و با مامی هدیه گرداند بترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت
را هدیه امام عصر عجل الله فرجه گرداند و ما بین هر دو رکعت از این نمازها
این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ
حَيِّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ
مِنِّي اِلٰى وَلِيِّكَ فُلَانٍ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا
وَاَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَفِيهِ

پس هر دعائی که میخواهد بکند و بجای فلان اسم معصوم را میگوید که نماز را

برای هدیه او بجا میاورد

مؤلف گوید

که نسبت امام بچهارده معصومین صلوات الله علیهم بحسب اعمال و اوراد دیگر با یدا تنها
متوسل شد با ایشان بجهة رسیدن بمنافع داخلیه و خارجیه دنیویه و اخرویه
و دفع کردن بلاهای اسمانی و زمینی و شرور شیاطین انسی وجنی مختلف
رسیده اما در توسل بحضرت رسول و ائمه بوسیله نماز و بردن هدیه
نماز در نزد ایشان پس چنانست که ذکر شد و اما بوسیله زیارت و توسل
بسلام و ثنا گوئی و مدحت پس بنحویکه سید ابن طاوس رضی الله عنه
در کتاب جمال الاسبوع ذکر نموده (شنبه منسوبست برسولخدا صلی الله علیه واله
وسلم) (و یکشنبه با میر المؤمنین علیه السلام) (و دوشنبه با مام حسن وامام حسین)
(وسه شنبه با مام سجاد وامام محمد باقر وامام جعفر صادق علیهم السلام)
(و چهارشنبه بحضرت کاظم وامام رضا وامام محمد تقی وامام علی نقی ع)
(و پنجشنبه با مام حسن عسکری علیه السلام) (و روز جمعه منسوبست
با مام عصر صلوات الله علیه و باسم او است و آن روزی است که ظاهر
خواهد شد در آن روز و برای هر روز زیارتی ذکر نموده و در هر یک
از آنها اشاره شده باین مطلب که امروز روز شما است و من در این روز
میهمان شما یم پناه بشما آورده ام مرا ضیافت کنید و پناه دهید و این
ترتیب مطابق است با روایتی که از حضرت هادی علیه السلام رسیده
یکی را صدوق از صقر بن ابی دلف و دیگری را قطب راوندی از ابی
سلمان بن اورمه نقل نموده اند و ذکر این خبر و زیارت منافات با اختصار

دارد طالب من از موضع شرایط من نماید تحقیق نماند که چنانچه از برای ایام هفته
وساعات روز تقسیمی است بائمه از برای ایام ماه نیز تقسیمی است منسوب
بایشان که در هر روز تا یه خوانده شود تسبیحی است مخصوص باز حجة که آن
روز منسوب باو است وسید فضل الله راوندی در کتاب دعوات آن تسبیح
را ذکر نموده . **کرّمه** رقعه استغاثه است بحضرت صاحب الامر عجل الله
فرجه شیخ کفعمی در جنة الواقیة ومحقق سبزواری در مفاتیح النجاة
ودیگران ذکر کرده اند که استغاثه است بحضرت مهدی صلوات الله علیه مینویسی
آنچه را که ذکر میکنیم ومیاندازی او را بر قبری از قبور ائمه یا رقعه را می بندی و
مهر میکنی ودر میان گل پاکیزه میگذاری ومیاندازی او را در نهر یا چاه یا در
غدیری که آن رقعه میرسد بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه وارجناب خود
متکفل میشود بر آوردن حاجت تو را وآنچه در رقعه مینویسی این است

بسم الله الرحمن الرحیم

كَتَبْتُ يا مَوْلايَ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ مُسْتَغيثاً وَشَكَوْتُ ما نَزَلَ بي مُسْتَجيراً
بِاللهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَني وَأَشْغَلَ قَلْبي وَأَطالَ فِكْري وَ
سَلَبَني بَعْضَ لُبّي وَغَيَّرَ خَطيرَ نِعْمَةِ اللهِ عِنْدي أَسْلَمَني عِنْدَ تَخَيُّلِ
وُرُودِهِ الْخَليلُ وَتَبَرَّأَ مِنّي عِنْدَ تَرائي إِقْبالِهِ إِلَيَّ الْحَميمُ وَعَجَزَتْ
عَنْ دِفاعِهِ حيلَتي وَخانَني في تَحَمُّلِهِ صَبْري وَقُوَّتي فَلَجَأْتُ فيهِ
إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَناؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ في
دِفاعِهِ عَنّي عِلْماً بِمَكانِكَ مِنَ اللهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَلِيِّ التَّدْبيرِ وَ
مالِكِ الْأُمُورِ وَاثِقاً بِكَ فِي الْمُسارَعَةِ فِي الشَّفاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَناؤُهُ

فی أَمْري مُتَيَقِّناً لِإِجابَتِهِ تَبارَكَ وَتَعالى إِيّاكَ بِإِعْطاءِ سُؤْلي وَأَنْتَ
يا مَوْلايَ جَديرٌ بِتَحْقيقِ ظَنّي وَتَصْديقِ أَمَلي فيكَ في أَمْرِ كَذا وَكَذا
وبجای کذا وکذا حاجت خود را بنویسد
فيما لا طاقَةَ لي بِحَمْلِهِ وَلا صَبْرَ لي عَلَيْهِ وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقّاً لَهُ وَلِأَضْعافِهِ
بِقَبيحِ أَفْعالي وَتَفْريطي فِي الْواجِباتِ الَّتي لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَغِثْني يا مَوْلايَ
صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهَفِ وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ في
أَمْري قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ وَشَماتَةِ الْأَعْداءِ فَبِكَ بُسِطَتِ النِّعْمَةُ عَلَيَّ
وَاسْأَلِ اللهَ جَلَّ جَلالُهُ لي نَصْراً عَزيزاً وَفَتْحاً قَريباً فيهِ بُلُوغُ الْآمالِ
وَخَيْرُ الْمَبادي وَخَواتيمُ الْأَعْمالِ وَالْأَمْنُ مِنَ الْمَخاوِفِ كُلِّها في
كُلِّ حالٍ إِنَّهُ جَلَّ ثَناؤُهُ لِما يَشاءُ فَعّالٌ وَهُوَ حَسْبي وَنِعْمَ الْوَكيلُ فِي
الْمَبْدَءِ وَالْمَآلِ

پس میروی نزد نهر یا غدیر آب وقصد میکنی یکی از نوّاب صاحب الامر صلوات
الله علیه که عثمان بن سعید عمری یا پسر او محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی
بن محمد سمری قدّس سرّهم را که این جماعت وکلاء ونایبان آنحضرت بودند در غیبت
صغری پس ندا میکنی یکی از ایشان را که یا فلان بن فلان سلام علیک اشهد
أَنَّ وَفاتَكَ في سَبيلِ اللهِ وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ وَقَدْ خاطَبْتُكَ
في حَيوتِكَ الَّتي لَكَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهذِهِ رُقْعَتي وَحاجَتي
إِلى مَوْلانا صَلَواتُ اللهِ عَلَيْهِ فَسَلِّمْها إِلَيْهِ فَأَنْتَ الثِّقَةُ الْأَمينُ
ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم که وفات تو در راه خدا
بود وتو زنده در نزد خدای عزّ وجلّ که تو را روزی میدهد وبا تو مخاطبه

میکنم در این زندگانی که داری در نزد خداوند عزوجل و این رقعه حاجت من است بسوی مولای ایمان پس برسان و تسلیم کن او را از جناب که نوشته و امیدی پس بعد از آن رقعه را در نهر یا در چاه یا در غدیر آب انداخته شود حاجت تو انشاء الله تعالی

و نیز شیخ کفعمی قدس سره نقل فرموده

روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که هرگاه تو را حاجتی بسوی خدا باشد یا از امری خائف و ترسان باشی بنویس در کاغذی بعد از (بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اتوجه الیک باحب الاسماء الیک و اعظمها لدیک و اتقرب و اتوسل الیک بمن اوجبت حقه علیک بمحمد و علی و فاطمة و الحسن و الحسین) و نام میبری یکیک از ائمه علیهم السلام را پس مینویسی (اکفنی کذا و کذا) بجای حاجت خود را ذکر میکنی پس میپیچی رقعه را و میگذاری او را در بندقه از گل و میاندازی او را در آب جاری یا چاه که خداوند تعالی فرج کرامت

مؤلف گوید

که نسخه رقعه استغاثه بسوی حضرت حجت صلوات الله علیه بانحاء کثیره روایت شده و نیز بعضی از آنها را علامه مجلسی رحمه الله در کتاب مزار بحار که محل آنها است ذکر فرموده ولکن نسخه بنظر رسیده که نزدیان دو کتاب نه در کتب ادعیه متداوله ذکر شده لهذا نقل از آن در اینجا لازم دیدم فاضل متبحر محمد بن محمد الطیبانی از علماء دولت صفویه در کتاب انیس العابدین که علامه مجلسی در بحار و فاضل خبیر میرزا عبدالله اصفهانی در صحیفه ثالثه از آن نقل میکنند نقل کرده از کتاب سعادات با ابن

عبارت دعای توسل برای هر مهمی و حاجتی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ تَوَسَّلْتُ اِلَیْکَ یَا اَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ النَّبَأِ الْعَظِیمِ وَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِیمِ وَ عِصْمَةِ اللَّاجِینَ بِاُمِّکَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ بِآبَائِکَ الطَّاهِرِینَ وَ بِاُمَّهَاتِکَ الطَّاهِرَاتِ بِیس وَ الْقُرْآنِ الْحَکِیمِ وَ الْجَبَرُوتِ الْعَظِیمِ وَ حَقِیقَةِ الْاِیمَانِ وَ نُورِ النُّورِ وَ کِتَابٍ مَسْطُورٍ اَنْ تَکُونَ سَفِیرِی اِلَی اللهِ تَعَالَی فِی الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ اَوْ هَلَاکِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

و این رقعه را در گل پاکی بگذار و در آب جاری یا چاهی بینداز و در آن حال بگو یا سَعِیدَ بْنَ عُثْمَانَ وَ یَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِیدٍ اَوْصِلَا قِصَّتِی اِلَی صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَیْهِ

نسخه چنین بود لکن بملاحظه روایات و طریقه بعضی از رقاع که از آنجمله رقعه ایست که اول ذکر شد باید چنین باشد یا عُثْمَانَ بْنَ سَعِیدٍ وَ یَا مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ الخ وَ اللهُ الْعَالِمُ

سیم در ذکر عملی برای برآمدن حوائج

ثقة الاسلام در کافی بسند معتبر روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدایت شوم بدرستیکه من از پیش خود دعائی اختراع کردم آنحضرت فرمود واگذار مرا از آنچه خود اختراع کرده هرگاه تو را حاجتی رو دهد پس پناه بر برسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دو رکعت نماز کن و هدیه کن از برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم بچه نحو کنم این نماز را فرمود

غسل میکنی و دو رکعت نماز میگذاری و افتتاح میکنی این دو رکعت را مثل افتتاح فریضه و تشهد بخوان بنحویکه در نماز واجب خود میخوانی پس چون فارغ شدی از تشهد و سلام گفتی میگوئی

اللّهُمَّ أَنْتَ السَّلامُ وَمِنْكَ السَّلامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلامُ اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلامَ وَأَرْوَاحَ الْأَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلامِي وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلامَ وَالسَّلامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اللّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَثِبْنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

پس بسجده میروی و میگوئی چهل مرتبه يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلالِ وَالْإِكْرامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس جانب راست روی را بر زمین میگذاری و میگوئی این دعا را نیز چهل مرتبه پس جانب چپ روی را بر زمین میگذاری و باز چهل مرتبه میگوئی پس سر از سجده بر میداری و دستها را بلند میکنی و چهل مرتبه میخوانی پس دست را میگردانی بر دور گردن خود میگذاری و انگشت شهادت دست راست را بجانب راست و چپ حرکت میدهی و چهل مرتبه میگوئی پس میگیری ریش خود را بدست چپ و گریه میکنی و اگر گریه ات نیاید تباکی میکنی و میگوئی

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللهِ أَشْكُو إِلَى اللهِ وَإِلَيْكَ حَاجَتِي وَأَشْكُو إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَبِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللهِ فِي حَاجَتِي

پس بسجده میروی و میگوئی يَا اللهُ يَا اللهُ تا نفس منقطع شود

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

و بجای افعل کذا و کذا حاجت خود را طلب میکنی پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که من ضامنم بر خدای عزوجل که از جای خود حرکت نکنی مگر آنکه حاجت تو برآورده شده

چهارم نماز استغاثه

شیخ کفعمی در بلد الامین ذکر نموده و شیخ جلیل ابو الحسن سلیمان بن الحسن صهرشتی که از مشاهیر تلامذه شیخ طوسی است در کتاب قبس المصباح آن را روایت کرده از مفضل بن عمر که حضرت صادق علیه السلام فرمود هرگاه تو را حاجتی باشد بسوی خدا و سینه ات از آن تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام بگوئی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح فاطمه را بگو پس بسجده برو و بگو صد مرتبه

يَا مَوْلَاتِي يَا فَاطِمَةُ أَغِيثِينِي

پس جانب راست رو را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ رو را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز بسجده رو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستیکه خداوند بر میآورد انشاء الله

پنجم [illegible]

جناب ابی عبدالله الحسین علیه السلام و متضمن است مضامین عالیه را سزاوار که انسان از فیض خواندن آن خود را محروم نکند اول شیخ مفید در ارشاد روایت کرده از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که فرمود چون صبح روز عاشورا شد و سواران رو بجانب او روانه شدند حضرت حسین دستها را بلند کرد و گفت

اللّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ يَضْعُفُ عَنْهُ الْفُؤَادُ

وَتَقِلُّ عَنْهُ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ

دوم عالم جلیل سید فضل الله

راوندی در کتاب دعوات روایت کرده از امام زین العابدین علیه السلام که فرمود پدرم مرا در بر گرفت و بسینه خود چسبانید در روزی که کشته شد (وَالدِّمَاءُ تَغْلِي) و خون از بدن مبارکش جوش میخورد و فرمود ای پسر من حفظ کن از من دعائی را که تعلیم فرمود او را فاطمه علیها السلام و تعلیم فرمود باو رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم و تعلیم نموده بانجناب جبرئیل علیه السلام از برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت که نازل میشود و امر عظیم دشوار و فرمود بگو

بِحَقِّ يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طه وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

و بجای کذا وکذا حاجات خود را بخواهد

سیم شیخ طوسی ره در کتاب

مصباح متهجد در ضمن اعمال روز سیم ماه شعبان فرمود که بخوانند دعای حسین علیه السلام را و آن آخر دعائیست که خواند آن را در روزی که لشکر بر انجناب احاطه کرده بود اَللّٰهُمَّ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ الخ که ذکر تمام آن با اختصار منافات

دارد و ما در صحائف النور آن را ذکر کردیم

ششم در بیان آداب زیارت بنیابت بدانکه ثواب

زیارت هریک از رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین را هدیه روح مقدس هریک از ایشان میتوان کرد و همچنین بروح هریک از مؤمنین و زیارت بنیابت ایشان میتوان کرد چنانچه شیخ طوسی در تهذیب بسند معتبر روایت کرده از داود صرمی که گفت بخدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام عرض کردم که من زیارت کردم پدرت را و ثوابش را از برای شما قرار دادم حضرت فرمود که از برای تو است از جانب حق تعالی اجر و ثواب عظیم و از جانب ما حمد و ثنا و شیخ محمد بن المشهدی در مزار خود گفته که روایت کرده اند اصحاب ما جمیعا که حضرت صادق علیه السلام طلبید یکی از شیعیان داود راهی نزد او ورد و فرمود این دراهم را بگیر و حج کن از جانب پسر من اسمعیل تا بوده باشد از برای تو نه قسمت از ثواب و از برای اسمعیل یک قسمت ونیز در مزار گفته که امام علی نقی علیه السلام فرستاد شخصی را بمشهد ابی عبد الله الحسین علیه السلام که از جانب او زیارت کند و فرمودند بدرستیکه مکانهائی چند است که حقتعالی دوست میدارد که در آنها خوانده شود و اجابت فرماید و بدرستیکه حایر امام حسین علیه السلام از جمله آن مکانها است و شیخ شهید ره در دروس فرموده و مستحب است برای کسیکه بزیارتی مشرف میشود زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان پس بگوید (اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ مِنْ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اَتَيْتُكَ زَائِرًا عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ) و دعا کند از برای او و شیخ کلینی در

کافی و شیخ طوسی در تهذیب بسند معتبر نقل کرده‌اند از ابراهیم حضرمی که
وقتی که از مکه معظمه مراجعت کردم و بمدینه مشرف شدم بخدمت حضرت
موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم رسیدم
و آنحضرت ما بین قبر و منبر نشسته بود پس عرض کردم بآنجناب که با
وقتیکه من از ولایت بیرون آمدم بسمت مکه بنا اگر گفت کسی که طواف
جانب من هفت شوط و دو رکعت نماز گذار پس شد که من غفلت کردم
از او و بجا نیاوردم الحال که مراجعت ببلد کنم ندانم چه گویم او را آنجناب فرمود
وقتی که بروی بمکه و نسک اعمال خود را بجا آوردی پس یک اسبوع یعنی هفت
شوط طواف کن و دو رکعت نماز گذار و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الطَّوافَ وَ هاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ عَنْ اَبی وَ اُمّی وَ زَوْجَتی
وَ عَنْ وَلَدی وَ عَنْ حامَتی وَ عَنْ جَمیعِ اَهْلِ بَلَدی حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ وَ
اَبْیَضِهِمْ وَ اَسْوَدِهِمْ

پس نمیگوئی بمردی از اهل بلد که من از جانب تو طواف کردم و دو رکعت نماز
کردم مگر آنکه در گفته خود صادق و راستگو بوده و همچنین وقتیکه
بزیارت قبر مطهر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیائی و از اعمال زیارت
خود فارغ شوی پس دو رکعت نماز گذار و بایست نزد سر رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم پس بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللّٰهِ مِنْ اَبی وَ اُمّی وَ زَوْجَتی وَ وَلَدی وَ حامَتی وَ
مِنْ جَمیعِ اَهْلِ بَلَدی حُرِّهِمْ وَ عَبْدِهِمْ وَ اَبْیَضِهِمْ وَ اَسْوَدِهِمْ

پس هر کس از اهل بلد خود بگوئی که من رسول خدا را از جانب تو زیارت کردم

صادق خواهی بود و شیخ محمد بن المشهدی در مزار گفته روایت شده که از
ائمه صادقین علیهم السلام سؤال کردند از مردی که دو رکعت نماز میکند یا
یک روز روزه میدارد یا حجه یا عمره بجا میاورد یا زیارت میکند رسول
خدا یا یکی از ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین را و هر کدام را که بجا
آورد ثواب او را از برای والدین خود یا برادر مؤمن خود قرار میدهد یا او را ثوابی
هست فرمودند بدرستیکه ثواب آن عمل میرسد بکسیکه از برای او قرار داده
شده بی آنکه از ثواب و اجر او چیزی کم شود و شیخ طوسی در تهذیب فرموده
است کسیکه بنیابت برادر مؤمن خود بزیارت رود باجرت چون فارغ شود
از غسل زیارت یا از عمل زیارت چنانچه در بعض نسخ است بگوید

اَللّٰهُمَّ ما اَصابَنی مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ اَوْ شَعَثٍ اَوْ لُغُوبٍ فَاْجُرْ فُلانَ بْنَ فُلانٍ

و بجای فلان بن فلان اسم آنشخص و پدر او را ذکر کند

اَتَیْتُکَ زائِراً عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّکَ

پس هر دعا که خواهد از برای او بکند

هفتم در آداب ملاقات زائرین

شیخ شهید در دروس فرموده مستحب مؤکد است زیارت اخوان فی الله
پس همینکه بزیارت او روند و نازل شود در حکم او و خدمت نفرماید بر او و
تکلیف ننماید او را و مستحب است او را که استقبال کند برادرش را که از زیارت
آمده و مصافحه و معانقه کند و ببوسد هر یک پیشانی یکدیگر را و اگر دست
زائر را بوسه دهد جایز است و بخصوص دست علما و ذریه رسول خدا
بجهت فرموده حضرت صادق علیه السلام بوسه داده نشود دست احدی

مگر دست کسی که آزاده شده باشد او رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
و روایت شده بوسیدن حاجی را وقتی که از حج آمده تا آن که فرموده
روایت کرده است شیخ کلینی از ابی حمزه از حضرت صادق علیه السلام
هر که زیارت کند برادر مؤمن خود را برای حق تعالی موکل گرداند بر او حقتعالی هفتاد
هزار ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و پاکیزه و گوارا باد برای تو بهشت
و علامه مجلسی ره در بحار گفته که روایت شده در بعض مؤلفات اصحاب ما
از معلی بن خنیس که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه شخصی از برادران
مؤمن شما برگردد از زیارت ما یا زیارت قبرهای ما پس او را استقبال کنید
و بر او سلام کنید و او را تهنیت و مبارک باد بگوئید بآن کرامتی که خداوند باو
عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرموده که
شما را رحمة الهی که او را فرو گرفته است بدرستیکه هر که زیارت کند ما را
یا قبرهای ما را البته رحمة الهی او را فرو گیرد و گناهانش آمرزیده شود

فصل هشتم در فضیلت و کیفیت زیارت

اموات مؤمنین است شیخ عالم کامل جعفر بن قولویه در کامل بسند معتبر از
عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت شنیدم از ابو الحسن اول حضرت
موسی ع که میفرمود هر که قادر نباشد بزیارت ما پس زیارت کند صلحای
موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسیکه قادر نباشد
بر صله و نیکی بما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او
نوشته شود ثواب صله و نیکی بما و نیز ابن قولویه بسند صحیح روایت کرده
از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری که گفت من در فید که اسم منزلی است در طریق

مکه با علی بن بلال رفتم بزیارت قبر محمد بن اسماعیل بن بزیع پس علی بن بلال برای من
گفت که صاحب این قبر روایت کرد از برای من از حضرت رضا علیه السلام که فرمود هر که
بیاید نزد قبر برادر مؤمن خود و دست بر قبر گذارد و هفت مرتبه بخواند سوره انا
انزلناه را ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و در روایت دیگر مثل همین
را نقل کرده مگر آنکه دارد رو بقبله کند و نیز در کامل الزیارة بسند معتبر منقول است
که عبد الرحمن بن ابی عبد الله بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه
بگذارم دست خود را بر قبور پس حضرت دست خود را اشاره بزمین فرمود و دست بر
زمین گذاشت در حالی که آنحضرت مقابل قبله بود و نیز بسند صحیح منقول است
که عبد الله بن سنان بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه سلام باید کرد
بر اهل قبور فرمود میگوئی

السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ إِنْ شَاءَ اللهُ
بِكُمْ لَاحِقُونَ

و از حضرت امام حسین ع روایت شده که هر که داخل قبرستان شود بگوید

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْأَرْوَاحِ الْفَانِيَةِ وَالْأَجْسَادِ الْبَالِيَةِ وَالْعِظَامِ النَّخِرَةِ الَّتِي
خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْيَا وَهِيَ بِكَ مُؤْمِنَةٌ أَدْخِلْ عَلَيْهِمْ رَوْحاً مِنْكَ وَسَلَاماً
مِنِّي) بنویسد حقتعالی از برای او حسنات بعدد خلق از زمان آدم تا قیام قیامت
و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام منقول است که هر که داخل قبرستان شود
و بگوید) بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ
مِنْ أَهْلِ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ يَا أَهْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بِحَقِّ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ كَيْفَ
وَجَدْتُمْ قَوْلَ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ مِنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ بِحَقِّ

لا اِلهَ اِلّا اللهُ اِغفِر لِمَن قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَاحشُرنا فی زُمرَةِ مَن قالَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللهِ) حقتعالی سبحانه ثواب پنجاه سال عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه سال را از او و از پدرش و مادرش محو گرداند و در روایت دیگر وارد شده است که بهتر سخنی که در قبرستان بگوئی چون از آن بگذری این است که با ایستی و بگوئی

اَللّهُمَّ وَلِّهِم ما تَوَلَّوا وَاحشُرهُم مَعَ مَن اَحَبُّوا

و سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر گفته در وقتی که قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر وقت که خواستی و کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو به قبله کنی و بگذاری دست خود را بر قبر و بگوئی

اَللّهُمَّ ارحَم غُربَتَهُ وَصِل وَحدَتَهُ وَآنِس وَحشَتَهُ وَآمِن رَوعَتَهُ وَاَسکِن اِلَیهِ مِن رَحمَتِکَ رَحمَةً یَستَغنی بِها عَن رَحمَةِ مَن سِواکَ وَاَلحِقهُ بِمَن کانَ یَتَوَلّاهُ

پس میخوانی سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و روایت شده در صفت زیارتشان و ثواب و حدیث دیگر از فضیل که گفت هر که بخواند سوره انا انزلناه را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی بسوی قبر او فرستد که عبادت کند خداوند را نزد قبر او و بنویسد حقتعالی از برای میت ثواب عمل آن ملک را پس چون از قبرش مبعوث شود به هیچ هولی از اهوال قیامت نگذرد مگر آنکه حقتعالی بگرداند آن هول را از او و بسبب آن ملک تا خدا داخل بهشت گرداند او را و با هفت مرتبه سوره انا انزلناه سوره حمد و دو سوره قل

اعوذ و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک سه مرتبه بخواند و نزد روایت شده در وصف زیارت اینها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت بحضرت جناب صادق علیه السلام عرض کردم که مردگان را زیارت بکنم فرمود بلی گفتم آیا اینها میدانند که زیارت اینها رفته‌ایم فرمود بلی قسم بخدا میدانند و شاد میشوند و با شما انس میگیرند عرض کردم که چه بگوئیم وقتی که زیارت ایشان رویم فرمود بگو

اَللّهُمَّ جافِ الاَرضَ عَن جُنُوبِهِم وَلَقِّهِم مِنکَ رِضواناً وَاَسکِن اِلَیهِم مِن رَحمَتِکَ ما تَصِلُ بِهِ وَحدَتَهُم وَتُؤنِسُ وَحشَتَهُم اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ

پس سید فرموده و در وقتی که بوده باشی پیش قبرها بخوان یازده مرتبه قل هو الله احد را و هدیه کن آنرا از برای ایشان بتحقیق که روایت شده که حقتعالی بعدد مردگان ثواب میدهد انتهی و عالم جلیل سید فضل الله راوندی در دعوات ذکر کرده که جناب ابی ذر رحمه فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بمن فرمود ای ابوذر وصیت میکنم تو را پس حفظ کن آنرا شاید خداوند برساند بتو نفعی بسبب آن مجاور شو با قبور تا متذکر شوی بآنها آخرت را و زیارت کن قبور را در اوقات روزها و زیارت مکن آنها را بشب

مؤلف گوید

مشهور اینست که بر روی قبر راه رفتن بی ضرورتی مکروه است و در من لا یحضره الفقیه حدیث معتبری از موسی بن جعفر علیه السلام منقول است که چون بقبرستان روی بر روی قبرها راه رو که هر که مؤمن است راحت مییابد و هر که منافق است متالم میشود و اکثر علما این حدیث را حمل بضرورت

کرده اند و بیان کرده زیارت قبور مسلمین ثواب بسیار و اجر بیشمار دارد و فوائد عظیمه در
اینست باعث عبرت آگاهی و زهد در دنیا و رغبت بآخرت میشود و در وقت اندوه
بسیار و شادی بسیار باید بقبرستان رود که در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا
حلاوت دنیا از دلش برود و شدت شهد کالای دنیوی در کامش تلخ شود و تفکر
کند در فنای دنیا و انقلاب احوال آن بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان
خواهد گردید و دستش از عمل کوتاه خواهد شد و پشیمانی و ندامت برای
او سودی نبخشد و باید که در قبرستان نخندد و حرفهای لغو و بیهوده و سخنان
ناشایسته و بی فائده را ترک کند که هر چیز اثرش بیشتر است در قساوت قلب
دل تا آنکه از زیارت قبور و مجاورت موتی منتفع شود و باید امتیاز دهد در تعظیم
و تکریم و کثرت زیارت مراقد اصحاب نبی و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که حسن حال
ایشان معلوم و علو مقامشان معروف چون جناب سلمان و ابی ذر و مقداد
و عمار و حذیفه و جابر و میثم تمار و رشید هجری و کمیل و قنبر و زراره و محمد بن مسلم
و برید و ابی بصیر و فضیل بن یسار و امثال ایشان از افاضل اصحاب ائمه که حال ایشان
معلوم است از کتب رجالیه و عدد شان زیاده بر آنست که در اینجا درج شود با دانستن
موضع قبرشان و همچنین مشاهیر از محدثین و اکابر علما حافظین آثار ائمه طاهرین مثل
شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی و شیخ مفید و علم الهدی و سید رضی و
سید بن طاوس و محقق و آیة الله علامه حلی و علامه مجلسی و غیر ایشان از قدما و متأخرین
رضوان الله علیهم که ذکرشان با اختصار منافات دارد و بسیاری از علما و
محدثین هم هست که باید درک زیارت آنها را نمود مثل علی بن بابویه و محمد بن قولویه
و زکریا بن ادم و زکریا بن ادریس و آدم بن اسحق و قطب راوندی و محقق قمی و غیره

ایشان قدس الله ارواحهم که زیارت آنها آثار عظیمه و فوائد جلیله و ثوابهای
جزیله مترتب است بلکه سزاوار است از برای خصوص اهل علم که
زیارتشان علما و صلحا و صاحبان نفوس کامله را زیاد تر باشد از سایرین
و توقفشان در آنجا بیشتر چه آنکه از برای تلطیف ذهن و واضح شدن مشکلات
علوم و درک فیوضات و تجلی اشراقات مدخلیت تام دارد و باین جهت وصیت
کرد خاتم الحکماء الیونانیین ارسطوطالیس در مدینه اسطاغیرا که بلدی بود
خود تجدید بنا کرده بود از دنیا رفت اهل اسطاغیرا جمع کردند استخوانهای
او را پس از آنکه پوسیده شده بود و ظرفی از مس گذاردند و او را دفن کردند
در موضعی که معروفست باسم خود ارسطوطالیس و آن مکان را مجمع خود قرار
داده و در آنجا جمع میشدند از برای مشاورت در کارهای بزرگ و امورات
جلیله و هر وقت بر ایشان مشکل میشد مطلبی از فنون علم و حکمت قصد آنجا
مینمودند و در سر قبر او می نشستند و مشغول بمناظره و مباحثه میشدند زمانی
خود تا آنکه واضح میشد بر ایشان آنچه مشکل شده بود و چنان اعتقاد داشتند
که آمدن بموضعی که ارسطو در آن دفن شده بر عقل و ذکاء ایشان می افزاید
و اذهان ایشان را تلطیف و پاکیزه میکند و نیز این را تعظیمی برای ارسطو
میدانستند در بعد مرگ او و باعث تأسف بر فراق و حزن
و اندوه بر آن فجیعه و مصیبت فقدان ینابیع حکمت او
میدانستند هذا آخر ما اراد قدس سره فی هذه الرسالة الشریفة



مطلب ششم کتاب مستطاب

چون در این کتاب کیفیت و آداب زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه و ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین و سایر اعمال مدینه منوره علی ساکنیها الاف الثناء و التحیة ذکر نشده بود و همچنین کیفیت و آداب زیارت ثامن الائمة علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه این اقل خدام شریعت مطهره باشاره بعضی از علماء اعلام مد ظلهم از کتاب مزار مجلسی علیه الرحمه در ضمن دو باب این زیارات را نقل نموده و در اینجا ایراد نمودم تا زائرین را حاجت بکتابی دیگر نباشد

باب اول

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهرا و ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین و در آن چند فصل است

فصل اول

در فضیلت زیارت ایشان در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هرگاه احدی از شما حج کند باید که ختم کند حج خود را بزیارت ما زیرا که این از تمامی حج است و در حدیث دیگر فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مرا زیارت کند در حیاة من یا بعد از فوت من شفیع او گردم من در روز قیامت و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که تمام کنید حج خود را بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که ترک زیارت آن حضرت بعد از حج جفا و خلاف ادب است و شما را امر باین کرده اند و بروید بزیارت قبور چند که خدا لازم گردانیده است بر شما حق آنها و زیارت آنها را و روزی از خدای تعالی طلب کنید نزد آن قبرها و بسند معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که حق تعالی پیغمبر ش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را افضل کرد از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه و اطاعت او را اطاعت خود شمرده و بیعت او را بیعت خود شمرده و زیارت او را در دنیا و آخرت زیارت خود شمرده و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که مرا زیارت کند در حال حیاة یا بعد از فوت چنانست که حق تعالی شانه را زیارت کرده باشد و بسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بسوی مکه آید برای حج و مرا زیارت نکند در مدینه جفا کرده ام او را در روز قیامت و هر که بزیارت من بیاید واجب شود برای او شفاعت من و هر که واجب شود او را شفاعت من بهشت او را واجب گردد و هر که در حرم مکه

یا حرم مدینه بمیرد او را در قیامت حساب نکنند و مرده باشد هجرت کننده بسوی خدا و محشور شود در روز قیامت با شهیدان بدر و بچندین سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امام حسن علیه السلام از حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم پرسید که چه ثواب دارد کسی که ترا زیارت کند فرمود ای فرزند هر که مرا زیارت کند در حال حیات من یا بعد از موت من یا پدرت را زیارت کند یا تو را زیارت کند لازمست بر من که او را زیارت کنم در روز قیامت پس خلاص کردانم او را از گناهانش و او را داخل بهشت کردانم و ایضا در احادیث معتبره منقولست که روزی حضرت امام حسن علیه السلام در دامن حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم نشسته بود پرسید که ای پدر چه ثوابست کسی را که ترا بعد از موت تو زیارت کند فرمود ای فرزند هر که مرا بعد از موت من زیارت کند از برای اوست بهشت و هر که پدر تو را بعد از موت او زیارت کند از برای اوست بهشت و هر که برادرت را بعد از موت او زیارت کند از برای اوست بهشت و هر که تو را بعد از موت تو زیارت کند از برای او است بهشت و بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هر که بزیارت من بیاید من شفیع او باشم در روز قیامت و در حدیث صحیح و قوی منقولست که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسیدند که چه ثواب دارد کسیکه زیارت کند رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم را و بقصد زیارت آمده باشد فرمود که از برای او است بهشت و از حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم منقولست که هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از وفات من در جوار من باشد در روز قیامت و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود هر که مرا زیارت کند بعد از وفات من چنانست

که مرا زیارت کرده باشد در حیات من و من گواه و شفاعت کننده او باشم در روز قیامت و در حدیث معتبر از علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هر که قبر مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست که هجرت کرده باشد بسوی من در حیات من و اگر نتوانید بیائید سلام بفرستید بسوی من که بمن میرسد و در حدیث معتبر از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم برابر است با حج مقبولی که با رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بجا آورده باشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم را زیارت کند چنانست که حقتعالی را در عرش عبادت کرده باشد و بسند معتبر مرویست که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام سؤال نمودند که کدام بهتر است کسیکه بحج برود و بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم نرود یا بزیارت آنحضرت برود و بحج نرود حضرت از سائل پرسید که شما چه میگوئید در این باب گفت ما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را بهتر از حج میدانیم چون زیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم را بهتر میدانیم حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود و رفت بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم و بر آن حضرت سلام کرد و فرمود که ما بر همه اهل شهرها فضیلت داریم خواه مکه و خواه غیر مکه بسبب زیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رفت حضرت از او پرسید که برای چه آمده گفت از برای طلب برکت و ثواب فرمود که پدرم مرا خبر داد که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند حقتعالی بهشت

را از برای او واجب کردانند نفعی کفت در حیات و وشما فرمود در حیات ما و بعد موت ما ودر حدیث معتبر از عبد الله بن عباس منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم فرمود که هرکه حضرت امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزیکه قدمها از آن بلغزد واز حضرت صادق علیه السلام منقولست که هرکه مرا زیارت کند کناهانش امرزیده شود و پریشان نمیرد واز حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هرکه زیارت کند امام جعفر صادق و پدرش امام محمد باقر علیهما السلام را از درد چشم نکشد و بیماری و دردی باو نرسد و مبتلا ببلای بدی نشود تا بمیرد ودر حدیث معتبر از هشام منقولست که بحضرت صادق علیه السلام عرض نمودم که آیا پدر تو را زیارت میتوان کرد فرمود بلی کفتم چه ثوابست کسی را که او را زیارت کند فرمود که بهشت ثواب او است اکر اعتقاد بامامت او داشته باشد و متابعت او کند وهرکه از روی نخوت زیارت او را ترك کند حسرت خواهد داشت در روز قیامت

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم و آداب آن بدانکه غسل کردن سنت و علما دو غسل را مستحب دانسته اند یکی برای داخل شدن مدینه مشرفه ویکی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم وانچه از احادیث ظاهر میشود انست که یك غسل سنت و انرا اکر پیش از دخول مدینه واقع سازد بهتر است واکر در غسل قصد دخول مدینه و دخول مسجد و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم و حضرت فاطمه علیها السلام بلکه توبه از کناهان بکند بسیار بهتر باشد وبهتر انست که در در مسجد بایستد و رخصت داخل شدن بطلبد

وبعد از حضور قلب با خضوع وخشوع وحضور قلب وارام تن داخل شود چنانچه در باب سابق مذکور شد واکر دعای اذنی که علما ذکر کرده اند بخواند خوبست (ودعا این است)

اَللّٰهُمَّ اِنّی وَقَفْتُ عَلیٰ بابٍ بَیْتٍ مِنْ بُیُوتِ نَبِیِّكَ وَآلِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمُ السَّلامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النّاسَ الدُّخُولَ اِلیٰ بُیُوتِهِ اِلّا بِاِذْنِ نَبِیِّكَ فَقُلْتَ یا اَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلّا اَنْ یُؤْذَنَ لَکُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنّی اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِیِّكَ فی غَیْبَتِهِ کَما اَعْتَقِدُها فی حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفاءَكَ اَحْیاءٌ عِنْدَكَ یُرْزَقُونَ یَرَوْنَ مَکانی فی وَقْتی هٰذا وَزَمانی وَیَسْمَعُونَ کَلامی فی وَقْتی هٰذا وَیَرُدُّونَ عَلَیَّ سَلامی وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعی کَلامَهُمْ وَفَتَحْتَ بابَ فَهْمی بِلَذیذِ مُناجاتِهِمْ فَاِنّی اَسْتَاْذِنُكَ یا رَبِّ اَوَّلاً وَاَسْتَاْذِنُ رَسُولَكَ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ وَآلِهِ ثانِیاً وَاَسْتَاْذِنُ خَلیفَتَكَ الْمَفْرُوضَ عَلَیَّ طاعَتُهُ فِی الدُّخُولِ فی ساعَتی هٰذِهِ اِلیٰ بَیْتِهِ وَاَسْتَاْذِنُ مَلائِکَتَكَ الْمُوَکَّلینَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبارَکَةِ الْمُطیعَةِ لِلّٰهِ السّامِعَةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْمَلائِکَةُ الْمُوَکَّلُونَ بِهٰذِهِ

الْمَشَاهِدِ الْمُبَارَكَةِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِإِذْنِ اللهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ
وَإِذْنِ خُلَفَائِهِ وَإِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ أَدْخُلُ
هٰذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللهِ وَبِاللهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللهِ أَعْوَانِي وَكُونُوا أَنْصَارِي حَتَّى أَدْخُلَ
هٰذَا الْبَيْتَ وَأَدْعُوَ اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ وَأَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَّةِ
وَلِلرَّسُولِ وَلِأَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ

پس بگو بسم الله و داخل شود و علما گفته اند که بگوید

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي
مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ
سُلْطَانًا نَصِيرًا

و در اکثر کتب مذکور است که بعد از داخل شدن صد مرتبه الله اکبر بگوید
پس بیاید بجانب بالای سر آنحضرت و در پیش ستون دوم که برابر سر مبارک
حضرت است رو بقبله بایستد و زیارت کند و اگر تقیه باشد برابر روی حضرت
برود و زیارت کند چنانچه سنیان میکنند و در حدیث صحیح از امام جعفر صادق
علیه السلام منقولست که چون خواهی داخل شوی پیش از داخل شدن یا بعد از
ان غسل میکنی و میروی بنزد قبر رسول صلی الله علیه و آله و سلم پس سلام میکنی
بر آن حضرت پس میایستی نزد ستون پیش که از جانب راست قبر است

رو بقبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش راست بجانب منبر که آن
موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و میگوئی

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَأَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ
عَبْدِ اللهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ
لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ وَعَبَدْتَ اللهَ حَتَّى أَتَاكَ
الْيَقِينُ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ
الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ
فَبَلَّغَ اللهُ بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي
اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالَةِ اللّٰهُمَّ اجْعَلْ صَلَوَاتِكَ
وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَ
أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ
لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ
وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيبِكَ وَحَبِيبِكَ وَ
صَفِيِّكَ وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

و نجیبک نم

کرده اند و بیان کرده زیارت قبور مسلمین ثواب بسیار و اجر بیشمار دارد و فواید عظیمه در
اینست باعث عبرت و آگاهی و زهد در دنیا و رغبت باخرت میشود و در وقت اندوه
بسیار و شادی بسیار باید بقبرستان برود که در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا
حلاوت دنیا از دلش برود و شدت شهد کالای دنیوی در کامش تلخ شود و تفکر
کند در فنای دنیا و تقلب احوال آن بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان
خواهد گردید و دستش از عمل کوتاه خواهد شد و پشیمانی و ندامت برای
او سودی نبخشد و نباید که در قبرستان بخندد و حرفهای لغو و بیهوده و سخنان
ناشایسته و بی فائده را اظهار کند که هر چیز اثرش بیشتر است در قساوت قلب و سختی
دل تا آنکه از زیارت قبور و مجاورت موتی منتفع شود و باید امتیاز دهد در تعظیم
و تکریم و کثرت زیارت مراقد اصحاب نبی و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که حال خود
ایشان معلوم و علو مقامشان معروف چون جناب سلمان و ابی ذر و مقداد
و عمار و حذیفه و جابر و میثم تمار و رشید هجری و کمیل و قنبر و زراره و محمد بن مسلم
و برید و ابی بصیر و فضیل بن یسار و امثال ایشان از افاضل اصحاب ائمه که حال ایشان
معلوم است از کتب رجالیه و عدد شان زیاده بر آنست که در اینجا درج شود با دانستن
موضع قبرشان و همچنین مشاهیر از محدثین و اکابر علما حافظین آثار ائمه طاهرین مثل
شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی و شیخ مفید و علم الهدی و سید رضی و
سید بن طاوس و محقق و آیة الله علامه حلی و علامه مجلسی و غیر ایشان از قدما و متأخرین
رضوان الله علیهم که ذکر شان با اختصار منافات دارد و بسیاری از علما و
محدثین دیگر هست که باید درک زیارت آنها را نمود مثل علی بن بابویه و محمد بن قولویه
و زکریا بن آدم و زکریا بن ادریس و آدم بن اسحق و قطب راوندی و محقق قمی و غیره

ایشان قدس الله اسرارهم که بزیارت آنها آثار عظیمه و فواید جلیله و ثوابهای
جزیله مترتب است بلکه سزاوار است از برای خصوص اهل علم که
زیارتشان علما و صلحا و صاحبان نفوس کامله را زیادتر باشد از دیگران
و توقفشان در آنجا بیشتر چه آنکه از برای تلطیف ذهن و واضح شدن مشکلات
علوم و درک فیوضات و تجلی اشراقات مدخلیت تام دارد و باین جهت روایت شده
که خاتم الحکماء الیونانیین ارسطوطالیس در مدینه اسطاغیرا که بلدی بود
خود تجدید بنا کرده بود از دنیا رفت اهل اسطاغیرا جمع کردند استخوانهای
او را پس از آنکه پوسیده شده بود و ظرفی از مس گذاردند و او را دفن کردند
در موضعی که معروف شد باسم خود ارسطوطالیس و آن مکان را مجمع خود قرار
داده و در آنجا جمع میشدند از برای مشاورت در کارهای بزرگ و امورات
جلیله و هر وقت که بر ایشان مشکل میشد مطلبی از فنون علم و حکمت قصد آنجا
مینمودند و در سر قبر او می نشستند و مشغول بمناظره و مباحثه میشدند در میان
خود تا آنکه واضح میشد بر ایشان آنچه مشکل شده بود و چنان اعتقاد داشتند
که آمدن بموضعی که ارسطو در آن دفن شده بر عقل و ذکاء ایشان می افزاید
و اذهان ایشان را لطیف و پاکیزه میکند و نیز این را تعظیمی برای او
میدانستند در بعد مرگ او و باعث تأسف بر فراق و حزن
و اندوه بر آن فجیعه و مصیبت فقدان ینابیع حکمت او
میدانستند   هذا آخر ما اراد قدس سره فی هذه الرسالة الشریفة

اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
رَسُولُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
خاتَمُ النَّبِيِّينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ
لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ
الْيَقِينُ وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيبِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ
وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيائِكَ
وَرُسُلِكَ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمْتَ عَلٰى
نُوحٍ فِي الْعالَمِينَ وَامْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنْتَ
عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ وَبارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما بارَكْتَ
عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَآلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ رَبَّ
الْبَيْتِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقامِ
وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ
الْحَرامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنِّي السَّلامَ

ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع می‌ایستادند
نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم وسلام میکردند وشهادت
میدادند از برای آنحضرت بتبلیغ رسالت وآنچه میتوانستند دعا
میکردند پس پشت میدادند بجانب قبر آنحضرت بر ستون مرمر سبز
نازکی که نزدیک قبر است وپشت را بر قبر میچسبانیدند ورو بقبله
میکردند واین دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَلْجَأْتُ اَمْرِي وَاِلٰى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ
لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ لا
اَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ ما اَرْجُو لَها وَلا اَدْفَعُ عَنْها شَرَّ ما اَحْذَرُ
عَلَيْها وَاَصْبَحَتِ الْاُمُورُ بِيَدِكَ وَلا فَقِيرَ اَفْقَرُ مِنِّي اِنِّي لِما اَنْزَلْتَ
اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ اَللّٰهُمَّ ارْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلا رادَّ
لِفَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي اَوْ تُغَيِّرَ
جِسْمِي اَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوٰى وَجَمِّلْنِي
بِالنِّعَمِ وَاعْمُرْنِي بِالْعافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعافِيَةِ
ودر اکثر کتب زیارات مذکور است که بعد از این دعا یازده مرتبه سوره حمد و

انا انزلناه بخواند و در بعضی از کتب معتبره قبل از این دعا ذکر کرده اند و گفته اند که بعد از این بر درِ نزد ستونی که نزدیک منبر است و مقام مقابل قبر حضرت رسول است دو رکعت تا چهار رکعت نماز زیارت بکند و بعضی شش رکعت تا هشت رکعت ذکر کرده اند و از روایتی که در سابق ذکر شد مفهوم میشود و بعضی ذکر کرده اند که در نماز زیارت در رکعت اول بعد از حمد الرحمن بخواند و در رکعت دوم سورهٔ الرحمن و در باب اول گذشت و در مفتاح رضوی مذکور است که در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در بالای سر آنحضرت بایستد و بگوید و پشت بقبله

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَبَا الْقاسِمِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ الْقِيٰمَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا شَفيعَ الْقِيٰمَةِ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ بَلَّغْتَ الرِّسالَةَ وَ اَدَّيْتَ الْاَمانَةَ وَنَصَحْتَ اُمَّتَكَ وَجاهَدْتَ فی سَبيلِ رَبِّكَ حَتّٰی اَتاكَ الْيَقينُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلٰی اَهْلِ بَيْتِكَ طِبْتَ حَيّاً وَطِبْتَ مَيِّتاً صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلٰی اَخيكَ وَوَصِيِّكَ وَابْنِ عَمِّكَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وَعَلَی ابْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ وَعَلٰی وَلَدَيْكَ

الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ اَفْضَلَ السَّلامِ وَاَطْيَبَ التَّحِيَّةِ وَاَطْهَرَ الصَّلٰوةِ وَعَلَيْنا مِنْكُمُ السَّلامُ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

و دعا میکنی از برای خود و بسیار دعا کن از برای پدر و مادر خود و سایر مؤمنان و در حدیث موثق منقولست که ابن فضال بحضرت امام رضا علیه السلام عرض نمود که دیدم شما را که سلام میکردید بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در غیر این موضعی که ما سلام میکنیم رو بروی قبر حضرت فرمود تو سلام کن در آن موضعی که دیگران سلام میکنند پس از این حدیث ظاهر میشود که زیارت را در بالای سر باید کرد و در وقت تقیه رو بروی قبر خوبست و بسند موثق دیگر از ابن فضال مرویست که گفت دیدم حضرت امام رضا علیه السلام را که میخواست وداع کند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را برای رفتن بعمره پس آمد ببالای سر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نماز شام و سلام کرد بر آن حضرت و خود را بقبر چسبانید

نزدیک بستونی که برابر ستونی است که نزد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است پس شش رکعت نماز یا هشت رکعت نماز گذارد با نعلین که در پا داشت و رکوع و سجودش بقدر سه تسبیح بود یا بیشتر پس چون از نماز فارغ شد سجدهٔ طولانی کرد که از عرق مبارکش سنگریزه مسجد تر شد و در روایت دیگر وارد است که دو طرف روی مبارک خود را بزمین چسبانید و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نماز کنید بجانب قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر چند نماز مؤمنان میرسد بآنحضرت هر جا که باشد و احتمال دارد که مراد این باشد که صلوات بفرستید بر آنحضرت

نزد قبر هر چند صلوات مؤمنان هر جا که بفرستند بآن حضرت میرسد و در حدیث
صحیح از ابن ابی نصر منقولست که شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید که
چگونه سلام باید کرد بر حضرت رسول خدا نزد قبر مشرف فرمود که میگوئی

اَلسَّلامُ عَلى رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِينَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ
لِاُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّى
اَتاكَ الْيَقِينُ فَجَزاكَ اللهُ اَفْضَلَ ما جَزى نَبِيّاً عَنْ اُمَّتِهِ
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى
اِبْراهِيمَ وَآلِ اِبْراهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

فصل سیوم

در بیان فضیلت مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اعمالیکه در مسجد
آنحضرت مستحبست که در آن مسجد بجا آورند بسندهای معتبر از معویة بن عمار منقولست که حضرت

صادق علیه السلام فرمود که چون از دعای نزد قبر فارغ شوی برو نزد منبر و دست بر آن
بمال و دو قبه پائین منبر را بگیر و چشمها و روی خود را بر آن بمال که میگویند
باعث شفای چشم میشود و بایست نزد منبر و حمد و ثنای الهی بجا آور و حاجت
خود را طلب بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت که میان
منبر و خانه من باغیست از باغهای بهشت و منبر من بر دریست از درهای
بهشت و ستونهای منبر در بهشت ترتیب یافته است یا نصب شده
است پس برو نزد ستونیکه مقام حضرت رسولست و هر چه خواهی
نماز کن و هر وقت که بمسجد آئی و بیرون روی این اعمال را بجا بیاور و صلوات
بر پیغمبر و آل او بسیار بفرست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که میان خانه من و منبر باغیست
از باغهای بهشت سائلی از حضرت صادق پرسید که امروز هم باغیست فرمود
که بلی اگر پرده گشوده شود هر آینه خواهید دید مؤلف گوید که وصف این موضع
بباغ بهشت از جهت آن است که این موضع چون در عصر حضرت رسالت
پناه منبت اشجار و اثمار حقایق و مواعظ بوده است که هر یک مثمر انواع
ریاحین و ثمار طاعات و عبادات شده از این سبب آنرا تشبیه بریاض بهشت فرموده
اند و آنچه حضرت صادق علیه السلام فرمود گویا مراد این است که اگر پرده
غفلت و حجب حب شهوات نفسانی از پیش دیده دل برخیزد هر آینه معلوم خواهد
شد که باغستانهای معنوی مرغوبتر از جنات صوریست و درختهای حقایق و معارف
و میوه های طاعات و عبادات برای تقویت عقل و روح اقوی و انفع و خوش
آینده تراند از اشجار و انهار و ثمار ظاهره که موجب تقویت و تفریح قوای جسمانی

میکردند و محتملست که محمول بر ظاهر باشد که در زیر این موضع باغی از باغهای بهشت بوده باشد یا اینکه در قیامت این محل شریف را به بهشت برند و وسعت دهند و بهترین باغستانهای بهشت گردانند و حد روضه در طول از قبر مقدس حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم است تا منبر و در عرض از منبر است تا پنجم ستون که بشماری از مسجد چنانچه از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسیدند که حد روضه چیست فرمود که چهار ستون میشماری از منبر بسوی آنچه سقف دارد از مسجد پرسیدند که از صحن مسجد چیزی در روضه داخل است فرمود نه و در حدیث صحیح منقولست که ابو بصیر از آنحضرت پرسید از حد روضه فرمود که تا آنجاست که سقف دارد از مسجد و حد مسجد تا دو ستونست که از جانب راست منبر است منتهی میشود براه از جانب سوق اللیل **مؤلف گوید** که گویا در این زمان سقف مسجد را زیاد کرده اند پس منافات با حدیث سابق ندارد و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که میان منبر و خانهای من روضه ایست از روضهای بهشت و منبر من بر ترعه ایست از ترعهای بهشت و یک نماز در مسجد من برابر است با هزار نماز در مسجدهای دیگر بغیر از مسجد الحرام راوی از حضرت صادق علیه السلام پرسید که خانهای پیغمبر و خانه امیر المؤمنین صلوات الله علیهما داخل این است فرمود بلی افضل و بهتر است **مؤلف گوید** که ترعه بمعنی در کوچک آمده است و بمعنی پایه و بمعنی باغ آمده است و همه مناسب است و در احادیث معتبره منقولست که نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و اله و سلم برابر است با ده هزار

نماز و بسند حسن بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون داخل مسجد مدینه شوی اگر توانی سه روز در مدینه اقامت نما روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و این سه روز را روزه بدار پس روز چهارشنبه نماز کن در میان قبر و منبر نزد ستونی که در پهلوی قبر است پس خدا را بخوان نزد آن ستون هر حاجت دنیا و آخرت که خواهی از خدا سؤال کن و روز دوم نزد ستون توبه که ستون ابی لبابه میگویند و روز جمعه نزد مقام نبی مقابل آن ستونی که خلوق بسیار بر آن میباشد پس خدا را بخوان نزد آن ستون برای هر حاجتی و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت منقولست که روزه بدار روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و شب و روز چهارشنبه نزد ستونی که نزدیک سر حضرت رسول است نماز کن و شب و روز پنجشنبه نزد ستون ابی لبابه نماز کن و شب و روز جمعه نزد ستونی که در پهلوی مقام پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است نماز کن و این دعا را برای حاجت خود بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَمیعِ مٰا اَحٰاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بی كَذٰا وَكَذٰا

و حاجات خود را طلب در حدیث صحیح دیگر فرمود که برو نیز در مقام جبرئیل و آن در زیر ناودان است و آن مقامی است که چون جبرئیل بسوی حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم نازل میشد بجای می ایستاد و رخصت می طلبید

و بعد از رخصت داخل میشد و بگو

اَیْ جَوادُ اَیْ کَرِیمُ اَیْ قَرِیبُ اَیْ بَعِیدُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَسْئَلُکَ اَنْ تَرُدَّ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ

پس فرمود هر زنی که خون استحاضه اش منقطع نشود اگر رو بقبله کند و این دعا را بخواند البته استحاضه اش برطرف میشود و ابن بابویه علیه الرحمه در من لا یحضره الفقیه این دعا را باین نحو ذکر کرده است

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِکُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَکَ اَوْ تَسَمَّیْتَ بِهِ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ اَوْ هُوَ مَاثُورٌ فی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ وَ اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَ بِکُلِّ حَرْفٍ اَنْزَلْتَهُ عَلیٰ مُوسیٰ وَ بِکُلِّ حَرْفٍ اَنْزَلْتَهُ عَلیٰ عیسیٰ وَ بِکُلِّ حَرْفٍ اَنْزَلْتَهُ عَلیٰ مُحَمَّدٍ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ آلِهِ وَ عَلیٰ اَنْبِیاءِ اللّٰهِ اِلّا فَعَلْتَ بی کَذا وَ کَذا

و حاجات خود را میطلبد و اگر زن مستحاضه بخواند بجای اِلّا فَعَلْتَ میگوید (اِلّا اَذْهَبْتَ عَنّی هٰذَا الدَّمَ) و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودند که کجا است مقام جبرئیل فرمود که در زیر ناودان است که هر گاه بیرون میروی از دری که از آن در فاطمه میگویند هر گاه محاذی در باشی که ناودان در بالای سرت باشد و در از پشت سرت اگر توانی که دو رکعت نماز در آنجا بکنی بکن که هیچکس در آنجا دعا نمیکند مگر

انکه دعایش مستجاب میشود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست و لکن هر که خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او و بیاکنید نماز در این مسجد تا توانید که بهتر است از برای شما و بدانید که ادمی گاه هست زیرک میباشد در کار دنیا مردم اورا مدح میکنند که چه بسیار زیرکست فلانی پس چون باشد کسیکه در کار اخرت زیرک باشد و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که اگر اقامت در مدینه ترا میسر شود سه روز روزه میداری و شب چهارشنبه نماز میکنی نزد ستون ابی لبابه که خود را بر آن ستون بست تا توبه او از اسمان نازل شد و روز چهارشنبه نزد آن ستون مینشینی پس میروی شب پنجشنبه نزد ستونیکه بعد از او است و پهلوی مقام رسولست پس مینشینی نزد آن ستون در آن شب و آن روز و روزه میداری در روز پنجشنبه پس میروی نزد ستونیکه متصل بمقام پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم است در شب جمعه و در آن شب و روز در انجا نماز میگذاری و روز جمعه را روزه میداری و اگر توانی در این سه روز سخن مگو بقدر ضرورت و از مسجد بیرون مرو مگر از برای حاجت و در شب و روز خواب مکن بدرستیکه این عمل فضیلت عظیم دارد پس روز جمعه حمد و ثنای الهی بجا اور و صلوات بر رسول خدا و الش صلوات الله علیهم بفرست و حاجت خود را سؤال کن و باید که این دعا بخوانی

اَللّٰهُمَّ ما کانَتْ لی اِلَیْکَ مِنْ حاجَةٍ شَرَعْتُ اَنَا فی طَلَبِها وَ الْتِماسِها اَوْ لَمْ اَشْرَعْ سَئَلْتُکَها اَوْ لَمْ اَسْئَلْکَها فَاِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِنَبِیِّکَ

مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِي صَغِيرِهَا وَكَبِيرِهَا

ذکر چنین کنی سزاوار است که حاجت براورده شود و در کتاب فقه رضوی مذکور است که چون از زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شوی نماز میکنی نزد ستون توبه و نزد حنانه و در روضه و نزد منبر و تا توانی نماز بسیار در این مواضع بکن و برو نزد مقام جبرئیل و آن نزد ناودان است هرگاه بیرون روی از دری که آن را درگاه فاطمه سلام الله علیها میگویند و آن دریست که در برابر بازار بقیع است پس دو رکعت نماز بکن و بگو یَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ يَا قَرِيباً غَيْرَ بَعِيدٍ أَسْأَلُكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللهُ لَيْسَ كَمِثْلِكَ شَيْءٌ أَنْ تَعْصِمَنِي مِنَ الْمَهَالِكِ وَأَنْ تُسَلِّمَنِي مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَعْثَاءِ السَّفَرِ وَسُوءِ الْمُنْقَلَبِ وَأَنْ تَرُدَّنِي سَالِماً إِلَى وَطَنِي بَعْدَ حَجٍّ مَقْبُولٍ وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ وَعَمَلٍ مُتَقَبَّلٍ وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي مِنْ حَرَمِكَ وَحَرَمِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

فصل چهارم

در وداع حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در احادیث صحیحه و معتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی از مدینه بیرون آئی غسل بکن و برو نزد قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بعد از آنکه از کارهای خود فارغ شده باشی و عمل آور آنچه پیشتر میکردی نزد داخل شدن مسجد و بگو

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ فَإِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذَلِكَ فَإِنِّي أَشْهَدُ فِي مَمَاتِي عَلَى مَا شَهِدْتُ عَلَيْهِ فِي حَيَاتِي أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَأَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ

و بسند معتبر از حضرت منقولست که در زیارت وداع میگوئی

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ

و ابن بابویه گفته است که چون خواهی بیرون آئی از مدینه برو و بیا بالای سر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و سلام کن بر آنحضرت پس برو نزد منبر و صلوات بر آنحضرت و آلش بسیار بفرست و دعا از برای برادران دینی خود آنچه خواهی بکن پس بکرد بسوی قبر و بچسبان دوش چپ خود را بقبر پس برو بستونیکه بعد از ستون بنیت که خلق بر آن میایستند نزد سر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و شش رکعت یا هشت رکعت نماز بکن و در هر رکعت حمد و سوره بخوان و در هر دو رکعت قنوت بخوان پس چون فارغ شوی رو بقبر کن و وداع کن و بگو

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ لَا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ تَسْلِيمِي عَلَيْكَ اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ

تا آخر آنچه مذکور شد در روایت اول و در فقه رضوی مذکور است که چون خواهی از مدینه بیرون آئی وداع کن قبر آنحضرت را و بکن آنچه پیشتر میکردی

اللّهمّ لا تجعله آخر العهد منّی من زیارة قبر نبیّك وحرمه فانّی اشهد ان لا اله الّا الله فی حیاتی ان توفّیتنی قبل ذلك وانّ محمّداً عبدك ورسولك صلّی الله علیه وآله

و وداع قبر مکن مگر با غسل و اگر غسل ممکن نباشد وضو بسا تمام شد عبارت تحفه رضوی و بدانکه تصدّق کردن در مدینه خصوص در مسجد فضیلت عظیم دارد بسببیکه در روایت معتبره وارد شده است که درهمی در آنجا تصدّق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدّق کنند و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در اوقات شریفه و ایام متبرکه ثوابش مضاعف است خصوصاً ایامیکه وقایع چند در آنها واقع شده است که اختصاصی بآنحضرت دارد مثل روز ولادت آنحضرت که موافق مشهور در میان شیعه و احادیث معتبره روز هفدهم ماه ربیع الاولست و بعضی دوازدهم نیز گفته اند و اول اقوی است و روز وفات آنحضرت که مشهور است که روز بیست و هشتم ماه صفر است و روز مبعث آنحضرت که بیست هفتم ماه رجبست و روز فتح بدر که هفدهم ماه رمضان است و روز فتح مکه که بیستم ماه رمضانست و روز جنگ احد که هفدهم شوالست و روز فتح خیبر که بیست و چهارم رجبست و ایام سایر فتوحات آنحضرت چنانچه در کتاب احوال آنحضرت بیان کرده ام و روز مباهله که روز بیست چهارم ماه ذی الحجه است

و بعضی بیست و پنجم گفته اند و شب هجرت آنحضرت از مکه بمدینه که شب اول ماه ربیع الاولست و روزیکه داخل مدینه شدن حضرت که دوازدهم ماه ربیع الاولست و روزیکه از شعب ابی طالب بیرون آمدند که پانزدهم ماه رجبست و شبی که آمنه رضی الله عنها بآنحضرت حامله شد که نوزدهم جمادی الآخره است و شب معراج که شب بیست و یکم ماه رمضان است و بعضی گفته اند که نهم ماه ذی الحجه است و بعضی گفته اند که هفدهم ماه ربیع الاولست و روزیکه حضرت خدیجه را بعقد خود در آورده که دهم ماه ربیع الاولست و همچنین زیارت حضرت خدیجه که قبر شریفش در مکه معظمه است در این روز و سایر روزها که اختصاصی بآنحضرت دارد انسب و اولی است و آنچه ذکر کردیم موافق اقوال مشهوره است و در بعضی از آنها اقوال دیگر هست چنانچه در عرض کتاب بحار الانوار اشاره بآنها کرده ام

فصل پنجم

در بیان فضیلت زیارت آنحضرت است در شهرهای دیگر غیر مدینه طیبه و کیفیت آن از حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حقتعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید (صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) البته آن ملك میگوید (وَعَلَيْكَ) یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول

الله فلان شخص سلام رسانید) بر تمام پس حضرت میفرماید (وعلیه السلام
یعنی بر او باد نیز سلام وبسند معتبر نیز از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هر که در هر جای
زمین بر من سلام کند بمن میرسد وهر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم
ودر حدیث حسن از حضرت منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا
امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بسیار نماز کنم تا توانم
وفرمود که همیشه تو امیسر نمیشود که باین مکان شریف بیائی وفرمود که
نزد قبر رسول صلی الله علیه واله وسلم میروی کفتم بلی فرمود که بدرستیکه
سلامی که از نزدیک میکنی انحضرت میشنود واکر دور باشی سلامت بان حضرت
میرسد ودر حدیث معتبر دیکر از ان حضرت منقولست که برو بد نمیبینه
وسلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم هر چند صلوات مؤمنان هر جا
که باشند بان حضرت میرسد ودر حدیث صحیح از انحضرت منقولست که چون
فرسید بر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم در پهلوی قبر ان حضرت هر
صلوات مؤمنان هر جا که باشند بر ان حضرت میرسد واین حدیث احتمال
نماز هدیه دارد که در نزدیک دو نماز کنند وثوابش را هدیه روح مقدس
ان حضرت کنند واحادیث صلوات وسلام بر ان حضرت وزیارت ان حضرت
در شهرهای دور بسیار است وبسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چکونه صلوات وسلام بر حضرت
رسول الله صلی الله علیه واله وسلم باید فرستاد فرمود که میکوئی

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ

عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا اَمِينَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ رَسُولُ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ
فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ فَجَزَاكَ اللهُ
يَا رَسُولَ اللهِ اَفْضَلَ مَا جَزٰى نَبِيًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ
اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

ودر روایت معتبر دیکر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد
زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم وقبر امیر المؤمنین وفاطمه
وحسن وحسین علیهم السلام را وقبرهای حجتهای خدا را واو در شهر خود باشد پس غسل
کند در روز جمعه ودو جامه پاکیزه بپوشد وبیرون رود بصحرائی پس چهار رکعت نماز
بکذارد با هر سوره که میسر شود پس بایستد رو بقبله وبکوید

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضٰى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْرَاءُ
وَالسِّبْطَانِ الْمُنْتَجَبَانِ وَالْاَوْلَادُ الْاَعْلَامُ وَالْاُمَنَاءُ الْمُنْتَجَبُونَ
جِئْتُ انْقِطَاعًا اِلَيْكُمْ وَاِلٰى آبَائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلٰى بَرَكَةِ

الحق فقلبي لكم مسلم ونصرتي لكم معدة حتى يحكم الله لدينه فمعكم معكم لا مع عدوكم اني لمن القائلين بفضلكم مقر برجعتكم لا انكر لله قدرة ولا ازعم الا ما شاء الله سبحان الله ذي الملك والملكوت يسبح الله باسمائه جميع خلقه والسلام على ارواحكم واجسادكم ورحمة الله وبركاته

ودر روایتی دیکر وارد است که این زیارت را در بام خانه خود بکن و در حدیث معتبر دیکر از مبشر بن عبد العزیز منقولست که کفت نزد حضرت صادق علیه السلام بودم شخصی امد و کفت فدای تو شوم من پریشانم حضرت فرمود که روز چهارشنبه و پنجشنبه وجمعه را روزه بدار پس چون چاشت روز جمعه شود زیارت کن رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم را از بالای بام خانه ات یا در بیابانی از زمین در جائیکه نبیند ترا کسی پس دو رکعت نماز بگذار پس بدو زانو درای و زانوهای خود را بخاک برسان در حالتی که رو بقبله کرده باشی و دست راست خود را بر بالای دست چپ کذاشته باشی و بکو

اللهم انت انقطع الرجاء الا منك وخابت الامال الا فيك يا ثقة من لا ثقة له لا ثقة لي غيرك اجعل لي من امري فرجا ومخرجا وارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب

پس بسجده رو و رو بزمین بکو یا مغیث اجعل لی رزقا من فضلک

اکر چنین کسی طالع نمیشود بر تو روز شنبه مکر با روزی تازه یکی از راویان این حدیث کوید که من کفتم محمد بن عثمان عمری که یکی از نایبان حضرت صاحب الامر است که هرکاه کسی که دعای روزی کند و در مدینه نباشد چه کند کفت که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم را زیارت کند در بالای سر امامی که قبرش در ان شهر باشد پرسید که اکر دران شهر قبر امامی نباشد فرمود که نزد قبر یکی از صالحان برود یا بیرون رود بصحرا و بجانب دست راست ان صحرا پاره راه برود و انچه مذکور شد بکند که حاجتش برآورده انشاء الله تعالی

مؤلف کوید

که سؤال راوی بعد از انچه در اصل حدیث مذکور شده است خالی از غرابتی نیست وجواب محمد بن عثمان نیز فی الجمله منافی با اصل حدیث دارد و چون از معتمدین و نواب حضرت صاحب ع بوده و از پیش خود هرکز چیزی نمیکفته اند اکر بکفته او عمل نمایند خوبست و بدانکه از اخبار سابقه معلوم شد که بهتر انستکه اکر انحضرت را از دور خواهند زیارت کنند بصحرا یا بامی بروند بهتر انستکه بلندترین بامهای خانه باشد و زیارت کنند و اکر هر جا باشند زیارت کنند بی انکه بر بام خانه یا صحرا روند بعمومات اکثر اخبار خصوصا زیارت بعد از نماز بد نخواهد بود و کیفیت زیارت و بعید عدد شد در باب سابق مذکور شد و علما ذکر کرده اند که مختار است میان دو رکعت و چهار رکعت

فصل ششم

در بیان کیفیت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام است بدانکه چون حضرت فاطمه صلوات الله علیها و نمودکی ان دو ملعون که باعث شهادت او شدند و اعوان ایشان بر او نماز نکذارند انحضرت را در شب مخفی دفن کردند و باین سبب محل قبر شریف انحضرت مختلف فیه است میان علمای خاصه و عامه و ظاهر اکثر احادیث معتبره انست که انحضرت در

خانه خود مدفون گردید است که متصل بحجرهٔ حضرت رسولست و اکنون ضریح
نیز برای آنحضرت ساخته‌اند و بعضی گفته‌اند که در روضه مدفونست که
میان قبر و منبر باشد و بعضی گفته‌اند که در بقیع نزدیک بقبر ائمه بقیع مدفونست
و احوط آنست که در هر سه موضع زیارت کنند اگرچه اظهر آنست که در خانهٔ خود
مدفونست چنانچه منقولست بسند معتبر که ابن ابی نصر از حضرت امام رضا
علیه السلام سؤال نمود از قبر حضرت فاطمه ع فرمود که در خانه خود مدفون شد پس چون
زیاد کردند بنی امیه مسجد را داخل مسجد شد و بسند صحیح باز منقولست از ابن ابی نصر
که از آنحضرت این سؤال نمود حضرت فرمود که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که در خانه خود مدفونست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که آن حضرت در روضه مدفون است و باین سبب حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرمود که روضه او از روضهای بهشتست زیرا که قبر فاطمه ع
باغی از باغهای بهشتست و بسوی آن گشوده است دری از درهای بهشت
مؤلف گوید که چون سابقاً مذکور شد که روضه بقدر چهار ستون عرض
دارد و مذکور شد که پاره از خانهٔ حضرت فاطمه علیها السلام را داخل
مسجد کرده‌اند پس ممکنست جمع میان این حدیث و احادیث پیش کردن که
حضرت در خانه خود مدفون شده باشد در جانب مسجد که محاذی ما بین قبر
و منبر و داخل روضه باشد و مؤید این است آنچه در روایت سابق مذکور
شد که خانه حضرت داخل روضه و بهترین جاهای روضه است و در حدیث
موثق منقولست که یونس بن یعقوب از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسید
که نماز در خانه حضرت فاطمه علیها السلام افضل است یا در روضه فرمود

[illegible] از درهای بهشتست

که در خانه فاطمه علیها السلام و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که نماز در خانه فاطمه ع بهتر از نماز در روضه است و در حدیث صحیح دیگر از
آن حضرت منقولست که خانه علی و فاطمه علیهما السلام میان خانه‌ایست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا مدفون است و راهی که منتهی میشود
بدری که محاذی بازار بقیع است که اگر از آن در داخل مسجد شوی و راست بیائی
دوش چپ بدیوار خانه میرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون از در بقیع
داخل میشوی خانه امیر المؤمنین علیه السلام در جانب چپ تو است بقدر
آنکه بزی تواند رفت و متصلست بخانه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم و درهای ایشان مقرون بیکدیگر است و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی
علیه السلام منقولست که بشخصی از سادات فرمود که چون میروی بسوی قبر جدهٔ
خود فاطمه علیها السلام بگو

يَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ
لِمَا امْتَحَنَكِ صَابِرَةً وَزَعَمْنَا أَنَّا لَكِ أَوْلِيَاءُ وَمُصَدِّقُونَ وَ
صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا أَتَانَا بِهِ أَبُوكِ وَأَتَانَا بِهِ وَصِيُّهُ فَإِنَّا نَسْأَلُكِ
إِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكِ إِلَّا أَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِيقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ أَنْفُسَنَا
بِأَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوَلَايَتِكِ

و سید ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است که روایت کرده‌ایم از جماعتی
از اصحاب ما که وفات حضرت فاطمه علیها السلام در روز سیم ماه جمادی
الآخرة بوده است پس سزاوار آنست که آنحضرت را در این روز زیارت

کنند و روایت کرده است جامع کتاب مسائل که ابراهیم بن محمد همدانی نوشت عریضه بخدمت امام علی نقی علیه السلام که مرا خبر ده از قبر حضرت فاطمه علیها السلام آیا در مدینه است یا در بقیع حضرت جواب نوشتند که با جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مدفون است و سید گفته است که پس میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكِ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّها (پس بگو) اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِكَ وَابْنَةِ نَبِیِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّكَ صَلوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفی عِبادِكَ الْمُكْرَمِینَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ وَالْاَرَضِینَ

بنحویکه روایت شده است که هر که زیارت کند آنحضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند حقتعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند **مؤلف گوید** که چون زیارت منقول مبسوطی از برای آنحضرت در روایاتی که بما رسیده بنظر نیامده بود بهمین اکتفا نمودیم و اگر زیارت جامعه را بخوانند شاید مناسب باشد در بحار الانوار زیارات مبسوطه مؤلفه اکابر علما رضوان الله علیهم را ایراد نموده و سید بن طاوس رضی الله عنه در نماز زیارت آنحضرت گفته است که اگر توانی نماز زیارت حضرت فاطمه علیها السلام را بجا آور و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سوره قل هو الله باید خواند و اگر نتوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون **و بدانکه** زیارت ان

زیارت آن حضرت در روز وفات شریفه و ازمنه مخصوصه آن حضرت اولی و انسب و افضل است مثل روز ولادت آنحضرت که بیستم ماه جمادی الثانیه است بنابر قول شیخ مفید و ابن طاوس یا دهم آن بر قول جمعی و روز وفات آن حضرت که سیم ماه مذکور است بر قول سید و جمعی یا بیست و یکم ماه رجب است بنابر قول ابن عیاش و روز تزویج آن حضرت با امیر المؤمنین صلوات الله علیهما که یا نزدهم ماه رجب است یا اول ذی الحجه یا ششم ماه ذی الحجه و شب زفاف آنحضرت که نوزدهم ماه ذی الحجه است یا بیست و یکم ماه محرم و روز مباهله که گذشت و روز نزول هل اتی که روز بیست و پنجم ماه ذی الحجه است و غیر اینها از ایامیکه فضیلت یا کرامتی از آن حضرت در آنها ظاهر شده باشد چنانچه در کتاب بحار الانوار ایراد شده

فصل هفتم

در کیفیت زیارت ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین است باید آدابی که در باب اول مذکور شد از غسل و تطهیر جامها و بوی خوش کردن و رخصت طلبیدن در دخول و غیر اینها را بعمل بیاورد و اگر دعای اذن را که محمد بن المشهدی ذکر کرده است بخواند بهتر است گفته است که بر در بایستد و بگوید

یا مَوالِیَّ یا اَبْناءَ رَسُولِ اللهِ عَبْدُكُمْ وَابْنُ اَمَتِكُمْ اَلذَّلِیلُ بَیْنَ اَیْدِیكُمْ وَالْمُضْعِفُ فی عُلُوِّ قَدْرِكُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّكُمْ جاءَكُمْ مُسْتَجِیراً بِكُمْ قاصِداً اِلی حَرَمِكُمْ مُتَقَرِّباً اِلی مَقامِكُمْ مُتَوَسِّلاً اِلَی اللهِ بِكُمْ ءَاَدْخُلُ یا مَوالِیَّ ءَاَدْخُلُ یا اَوْلِیاءَ اللهِ ءَاَدْخُلُ یا مَلائِكَةَ اللهِ الْمُحْدِقِینَ بِهذَا الْحَرَمِ الْمُقیمِینَ

بهذا المشهد و بعد از خضوع و خشوع و رقت داخل شو و پای راست را مقدم دار و بسم الله بگوید پس بگوید آنچه محمد بن المشهدی گفته است

اَللهُ اَكْبَرُ كَبِيرًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيرًا وَسُبْحَانَ اللهِ بُكْرَةً وَ اَصِيلًا وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْمَاجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنَّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنَّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيَارَةَ سَادَاتِي بِاِحْسَانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيَارَتِهِمْ مَمْنُوعًا بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ

و اگر خواهی اذن دخولی که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام روایت شده وارد شده است بعد از این بخواند مناسب است پس نزدیک قبور مقدسه برو و پشت بقبله کرده و رو بقبور ایشان کرده بگو آنچه کلینی و ابن قولویه و شیخ طوسی ره و غیر ایشان روایت کرده اند از ائمه علیهم السلام که فرموده اند چون برسی نزد قبور ائمه که در بقیع اند بایست نزد ایشان و قبرها پیش روی خود قرار بده و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ التَّقْوَى اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَلْحُجَجُ عَلَى اَهْلِ الدُّنْيَا اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْقُوَّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ النَّجْوَى

اَشْهَدُ اَنَّكُمْ قَدْ بَلَّغْتُمْ وَنَصَحْتُمْ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَاتِ اللهِ وَكُذِّبْتُمْ وَاُسِيءَ اِلَيْكُمْ فَغَفَرْتُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهْتَدُونَ وَاَنَّ طَاعَتَكُمْ مَفْرُوضَةٌ وَاَنَّ قَوْلَكُمُ الصِّدْقُ وَاَنَّكُمْ دَعَوْتُمْ فَلَمْ تُجَابُوا وَاَمَرْتُمْ فَلَمْ تُطَاعُوا وَاَنَّكُمْ دَعَائِمُ الدِّينِ وَاَرْكَانُ الْاَرْضِ لَمْ تَزَالُوا بِعَيْنِ اللهِ يَنْسَخُكُمْ مِنْ اَصْلَابِ كُلِّ مُطَهَّرٍ وَيَنْقُلُكُمْ مِنْ اَرْحَامِ الْمُطَهَّرَاتِ لَمْ تُدَنِّسْكُمُ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَهْلَاءُ وَلَمْ تَشْرَكْ فِيكُمْ فِتَنُ الْاَهْوَاءِ طِبْتُمْ وَطَابَ مَنْبَتُكُمْ مَنَّ بِكُمْ عَلَيْنَا دَيَّانُ الدِّينِ فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صَلَوَاتِنَا عَلَيْكُمْ رَحْمَةً لَنَا وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا اِذِ اخْتَارَكُمُ اللهُ لَنَا وَطَيَّبَ خَلْقَنَا بِمَا مَنَّ عَلَيْنَا مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَمِّينَ بِعِلْمِكُمْ مُعْتَرِفِينَ بِتَصْدِيقِنَا اِيَّاكُمْ وَهٰذَا مَقَامُ مَنْ اَسْرَفَ وَاَخْطَاَ وَاسْتَكَانَ وَاَقَرَّ بِمَا جَنَى وَرَجَا بِمَقَامِهِ الْخَلَاصَ وَاَنْ يَسْتَنْقِذَ بِكُمْ مُسْتَنْقِذُ الْهَلْكَى مِنَ الرَّدَى فَكُونُوا

لی شفعاء فقد وفدت الیکم اذ رغب عنکم اهل الدنیا
واتخذوا آیات الله هزوا واستکبروا عنها یا من هو
قائم لا یسهو ودائم لا یلهو ومحیط بکل شیء لک المن
بما وفقتنی وعرفتنی بما اقمتنی علیه اذ صد عنه
عبادک وجهلوا معرفته واستخفوا بحقه ومالوا
الی سواه فکانت المنة منک علی مع اقوام خصصتهم
بما خصصتنی به فلک الحمد اذ کنت عندک فی مقامی
هذا مذکورا مکتوبا فلا تحرمنی ما رجوت ولا تخیبنی
فیما دعوت بحرمة محمد وآله الطاهرین وصلی الله علی محمد و
آل محمد

پس دعا کن از برای خود بهرچه خواهی و شیخ در تهذیب گفته است که بعد از آن
هشت رکعت نماز زیارت بکن و شیخ محمد بن المشهدی بعد از (واستکبروا
عنها) گفته است که سر را بالا میکنی و میگوئی (یا من هو قائم) تا آخر و
سید بن طاوس گفته است که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته استودعکم الله و
اقرء علیکم السلام آمنا بالله وبالرسول وبما جئتم
به ودللتم علیه اللهم فاکتبنا مع الشاهدین

پس دعا بسیار بکن و از خدا سؤال کن که دیگر روزی تو زیارت ایشان بگرداند و آخر
عهد تو نباشد از زیارت ایشان بدانکه بهترین زیارات از برای ایشان
زیارتهای جامعه است که در سابق ذکر شد و بسند معتبر منقولست
که محمد بن الحنفیة رضی الله تعالی عنه بزیارت برادر خود حضرت امام
حسن علیه السلام میرفت و میگفت

السلام علیک یا بقیة المؤمنین وابن اول المسلمین
وکیف لا تکون کذلک وانت سلیل الهدی وحلیف
التقی وخامس اصحاب الکساء غذتک ید الرحمة و
ربیت فی حجر الاسلام ورضعت من ثدی الایمان
فطبت حیا وطبت میتا غیر ان الانفس غیر طیبة
بفراقک ولا شاکة فی الحیوة لک یرحمک الله

و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود میگوئی
نزد قبر علی بن الحسین علیهما السلام آنچه خواهی یعنی بهر لفظ که زیارت کنی خوبست
و بدانکه زیارت ایشان در اوقات متبرکه و ازمنه مخصوصه بایشان اولی است مثل
روز ولادت حضرت امام حسن علیه السلام که موافق مشهور پانزدهم ماه مبارک
رمضان است و روز وفات آن حضرت که هفتم یا بیست و هشتم یا آخر
ماه صفر است و روزی که نیزه بر رانش زدند که بیست و سیم ماه رجب
است و روز مباهله و روز نزول هل اتی که گذشت و روز خلافت آن حضرت

که روز شهادت امیرالمؤمنین است و روز ولادت امام زین العابدین علیه السلام که پنجم یا نهم ماه شعبان است یا پانزدهم ماه جمادی الاول یا جمادی الثانیه و یا رجب است و روز وفات آن حضرت که دوازدهم یا هیجدهم یا بیست و پنجم ماه محرم است و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت امام حسین است و روز ولادت امام محمد باقر صلوات الله علیه که روز اول ماه رجب است موافق روایات معتبره یا سیم ماه صفر و روز وفات آنحضرت که هفتم ماه ذی الحجه است و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام زین العابدین علیه السلام است و روز ولادت امام جعفر صادق علیه السلام که هفدهم ماه ربیع الاول است و روز وفات آن حضرت که پانزدهم ماه رجب است یا ماه شوال و روز خلافت آنحضرت که روز وفات حضرت امام محمد باقر ع است

فصل هشتم

در بیان سایر اعمال که در مدینه مستحب است در فقه الرضا مذکور است که چون از اعمال مسجد فارغ شوی برو به نزد قبور ائمه بقیع علیهم السلام و برو بمسجد حضرت فاطمه صلوات الله علیها و دو رکعت نماز بگذار و زیارت کن قبر حمزه و سایر شهدای احد را و برو بمسجد فتح و مسجد قبا و مسجد سقیا که در اینها فضیلت بسیار هست و مسجد خلوت خانه امیرالمؤمنین ع و خانه امام جعفر صادق علیه السلام که در دو مسجد است و دو رکعت نماز در آنجا بکن و در حدیث معتبر از ائمه علیهم السلام منقول است که میگوئی نزد قبر حمزه رضی الله عنه

السلام علیک یا عم رسول الله و خیر الشهداء السلام علیک یا اسد الله و اسد رسوله اشهد انک قد جاهدت

فی الله و نصحت لرسول الله و جدت بنفسک و طلبت ما عند الله و رغبت فیما وعد الله

پس داخل شو و نماز بکن و در وقت نماز رو بقبر مکن و چون از نماز فارغ شوی خود را بر روی قبر بینداز و بگو

اللهم صل علی محمد و اهل بیته اللهم انی تعرضت لرحمتک بلزومی بقبر عم نبیک صلواتک علیه و علی اهل بیته لتجیرنی من نقمتک و سخطک و مقتک و من الازلال فی یوم تکثر فیه المعرات و الاصوات و تشتغل کل نفس بما قدمت و تجادل کل نفس عن نفسها فان ترحمنی الیوم فلا خوف علی و لا حزن و ان تعاقب فمولای له القدرة علی عبده اللهم فلا تخیبنی الیوم و لا تصرفنی بغیر حاجتی فقد لزقت بقبر عم نبیک و تقربت به الیک ابتغاء مرضاتک و رجاء رحمتک فتقبل منی و عد بحلمک علی جهلی و برافتک علی جنایة نفسی فقد عظم جرمی و ما اخاف ان تظلمنی و لکن اخاف سوء الحساب فانظر الیوم الی تقلبی علی قبر عم نبیک صلواتک علی محمد و اهل بیته فبهم فکنی

العثرات نسخه

وَلَاتُخَيِّبْ سَعْيِي وَلَايَهُونَنَّ عَلَيْكَ ابْتِهَالِي وَلَاتَحْجُبْ عَنْكَ صَوْتِي وَلَاتَقْلِبْنِي بِغَيْرِ قَضَاءِ حَوَائِجِي يَا غِيَاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ وَمَحْزُونٍ يَا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَيْرَانِ الْغَرِيبِ الْغَرِيقِ الْمُشْرِفِ عَلَى الْهَلَكَةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَانْظُرْ اِلَيَّ نَظْرَةً لَا اَشْقَى بَعْدَهَا اَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَغُرْبَتِي وَانْفِرَادِي فَقَدْ رَجَوْتُ رِضَاكَ وَتَحَرَّيْتُ الْخَيْرَ الَّذِي لَا يُعْطِيهِ اَحَدٌ سِوَاكَ وَلَا تَرُدَّ اَمَلِي

و شاید بزیارت شهداء در روز شهادت ایشان که موافق مشهور هفدهم ماه شوال است انسب باشد و در حدیث معتبر مرویست که عقبه از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که من میروم بسوی مساجدی که در دور مدینه است بکدام ابتدا کنم فرمود که ابتدا کن بمسجد قبا پس بسیار نماز کن در ان که ان اول مسجدیست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم در این عرصه در ان نماز کرد پس برو بغرفه حضرت مادر ابرهیم پس نماز کن در ان که ان مسکن و محل نماز رسول خدا بوده است پس برو بمسجد فضیخ و دو رکعت نماز بکن که پیغمبر در ان نماز کرده است و چون از این جانب فارغ شوی برو بجانب کوه احد و ابتدا کن بمسجدیکه در پایین سنگستانست و در ان نماز بکن پس برو بسوی قبر حمزة بن عبد المطلب و سلام کن بر او پس برو بسوی قبرهای شهداء و بایست نزد ان قبرها و بگو (اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَهْلَ الدِّيَارِ اَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَاِنَّا بِكُمْ لَاحِقُونَ) پس برو بمسجدیکه در ان مکان گشاده است در پهلوی

کوه در وقتیکه داخل احد میشوی پس در ان مسجد نماز بکن که از ان موضع رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم بیرون رفت بسوی احد در وقتیکه با کفار مکه جنگ کرد پس در انجا نماز کرد و بجنگ رفت پس بازگرد و نماز کن نزد قبر شهدا انچه خدا برای تو مقدر کرده باشد پس برو بسوی مسجد احزاب و نماز کن که رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم در ان موضع دعا کرد در روز جنگ احزاب و گفت يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَيَا مُغِيثَ الْمَهْمُومِينَ اِكْشِفْ هَمِّي وَكَرْبِي وَغَمِّي فَقَدْ تَرَى حَالِي وَحَالَ اَصْحَابِي و باسناد معتبر از معویة بن عمار منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که ترک مکن رفتن بمشاهد مدینه را که یکی از انها مسجد قبا است و حقتعالی در شان ان مسجد فرستاده است این ایه را (لَمَسْجِدٌ اُسِّسَ عَلَى التَّقْوٰى مِنْ اَوَّلِ يَوْمٍ اَحَقُّ اَنْ تَقُومَ فِيهِ) که مضمونش اینست بحقیقت که مسجدیکه بنا شده است بر پرهیزکاری در روز اول سزاوارتر است باینکه در ان بایستی بنماز و عبادت از مسجدیکه منافقان بمکر و حیله بنا کرده اند و غرفه مادر ابرهیم و مسجد فضیخ و قبور شهدا و مسجد احزاب که ان مسجد فتح است و بما رسیده است که پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم چون نزد قبور شهدا میرسید میگفت (اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) و باید که در مسجد فتح این دعا بخوانی يَا صَرِيخَ الْمَكْرُوبِينَ وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ اِكْشِفْ عَنِّي هَمِّي وَغَمِّي وَكَرْبِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِي هٰذَا الْمَكَانِ و در حدیث معتبر دیگر از انحضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فرمود که هر که بیاید بسوی مسجد من و مسجد قبا و دو رکعت در ان نماز بگذارد برگردد با ثواب عمره و احادیث

در فضیلت مسجد قبا بسیار است و بسند صحیح از ان حضرت منقولست که حضرت
فاطمه علیها السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز
زنده ماند و در این ایام هیچکس آنحضرت را خندان ندید میرفت بسوی قبرستان
شهیدان احد در هر هفته دو مرتبه روز دوشنبه و پنجشنبه و در آنجا نماز و دعا
میکرد و بسند معتبر از عمار ساباطی منقولست که گفت با حضرت صادق علیه السلام
رفتم بسوی مسجد فضیخ فرمود که ای عمار می بینی این گودال را گفتم بلی فرمود که
اسماء زن جعفر بن ابی طالب که اخ امیر المؤمنین علیه السلام او را خواست در روزی
در اینموضع نشسته بود با دو پسرش که از جعفر داشت پس گریست پسرهایش
از او پرسیدند که چرا گریه میکنی گفت از برای امیر المؤمنین علیه السلام گفتند
از برای امیر المؤمنین گریه میکنی و از برای پدر ما گریه نمیکنی گفت برای موت او گریه
نمیکنم بلکه بیادم آمد حدیثی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا بمن نقل
کرد و باین سبب گریستم روزی با ان حضرت در این مسجد نشسته بودم فرمود که می
بینی این گودال را گفتم بلی فرمود که من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
در اینموضع نشسته بودیم ناگاه سر مبارک خود را در دامن من گذاشت و بخواب
رفت تا وقت نماز پیشین در آمد نخواستم که ان حضرت را بیدار کنم که مبادا آزار
ان حضرت باشد تا آنکه وقت بیرون رفت و نماز من فوت شد پس حضرت
بیدار شد و فرمود که یا علی نماز کرده گفتم نه فرمود چرا گفتم که نخواستم شما را
آزار کنم پس برخاست و دستها را بلند نمود و رو بقبله کرد و گفت خداوندا
برگردان آفتاب را بوقت نماز تا علی نماز کند پس آفتاب برگشت بوقت نماز عصر
تا من نماز کردم پس بنهایت سرعت مانند شهاب فرو رفت و از جمله زیارات

زیارت ابرهیم فرزند رسول خدا است در بقیع و در روز ولادت آن حضرت که
هفدهم ماه رجب است موافق مشهور انسب است و در کیفیت زیارت او خبری بنظر
نرسیده است و در کتب زیارات مسطور است و زیارت فاطمه بنت
اسد است و قبر شریفش در بقیع معروفست و از کلام شیخ در تهذیب
مفهوم میشود که نزد ائمه بقیع مدفون باشد و مزاریکه الحال معروفست
دور است از قبر ایشان و دور نیست که آن موضعیکه در پیش روی ائمه
بقیع ع زیارت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در آنجا میکنند قبر فاطمه
بنت اسد باشد که اشتباه کرده باشند و زیارت حضرت ابوطالب ع
و حضرت عبد المطلب و حضرت عبد مناف و حضرت خدیجه رضی الله
عنهم در مکه معظمه باید کرد خصوصا در ایام مختصه بایشان مثل بیست و
ششم ماه رجب که روز وفات ابوطالب است و دهم ربیع الاول که روز وفات
عبد المطلب است و روز هفدهم محرم که روز هلاک اصحاب فیل و ظهور کرامت
عبد المطلب است و روز تزویج خدیجه رضی الله عنها که پیش مذکور شد
و زیارت حضرت جعفر بن ابی طالب ع در موته و زیارت شهدای بدر در بدر
و زیارت ابوذر رضی الله عنه در ربذه که نزدیک بصفر است از جانب راه است
نسبت بکسی که از مکه بمدینه رود و قبر شریف آمنه و عبد الله رضی الله
عنهما در این زمان معلوم نیست و شیخ محمد بن المشهدی ذکر کرده است که
مستحب است نماز کند در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و خانه
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه
و مسجد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که محاذی قبر حمزه است و از
جمله مساجد معروفه مسجد غدیر خم است که نزدیک بجحفه است که در این زمان

میگویند آن مسجد در این زمان اثری هست اما نواصب از برای اخفای فضیلت
و نص امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه را، آن را خراب کرده اند و بر سر راه متعارف ایشان
نیست و نزدیک است براه و بسند معتبر از حسان جمال منقولست که گفت شتری
بحضرت صادق علیه السلام کرایه داده بودم و در خدمت آن حضرت از مدینه تا مکه رفتم
و چون رسیدیم بمسجد غدیر نظر کرد بجانب چپ مسجد و فرمود که این موضع قدم رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم است در وقتی که میفرمود هر که من مولای او بوده‌ام پس
علی مولای او است خداوندا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن دار هر که
او را دشمن دارد پس نظر فرمود حضرت صادق صلوات الله علیه بجانب دیگر مسجد و فرمود
که این موضع خیمه ابوبکر و عمر و سالم مولای ابی حذیفه و ابو عبیدة الجراح است
در وقتی که دیده اند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم دست حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه را گرفته و بلند کرده است و نص بر امامت و بیان
فضائل او را بیان میفرماید در انوقت بعضی از ایشان گفتند که ببینید چشمهایش
را که میگردد گویا که دیده های دیوانه است پس جبرئیل علیه السلام نازل شد و این آیه
(وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا) را آورد

باب دوم

در بیان فضیلت زیارت امام الانس و الجن علی بن موسی الرضا علیهما السلام و شرافت
مدفن آن حضرت است بسند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم منقولست
که فرمود زود باشد که پاره از تن من در زمین خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی
زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را از برای او واجب گرداند و بدنش

را بر آتش جهنم حرام گرداند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که پاره از بدن من در خراسان مدفون
خواهد شد هر غمناکی که او را زیارت کند البته حق تعالی غمش را زایل گرداند
و هر گناهکاری که او را زیارت کند البته خدا گناهانش را بیامرزد و بسند معتبر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که زود باشد که مردی از
فرزندان من بزهر کشته شود در زمین خراسان بظلم و عدوان که نام او نام من
باشد و نام پدرش نام موسی بن عمران هر که او را در غربی او زیارت کند
گناهان گذشته و آینده او را حق تعالی بیامرزد هرچند مثل عدد ستاره ها
و قطره های باران و برگ درختان بوده باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که فرمود بیرون می‌آید مردی از فرزندان پسرم موسی
که نام او نام امیر المؤمنین علیه السلام باشد پس مدفون شود در زمین طوس
که در خراسان است و کشته شود در آنجا بزهر پس مدفون شود در آنجا غریب
هر که او را زیارت کند و عارف بحق او باشد و او را امام واجب الاطاعة
داند عطا کند خدا او را ثواب کسی که زر در راه خدا خرج کرده باشد و جهاد
کرده باشد پیش از فتح مکه و در حدیث معتبر دیگر منقولست از عبدالله بن
الفضل که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم پس داخل شد
بر آنحضرت شخصی از اهل طوس و گفت یا ابن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه زیارت
کند قبر ابی عبدالله الحسین علیه السلام را فرمود که ای طوسی هر که زیارت کند
قبر آنحضرت را و داند که او امام است از جانب خدا و اطاعتش بر بنده گان
واجبست حق تعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و قبول کند شفاعت
او را در حق هفتاد گناهکار و نزد قبر او هر حاجتی که بطلبد البته برآورده

شود پس حضرت امام موسی کاظم علیه السلام داخل شد و ابراهیم ... بیمان
دید اشاره امیر بوسید پس ملتفت شد باشیان و فرمود که این موسی ابن جعفر
امام و خلیفه و حجت خداست بعد از من و بدرستیکه از صلب او مردی بیرون
خواهد آمد که پسندیده خدا باشد و اسمان و پسندیده بندگان باشد در زمین
او کشته خواهد شد در زمین خراسان بزهر از روی ظلم و تعدی و مدفون خواهد شد
در آن زمین غربت هر که او را زیارت کند در غربت او و داند که او امام است بعد
از پدرش و اطاعت او واجبست از جانب خدا چنان باشد که رسول خدا او را زیارت
کرده باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که در طوفان نوح علیه السلام جمیع
بقعهٔ زمین بخدا شکایت کردند (بیت المعمور و نجف و کربلا و شهر طوس) و بسند
معتبر منقولست که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که هر که زیارت
کند پسر فرزندم علی را او را نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول بوده باشد راوی
استبعاد کرد و گفت هفتاد حج مقبول حضرت فرمود که بلی هفتاد هزار حج فرمود
که چه بسیار حج باشد که مقبول نباشد هر که آن حضرت را زیارت کند یا یکشب
نزد آن حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد گفت
چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد فرمود بلی چون روز قیامت میشود
بر عرش الهی چهار کس از پیشینیان و چهار کس از پسینیان خواهند بود اما
پیشینیان پس نوح و ابراهیم و موسی و عیسی اند و اما پسینیان پس محمد و علی و حسن
و حسین اند پس دستخوانی میکشند در پای عرش بر مینشینند با ما زیارت کنندگان
قبرهای ائمه و بدرستیکه زیارت کنندگان فرزندم علی علیه السلام درجه
ایشان از همه بلندتر و عطای ایشان از همه بیشتر خواهد بود و بسند حسن

کنند هفتاد هزار حج

منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که فرزند زادهٔ من شهید خواهد شد در زمین
خراسان در شهری که آن را طوس گویند هر که او را در آنجا زیارت کند و حق او را شناسد
در روز قیامت دست او را بگیرم و داخل بهشت گردانم هر چند از اهل کبایر باشد
راوی گفت فدای تو شوم شناختن حق او کدام است فرمود آنستکه بداند او امامی است
که اطاعت او بر خلق واجبست و غریب و شهید است هر که زیارت کند او را و عارف
بحق او باشد عطا فرماید حقتعالی باو ثواب هفتاد شهید و در روایت دیگر
هفتاد هزار شهید از آنها که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با حقیقت
ایمان شهید شده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اشاره فرمود بحضرت امام
موسی علیه السلام و فرمود که فرزندی از این در طوس شهید خواهد شد که زیارت
نکند او را از شیعیان ما مگر قلیل بسیار نادری و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که فرزندم علی بزهر کشته خواهد
شد بظلم و ستم و مدفون خواهد شد در پهلوی هرون هر که او را زیارت
کند چنان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده باشد
و بسند معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی نشسته بود و فرزندان
نزد آن حضرت حاضر بودند پس حضرت امام رضا علیه السلام از پیش آن حضرت
گذشت و او در ابتدای سن جوانی بود حضرت امام موسی علیه السلام فرمود
که این فرزند من فوت خواهد شد در زمین غربت پس هر که او را زیارت کند
و منقاد باشد امر او را و بشناسد حق او را نزد خدا تعالی مثل شهیدان بدر
باشد و بسند حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام روزی
اشاره نمود بحضرت امام رضا و فرمود که هر که این فرزندم را زیارت کند از برای او است

بهشت و بسند موثق منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که در خراسان بقعه
هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محل رفتن و آمدن ملائکه خواهد بود پس پیوسته
فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت تا در صور
بدمند پرسیدند یابن رسول الله کدام بقعه است فرمود که آن در زمین طوس
است و از والله باغیست از باغهای بهشت هر که مرا زیارت کند در آن بقعه
چنان است که رسول خدا را زیارت کرده باشد و بنویسد حقتعالی از برای او
بسبب این زیارت ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمرهٔ مقبوله و من و پدرانم
شفیعان او باشیم در روز قیامت و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست
که فرمود والله که هیچیک از ما نیست مگر آنکه کشته و شهید میشود پرسیدند
که کی شما را خواهد کشت یابن رسول الله فرمود که بدترین خلق خدا در زمان من
مرا بزهر خواهد کشت و مرا دفن خواهد کرد در دار دوری و دیار غربت
پس هر که مرا در آن غربت زیارت کند بنویسد حقتعالی از برای او ثواب صد هزار
شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده
و محشور شود در روز قیامت در زمرهٔ ما و در درجات عالیهٔ بهشت رفیق ما
باشد و بسند موثق دیگر منقولست که شخصی از اهل خراسان بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که یابن رسول الله دیدم رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که بمن فرمود بمن چگونه خواهد بود حال شما هر گاه
دفن شود در زمین شما پارهٔ از تن من و بشما بسپارند امانت مرا و پنهان شود در
خاک شما ستارهٔ من حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که منم آنکه مدفون میشود
در زمین شما و منم پارهٔ تن پیغمبر شما و منم امانت و آن ستاره هر که مرا زیارت

کند و او داند و شناسد آنچه را خدا واجب کرده است از حق من و فرمانبرداری من
پس من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت و هر که ما شفیعان او باشیم
در روز قیامت نجات یابد هر چند بر او باشد مثل گناهان جنیان و آدمیان
و بتحقیق که خبر داد مرا پدرم از جدم از پدرش که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود هر که ببیند مرا در خوابش پس مرا دیده است زیرا که شیطان متمثل
نمیشود بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیاء من و نه بصورت یکی از شیعیان
ایشان بدرستیکه خواب راست یک جزو است از هفتاد جزو از پیغمبری و
بچندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که گفت خواندم نامهٔ امام رضا علیه السلام
را که نوشته بود که برسانید بشیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج
پس من این حدیث را بخدمت امام محمد تقی علیه السلام عرض کردم فرمود بلی والله
هزار هزار حج هست از برای کسیکه آن حضرت را زیارت کند حق او را شناسد
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که از دوستان من که عارف بحق من باشد و
مرا زیارت کند البته او را شفاعت کنم در روز قیامت و بسند معتبر
دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که مرا زیارت کند با
دوری قبر من بیایم بنزد او در سه موطن در روز قیامت او را خلاص کنم از اهوال
آنها در وقتی که نامه های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامهای بدکاران بدست
چپ ایشان پرواز کند و نزد صراط و نزد ترازوی اعمال و در حدیث موثق دیگر فرمود
که من کشته و زهر داده و مدفون خواهم شد در زمین غربت این را میدانم بخبری
که پدرم بمن داده از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس کسیکه در غربت
مرا زیارت کند من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت و هر که ما شفیعان

او با شیم مجاب باید هر چند براو مثل گناه جن وانس باشد و بسند معتبر دیگر مرویست که آن حضرت فرمود که بار بنباید بست بسوی قبری از قبرها مگر قبور ما اهل بیت و بدرستیکه من کشته خواهم شد بزهر ظلم وستم و مدفون خواهم شد در زمین غربت پس هر که بار بندد بسوی زیارت من دعایش مستجاب شود و گناهانش آمرزیده گردد و بسند معتبر دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام داخل قبه شد که در آنجا قبر هرون الرشید بود پس بیک جانب قبر خطی کشید و فرمود که این تربت من است و در اینجا مدفون خواهم گشت و در این زودی حق تعالی این زمین را محل آمدن و رفتن شیعیان و دوستان من گرداند والله که زیارت کننده از ایشان مرا زیارت نکند و سلام کننده از ایشان بر من سلام نکند مگر واجب شود از برای او آمرزش خدا و رحمت خدا بشفاعت ما اهل بیت و در حدیث معتبر دیگر فرمود که زود باشد که کشته شوم بزهر با ظلم وستم و مدفون شوم در پهلوی هرون الرشید و بگرداند خدا تربت مرا محل تردد شیعیان و دوستان من پس هر که مرا در این غربت زیارت کند واجب شود برای او که من او را زیارت کنم در روز قیامت و سوگند میخورم بخدائیکه محمد را گرامی داشته است بپیغمبری و برگزیده است او را بر جمیع خلایق که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته مستحق شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت و بحق آن خداوندیکه ما را گرامی داشته است بعد از محمد بامامت و مخصوص گردانیده است ما را بوصیت آنحضرت سوگند میخورم که زیارت کنندگان قبر من گرامی ترند از هر گروهی نزد خدا در روز قیامت و هر مؤمنی که مرا زیارت کند پس بروی آن قطره از باران برسد البته حق تعالی جسد او را بر آتش جهنم

حرام کرده اند و بسند صحیح دیگر منقولست که آن حضرت فرمود من کشته خواهم شد بزهر بستم پس هر که مرا زیارت کند با شناختن حق من خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که روزها و شبها آخر نخواهد شد تا آنکه در طوس محل تردد شیعیان و زیارت کنندگان من پس هر که مرا با غریبی من در طوس زیارت کند با من باشد در درجه من در روز قیامت و گناهانش آمرزیده شود و بسندهای صحیح بسیار از امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که پدرم را در طوس زیارت کند خدا گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد پس چون روز قیامت شود منبری از برای او در برابر منبر رسول خدا نصب کنند که بر آن منبر باشد تا حقتعالی از حساب بندگان فارغ شود و بسند معتبر از امامزاده عبد العظیم علیه السلام منقولست که حضرت امام محمد تقی علیه السلام فرمود که زیارت نکند پدرم را احدی پس برسد باو آزاری از باران یا سرما یا گرما مگر حرام کرداند خدا بدن او را از آتش جهنم و بسند حسن از عبد العظیم علیه السلام منقولست که آن حضرت فرمود که حتم و لازم شده بر خدا برای کسیکه پدرم را زیارت کند در طوس با معرفت بحق او که البته بهشت را باو عطا فرماید و باز بسند حسن منقولست که عبد العظیم علیه السلام بآن حضرت عرض کرد که متحیر شده ام میان زیارت قبر امام حسین علیه السلام و میان زیارت قبر پدرت در طوس پس چه میفرمائی فرمود که در جای خود باش پس داخل خانه شد و بیرون آمد و آب دیدهای مبارکش بر رویش جاری بود پس فرمود که زیارت کنندگان قبر امام حسین علیه السلام بسیارند و زیارت کنندگان قبر پدرم کمند و بسند صحیح از آنحضرت

منقولست که در میان دو کوه طوس قبضه ای از خاک هست که از بهشت برداشته اند
هر که داخل آن شود ایمن باشد در روز قیامت از آتش جهنم و بسند صحیح دیگر
منقولست که ابن ابی نجران از آن حضرت پرسید که چه ثوابست برای کسیکه
پدرت را زیارت کند فرمود که ثواب او بهشت است والله و در حدیث صحیح
دیگر این سؤال کردند دو مرتبه فرمود که از برای او بهشت است والله و بسند
معتبر منقولست که محمد بن سلیمان از امام محمد تقی علیه السلام پرسید که شخصی
حج واجب خود را کرده است بعنوان حج تمتع پس بمدینه رفت و زیارت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله وسلم کرد پس رفت بنجف و زیارت پدرت امیر المؤمنین
علیه السلام کرد و حق او را میشناسد و میدانست که او حجت خدا است بر خلق
او و او درگاه خدا است که از آن در بخدا باید رسید پس سلام کرد بر آن حضرت
پس رفت بکربلا و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرد پس رفت
ببغداد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرد پس بشهر
خود برگشت و در این وقت خدا انقدر مالها روزی کرده است که بحج
میتواند رفت کدام بهتر است از برای اینمرد که حج واجب خود را کرده است
که برگردد و باز حج کند یا برود بخراسان و پدرت امام رضا علیه السلام را زیارت
کند فرمود بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب
باشد و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست
و بسند حسن منقولست که علی بن مهزیار بخدمت آن حضرت عرض کرد که
فدای تو شوم زیارت امام رضا علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین
صلوات الله علیه فرمود که زیارت پدرم افضل است زیرا که امام حسین ع

را همه کس زیارت میکنند و پدرم را زیارت نمیکند مگر خواص از شیعه مؤلف
گوید که گویا مراد این باشد که چون فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام مشهور
گردیده است اکثر شیعه بزیارت آنحضرت رغبت میکنند و فضیلت زیارت
امام رضا علیه السلام را کمتر شنیده اند و کمتر رغبت میکنند پس اینحکم مخصوص
آن زمان خواهد بود و بنا بر این در هر عصری هر امام را که کمتر زیارت کنند زیارت او
افضل خواهد بود و ممکنست که مراد این باشد که امام حسین علیه السلام را شیعه
و سنی زیارت میکنند و آنحضرت را بغیر از شیعه زیارت نمیکنند یا آنکه هر که
زیارت آنحضرت میکند با اعتقاد بامامت آنحضرت مخصوص آنها شیعه اند
یعنی اثنی عشری زیرا که هر که اعتقاد بامامت آنحضرت دارد بهمه ائمه اعتقاد دارد
بخلاف حضرت امام حسین علیه السلام که همه فرق شیعه اعتقاد بامامت آن
حضرت دارند و بسندهای صحیح و غیر صحیح بسیار از آنحضرت منقولست که
هر که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از برای او است و بسند معتبر از امام
علی نقی علیه السلام منقولست که فرمود اهل قم و اهل آبه آمرزیده اند بسبب آنکه
زیارت میکنند جد علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس بدانستیکه هر که
بزیارت آنحضرت برود و در راه قطره از باران باو برسد خدا جسد او را بر
آتش جهنم حرام گرداند **مؤلف گوید** که زیارت آنحضرت در اوقات
شریفه و ازمنه مختصه بآنحضرت افضل است خصوصا در ماه مبارک رجب که در
حدیث گذشت و روز ولادت آنحضرت که موافق مشهور یازدهم ماه ذی قعده است
و روز وفات آنحضرت که روز آخر ماه صفر است یا هفدهم آن یا بیست و چهارم
ماه رمضان و روزیکه آنحضرت بخلافت الهی فایز گردیده است که روز وفات

امام موسی علیه السلام است گذشت و روز دیگر بیست و هفتم است با آنحضرت بیعت کردند که اول ماه رمضان است باشد و سید بن طاوس ره در کتاب اقبال ذکر کرده است که روایت وارد شده است که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز باید کرد در هر رکعت سوره الحمد یکمرتبه و سوره توحید بیست و پنجمرتبه از برای شکر آنکه حقوق مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام در این روز ظاهر شده است و ایضاً فرموده است که در بعضی از نسخهای اصحاب خود دیده ام که مستحب است زیارت حضرت امام رضا علیه السلام در روز بیست و سیم ماه ذی القعده از نزدیک یا دور ببعضی از زیارات منقوله یا غیر منقوله از آنحضرت و بسند معتبر ابن بابویه روایت کرده است که چون امام رضا علیه السلام بده سرخ رسید در وقتی که بنزد مامون لعین میرفت گفتند یا ابن رسول الله ظهر شده است نماز نمیکنید پس فرود آمد و آب طلبید گفتند که آب همراه نداریم پس بدست مبارک خود زمین را کاوید آنقدر آب جوشید که آنحضرت و هر که با آنحضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقیست و چون داخل سناباد شد پشت مبارک خود را گذاشت بکوهی که دیگها از آن میتراشند و فرمود که خداوندا نفع ببخش باین کوه و برکت ده در هر چه در ظرفی که بگذارند که از این کوه تراشند و فرمود که از برای آنحضرت دیگها از سنگ تراشیدند و فرمود که طعام آنحضرت را نپزند مگر در آن دیگها پس از آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند **مؤلف** گوید که در کتب معجزات کرامات و معجزات بسیار برای روضه مقدسه رضویه علی مشرفها السلام ذکر کرده اند که ایراد آن در این مقام مناسب نیست با آنکه در هر زمان آنقدر ظاهر میشود که احتیاج و نقل گذشته نیست و انشاء الله

فصل هفتم

در بیان کیفیت زیارت آن حضرت است در کتاب جلوة القلوب بیان خواهد شد

بسند معتبر از ابو الصلت هروی منقولست که گفت در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که جمعی از اهل قم بخدمت آنحضرت آمدند و سلام کردند پس ایشانرا جواب سلام فرمود و نزدیک خود طلبید و گفت مرحبا خوش آمدید شما شیعیان ما هستید بحقیقت و راستی و خواهد آمد بر شما زمانی که در آن زمان بزیارت تربت من بیایند در طوس هر که مرا زیارت کند با غسل باشد از گناهان بیرون آید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که هر که را بسوی خدا حاجتی بوده باشد پس زیارت کند قبر حضرت امام رضا علیه السلام را در شهر طوس و حال آنکه غسل کرده باشد و نزد سر آن حضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت خود را بطلبد پس مستجاب میشود مگر آنکه از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند بدرستیکه موضع قبر آنحضرت بقعه ایست از بقعهای بهشت و هیچ مؤمنی او را زیارت نمیکند مگر آنکه حقتعالی او را از آتش جهنم آزاد میکند و داخل بهشت میگرداند و در حدیث معتبر دیگر از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که چون نزد قبر امام رضا بروی بگو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الْاِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلٰى مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرٰى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلٰوةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ

وزیارت مشهور آن حضرت زیارتیست که در کتب معتبره مذکور است و مجلسی

الحسن بن الولید هم ذکر نمایند واز مزار ابن قولویه معلوم میشود که از ائمه علیهم السلام
مروی بوده باشد گفته اند که چون اراده نمائی که زیارت کنی امام رضا علیه السلام
را در طوس پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون روی و بگو در وقت غسل
اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ لِی قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی لِسَانِی مِدْحَتَکَ
وَالثَّنَآءَ عَلَیْکَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی طَهُوراً
وَشِفَآءً (ومیگوئی در وقت بیرون رفتن)

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَاِلَی ابْنِ رَسُولِ اللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ
تَوَکَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ تَوَجَّهْتُ وَاِلَیْکَ قَصَدْتُ
وَمَا عِنْدَکَ اَرَدْتُ پس چون بیرون روی بر در خانه خود بایست و بگو
اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَعَلَیْکَ خَلَّفْتُ اَهْلِی وَمَالِی
وَمَا خَوَّلْتَنِی وَبِکَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَیِّبْنِی یَا مَنْ لَا یُخَیِّبُ مَنْ اَرَادَهُ
وَلَا یُضَیِّعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِکَ
فَاِنَّهُ لَا یَضِیعُ مَنْ حَفِظْتَ

پس چون بسلامت برسی نزدیک قبر آن حضرت غسل بکن و در وقت غسل کردن بگو

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی
لِسَانِی مِدْحَتَکَ وَمَحَبَّتَکَ وَالثَّنَآءَ عَلَیْکَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا

قوام نعم

بِکَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قُوَّةَ دِینِی اَلتَّسْلِیمُ لِاَمْرِکَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ
نَبِیِّکَ وَالشَّهَادَةُ عَلٰی جَمِیعِ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی
شِفَآءً وَنُوراً اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ

پس بپوش پاکترین جامه های خود را و پای برهنه روانه شو با سکینه و وقار
که بنائی نزدیک دلت بیاد خدا باشد و (اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحَانَ
اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بگو) و گامهای خود را کوتاه بردار و چون داخل روضه مقدسه
شوی بگو

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلٰی مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ
اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ
اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّ اللّٰهِ

پس برو در نزد ضریح و قبله را در پشت خود
بگیر و رو بروی آن حضرت بایست و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ
وَاَنَّهُ سَیِّدُ الْاَنْبِیَآءِ وَالْمُرْسَلِینَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ
عَبْدِکَ وَرَسُولِکَ وَنَبِیِّکَ وَسَیِّدِ خَلْقِکَ اَجْمَعِینَ
صَلٰوةً لَا یَقْوٰی عَلٰی اِحْصَآئِهَا غَیْرُکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اَمِیرِ

المؤمنين علي بن ابي طالب عبدك واخي رسولك الذي انتجبته
بعلمك وجعلته هاديا لمن شئت من خلقك والدليل على من
بعثته برسالاتك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك
بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه و
رحمة الله وبركاته اللهم صل على فاطمة بنت نبيك و
زوجة وليك وام السبطين الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقية النقية
الرضية الزكية سيدة نساء العالمين واهل الجنة
اجمعين صلوة لا يقوى على احصائها غيرك اللهم صل
على الحسن والحسين سبطي نبيك وسيدي شباب اهل
الجنة القائمين في خلقك والدليلين على من بعثت
برسالاتك وديانى الدين بعدلك وفصلى قضائك بين
خلقك اللهم صل على علي بن الحسين عبدك القائم
في خلقك والدليل على من بعثت برسالاتك وديان الدين
بعدلك وفصل قضائك بين خلقك سيد العابدين

اللهم صل على محمد بن علي عبدك وخليفتك في ارضك
باقر علم النبيين اللهم صل على جعفر بن محمد
الصادق عبدك وولي دينك وحجتك على خلقك
اجمعين الصادق البار اللهم صل على موسى بن جعفر
عبدك الصالح ولسانك في خلقك الناطق بحكمتك
والحجة على بريتك اللهم صل على علي بن موسى الرضا
المرتضى عبدك وولي دينك القائم بعدلك والداعي
الى دينك ودين آبائه الصادقين صلوة لا يقوى
على احصائها غيرك اللهم صل على محمد بن علي عبدك
ووليك القائم بامرك والداعي الى سبيلك اللهم
صل على علي بن محمد عبدك وولي دينك اللهم صل على
الحسن بن علي العامل بامرك القائم في خلقك وحجتك
المؤدي عن نبيك وشاهدك على خلقك المخصوص
بكرامتك الداعي الى طاعتك وطاعة رسولك صلواتك
عليهم اجمعين اللهم صل على حجتك ووليك

الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلوٰةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَاُوَالِي وَلِيَّهُمْ وَاُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

پس بنشینی نزد سران حضرت و مے گوئے

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِسْمٰعِيلَ ذَبِيحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ اَبِي طَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ عِلْمِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ الْاَمِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ الْحَلِيمِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهِيدُ السَّعِيدُ الْمَظْلُومُ الْمَقْتُولُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الصِّدِّيقُ الْوَصِيُّ الْبَارُّ التَّقِيُّ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ اَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَالْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ

پس خود را بضریح بچسبانی و میگوئی

اللّهمّ الیک صمدت من ارضی و قطعت البلاد رجاء رحمتک فلا تخیّبنی و لا تردّنی بغیر قضاء حوائجی و ارحم تقلّبی علی قبر ابن اخی رسولک صلواتک علیه و آله بابی انت و امّی اتیتک زائراً وافداً عائذاً ممّا جنیت علی نفسی و احتطبت علی ظهری فکن لی شافعاً الی الله تعالی یوم حاجتی و فقری و فاقتی فانّ لک عند الله مقاماً محموداً و انت عند الله وجیه

پس دست راست را بلند میکنی و دست چپ را بر قبر میگذاری و میگوئی

اللّهمّ انّی اتقرّب الیک بحبّهم و بولایتهم اتولّی آخرهم بما تولّیت به اوّلهم و ابرء من کلّ ولیجة دونهم اللّهمّ العن الّذین بدّلوا نعمتک و اتّهموا نبیّک و جحدوا بآیاتک و سخروا بامامک و حملوا النّاس علی اکتاف آل محمّد اللّهمّ انّی اتقرّب الیک باللّعنة علیهم و البرائة منهم فی الدّنیا و الآخرة یا رحمن

پس میگردی و بنزد پای آنحضرت میروی و میگوئی

صلّی الله علیک یا ابا الحسن صلّی الله علی روحک و بدنک صبرت و انت الصّادق المصدّق قتل الله من قتلک بالایدی و الالسن

پس تضرع و مبالغه کن در لعنت کردن بر کشنده امیر المؤمنین و قاتلان حسن و حسین علیهما السلام و قاتلان جمیع ائمه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیهم اجمعین پس از پشت قبر برو و نزد سر آنحضرت دو رکعت نماز بکن در رکعت اول سوره یس و در رکعت دوم سوره الرحمن بخوان و جهد کن در دعا و تضرع و بسیار دعا کن از برای خود و پدر و مادر خود و جمیع برادران مؤمن خود و آنچه خواهی نزد سر آنحضرت بمان که نمازهای خود را نزد قبر بکنی و چون خواهی که زیارت وداع بکنی بگو

السّلام علیک یا مولای و ابن مولای و رحمة الله و برکاته انت لنا جنّة من العذاب و هذا اوان انصرافی عنک ان کنت اذنت لی غیر راغب عنک و لا مستبدل بک و لا مؤثر علیک و لا زاهد فی قربک و قد جدت بنفسی للحدثان و ترکت الاهل و الاولاد و الاوطان فکن لی شافعاً یوم حاجتی و فقری و فاقتی یوم لا یغنی عنّی حمیمی و لا قریبی یوم لا یغنی عنّی والدی و لا ولدی اسئل الله الّذی قدّر علی رحیلی الیک

ان تنفس بك كربتي واسئل الله الذي قدر على فراق مكانك
ان لا يجعله اخر العهد من رجوعي اليك واسئل الله الذي
ابكى عليك عيني ان يجعله لي سببا وذخرا واسئل الله
الذي اراني مكانك وهداني بالتسليم عليك وزيارتي
اياك ان يوردني حوضكم ويرزقني مرافقتكم في الجنان
السلام عليك يا صفوة الله السلام على امير المؤمنين
ووصي رسول رب العالمين وقائد الغر المحجلين السلام
على الحسن والحسين سيدي شباب اهل الجنة السلام
على علي بن الحسين سيد الساجدين ومحمد بن علي باقر
علوم الاولين والاخرين وجعفر بن محمد الصادق البار
الامين وموسى بن جعفر الكاظم الحليم وعلي بن موسى
الرضا العليم ومحمد بن علي التقي الهادي والحسن بن علي
العسكري والحجة القائم المنتظر ورحمة الله وبركاته
السلام على ملائكة الله الباقين السلام على الملائكة
المقيمين المسبحين الذين بامره يعملون السلام علينا

وعلى عباد الله الصالحين اللهم لا تجعله اخر العهد من
زيارتي اياه فان جعلته فاحشرني معه ومع ابائه الماضين
وان ابقيتني يا رب فارزقني زيارته ابدا ما ابقيتني انك على
كل شيء قدير ومیگوئی

استودعك الله واسترعيك واقرء عليك السلام امنا بالله
وبما دعوتنا اليه اللهم فاكتبنا مع الشاهدين اللهم
فارزقني حبهم ومودتهم ابدا ما ابقيتني السلام مني ابدا
ما بقيت ودائما اذا فنيت السلام علينا وعلى عباد
الله الصالحين

وچون از روضه مقدسه بیرون آئی پشت بجانب قبر مکن تا از نظر تو پنهان شود (مؤلف
گوید) که چند زیارت دیگر در بحار الانوار ذکر کرده ام وچون ثابت نبود که منقول از
ائمه اطهار باشد در اینجا ترک کردم وزیارات جامعه را در این روضات خواندن
اولی وانسب است وشیخ مفید ذکر کرده که مستحبست که بعد از نماز زیارت
امام رضا علیه السلام این دعا بخوانند

اللهم انی اسئلك یا الله الدائم فی ملكه القائم فی عزه
المطاع فی سلطانه المتفرد فی كبریائه المتوحد فی دیمومیة
بقائه العادل فی بریته العالم فی قضیته الكریم فی

تأخير عقوبته الهي حاجاتي مصروفة اليك وآمالي موقوفة
لديك وكلما وفقتني من خير فانت دليلي عليه وطريقي
اليه يا قديراً لا تؤوده المطالب يا مليّاً يلجأ اليه كل راغب
مازلت مصحوباً منك بالنعم جارياً على عادات الاحسان
والكرم اسئلك بالقدرة النافذة في جميع الاشياء
وقضائك المبرم الذي تحجبه بايسر الدعاء وبالنظرة التي
نظرت بها الى الجبال فتشامخت والى الارضين فتسطحت
والى السموات فارتفعت والى البحار فتفجرت يا من جلّ
عن ادوات لحظات البشر ولطف عن دقائق خطرات
الفكر لا تحمد يا سيدي الا بتوفيق منك يقتضي حمداً
ولا تشكر على اصغر منّة الا استوجبت بها شكراً فمتى
تحصى نعماؤك يا الهي وتجازى آلاؤك يا مولاي وتكافؤ
صنائعك يا سيدي ومن نعمك يحمد الحامدون ومن
شكرك يشكر الشاكرون وانت المعتمد للذنوب في
عفوك والناشر على الخاطئين جناح سترك وانت الكا

للضرّ بيدك فكم من سيئة اخفاها حلمك حتى دخلت
وحسنة ضاعفها فضلك حتى عظمت عليها مجازاتك
جللت ان يخاف منك الا العدل
وان يرجى منك الا الاحسان والفضل فامنن
عليّ بما اوجبه فضلك ولا تخذلني بما يحكم به عدلك
سيدي لو علمت الارض بذنوبي لساخت بي او الجبال
لهدّتني او السموات لاختطفتني او البحار لاغرقتني سيدي
سيدي سيدي مولاي مولاي مولاي قد تكرر وقوفي
لضيافتك فلا تحرمني ما وعدت المتعرضين لمسئلتك
يا معروف العارفين يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين
يا جليس الذاكرين يا محمود من حمده يا موجود من طلبه
يا موصوف من وحّده يا محبوب من احبّه يا غوث من
اراده يا مقصود من اناب اليه يا من لا يعلم الغيب الا هو
يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يدبّر الامر الا هو
يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يخلق الخلق الا هو

یا من لا ینزل الغیث الا هو صل علی محمد و آل محمد و اغفر
لی یا خیر الغافرین ربنا انی استغفرک استغفار حیاء و
استغفرک استغفار رجاء و استغفرک استغفار
انابة و استغفرک استغفار رغبة و استغفرک
استغفار رهبة و استغفرک استغفار طاعة و
استغفرک استغفار ایمان و استغفرک استغفار
اقرار و استغفرک استغفار اخلاص و استغفرک
استغفار تقوی و استغفرک استغفار توکل و
استغفرک استغفار ذلة و استغفرک استغفار عامل
لک هارب منک الیک فصل علی محمد و آل محمد و تب
علی و علی والدی بما تبت و تتوب علی جمیع خلقک
یا ارحم الراحمین یا من یسمی بالغفور الرحیم یا من
یسمی بالغفور الرحیم یا من یسمی بالغفور الرحیم صل
علی محمد و آل محمد و اقبل توبتی و زک عملی و اشکر سعیی و
ارحم ضراعتی و لا تحجب صوتی و لا تخیب مسئلتی

غوث المستغیثین و ابلغ ائمتی سلامی و دعائی و شفعهم فی
جمیع ما سئلتک و اوصل هدیتی الیهم کما ینبغی لهم و
زدهم من ذلک ما ینبغی لک باضعاف لا یحصیها غیرک
و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی اطیب
المرسلین محمد و آله الطاهرین

و در بعضی از کتب نقل کرده اند از حسین بن احمد فقیه و ازی که هر که زیارت کند
حضرت امام رضا علیه السلام یا دیگری از ائمه را پس نماز جعفر را نزد قبر آن حضرت
بجا آورد برای او نوشته شود بهر رکعتی ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره بجا
آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه در جهاد ایستاده باشد
با پیغمبر مرسل و بهر گامی ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته باشد
و صد حسنه برای او نوشته شود و صد گناه از او محو شود **مؤلف گوید** که چون بخط
بعضی از افاضل بنظر رسید که این زیارت را از خط شیخ شهید نقل کرده بود و از
سیاقش مفهوم میشد که منقول باشد لهذا ایراد نمود چون در برابر ضریح مقدس
بایستد بگوید

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا
عبده و رسوله السلام علی رسول الله امین الله علی وحیه
و عزائم امره الخاتم لما سبق و الفاتح لما استقبل و المهیمن
علی ذلک کله و رحمة الله و برکاته السلام علی مولانا امیر

المؤمنين وسيد الوصيين وابي الائمة المعصومين
ورحمة الله وبركاته السلام على فاطمة الزهراء سيدة
النساء ورحمة الله وبركاته السلام على الائمة المعصومين
سادة المتقين وكبراء الصديقين واعلام المهتدين وانوار
العارفين ورحمة الله وبركاته السلام على مولينا وسيدنا
الامام المعصوم ابي الحسن علي بن موسى الرضا ورحمة الله و
بركاته السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا
بن نبي الله السلام عليك يا بن خاتم النبيين السلام
عليك يا بن سيد الوصيين السلام عليك يا بن امير
المؤمنين السلام عليك يا بن امام المتقين السلام عليك
يا بن قائد الغر المحجلين السلام عليك يا بن فاطمة الزهراء
سيدة نساء العالمين السلام عليك يا بن خديجة الكبرى
ام المؤمنين السلام عليك يا بن ابي عبد الله الحسين
الشهيد السلام عليك يا بن علي بن الحسين زين العابدين
السلام عليك يا بن ابي جعفر محمد الباقر لعلوم الدين

السلام عليك يا بن ابي عبد الله جعفر الصادق والامين السلام
عليك يا بن ابي الحسن موسى الكاظم ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا ولي الله السلام عليك يا حبيب الله
السلام عليك يا صفوة الله السلام عليك يا عمود الدين
السلام عليك يا وصي رسول الله السلام عليك يا حجة
الله السلام عليك يا خاصة الله السلام عليك يا
خالصة الله السلام عليك يا موضع سر الله السلام عليك
يا عيبة علم الله السلام عليك يا وارث الانبياء السلام
عليك يا وصي الاوصياء السلام عليك يا مشكوة الضياء
السلام عليك يا منتهى العليا السلام عليك يا صاحب
الشرف الاثيل السلام عليك يا ذا الفعل الجميل السلام
عليك يا صاحب الاصل الاصيل السلام عليك يا اس الايمان
السلام عليك يا شريك القرآن السلام عليك يا معدن
الامان السلام عليك يا امام الابرار السلام عليك يا وصي
المختار السلام عليك يا مظهر الاسرار السلام عليك يا

صاحب المعجزات السلام عليك يا موضح البينات السلام عليك
ايها الصراط المستقيم السلام عليك ايها الدين القويم
السلام عليك يا مصباح الهدى السلام عليك يا ماوى التقى
السلام عليك يا معدن الحجى السلام عليك يا طود النهى السلام
عليك ايها الداعي الى المحجة العظمى والظاعن الى الغاية القصوى
والسامي الى المجد والعلى السلام عليك ايها العالم بالتأويل
والذكرى السلام عليك يا دليل الرشاد السلام عليك
يابن السادة الامجاد السلام عليك يابن القادة الزهاد السلام
عليك يا مصباح الظلم السلام عليك يا ينبوع الحكم ورحمة
الله وبركاته اشهد يا مولاي انك المطيع لله القائم بامر
الله العامل بارادته الفائز بكرامته اصطفاك الله
لعلمه واختارك لسره واعزك بهداه وخصك ببرهانه
وايدك بروحه ورضيك خليفة في ارضه وداعيا
الى حقه وشهيدا على خلقه وناصرا لدينه وحجة على بريته
وترجمانا لوحيه وخازنا لعلمه ومستودعا لحكمته عصمك

الله من الذنوب وبرأك من العيوب وقد اتيتك يا مولاي عارفا
بحقك مستبصرا بشأنك مهتديا بهداك مقتفيا لاثرك متبعا
لسنتك متمسكا بحبلك مطيعا لامرك مواليا لوليك معاديا
لعدوك عالما بان الحق لك ومعك متوسلا الى الله بك
مستشفعا اليه بجاهك وحق عليه ان لا يخيب سائله
والراجي ما عنده لزائرك المطيع لك پس دستها را بردار و بگو
اللهم فكما وفقتني للايمان بنبيك والتصديق بكتابك و
مننت علي بطاعته واتباع ملته وهديتني الى معرفته
ومعرفة الائمة من ذريته واكملت بمعرفتهم الايمان
وقبلت بطاعتهم وولايتهم الاعمال واستعبدت بالصلوة
عليهم عبادك وجعلتهم مفتاحا للدعاء وسببا للاجابة
فصل عليهم اجمعين وعلى مولانا وسيدنا ابي الحسن علي
بن موسى واجعلني بهم عندك وجيها في الدنيا والآخرة و
من المقربين واجعل ذنوبنا بهم مغفورة وعيوبنا بهم مستورة
وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك

معمورة وانفسنا بطاعتك مسرورة وجوارحنا على خدمتك
مقهورة واسماعنا في خواصك مشهورة وارزاقنا من
لدنك مدرورة وحوائجنا لديك ميسورة برحمتك
يا ارحم الراحمين

پس رو بروی ضریح مقدس بایستد و بگوید

السلام على القائم مقام الانبياء السلام على الوارث
علوم الاوصياء السلام على خليفة الله وخليفة رسوله
السلام على زمام الدين السلام على نظام المسلمين السلام
على صلاح الدنيا وعمدة المؤمنين السلام عليك يا اصل
الاسلام النامي السلام عليك يا فرعه السامي السلام عليك
يا من به تمام الصلوة والزكوة والصيام والحج والجهاد وتوفير
الفيء والصدقات وامضاء الحدود والمستحبات والاحكام
المبينات السلام عليك ايها المحلل حلال الله والمحرم
حرامه السلام عليك ايها المقيم حدود الله واحكامه
السلام عليك ايها الذاب عن دين الله بالحكمة والموعظة

الحسنة السلام عليك ايها الداعي الى الله بالحجة البالغة
السلام عليك يا من فضله كالشمس المضيئة الطالعة المجللة
بنورها للعالم السلام عليك ايها البدر المنير والسراج
الظاهر والنور الساطع والنجم الهادي السلام عليك يا
عز المسلمين وغيظ المنافقين السلام عليك يا بوار
الكافرين السلام عليك يا ابا السادة الميامين
السلام عليك يا من عجزت عن ذكر فضله البلغاء و
قصرت عن ادراكه الفصحاء وتحيرت في نعت فضله
الخطباء ولم تنته اليه الحكماء ذلك فضل الله
يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل العظيم السلام عليك
يا مولاي وعلى آبائك الاكرمين وابنائك الطاهرين
ورحمة الله وبركاته

پس ضریح را ببوسد و نماز زیارت بکند و بگوید

يا شامخا في بعده يا رؤفا في رحمته يا محيي الاموات
يا مخرج النبات يا ظهر اللاجين يا جار المستجيرين يا

أسمع السامعين يا أبصر الناظرين يا صريخ المستصرخين
يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر
من لا ذخر له يا حرز الضعفاء يا كنز الفقراء يا عظيم
الرجاء يا منقذ الغرقى يا محيي الموتى يا أمان الخائفين
يا إله العالمين يا صانع كل مصنوع يا جابر كل كسير
يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد يا قريبا
غير بعيد يا شاهدا غير غائب يا غالبا غير مغلوب
يا حي حين لا حي يا محيي الموتى يا حي لا إله إلا أنت يا
بديع السموات والأرض أنت القائم على كل نفس
بما كسبت أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد صلوة
ترضيهم وتحظيهم وتبلغهم أقصى رضاك وأن ترحم
ذلي بين يديك وتضرعي إليك ووحشتي من الناس
وأنسي بك يا كريم تصدق علي في هذه الساعة برحمة
من عندك تهدي بها قلبي وتجمع بها أمري وتلم بها شعثي
وتبيض بها وجهي وتكرم بها مقامي وتحط بها عني

وزري وتغفر بها ما مضى من ذنوبي وتعصمني بها فيما بقي من عمري
وتستعملني في ذلك كله بطاعتك وما يرضيك عني و
تختم عملي بأحسنه وتجعل لي ثوابه الجنة وتسلك بي
سبيل الصالحين وتعينني على صالح ما أعطيتني ولا
تشمت بي حاسدا ولا عدوا ولا تكلني إلى نفسي طرفة عين
أبدا ولا أقل من ذلك ولا أكثر يا رب العالمين

وسعی کند در دعا کردن با آنچه خواهد پس برود در پیش رو و قرار دهد و بگوید

اللهم إني زرت هذا الإمام مقرا بإمامته معتقدا
لفرض طاعته فقصدت مشهده بذنوبي وعيوبي
وموبقات آثامي وكثرة سيئاتي وخطاياي وما
تعرفه مني مستجيرا بعفوك مستعيذا بحلمك لاجئا
إلى ذكرك عائذا برأفتك مستشفعا بوليك وابن
أوليائك وصفيك وابن أصفيائك وأمينك
وابن أمنائك وخليفتك وابن خلفائك الذين
جعلتهم الوسيلة إلى رحمتك ورضوانك والذريعة

الی رأفتك وغفرانك اللهم واولی حاجاتی الیك ان
تغفر لی ما سلف من ذنوبی علی کثرتها وان تعصمنی فیما بقی
من عمری وتطهر دینی مما یدنسه ویشینه ویزری به و
تحمیه من الریب والشك والفساد والشرك وتثبتنی
علی طاعتك وطاعة رسولك وذریته النجباء السعداء
صلواتك علیهم ورحمتك وسلامك وبرکاتك وتحیینی
ما احییتنی علی طاعتهم وتمیتنی اذا امتنی علی طاعتهم
وان لا تمحو من قلبی مودتهم ومحبتهم وبغض اعدائهم
ومرافقة اولیائهم وبرهم واسئلك یا رب ان تقبل
ذلك منی وتحبب الی عبادتك وتبغض الی معاصیك
وترزقنی توبة نصوحا ترضها ونیة تحمدها وعملا صالحا
تقبله برحمتك یا ارحم الراحمین

پس چون خواهد که زیارت وداع کند نزد ضریح بایستد و بقبر پشت بقبله بکو

السلام علیك یا امین الله فی ارضه وحجته علی خلقه
وخازن علمه وموضع سره وباب امره ونهیه و

صراطه المستقیم سلام مودع لا سئم ولا قال ولا مال و
رحمة الله وبرکاته اللهم صل علی محمد وآل محمد و
اجعل غدونا مقرونا بالتوکل علیك ورواحنا عنك
موصولا بالنجاح منك ودعائنا لك مقرونا بحسن الاجابة
وخضوعنا بین یدیك داعیا الی رحمتك واعترافنا
بذنوبنا شفیعا الی عفوك وارزقنا العود الی زیارته ثم
العود الیه برحمتك یا ارحم الراحمین اللهم
لا تجعله آخر العهد منا الزیارة سیدنا وامامنا المفروض
طاعته علینا وارزقنا زیارته ابدا ما ابقیتنا انك
ذو الفضل العظیم والمن الجسیم وصلی الله علی
سیدنا محمد وآله الطاهرین

بحمد الله وحسن توفیقه وتاییده انجام واختتام پذیرفت این دوره منیفه رساله
شریفه اصلا وملحقا نجاء بحمد الله مرغوبا وبصیر انشاء
الله مطلوبا وکان الفراغ منه فی
شهر شعبان المعظم
۱۳۲۷

بر ضمیر
منیر سعادت تخمیر
ارباب خبرت و بصیرت مستور نماند
که این کتاب مستطاب مسمی به تحیة
الزائر که در لوحه نخستین صفحه اولین شمه از
حال خیریت مآل مؤلف نور الله مضجعه الشریف نگاشته رفت
چون کیفیت آداب زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه و ائمه بقیع صلوات
الله علیهم اجمعین و سایر اعمال مدینه منوره علی ساکنها الاف الثناء و التحیة و کیفیت
و آداب زیارت حضرت ثامن الائمة علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه در او
ذکر نشده بود محض خدمت به عموم زائرین اهل خطه شرع انور این زیارات را الحاق
نمودیم تا زائرین را حاجت بکتاب دیگر نباشد و چنانچه باید و شاید اهتمام
در تصحیح و تنقیح و سایر جهات که مطبوع طباع ارباب ذوق و سلیقه است
نموده با مسئول از خدمت برادران دینی آنست که هر گاه بر خطا یا نسیانی
واقف شوند بقلم اغماض اصلاح فرمایند کما ان الانسان یساوق
السهو و النسیان و العذر عند کرام الناس مقبول و
در مطبعه خاصه جناب سلالة الاطباء و الانجاب الاستاد الماهر فی
هذه الصناعة آقا سید محمد رضا زید توفیقه و تأییده
بمباشرت و حسن توجه عالیجاه زبدة الاشباه
و الاماثل آقا میرزا حسن بحلیه طبع
محلی گردید الحمد لله علی
الاتمام
۱۳۲۷



